

اطلس نژادهای دام (گاو، گوسفند، بز و اسب) ایران و جهان

همراه CD تصاویر
رنگی نژادها



مولفین:

دکتر علی نصیریان - مهندس سید محمد مهدی حاجی سیدجوادی
مهندس سید محمد علی حاجی سیدجوادی - مهندس مجید عباسی
و دکتر محمد اقبالی

زیر نظر: مهندس محسن نوری - مهندس مرتضی پشیمی
(عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین) (مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ الْمَوَدَّعَةَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ الْمَوَدَّعَةَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ الْمَوَدَّعَةَ

اطلس نژادهای دام (گاو، گوسفند، بز و اسب) ایران و جهان

مؤلفین:

دکتر علی نصیریان

دستیار دوره‌ی تخصصی جراحی دامپزشکی
(دانشکده‌ی دامپزشکی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی)
مهندس سید محمد مهدی حاجی سید جوادی
مهندس سید محمد علی حاجی سید جوادی
مهندس مجید عباسی

و

دکتر محمد اقبالی

زیر نظر:

مهندس محسن نوری

(عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین)

مهندس مرتضی پشیمی

(مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)

۱۳۸۸

فصل اول

نژاد های گاو

جایگاه گاو در رده بندی جانوران

Animal	جانوران	Kingdom	سلسله
Metazoa	پر سلولی ها	Sub kingdom	زیر سلسله
Chordata	طناب داران	phylum	شاخه
Vertebrata	مهره داران	Sub Phylum	زیر شاخه
Tetrapoda	چهار پایان	Super Class	فوق رده
Mammalia	پستان داران	Class	رده
Ungulata	سم داران	Sub Class	زیر رده
Artiodactyla	زوج سمان	Order	راسته
Ruminantia	نشخوار کنندگان	Sub Order	زیر راسته
Bovidae (Hollow horned animal)	حیوانات تهی شاخ	Super Family	فوق خانواده
Bovidae	تهی شاخان	Family	خانواده
Bovinae		Sub Family	زیر خانواده
Bovini		Tribe	

گروه بووینی¹ شامل 12 گونه است که در چهار جنس قرار می گیرند:

- 1- جنس سینسیروس² (بوفالو های آفریقایی)
- 2- جنس بایسون³ (گاو های کوهان دار وحشی اروپایی و آمریکایی)
- 3- جنس بوبالوس⁴ (بوفالو های آسیایی)
- 4- جنس بوس⁵ (گاو های حقیقی)

که توضیح آن ها به شرح زیر است:

1- Bovini
4- Bubalus

2- Synceros
5- Bos

3- Bison

بوفالو های آفریقایی

جنس سینسیروس

در جنوب صحرای بزرگ آفریقا¹ یافت می شود. جثه بزرگ و تنومند، رنگ تیره و شاخ های سه گوش در برش عرضی از ویژگی های این جنس است.

این جنس دارای یک گونه به نام سینسیروس کَفر² می باشد که شامل دو نوع زیر است:

(1) نوع بوفالوی کَپ³

(2) نوع بوفالوی فارست⁴

بایسون های اروپایی و آمریکایی

جنس بایسون: این جنس به رنگ قهوه ای مایل به قرمز تا قهوه ای تیره و شاخ های صاف و نیز مدور در برش عرضی است. جنس بایسون دارای دو گونه است که یکی در آمریکا (دارای دو تیپ) و دیگری در اروپا می باشد که با هم مرتبط هستند و دارای کوهان عقبی می باشند. گاو های این جنس اهلی نشده اند.

(1) گونه بایسون بایسون⁵ (بایسون آمریکایی یا بوفالوی آمریکایی) که دارای دو نوع زیر است:

1-1) پلینز⁶

1-2) وود⁷

(2) گونه بایسون بُناسوس⁸ (بایسون اروپایی یا وایسنت)

بوفالو های آسیایی

جنس بوبالوس: فاقد غبغب و کوهان؛ قوی و به رنگ تیره است و شاخ های آن در برش

عرضی سه گوش می باشد. دارای چهار گونه می باشد که یکی از آن ها اهلی شده است:

1- گونه بوبالوس آرنی⁹ (بوفالوی آبی هندی یا آرنی)

1- Sahara

4- Forest Buffalo

7-Wood

2- Synceros Caffer

5- Bison bison

8- Bison bonasus

3- Cape Buffalo

6- Plains

9- Bubalus arnee

نوع اهلی شده‌ی آن بوبالوس بوبالیس¹ (بوفالوی آبی) می باشد که این گونه دارای دو نوع زیر است:

- 1-1) بوفالوی باتلاقی²
- 2-1) بوفالوی رودخانه ای³
- 2- بوبالوس دپرسیکورنیس⁴ (لوند آنوا⁵)
- 3- بوبالوس کوآرلیسی⁶ (مانتین آنوا⁷)
- 4- بوبالوس مایندورینسنز⁸ مانند تامارائو⁹

گاو های حقیقی

جنس بوس: اغلب فاقد کوهان، ولی برخی از آن ها دارای کوهان و غبغب هستند. رنگ تیره ای دارند و شاخ ها در برش عرضی مدور است. این جنس دارای پنج گونه است که به سه زیر جنس تقسیم می شوند: 1) بوس (نوع وحشی منقرض شده، دارای دو زیر گونه)، 2) بایبوس¹⁰ (در آسیا و دارای سه زیر گونه) و 3) پوئفاگوس¹¹ (در آسیا و دارای یک گونه و یک تیپ اهلی). این پنج گونه به شرح زیر است:

- 1) **بوس پریمیژنیوس:** مانند آروچ که منقرض شده است. انواع اهلی شده آن شامل بوس تاروس¹² (گاو های بدون کوهان) و بوس ایندیکوس¹³ (گاو های کوهان دار)
- 2) **بوس (بایبوس) جاوانیکوس:**¹⁴ مانند بنتنگ¹⁵ نوع اهلی شده آن گاو های بالی¹⁶ می باشد.
- 3) **بوس (بایبوس) گائوروس**¹⁷ (گائور¹⁸ یا بایسون هندی یا سیلاذنگ¹⁹) نوع اهلی شده آن گایال²⁰ یا میتون²¹

1- Bubalus bubalis	2- Swamp Buffalo	3- River Buffalo
4- Bubalus depressicornis	5- lowland Anoa	6- Bubalus quarlesi
7- Mountain Anoa	8- Bubalus mindorensis	9- Tamarao
10- Bibos	11- Poephagus	12- Bos Taurus
13- Bos indicus	14- <i>Bos (Bibos) javanicus</i>	15- Banteng
16- Bali	17- <i>Bos (Bibos) gaurus</i>	18- Gaur
19- Seladang	20- Gayal	21- Mithun

- 4) بوس (بایبوس) سائوولی¹ (کوپر² یا گاو های نر کامبوجین فارست³)
5) بوس (پونفاگوس) موتوس⁴: مانند یاک⁵
نوع اهلی شده آن بوس پونفاگوس گرونینز⁶ می باشد که بوس اهلی از این نوع است.

1- *Bos (Bibos) sauveli*4- *Bos (Poephagus) mutus*

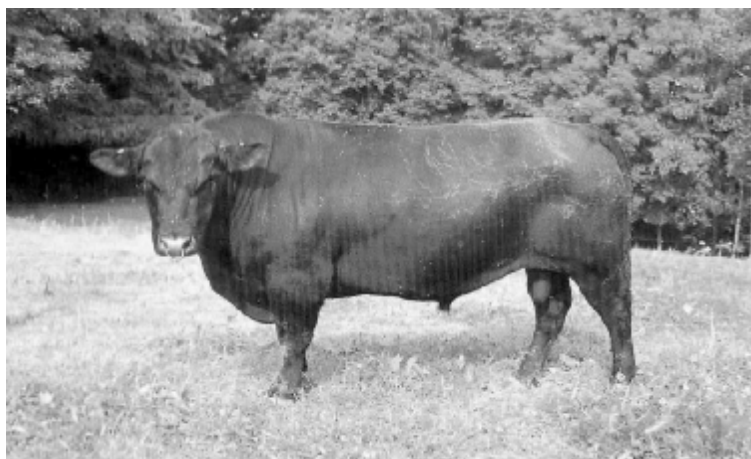
2- Koupre

5- Yak

3- Cambodian Forest ox

6- *Bos (Poephagus) grunniens*

نژاد آبردین آنگوس



تاریخچه و پراکنش

گاو نژاد آبردین آنگوس¹ در اصل متعلق به سرزمین های کوهستانی شمال اسکاتلند و شامل استان های آبردین و آنگوس می باشد. از نژاد های حاصل از این نژاد می توان به نژاد های رد آنگوس، ژرمن آنگوس و امریکن آنگوس اشاره کرد. انجمن اصلاح نژادی گاو آبردین آنگوس برای اولین بار در سال 1879 و پس از آن در کشور های آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، دانمارک، فنلاند، آلمان، یونان، ایرلند، ژاپن، مکزیک، نیوزیلند، نروژ، پاراگوئه، سوئد، ایالات متحده ی آمریکا، اروگوئه، زیمباوه و آفریقای جنوبی تاسیس شد.

از کل جمعیت این گاو هم اکنون، 8000 تا 9000 راس در دفتر انساب گاو نژاد آبردین آنگوس ثبت شده است. از این تعداد، 6000 راس اصیل در بریتانیای کبیر وجود دارد که 20 درصد از تولیدات گوشتی این کشور را تامین می کنند. در حال حاضر نیز 24 هزار راس از این نژاد آمریکایی اصیل در کشور نیوزیلند و 15 هزار راس در کشور کانادا وجود دارد. همین نژاد به عنوان یک نژاد گوشتی بزرگ در کشور های آرژانتین، برزیل، اروگوئه، ایالات متحده ی آمریکا، استرالیا و آفریقای جنوبی به شمار می آید.

1- Aberdeen Angus

خصوصیات ظاهری

گاو این نژاد مو های کوتاه و سیاه رنگی دارد که گاهی اوقات با لکه های بسیار کوچک سفید یا رنگی در ناحیه ی شکم همراه است. این گاو به عنوان یکی از کوچک ترین گاو های جهان به شمار می آید. برخی از ویژگی های این گاو که سبب پذیرش آن توسط گاوداران در سطح جهانی شده، عبارت است از:

- 1) گاو این نژاد بسیار مقاوم بوده و به آسانی با شرایط گوناگون سازگار می شود. به این دلیل در بیشتر نقاط جهان برای بهبود کیفیت گوشت گاو های بومی استفاده شده است.
- 2) این گاو بی شاخ است و چون بی شاخی در آن ها صفتی غالب است، گوساله نسل اول (F_1) بی شاخ خواهد بود. بی شاخی به دلیل آسانی کار با گوساله، زخم نکردن پوست و آسیب نرساندن به خود و دیگر گاو های گله، دارای اهمیت فراوانی است.

گاو ماده	گاو نر	صفت
450-550	800-900	وزن (کیلو گرم)
120	130	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

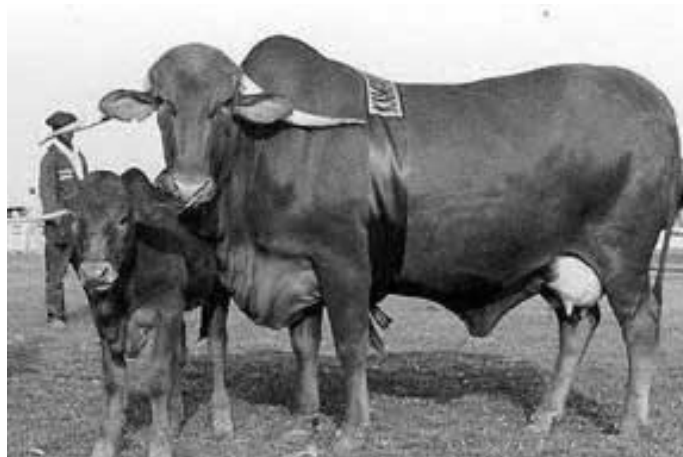
گوساله این نژاد در مدت 7 تا 8 ماه حضور در مراتع به وزنی حدود 200 تا 250 کیلوگرم می رسد و پس از رسیدن به وزن 350 کیلوگرم، چربی ذخیره می کند. افزایش وزن روزانه ی گاو نر در پروار بندی در حدود 1150 گرم است. گاو این نژاد دارای راندمان خوبی از نظر لاشه و گوشت است. گوشت این گاو ها دارای ماربلینگ¹ مناسب و دارای کیفیت بالایی است.

خصوصیات تولید مثلی

اولین آبستنی تلیسه ها در سن 27 تا 30 ماهگی است. این گاو می تواند هر 369 روز یک بار گوساله ای داشته باشد. وزن گوساله نر در هنگام تولد 28 کیلوگرم و وزن گوساله ماده 26 کیلوگرم است و به همین دلیل سخت زایی در این گاو ها بسیار کم و نزدیک به 0/5 درصد است.

¹- ماربلینگ، چربی داخل گوشت را گویند که باعث تردی و نرمی گوشت می شود.

نژاد افریکاندر



تاریخچه و پراکنش

نژاد افریکاندر¹ نژاد بومی کشور آفریقای جنوبی است و به گونه‌ی سانگا تعلق دارد. اجداد آن در حدود 1500 سال پیش از میلاد مسیح از قاره‌ی آسیا به آفریقا برده شدند. این گاو از همان ابتدا برای تولید گوشت به کار گرفته شد.

اجداد این گاو احتمالاً با هوتنتات ها (جامعه ای کوچک، با پوست روشن و ضعیف که با بوشمن ها در ارتباط بودند) مهاجرت کرده اند. هوتنتات ها چندین سال پیش، در روند مهاجرت خود به دماغه گود هُپ² رسیدند.

در قرن پانزدهم، این نژاد در کشور آفریقای جنوبی و خلیج های سالدانها³ و موسل⁴ توسط پرتغالی ها مورد توجه قرار گرفت. در آن زمان نظریه ای به این مضمون وجود داشت که در برخی گاو های نژاد افریکاندر خون نژاد آلت گانای⁵ پرتغالی وجود دارد. همچنین گاو نژاد افریکاندر شباهت خاصی از نظر رنگ، شکل سر و شاخ با این گاو داشت.

از آنجا که گاو نژاد افریکاندر، حیوانی قوی، بارکش، مطیع، آرام و دارای سرعت و استقامت بالایی بود، شهرت قابل توجهی به دست آورد. قد بلند گاو های افریکاندر در اوایل

1- Africander
4- Mossel

2- Good Hope
5- Alente gana

3- Saldanha

قرن هفدهم مورد توجه قرار گرفت. این گاو چند سانتی متر از گاو های هلندی بلند تر بود و با گاو های هلندی تفاوت وزن چندانی نداشت ولی شاخ های آن معمولاً بلند تر و زیباتر بود. گاو افریکاندر با آب و هوای نیمه بیابانی، گرم و گیاهان علوفه ای و بسیار متراکم به خوبی سازگار شده است. همچنین این گاو برای پیاده روی های بسیار طولانی جهت یافتن آب و غذا بسیار مناسب است. فردی ادعا کرده که با گاو نر بارکش خود به مدت 150 ساعت بدون دادن آب به حیوان، مسافرت کرده است.

در اواسط قرن هفدهم، مهاجران هلندی ساکن در دماغه ی گود هُپ، شروع به رام کردن برخی از گاو های رنگی و متنوع این نژاد نمودند. در آن زمان به دلیل کمبود خوراک و احتیاج ساکنان دماغه به غذای بیشتر، این نژاد برای تولید گوشت بیشتر، اصلاح شد. پس از مدتی نژاد افریکاندر به عنوان یک نژاد گوشتی ممتاز معرفی شد.

پس از چند دهه انتخاب در بین گاو نژاد افریکاندر، این گاو اندام های حرکتی بلند و کشیده ی خود را از دست داد و به یک نژاد گوشتی تبدیل شد. امروزه نژاد افریکاندر اصلی ترین نژاد گاو داری های کشور آفریقای جنوبی است. این نژاد، نژادی اصیل بوده و در ایجاد نژاد های جدید نقش مهمی داشته است.

نژاد های حاصل از آمیزش این گاو با گاو های نژاد های دیگر عبارتند از:

- 1) نژاد بُسمارا¹
- 2) نژاد پلمونت رد² استرالیایی (افریکاندر با شورت هورن و هر فورد)
- 3) نژاد افریکان گوس³ آمریکایی (افریکاندر با نژاد آبردین آنگوس)
- 4) نژاد بارزونا⁴ (افریکاندر با نژاد های آبردین آنگوس، هر فورد و سانتا گرتودیس)
- 5) نژاد نوراس⁵ یک نژاد گوشتی از کشور نامیبیا است.
- 6) نژاد هلمونگر⁶ گاو نر افریکاندر با گاو ماده براون سوئیس که نژاد حاصل از تلاقی این دو، رنگ خرمایی مایل به خاکستری روشن داشت. نژاد هلمونگر مانند نژاد نوراس متعلق به کشور آفریقای جنوبی است.
- 7) نژاد ناما⁷ (افریکاندر با نژاد های هوتن تت، اوامبو⁸ و دامارد⁹ و به همان اندازه خون نژاد فریزین) نژادی بلند تر، قوی تر و شیرده تر از نژاد های اوامبو و دامارد بوده است.

1. Bonsmara
4. Barzona
7. Nama

2. Belmont Red
5. Nuras
8. Ovambo

3. African gus
6. Holmonger
9. Damard

بسیاری از گاو های جنوب کشور نامیبیا در اثر طاعون گاوی در سال 1890 و جنگ سال های 1904 تا 1908 در آلمان از بین رفتند. گاو نژاد افریکاندر به کشور های استرالیا، فیلیپین و ایالات متحده ی آمریکا نیز صادر شده است.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن این نژاد معمولا قرمز و شاخ های آن بلند و جانبی است. این گاو کوهانی بزرگ و ماهیچه ای و غبغب بزرگی دارد که تا میانه ی اندام های حرکتی جلویی ادامه پیدا می کند. این گاو مقاومت زیادی در برابر گرما دارد و در برابر حشراتی مانند ساس و کنه نیز مقاوم است. در کل، گاوی آرام و سازگار با آب و هوای نیمه استوایی و استوایی مرطوب و خشک است.

جثه ی درشت و بدن نیرومند این گاو، آن را برای مقاومت در برابر شرایط سخت و بارکشی مناسب کرده است. این گاو در شرایط سخت آب و هوایی و زمین های نامساعد، قابلیت حمل بار زیادی را دارد.

گاو ماده	گاو نر	صفت
525 - 600	750 - 1000	وزن (کیلو گرم)
123 - 133	130 - 142	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولید مثلی

گوساله ی این نژاد در هنگام تولد 28 تا 35 کیلو گرم وزن دارد. این نژاد دیر بالغ می شود و گاو ماده اولین گوساله ی خود را در سن 42 ماهگی به دنیا می آورد. همچنین مادر خوبی برای گوساله ی خود است. گاو ها در سن 205 روزگی و هنگام شیرگیری، 175 تا 180 کیلوگرم وزن دارد.

نژاد ایرشایر



تاریخچه و پراکنش

اجداد وحشی نژاد ایرشایر¹ در اصل گاو بوس تاروس تیپیکوس پریمیژنیوس لانگی فرونس است. این نژاد متعلق به استان ایر در کشور اسکاتلند است و از قرن هفدهم در این استان زندگی می کند. در طول پرورش این گاو، ابتدا آن را متعلق به نژاد کانینگهام و سپس متعلق به نژاد دانوب می دانستند، تا این که سرانجام به صورت یک نژاد تکامل یافت و آن را به نام منطقه‌ی خودش یعنی ایر نامیدند.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن این گاو از قرمز تا قهوه ای مایل به قرمز و سفید متغیر است. فراوانی رنگ سفید و قهوه ای مایل به قرمز در گاو نر بیشتر است. از مشخصات بارز این گاو، موهای کوتاه، قهوه ای و سفید رنگ آن است. گاهی اوقات به رنگ سیاه و سفید هم دیده شده که در دفتر انساب ثبت نمی شود. رنگ پوزه و دهان صورتی روشن است. تیپ بدنی و پستان های مناسبی دارد. همچنین به دلیل داشتن شاخ هایی با انحنا ی خاص در قسمت بالای آن مشهور

1- Ayrshire

است. امروزه اغلب پرورش دهندگان در سنین اولیه، با روش های مختلف مانع رشد شاخ ها می شوند، بنابراین شاخ های بلند کمتر دیده می شود.

گاو نژاد ایرشایر جثه ای کوچک و استخوان بندی ظریفی دارد. علاوه بر این آب و هوا در منطقه ای در قسمت زیادی از سال سرد و مرطوب است. به دلیل عدم حاصل خیزی زمین های منطقه، مقدار کمی علوفه در دسترس این نژاد وجود داشته و در نتیجه، این وضعیت سبب بقای حیوانات دارای بنیه قوی و دارای قدرت چرای خوب شده است.

گاو ماده	گاو نر	صفت
500-590	680-1020	وزن (کیلو گرم)
127-135	137	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

گاو این نژاد با توجه به پتانسیل بالا در تولید شیر و چربی بالا، تنها برای تولید شیر پرورش داده می شود. میانگین تولید شیر این گاو در یک دوره شیر دهی، 4842 لیتر با 3/75 درصد چربی و 3/41 درصد پروتئین برآورد شده است. مقدار چربی شیر آن به 4 درصد هم می رسد. مواد جامد بدون چربی در شیر این نژاد کمتر از گاو گرنزی و جرسی است (ایرشایر > گرنزی > جرسی). ذرات چربی شیر در این نژاد ریز بوده و به این دلیل به آسانی در بالای شیر جمع می شوند. از این نظر شیر این نژاد برای تولید پنیر مناسب است. گوساله ای این نژاد به دلیل داشتن وزن و تولید نسبتاً پایین در تولید گوشت سفید گوساله ارزش متوسطی دارد. گاو حذفی و مازاد نیز برای تولید گوشت ارزش متوسطی دارد، زیرا خیلی سریع چاق می شود و دارای چربی سفید است.

خصوصیات تولید مثلی

گاو ماده ایرشایر زود بالغ می شود و اولین گوساله خود را در سن 24 تا 27 ماهگی به دنیا می آورد و می تواند هر سال یک گوساله داشته باشد. وزن گوساله نر در هنگام تولد 40 تا 50 کیلوگرم و در گوساله ماده 34 تا 45 کیلوگرم است.

نژاد بلژین بلو اند وایت



تاریخچه و پراکنش

نژاد بلژین بلو اند وایت¹ از دو گونه قدیمی موجود در سرزمین بلژیک به وجود آمده است. از سال 1840 به مدت بیش از نیم قرن از گاو نر نژاد های شورت هورن بریتانیا و بلک پاید ندرلند برای توسعه و اصلاح این نژاد در مرکز و جنوب بلژیک استفاده شده است. نژاد شاروله نیز در این توسعه و اصلاح نژاد به کار گرفته شده است.

دفتر انساب این نژاد در سال 1919 در مرکز و مناطق بالاتر بلژیک تاسیس شد و در سال 1971 نام آن به بلنس - بلو² یا ویت بلائو³ تغییر یافت. گسترش این نژاد به عنوان نژادی دومنظوره، بین سال های 1920 تا 1950 رخ داد. ولی در سال 1960 به خاطر داشتن گوشت دارای ماربلینگ مناسب که از نژاد شورت هورن گوشتی به ارث برده بود، به عنوان یک نژاد گوشتی معرفی شد. این نژاد از اجداد نژاد دنیش بلو اند وایت است و به نژاد بلو دو نورد⁴ فرانسه شبیه است. رنگ بدن این نژاد می تواند یکدست سفید، آبی و قرمز مایل به آبی یا

1- Belgian blue and white
4- Bleu du Nord

2- Blanc- Blue

3- Witblauw

خالداری باشد، که این تنوع رنگ خود را مدیون نژاد شورت هورن هستند. رنگ آبی در این نژاد معادل رنگ سرخ در نژاد شورت هورن است.

خصوصیات ظاهری

گاو این نژاد جثه ای متوسط، بدنی سنگین و نیرومند، اندام های حرکتی قوی، سر کوچک و در بیشتر اوقات ساختار عضلانی بزرگی دارد. رنگ بدن آن اغلب آبی، سفید و آبی - سفید است.

خصوصیات تولیدی

این نژاد یک گونه دو منظوره (شیری و گوشتی) و یک گونه گوشتی دارد. میانگین تولید شیر گاو ماده ای دو منظوره در یک دوره شیردهی در حدود 4 هزار لیتر با $3/8$ درصد چربی و $3/3$ درصد پروتئین است. افزایش وزن گاو نر در پروار بندی حدود 1320 گرم در روز بوده و بازده لاشه ای گاو گوشتی 65 تا 70 درصد و گاو ماده ای دو منظوره 60 درصد است. گوشت این گاو ترد بوده و کم ترین لایه چربی بر روی گوشت آن وجود دارد.

گاو ماده	گاو نر	صفت
700-800	1100-1200	وزن (کیلو گرم)
133-138	145-150	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولید مثلی

نسبت سخت زایی به خصوص در تلیسه ها بسیار بالا است و اغلب نیاز به عمل سزارین دارند.

نژاد پلِتدِ گالووی



تاریخچه و پراکنش

نژاد پلِتدِ گالووی¹ در اصل در اوایل قرن نوزدهم از نژاد سیاه خالص گالووی به وجود آمده است. طبق اطلاعات به دست آمده، این گاو از گاو نژاد بوهمیانز² در قرن نوزدهم و نژاد میتانز دارای کمر بند به وجود آمده است. علاوه بر این، گاو دارای کمر بند ایتالیایی مانند نژاد لیکن ولدر³ در ایجاد این نژاد به صورت امروزی نقشی اساسی داشته است. در گاو های بریتانیایی، هلندی، سوئیسی، استرالیایی و آلمانی و در گله های متعدد گاو های کشور مغولستان نیز گاو دارای کمر بند وجود دارد.

در سال 1951 در شمال کشور آمریکا انجمن مستقل این نژاد تاسیس شد. مشابه همین انجمن در کشور نیوزیلند با گاو سیاه خالص گالووی و گاو های پلِتدِ گالووی ایجاد شد. امروزه این گاو در کشور های بریتانیایی کبیر، ایالات متحده آمریکا، کانادا، نیوزیلند، آرژانتین، آلمان و کشور های آفریقایی پراکنده است.

خصوصیات ظاهری

گاو این نژاد در بین گاو های گوشتی جثه ای کوچک تا متوسط دارد. دارای سر صاف و پهن با طول متوسط، اندام های حرکتی کوتاه، ساختار استخوانی خوب و مو های ضخیم و نرم به

1. Belted Galloway

2. Bohemians

3. Lakenvellder

خصوص در فصل زمستان می باشد. پستان ها سیاه رنگ و دارای نوعی درخشندگی مایل به قرمز هستند. نواری در وسط بدن قرار دارد که گاهی اوقات به رنگ سفید است. این گاو پر طاقت و کم زحمت بوده، سازگاری خوبی با محیط دارد، به آسانی کنترل می شود و مانند گاو نژاد گالووی بی شاخ است.

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	750-950	500-600
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	128	120

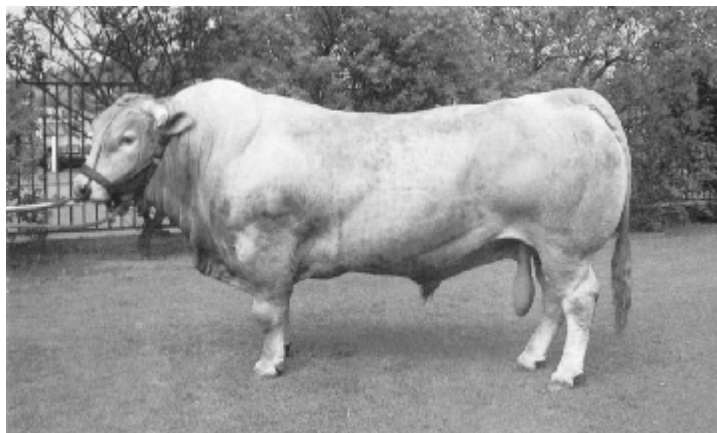
خصوصیات تولیدی

این نژاد دارای گوشتی با کیفیت بسیار خوب است.

خصوصیات تولید مثلی

گاو ماده‌ی این نژاد دایه ی خوبی است و زایمان بسیار راحت آن، گاو این نژاد را برای آمیزش های چند منظوره مناسب می سازد.

نژاد بلوند دِ اَگوئیتین



تاریخچه و پراکنش

نژاد بلوند دِ آگوئیتین¹ از صدها سال پیش در مناطق برڈو تولوز تکامل یافته است. در ابتدا نژادی دو منظوره (کاری و گوشتی) بود، ولی از سال 1920 با انجام اصلاح نژاد، آن را بیشتر برای تولید گوشت نگه داری می کنند. پس از جنگ جهانی دوم سعی شد تا این گاو زود تر بالغ شود.

این نژاد همانند سایر نژاد های فرانسوی در تمام مناطق این کشور به چشم می خورد. در حال حاضر تعداد کل این نژاد 550 هزار راس است که از این تعداد 17600 راس را گاو های نر تشکیل می دهند.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن این نژاد زرد روشن است و نقاط روشنی در اطراف چشم ها، پوزه ها و دستگاه تناسلی مشاهده می شود. این گاو پیشانی پهن و عضله بندی قوی دارد.

گاو ماده	گاو نر	صفت
750-1014	1150-1239	وزن (کیلو گرم)
140-150	147-153	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

گاو ماده ی این نژاد معمولاً دوشیده نمی شود و برای تغذیه گوساله استفاده می شود. میانگین تولید شیر این نژاد در یک دوره شیر دهی 270 روزه در حدود 3079 لیتر با 4/05 درصد چربی و 3/07 درصد پروتئین است. افزایش وزن در پروار بندی گوساله نر با شیر، حدود 500 گرم در روز است. گوساله این نژاد در طول 3 ماه به وزن 170 کیلوگرم می رسد و اگر گوساله در مرتع و به همراه مادر پرورش یابد در طول 3 ماه به وزنی در حدود 300 کیلوگرم خواهد رسید. راندمان لاشه ی این گاو 62 تا 66 درصد است و برای افزایش یک کیلوگرم وزن، 7/8 لیتر شیر لازم است. حتی گوشت گاو های مسن در هر دو جنس به علت داشتن الیاف ظریف و کمتر بودن بافت های پیوندی، از کیفیت بالایی برخوردار است.

1- Blonde, d Aguitaine

خصوصیات تولید مثلی

اولین زایمان گاو در این نژاد در سن 32 تا 33 ماهگی صورت می گیرد. عمر این گاو به طور متوسط 10 تا 11 سال است. در این مدت این گاو به طور میانگین 7 تا 8 گوساله خواهد داشت. گوساله در هنگام تولد در حدود 54/4 کیلوگرم وزن دارد.

نژاد برهمن¹



تاریخچه و پراکنش

دامداران تگزاسی به گله های گوشتی کوهان دار خود نام برهمن آمریکایی داده اند. (اصطلاح برهمن برای گله های زبوی سرگردان در هند به کار برده می شود). نژاد برهمن در اصل از هسته ی ژنتیکی تقریباً 266 گاو نر و 22 گاو ماده ی وارد شده از هندوستان به آمریکا، به وجود آمده است. این گاو از گونه بوس ایندیکوس یا زبو بوده و از نژاد های نلور، کنکرج، کریشناولی و گر به وجود آمده است.

انجمن پرورش دهندگان نژاد برهمن در سال 1924 به منظور بنیان نهادن اولین نژاد گوشتی آمریکایی تاسیس شد و برهمن آمریکایی در سراسر ایالات متحده شروع به گسترش

1- Brahman

کرد. به تدریج این گاو در 60 کشور جهان گسترش یافت که می توان به نواحی گرمسیری و نیمه گرمسیری مانند استرالیا، آمریکای مرکزی و جنوبی، کارائیب، جزایر اقیانوس آرام و فیلیپین اشاره کرد. تا اواخر سال 1980 تقریباً یک میلیون رأس نژاد برهمن ثبت شده بود. این نژاد در ایجاد تعدادی از نژاد های جدید نقش مهمی داشته است، نژاد های جدید علاوه بر داشتن کیفیت شیر و گوشت بهترین نژاد های اروپایی، قابلیت سازگاری محیطی نژاد زبو را نیز داشتند. بهترین نژاد به وجود آمده از آن ها، نژاد زبو- تارین¹ است که از نژاد های برهمن، برانگوس، سانتا گرتروویس در آمریکا و دراوت مستر² در استرالیا به وجود آمده است.

خصوصیات

گونه های زیادی از گاو نژاد برهمن به صورت ترکیب های مختلف وجود دارند، ولی به طور کلی این گاو دارای بدنی بلند و کشیده، پا های قوی و کوتاه با عضلات درشت و مناسب برای چرا در مناطق دارای علوفه است. بدن گاو گرد و عمیق بوده و به طور کلی با هوش، پر انرژی و کنجکاو است و به خوبی به محبت و نوازش انسان ها پاسخ می دهد. گاو های ماده برهمن، مادران خوبی هستند و راندمان تولید شیر آن ها از نژاد هرفورد بیشتر بوده و مقدار چربی شیر آن ها به 5 درصد هم می رسد. این گاو پستان هایی مناسب دارد و تنها تمایل به جفت گیری در شب و عدم حضور انسان ها دارد. گوساله ی این نژاد در هنگام تولد 27 تا 30 کیلوگرم وزن دارد و با رشد سریع، در هنگام شیرگیری به وزن مطلوبی می رسد. برخلاف نژاد های بریتانیایی که حیواناتی آرام هستند، برخورد نامناسب و نادرست با گاو نژاد برهمن و اکثر زبو ها، عکس العمل های شدید و خشمناکی را در آن ها ایجاد می کند.

نژاد براون سوییس



تاریخچه و پراکنش

نژاد براون سوییس¹ قدیمی ترین نژاد شیری جهان و از زیر گونه‌ی وحشی بوس تاروس تیپیکوس لانگی فرونس است. امروزه در کشور سوئیس استخوان هایی پیدا شده که تاریخ آن به 4000 سال قبل از میلاد بر می گردد. نتایج تحقیق بر روی استخوان ها، شباهت زیاد آن ها با استخوان های گاو براون سوئیس امروزی را نشان می دهد.

پرورش این گاو از 600 سال قبل در کشور سوئیس آغاز شد. در سال 1868 نخستین گله‌ی گاو سوئیسی شامل یک گاو نر و هفت گوساله‌ی ماده به آمریکا صادر شد. این گاو تا سال 1880 به طور مداوم به آمریکای شمالی صادر شد که به دلیل تقاضای زیاد برای این نژاد و در اثر مهاجرت های قرن نوزدهم انجام می گرفت.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن گاو این نژاد از قهوه ای روشن تا تیره تغییر می کند. وجود لکه های سفید در بالای شکم و وسط منگوله‌ی دم برای پرورش دهندگان اصیل مطلوب نیست. مو های اطراف پوزه، درون گوش و پایین ساق اندام های حرکتی معمولاً کم رنگ تر و گوش ها کاملاً بزرگ و

1- Brown Swiss

پُر مو هستند. شاخ ها کج و بیشتر به رنگ سفید و انتهای آن ها سیاه و دارای اندازه‌ی کوچک تا متوسط است. این گاو دارای سر عریض و صورتی پهن، عضله بندی خوب، اسکلت بندی حجیم و اندام های حرکتی قوی و محکمی می باشد. همچنین نژادی رام ولی کمی لجباز است.

این گاو در ظاهر شباهت زیادی به گاو جرسی دارد و مهم ترین شباهت آن ها سایه های تیره تر زیر بدن و حلقه های بی رنگ دور پوزه است. شاخ های این نژاد بلند تر از شاخ های نژاد جرسی و رنگ گوش آن تیره تر از نژاد جرسی است. به عبارت دیگر، رنگ گوش آن خاکستری تیره یا قهوه ای تیره است. در بین گاو های اصیل شیری، این نژاد از نظر وزن پس از نژاد هلشتاین در مقام دوم قرار دارد.

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	1000-1200	600-700
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	150-160	135-142

خصوصیات تولیدی

میانگین تولید شیر گاو ماده این نژاد در یک دوره شیردهی 10 برابر وزن بدن آن یعنی 6000 تا 7000 لیتر با 4 درصد چربی و 3/7 درصد پروتئین است. از آن جایی که این نژاد در ابتدا برای تولید پنیر اصلاح می شد، لذا تاکید بیشتر بر تولید شیر زیاد با درصد چربی کم بود. میانگین چربی شیر طی 60 تا 70 سال گذشته ثابت و بین 3/8 تا 3/9 درصد باقی مانده است. در پروار بندی، افزایش وزن روزانه گاو نر این نژاد بین 1100 تا 1200 گرم است. بازده لاشه بالا و در حدود 62 درصد است. این نژاد به سبب اندازه‌ی نسبتاً بزرگ، وزن زیاد گوساله و چربی سفید بدن، برای پروار بندی و گوشت سفید گوساله همانند هلشتاین مقبولیت دارد.

خصوصیات تولید مثلی

این گاو دیر بالغ می شود و نسبت به دیگر نژاد های شیری، دیر تر به اوج تولید می رسد ولی عمری طولانی دارد. همچنین گاو ماده اولین گوساله‌ی خود را در سنین پایین به دنیا می آورد.

نژاد شاروله



تاریخچه و پراکنش

در اواسط قرن هجدهم تعدادی گاو اصیل شاروله¹ توسط 9 گروه مشترک از دامداران فرانسوی در یک مزرعه کوچک با شرایط آب و هوایی مطلوبی پرورش یافتند. این گاو می توانست به عنوان حیوانی کاری مورد استفاده قرار گیرد ولی بیشتر به خاطر گوشت نگه داری می شد، در حالی که بیشتر گاو های فرانسوی کاری بودند.

انجمن نژادی گاو شاروله در سال 1864 و دفتر انساب آن در سال 1887 تاسیس شد. در سال 1880 نژاد شاروله به عنوان یکی از نژاد های مهم فرانسه شناسایی شد. گاو نر این نژاد، گاو کاری خوب و حیوان کشتاری مناسبی بود. از آنجا که گاو ماده ی این نژاد تولید کننده ی خوبی برای شیر نبود، دامداران بیشتر بر روی گوشت آن تاکید می کردند.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن گاو شاروله ی خالص و اصیل، سفید و گندم گون و دارای چربی بسیار سفیدی است. شاخ های این گاو گرد و به تدریج باریک شده و به طرف بیرون و رو به جلو رشد کرده اند. این شاخ ها سفید رنگ و کاملاً بلند هستند و در قسمت نوک، به طرف بالا خمیده می شوند.

1- Charolais

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	1100-1400	700-900
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	142-155	135-140

خصوصیات تولیدی

در سال 1980 در مرکز رکورد برداری شیر فرانسه مشخص شد که تولید شیر گاو این نژاد به اندازه ای است که می تواند 1 تا 2 راس گوساله را به صورت گاو دایه تغذیه نماید. میانگین تولید شیر گاو این نژاد در یک دوره شیردهی 258 روزه، 3923 لیتر با 3/93 درصد چربی و 3/19 درصد پروتئین بوده است. میزان ماربلینگ لاشه‌ی این گاو زیاد است. این نژاد را می توان جزء پرگوشت ترین و کم چربی ترین گاو های جهان دانست.

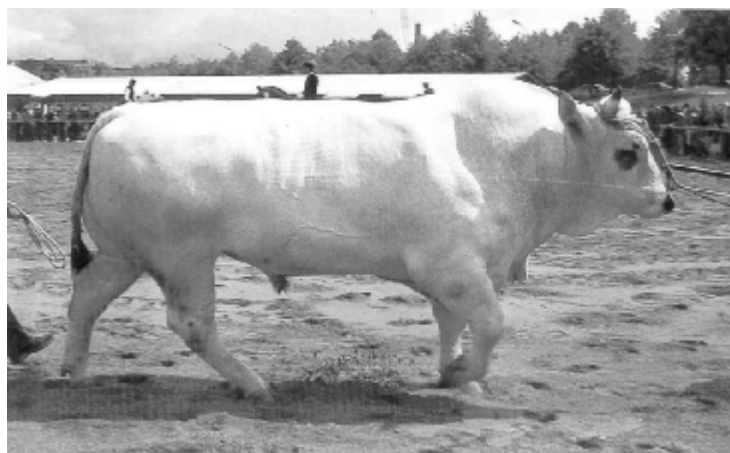
پس از گذشت شش ماه چرای مرتعی و پرورش مقدماتی با گاو دایه، گوساله های گاو گوشتی در سن 10 تا 15 ماهگی وزنی بین 350 تا 550 کیلوگرم (با راندمان لاشه‌ی 60 درصد) پیدا می کنند. همچنین گاو های نر گوشتی در سن 16 تا 18 ماهگی به وزنی در حدود 550 تا 650 کیلوگرم (با راندمان لاشه‌ی 65 درصد) می رسند.

خصوصیات تولید مثلی

تلیسه این نژاد برای اولین بار در سن 25 ماهگی آبستن می شود. با در نظر گرفتن بلوغ دیر رس این گاو، می توان در سن 15 تا 18 ماهگی نیز آبستن نمود. البته این کار درصد سخت زایی را بالا می برد. علیرغم آمیزش این گاو با گاو بریتانیایی نژاد شورت هورن، برای ایجاد بلوغ زود رس، هنوز این گاو به عنوان نژادی با بلوغ دیر رس باقی مانده است. دو قلو زایی در این نژاد، 3/2 درصد برآورد شده است.

میانگین وزن گوساله نر در هنگام تولد 45/5 کیلوگرم و در گوساله ماده 41/8 کیلوگرم است. گوساله این نژاد بزرگ تر از گوساله نژاد لیموزین است. هیبرید این نژاد معمولاً بزرگ تر از هیبرید های نژاد لیموزین یا نژاد سیمتال می باشد. با این وجود، دامپروران قدم هایی برای کاهش مشکل سخت زایی و نیز بزرگ تر و بلند تر نمودن این نژاد برداشته اند.

نژاد کیانینا



تاریخچه و پراکنش

مرکز پرورش گاو این نژاد، ایتالیا است و از 2000 سال قبل در آنجا ساکن است. وجه تسمیه این گاو دشت کیانینا¹ در استان توسکانا² در قسمت مرکزی ایتالیا است. گاو نر این نژاد قادر است چندین ساعت متوالی بدون استراحت و تغذیه کار نماید. تنها عیب این گاو عصبی بودن و مشکل کار کردن با آن است.

جمعیت آن هم اکنون در حدود 365 هزار راس است که بیشتر در ناحیه ای بین شهر های فلورانس، روم، پیزا و پروجیا پراکنده است. در سال 1989 بیش از 20000 راس گاو از این نژاد در دفتر انساب ثبت شده است.

خصوصیات ظاهری

گاو نر این نژاد مو های کوتاه و نرمی به رنگ سفید عاجی دارد. گوساله خالص در بدو تولد به رنگ قهوه ای سوخته است، ولی پس از 3 تا 4 ماه به رنگ اصلی خود دیده می شود. اگر این گاو تا سن 18 ماهگی رنگ قهوه ای سوخته را حفظ کند، در دفتر انساب ثبت نخواهد شد.

1- Chianina (تلفظ صحیح نام این نژاد به صورت kee-a-nee-na است)

2- Toscana

رنگ پوزه، سم ها، مژه ها و دم، سیاه و رنگ شاخ ها نیز در گاو های جوان سیاه است که در دو سالگی به رنگ زرد دیده می شود. اندام های حرکتی خوش فرم و سم هایی مقاوم دارد و به کمک آن ها می تواند به خوبی در مکان های غیر مسطح قرار بگیرد. پستان گاو ماده در این نژاد مانند دیگر نژاد های گوشتی، برای تولید شیر رشد کافی نمی کند. گاو این نژاد بزرگ ترین گاو اهلی جهان است. در سال 1955 یکی از گاو های مشهور این نژاد به نام دونتو¹ بیش از 1740 کیلوگرم وزن داشت.

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	1200-1540	800-1000
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	160-180	150-170

خصوصیات تولیدی

افزایش وزن روزانه در پروار بندی در حدود 1320 گرم است. این گاو در سن 15 ماهگی به وزن 600 کیلوگرم با راندمان لاشه ی 62 درصد می رسد. چون شیر این نژاد دوشیده نمی شود، نمی توان داده های معتبری در زمینه ی تولید شیر آن عرضه کرد. هدف از پرورش گاو ماده این نژاد، به دست آوردن گاو ماده ای به وزن 470 کیلوگرم است. معمولاً مدت شیر دهی گاو ماده برای تغذیه ی گوساله ها 6 ماه است.

خصوصیات تولید مثلی

به طور متوسط 85 تا 90 درصد آبستنی ها در این گاو در اثر جفت گیری و پرورش آزاد گاو نر و ماده می باشد.

نژاد شورت هورن شیبری¹



تاریخچه و پراکنش

نژاد شورت هورن یکی از قدیمی ترین نژاد های شناخته شده است و از اجداد وحشی بوس تاروس تیپیکوس پریمیژنیوس منشا گرفته اند و نقش مهمی در ایجاد، توسعه و اصلاح نژاد گاو های دیگر داشته اند تا آنجایی که تاثیر این نژاد بر نژاد های دیگر بیش از هر نژاد دیگر (به استثنای گروه فریزین) و قابلیت سازگاری آن معروف است.

نخستین دفتر انساب گاو نژاد شورت هورن و در واقع نخستین دفتر انساب گاو های جهان در سال 1822 منتشر شد و اولین انجمن این نژاد نیز در سال 1875 تشکیل شد. در سال 1823 یک گاو نژاد شورت هورن برای تاثیر بر تجارت گوشت آمریکای جنوبی، به بوئرس آیرس صادر شد. در طول قرن نوزدهم نژاد شورت هورن به محبوب ترین نژاد در انگلستان تبدیل شد و نژاد غالب گله های این کشور بود. این نژاد در آن زمان در کشور های اسکاتلند، ایرلند، آمریکای شمالی، استرالیا و قاره ی اروپا گسترش یافت.

1- Dairy shorthorn

خصوصیات ظاهری

این گاو بدنی پُر، حجیم و ترکیب بدنی مناسب برای تولید شیر دارد. رنگ بدن آن قرمز یا سفید و قرمز است (رنگ آن از سفید خالص تا قرمز روشن تغییر می کند). حد فاصل این رنگ ها به ابرش معروف است. شاخ های کوتاه در نرها به سمت جلو و در ماده ها به سمت جلو و داخل خمیده است. شورت هورن شیری اندام و جثه ی نسبتاً بزرگی دارد. شکل قرار گیری پستان ها و سهولت دوشیدن، از امتیازات بزرگ این نژاد به شمار آید.

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	1200	680
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	145	135

خصوصیات تولیدی

میانگین تولید شیر گاو ماده در یک دوره شیر دهی حدود 5000 لیتر با 3/64 درصد چربی و 3/31 درصد پروتئین گزارش شده است. ولی این میانگین در گله های دیگر 6000 لیتر با بیش از 4 درصد چربی نیز بوده است. شیر این گاو برای مصرف مستقیم و تهیه پنیر کاملاً مناسب است.

گوساله این نژاد به دلیل وزن پایین در هنگام تولد در مقایسه با گوساله نژاد هلشتاین و براون سوئیس برای تولید گوشت سفید برتری کمتری دارد.

خصوصیات تولید مثلی

در این نژاد گاو ماده، اولین گوساله خود را در سن 27 ماهگی به دنیا می آورد و به طور متوسط در طول عمر مفید خود 6 تا 7 گوساله به دنیا می آورد. وزن گوساله نر در بدو تولد 40 کیلوگرم و وزن گوساله ماده 38 کیلو گرم است.

نژاد دشتیاری



تاریخچه و پراکنش

در رابطه با تاریخچه گسترش گاو دشتیاری¹ در منطقه بلوچستان، اطلاعات مستندی در دسترس نیست، ولی در بررسی های میدانی به عمل آمده، معتمدین محل، وجود این نژاد را از زمان نیاکان خود به یاد دارند و آن ها نیز وجود این نژاد در منطقه را از زبان پدران خود شنیده اند.

مناطق پراکنش این گاو ها شامل شهرستان های ایرانشهر، چابهار، نیک شهر، سراوان، خاش و زاهدان می باشد که 84 درصد جمعیت این نژاد در سه شهر ایرانشهر، چابهار و نیک شهر پراکنده هستند. جمعیت گاو های دشتیاری در منطقه حدود 87 هزار راس است.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن در این نژاد بسیار متنوع بوده و طیف وسیعی از رنگ های کاملاً سیاه و ترکیب مختلف دو رنگ را شامل می شود. رنگ های غالب در این نژاد قهوه ای روشن با سر و گردنی به رنگ قهوه ای سوخته و نیز طوسی روشن با سر و گردنی تیره رنگ است.

1- Dashteyari

گاو دشتیاری گاوی کوهان دار است و به گونه بوس ایندیکوس تعلق دارد. اکثر گاو های نر و ماده نیز دارای شاخ هستند. این گاو غبغبی دراز و چین دار در زیر گردن، گوش هایی پهن و آویزان و تحت شرایط پرورش سنتی، جثه ای به طور کلی کوچک و کوتاه دارد. گاو دشتیاری را باید جزء نژاد های سبک و دارای جثه ای کوچک و تیپ شیری قلمداد نمود.

گاو ماده	گاو نر	صفت
281	352	وزن (کیلو گرم)
118	130	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

گاو دشتیاری نقش اساسی در تامین شیر و گوشت مردم منطقه دارد. تولید شیر این گاو دارای وراثت پذیری پایین بوده و به شدت تحت تاثیر اثر های محیطی است. میانگین تولید شیر گاو ماده این نژاد 4/3 لیتر و طول دوره ی شیر دهی در این گاو 244 روز است. وجود این گاو ها در کار های زراعی مخصوصاً در مناطق دور افتاده و کوهستانی به دلیل عدم دسترسی به ماشین آلات کشاورزی، حیاتی می باشد.

خصوصیات تولید مثل

میانگین سن اولین زایش در گاو دشتیاری، سن 3/1 است. فاصله ی زایش، معیاری برای راندمان اقتصادی و تولید مثل در یک نژاد محسوب می شود. طبق بررسی های انجام شده در استان سیستان و بلوچستان، میانگین فاصله زایش در حدود 15/1 ماه است. با توجه به شرایط تغذیه ی نامطلوب و عدم رشد کافی گوساله ها، سن بلوغ و سن اولین جفت گیری گاو نر دشتیاری در مقایسه با سایر نژاد ها بیشتر است. میانگین سن اولین جفت گیری در گاو های نر دشتیاری حدود 2/4 سال است. بررسی های به عمل آمده نشان می دهد که 21 درصد گاو ها در فصل بهار، 24 درصد در تابستان، 19 درصد در پاییز و 36 درصد در زمستان زایش داشته اند. در بررسی های به عمل آمده میزان سخت زایی این گاو ها نیز 2 درصد اعلام شده است.

نژاد دکستر



تاریخچه و پراکنش

آقای دکستر در جزیره‌ی والتینا به صورت هدفمند نژادی با جثه‌ی کوچک، دارای قابلیت پروار بندی خوب و تامین کننده‌ی شیر به وجود آورد. وی احتمالاً این گاو را در اوایل قرن نوزدهم از گاو شیری و بومی کوهستانی به وجود آورده و نام خود را به این نژاد نسبت داد. نژاد دکستر¹ در ایرلند جنوبی کاملاً رایج شد و در دفتر انساب نژاد تازه تاسیس کری² در سال 1887 ثبت شد. این نژاد در دهه‌ی 1880 به کشور انگلستان صادر شد و دفتر انساب آن در این کشور در سال 1900 تشکیل شد. در سال 1919 نیز یک انجمن نژادی در ایالات متحده ی آمریکا به وجود آمد و امروزه 2500 راس گاو نژاد دکستر در آن ثبت شده است. انجمن اصلاح نژادی این گاو در کشور آفریقای جنوبی در سال 1958 شکل گرفت که در حال حاضر 12 هزار راس از این گاو در آنجا وجود دارد. در حال حاضر تعداد کمی از گاو های این نژاد در کشور کانادا نیز پراکنده است. در سال های اخیر جمعیت این گاو توسط انجمن نژادی مربوطه رو به افزایش است. تعداد آن در حدی نیست که به عنوان یک نژاد کمیاب به شمار آید.

1- Dexter

2- Kerry

خصوصیات ظاهری

گاو این نژاد موهای کوتاه و به رنگ سیاه دارد، ولی تعدادی از این گاو ها به رنگ قهوه ای متمایل به خاکستری نیز دیده می شود. این گاو دارای سر کوتاه و پهن، گردنی کوتاه و کلفت و بدنی حجیم، جثه ای کوچک و مربعی شکل است. همان طور که اشاره شد این گاو بسیار کوچک جثه است و این به حدی است که اغلب کوتوله ای واقعی نامیده می شود. مشخصه ای این گاو کوتاهی ساق پا ها و بخولق است.

این نژاد شباهت زیادی به گاو نژاد کری دارد و به همین دلیل بیش از همه با این گاو ها مقایسه می شود در حالی که نژاد کری در محیط بومی طبیعتاً کوچک جثه است، ولی نژاد دکستر به طور عمده کوچک جثه پرورش یافته است. همچنین این نژاد ترکیب بدنی بسیار درشت و هماهنگ تری نسبت به نژاد کری دارد. گاو دکستر دارای شاخ هایی ضخیم تر از نژاد کری است. طول شاخ ها متوسط بوده و دارای انحنا ی رو به جلو و سپس رشد رو به بالا است.

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	115	100-110
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	400-450	300-350

خصوصیات تولیدی

میانگین تولید شیر گاو ماده در یک دوره ی شیر دهی در حدود 3 هزار لیتر با 4 درصد چربی است. این گاو دارای لاشه ای کوچک و گوشت خوب است. تولید شیر و گوشت در این گاو مقرون به صرفه بوده و کوچک بودن آن سبب راندمان بیشتر این گاو ها در چراگاه می شود.

نژاد اینگلیش فریزین

تاریخچه و پراکنش

در قرن های هفدهم و هجدهم میلادی تعداد زیادی از گاو های بلک اند وایت، از کشور هلند به انگلستان وارد شدند. این گاو و نتاج آن مقدار زیادی شیر تولید می کرد. با ورود گاو هایی از کشور های آفریقای جنوبی، هلند و کانادا و آمیزش آن ها با گاو ندرلند بلک اند وایت، نژاد



اینگلیش فریزین¹ به وجود آمد. در سال 1980 تعداد گاو ماده این نژاد 3/2 میلیون راس و تعداد گاو نر 20 هزار راس اعلام شد. هم اکنون یک میلیون راس گاو ماده و 20 هزار راس گاو نر در دفتر انساب این نژاد ثبت شده است.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن این نژاد سیاه و سفید ولی میزان رنگ سیاه بیشتر است. غالباً رنگ سفید در ناحیه کتف دیده می شود که این دو رنگ در زیر شکم در هم می آمیزند. سر غالباً سفید، همراه با لکه های سفید بر روی پیشانی، سم ها بیشتر سفید، شاخ ها سفید یا سیاه و پوزه اغلب سیاه است. این نژاد شاخ هایی قوسی شکل دارد که به طرف پایین خم شده اند. گاو این نژاد شباهت زیادی به گاو ژرمن بلک آند وایت دارد، ولی جثه ای درشت تر و عضله بندی قوی تری دارد. در اصلاح نژاد گاو ماده، به فرم پستان و ساختمان آن دقت زیادی شده است.

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	680-1100	510-720
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	150-160	134-140

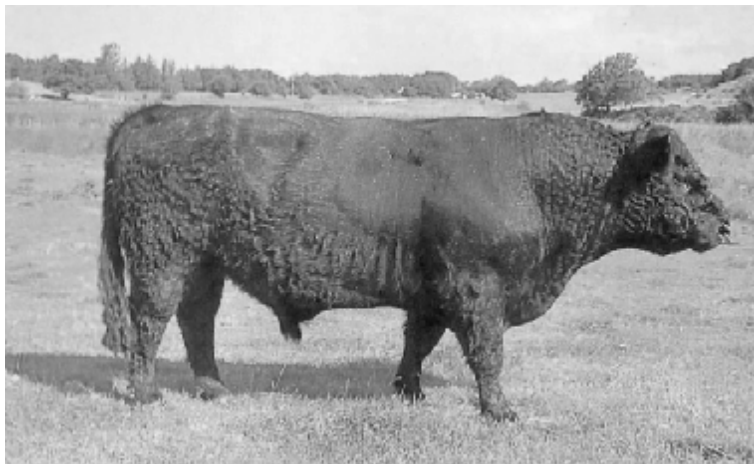
خصوصیات تولیدی

میانگین تولید شیر گاو ماده‌ی این نژاد در یک دوره شیردهی در حدود 4950 کیلو گرم با 3/5 درصد چربی است. نزدیک به 90 درصد شیر تولیدی کشور انگلستان از این نژاد است. اگر چه نژاد فریزین انگلیسی نژادی شیری است، ولی کمک زیادی به تولید گوشت در کشور انگلستان می کند.

خصوصیات تولید مثلی

گاو ماده این نژاد اولین گوساله خود را در سن 24 تا 27 ماهگی به دنیا آورده و هر 381 روز یک بار می تواند گوساله ای داشته باشد. طول دوره آبستنی این نژاد 283 روز است و به طور متوسط، هر گاو ماده در طول عمر خود می تواند 5 گوساله به دنیا آورد. وزن گوساله نر در هنگام تولد 47 کیلوگرم و وزن گوساله ماده 43 کیلوگرم است.

نژاد گالووی



تاریخچه و پراکنش

در ابتدا گاو گالووی¹ در جنوب غربی کشور اسکاتلند غالب و مشهور بود ولی در اواخر قرن شانزدهم این نژاد به طور کامل شکل گرفت. در قرن هفدهم به دلیل گوشت خوب و افزایش وزن بی نظیر در پروار بندی، تعداد زیادی از این گاو ها به کشور های دیگر صادر شد. رنگ قرمز در این نژاد، رنگ مغلوب می باشد. این رنگ نشان دهنده‌ی پیوند این گاو با گاو های بریتانیایی و اسکاندیناویایی است. امروزه احتمالاً گاو این نژاد خون نژاد های دیوون²، ساوت دیوون³، رد پل و شورت هورن را دارد. در گذشته تصور می شد که این گاو پشمالو به گاو های نژاد هایلند قوی و نیرومند بسیار نزدیک و مرتبط است. در سال 1862 نژاد های آبردین آنگوس و گالووی در دفتر انساب گاو بی شاخ ثبت شد و در سال 1877 دفتر انساب جدید و مجزایی برای این نژاد تاسیس شد. گاو نژاد گالووی در کشور های کانادا، ایالات متحده‌ی آمریکا، استرالیا و آفریقای جنوبی عملکرد خوبی داشت و هم اکنون تعداد کمی از آن در نیوزیلند وجود دارد.

خصوصیات ظاهری

رنگ استاندارد و غالب در این نژاد سیاه است ولی رنگ های قهوه ای مایل به خاکستری و قرمز نیز در بین آن ها دیده می شود. رنگ قهوه ای مایل به خاکستری در این گاو از قهوه ای تیره تا قهوه ای روشن متفاوت است. در این نژاد تمایل شدیدی بر ضد رنگ قرمز وجود داشته است. در گذشته گاو قرمز به اشتباه به عنوان کارگر ضعیف محسوب می شد. این گاو دارای مو هایی بلند، ضخیم و پشمالو است. این مو های ضد آب امتیاز ویژه ای در شرایط مختلف محیطی به حساب می آید. این پوشش، گاو را از آب و هوای سرد و مرطوب منطقه محافظت می کند. گوش ها بسیار پر مو هستند و مو های منگوله‌ی دم، بلند و پر پشت است. در تابستان و گرمای زیاد، این پوشش ضخیم برای سازگاری با محیط، به مو های کوتاه تبدیل می شود. صورت این گاو کوتاه، عریض و پهن است. این نژاد تا اندازه ای شبیه به نژاد آبردین آنگوس ولی کمی خشن تر از آن است و به رفتار و کنترل آرام واکنش خوبی نشان می دهد.

1- Galloway

2- Devon

3- South Devon

گاو ماده	گاو نر	صفت
450-500	800	وزن (کیلو گرم)
120	155	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

میانگین افزایش وزن روزانه گاو نر در پروار بندی حدود 1000 گرم است. گوشت این نژاد نرم و خوش طعم است.

خصوصیات تولید مثلی

گاو این نژاد بلوغ دیر رس داشته و لگن عریض و پهنی دارد. این ویژگی سبب تسهیل در زایمان در این گاو می شود.

نژاد ژرمن آنگوس



تاریخچه و پراکنش

نژاد ژرمن آنگوس¹ در کشور آلمان اصلاح شده و در دهه 1960 با نژاد آبردین آنگوس و نژاد های دو منظوره آلمانی (بیشتر نژاد فریزین و نژاد های ژرمن پاید و بلوند) آمیزش داده شده است. این نژاد امروزه گونه ای کاملاً یکدست و پراکنده در کشور آلمان است.

خصوصیات ظاهری

این نژاد دو نوع رنگ متفاوت دارد. نوع اول سیاه تا قهوه ای تیره و نوع دوم قرمز تا خاکستری طلایی می باشد که در دفتر انساب ثبت شده ولی ممکن است دارای علایم سفیدی نیز باشد. گاو این نژاد دارای جثه ای متوسط، بدن بلند و کشیده و ماهیچه های خوبی در قسمت کفل، کمر و شانه ها است. این گاو بدون شاخ بوده و جزء گاو های گوشتی به شمار می آید. در این نژاد، بیشتر هیبرید ها در دفتر انساب ثبت می شوند. گاو ماده ای این نژاد دایه خوبی بوده و سازگاری خوبی با محیط دارد. طول عمر گاو نر این نژاد زیاد است.

گاو ماده	گاو نر	صفت
550-700	1000-1200	وزن (کیلو گرم)
125-130	130-140	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

نژاد ژرمن آنگوس برای شرایط پرور بندی مناسب است به گونه ای که افزایش وزن گاو نر در پرور بندی در حدود 1300 گرم در روز است. گوساله این نژاد در 10 ماهگی به وزنی بین 300 تا 400 کیلوگرم می رسد. بازده لاشه و کیفیت لاشه ی خوبی نیز دارد.

نژاد ژرمن فریزین



تاریخچه و پراکنش

اجداد گاو نژاد ژرمن فریزین¹ برای اولین بار در منطقه‌ی اُست فریزلند² در کشور آلمان پرورش داده شدند. بر اساس مطالعات ونگر در سال 1885، قبایل اولیه‌ی ساکسن، گاو های براون (قهوه ای)؛ و قبایل فریزلند گاو های بلک اند وایت (ابلق) را با خود به این منطقه آوردند.

در سال های 1745 و 1783، در این منطقه بیش از 200 هزار راس گاو در اثر طاعون گاوی از بین رفتند. برای جبران این کمبود، گاو های نژاد های فریزلند غربی³ و گرونینگن⁴ از کشور هلند به آلمان وارد شدند. در نتیجه‌ی ورود این گاو ها تولید شیر و تیپ بدنی گاو فریزین بهتر شد. بر اساس گزارش ها در سال 1988، استفاده از نژاد شورت هورن تاثیر زیادی بر نژاد ژرمن فریزین نداشته است. هم اکنون تعداد کل گاو های ژرمن فریزین در کشور آلمان در حدود 2/2 میلیون راس تخمین زده می شود. این گاو در مناطق شلزویگ هلشتاین، نیدر ساکن، نورد راین، وست فالی و هسن پراکنده است. همچنین تعداد آن ها در مناطق راین لند، فالس، بادن، ورتمبرگ و بایرن رو به افزایش است.

1-German Friesian or German Black and white
3- West friesland

2- Ostfriesland

4-Groningen

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن این گاو ها سیاه و سفید بوده ولی میزان رنگ سیاه نسبت به رنگ سفید بیشتر است. کتف ها سفید رنگ، سر غالباً سیاه و پوزه سیاه رنگ است. دم و سم ها در اکثر موارد سفید رنگ هستند. دو رنگ سفید و سیاه در ناحیه شکم با هم ترکیب می شوند. رنگ شاخ ها سیاه یا سفید است.

به ندرت ممکن است در گاو هلشتاین، فریزین و آبردین آنگوس ژن قرمز غالب باشد و گوساله ای به رنگ قرمز و سفید به دنیا آید. احتمال غالب بودن ژن قرمز یک درصد است که بیشتر در کشور هلند (گاو های هلشتاین هلندی) دیده می شود.

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	1000-1200	600-700
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	160	140

خصوصیات تولیدی

این گاو با داشتن یستانی بزرگ و تیپ بدنی مناسب، توانایی تولید 20 تا 35 لیتر شیر در روز را دارد. در سال 1977 هدف اصلی از پرورش این گاو، افزایش ظرفیت تولید شیر و حفظ تولید گوشت بوده است. تولید شیر سالانه ای این گاو در آن زمان، حداقل 10 برابر وزن آن بود. یعنی در آن زمان گاو ماده ای 600 کیلوگرمی می توانست در سال 6 هزار لیتر شیر با 4 درصد چربی و 3/5 درصد پروتئین تولید کند. امروزه یک گاو ماده ای 700 کیلوگرمی در یک دوره شیر دهی 7000 تا 9000 لیتر شیر تولید می کند.

افزایش وزن روزانه ای گاو نر این نژاد در پروار بندی از بدو تولد 1124 گرم بوده است. میزان تولید شیر به گوشت در این نژاد به طور نسبی 1 به 0/45 است.

خصوصیات تولید مثلی

گاو ماده ای این نژاد اولین گوساله ای خود را در سن 32 ماهگی به دنیا آورده و هر 377 روز یک بار می تواند گوساله ای داشته باشد. نزدیک به 9 درصد از زایمان ها با سخت زایی همراه بوده و حتی در 10 درصد از زایمان های شکم اول سزارین انجام می گیرد. دو قلوبی زایی در حدود 5 درصد است که این درصد بیشترین درصد در بین کل گاو های جهان است.

نژاد ژرمن یلو



تاریخچه و پراکنش

هدف از پرورش نژاد ژرمن یلو¹ در گذشته، بارکشی و تولید گوشت بوده که در سال 1905 این هدف تحقق یافت. از سال 1920 تولید شیر نیز به هدف پرورش اضافه شد. پس از جنگ جهانی دوم، تعداد گاو های کاری کاهش یافت ولی با این حال در سال 1964 تعداد 34 هزار راس گاو ماده و 170 راس گاو نر فروخته شده در اعمال کشاورزی به کار گرفته شدند. هدف از پرورش این نژاد، افزایش وزن روزانه ی بیشتر، چربی کمتر و لیاف های نازک تر است. در سال 1980 در کشور آلمان غربی، 365 هزار راس از گاو این نژاد نگه داری می شد. مرکز اصلی پراکندگی این نژاد شهر های بایرن، وُرتسبورگ، بامبرگ و نورنبرگ است. همچنین تعداد کمی از آن ها نیز در منطقه هسن پراکنده هستند.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن این گاو از زرد روشن تا قهوه ای قرمز تغییر می کند. پوزه به رنگ صورتی است. سم ها رنگ روشنی داشته و همانند شاخ ها قوی هستند. این گاو دارای استخوان بندی قوی، بدنی حجیم و سینه و کپل بزرگ است.

1- German yellow

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	1150-1300	650-800
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	148-155	134-140

خصوصیات تولیدی

هدف از پرورش گاو این نژاد، تولید شیری با میانگین حدود 5 هزار لیتر با 4 درصد چربی است. طبق تحقیقات انجام یافته بر روی 1000 راس گاو شیری، میانگین تولید شیر گاو ماده این نژاد در یک دوره شیر دهی 309 روزه در حدود 4756 لیتر با 4/02 درصد چربی و 3/55 درصد پروتئین اعلام شده است.

نژاد هرфорд و نژاد ژرمن یلو از نظر تولید گوشت با یکدیگر رقابت می کنند. به خصوص این که گاو نر این نژاد در پروار بندی، افزایش وزن روزانه‌ی خوبی (به خصوص در صورت استفاده از سیلاژ ذرت) حدود 1250 گرم دارد و به وزنی حدود 650 کیلوگرم می رسد. گاو های نمایشی می توانند حداقل 1249 گرم افزایش وزن روزانه داشته باشند. راندمان لاشه در گاو نر حدود 62 درصد است.

خصوصیات تولید مثلی

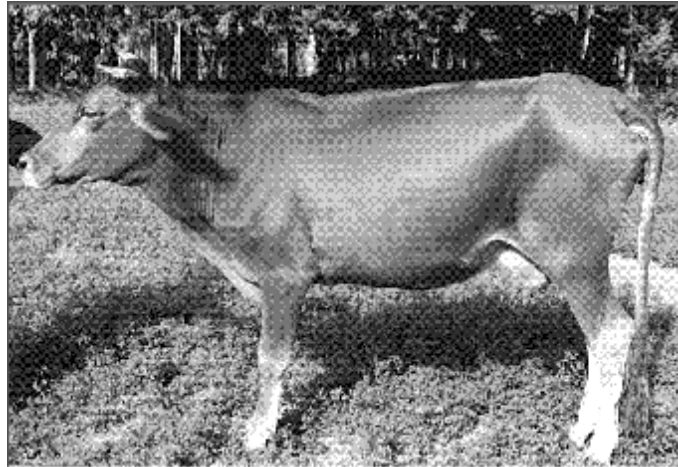
گاو ماده، اولین گوساله‌ی خود را در سن 27/9 ماهگی به دنیا می آورد و هر 392 روز می تواند یک گوساله داشته باشد. درصد باروری گاو ماده 92 درصد ثبت شده است. در بین 7200 راس گاو آبستن، 7/8 درصد از زایمان ها با سخت زایی مواجه شده است.

نژاد گلپایگانی

تاریخچه و پراکنش

گاو گلپایگانی¹ یکی از نژاد های بومی ایران است و از سابقه‌ی دیرینه ای در استان اصفهان و استان های هم جوار برخوردار است. این گاو در بسیاری از شهرستان های استان اصفهان مانند گلپایگان، خوانسار، فریدون شهر، نطنز، اردستان، زرین شهر، فریدن، فلاورجان و اطراف

1- Golpayegani



کاشان یافت می شود. علاوه بر استان اصفهان، این گاو در استان های چهار محال بختیاری، لرستان، مرکزی و یزد نیز نسبتاً فراوان یافت می شود.

خصوصیات ظاهری

این نژاد دارای جثه ی کوچک، گردن نسبتاً کوتاه، سر کوچک و کشیده، شاخ هایی کوتاه و هلالی شکل، غبغب کوچک، دم باریک و بلند با منگوله ی دمی پُر مو، حدقه ی چشمی برجسته و پوزه باریک است.

تنوع رنگ گاو گلپایگانی از سفید مایل به خاکستری تا سیاه یکدست است. همچنین رنگ های زرد، زرد حنایی، زرد روشن تا تیره ، قرمز، قهوه ای روشن تا خرمایی تیره و غیره وجود دارد. رنگ پوزه، اطراف چشم ها و فرج در گاو های با رنگ خرمایی یا قهوه ای، عمدتاً سیاه بوده و گاهی اوقات این رنگ در گاو هایی مشاهده می شود که دور پوزه ی آن ها سفید است. شکم افتاده، فاصله کم بین اندام های جلویی و عقبی، و چشم های کوچک و متوسط از جمله صفات ظاهری گاو های خالص این نژاد است.

این نژاد به دلیل مقاومت در برابر بیماری هایی مانند تیلریوز و پیروپلاسموز، دارای ارزش و موقعیت ویژه ای است. گاو گلپایگانی می تواند سرمای 20 درجه زیر صفر و گرمای 30 درجه بالای صفر را تحمل کند. همچنین این گاو قدرت تحمل زیادی در برابر تغییرات شرایط محیطی داشته و با محیط و شرایط نگه داری نا مطلوب سازگار است. کم توقعی نسبت

به خوراک و طول عمر اقتصادی قابل ملاحظه، از جمله دلایل اهمیت پرورش این توده‌ی ژنتیکی می باشد.

خصوصیات تولیدی

میانگین تولید شیر گاو ماده گلپایگانی بر اساس گزارش ایستگاه دلیجان 4/37 لیتر است. درصد چربی شیر این گاو حداکثر 6/9 درصد، حداقل 3/28 درصد و به طور متوسط 4/98 درصد است. در شرایط مطلوب درصد چربی شیر به 7/75 درصد نیز می رسد. حداکثر تولید شیر این گاو در یک دوره شیر دهی 1797 لیتر و حداقل 204 لیتر با میانگین 823/92 لیتر است.

هر چه درصد خلوص گاو گلپایگانی بالا رود، مقدار شیر آن کاهش و درصد چربی آن افزایش می یابد ولی درصد پروتئین و لاکتوز چندان تفاوتی نمی کند. اگر چه این گاو به عنوان تیپ شیری معروف شده، ولی مطالعات نشان می دهد که گوساله های نر از قابلیت پرور بندگی خوبی برخوردار هستند.

میانگین افزایش وزن روزانه‌ی این گاو 477 گرم و میانگین وزن پایانی (دوره 18 ماهه) 274 کیلوگرم است. راندمان لاشه 58/14 درصد و ضریب تبدیل خوراک 6/35 درصد است.

خصوصیات تولید مثلی

متوسط سن تلیسه ها در اولین باروی 16/5 ماه است. طول دوره آبستنی به طور میانگین 279/9 روز و متوسط سن در اولین زایش 25/5 ماه است. فاصله دو زایش متوالی حداقل 276 روز و حداکثر 577 روز است که دامنه زیاد آن نشان دهنده‌ی تنوع بالا در این گاو ها است.

نژاد گرونینگن

تاریخچه و پراکنش

استان گرونینگن در قسمت شرق فریزلند و شمال منطقه درنته قرار دارد. تعداد 16 هزار گاو ماده گرونینگن¹ ثبت شده در این مناطق وجود دارد و تعداد آن ها در 5 سال اخیر بسیار بیشتر

1- Groningen



از سال های 1880 کاهش یافته است. این کاهش هنگامی بود که این گاو ها 70 درصد از گاو های هلند و فریزین ها تنها 18 درصد گاو ها را تشکیل می دادند و بیشتر به فریزلند و درنته محدود بودند.

نژاد گرونینگن برای بهبود بخشیدن به تولید گوشت در منطقه گرونینگن پرورش داده شد و بر همین اساس با نژاد شورت هورن آمیزش داده شد. نزدیک به 124 هزار راس از گاو های این نژاد که 12500 راس از آن ها در دفتر انساب ثبت شده، در مناطق مختلف هلند، قسمت های مهمی از منطقه ی پراوینسز¹ در منطقه گرونینگن (منطقه ای که در اصل متعلق به این نژاد است)، جنوب هلند، اتریش و منطقه ی گلدلرلند² وجود دارند. همچنین این گاو ها برای بهبود بخشیدن گاو های محلی به بسیاری از کشور ها صادر شده اند.

خصوصیات ظاهری

رنگ پوشش بدن در این گاو ها سیاه و سر، سطح زیر شکم، اندام های حرکتی سفید هستند. گاهی ممکن است رنگ قرمز در این نژاد غالب باشد، در واقع از هر لحاظ این نژاد شبیه به نژاد هلشتاین فریزین است.

گاو ماده	گاو نر	صفت
600-650	800-900	وزن (کیلو گرم)
130-140	140-145	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

1- Provinces

2- Gelderland

خصوصیات تولیدی

هدف از پرورش این گاو ها همانند نژاد هلشتاین فریزین، تولید حدود 6 تا 7 هزار لیتر شیر با 4/25 درصد چربی و 3/75 در صد پروتئین است. تاکنون بیش از 10 هزار راس از گاو های با تولید بیش از 100 هزار لیتر شیر در طول عمر مفید خود ثبت شده است. نسبت تولید شیر به گوشت در این نژاد 1 به 0/54 است. میانگین افزایش وزن گاو های نر در سال اول پروار بندی، همانند نژاد هلشتاین فریزین، 1150 گرم در روز است.

خصوصیات تولید مثلی

اولین زایمان گاو های ماده در 24 ماهگی است و هر 375 روز یک بار می توانند گوساله ای داشته باشند. دوران آبستنی این گاو ها همانند نژاد هلشتاین فریزین است. وزن گوساله های ماده در هنگام تولد 34 کیلوگرم و وزن گوساله های نر در هنگام تولد 37 کیلوگرم است. سخت زایی در تلیسه ها و گاو های ماده این نژاد، 6 درصد برآورد شده است.

نژاد گرنزی



تاریخچه و پراکنش

منشاء نژاد گرنزی¹ از زیر گونه‌ی وحشی بوس تاروس تیپیکوس لانگی فرونس در جزیره‌ی گرنزی است. عده‌ای اعتقاد دارند که گاو گرنزی مانند جرسی از زیر گونه‌ی بریتانیایی و نرماندی است.

گاو گرنزی تا حد زیادی مطیع و رام است. این گاو نسبت به نژاد جرسی اصالت کمتری دارد. با این وجود نژاد گرنزی نیز به علت خلوص و همگنی آن مشهور شده است. در ابتدا گاو گرنزی در کشور انگلستان پرورش یافت. در سال 1886 در این کشور اتحادیه‌ی گاو گرنزی انگلیس² تاسیس شد. در حالی که آمریکایی‌ها در سال 1877 کلوب گاو گرنزی آمریکا³ را تاسیس کرده بودند.

در حال حاضر 7050 راس گاو ماده و 600 راس گاو نر در دفتر انساب ثبت شده است. انجمن اصلاح نژادی این گاو در سال 1878 و دفتر انساب آن در سال 1842 تاسیس شد و هم اکنون در کشورهای استرالیا، انگلستان، برزیل، کانادا، ایرلند، کنیا، آفریقای جنوبی، ایالات متحده‌ی آمریکا و زیمباوه وجود دارد.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن این نژاد از زرد روشن (آهویی) تا قرمز تیره تغییر می‌کند و گاهی اوقات لکه‌های سفیدی در سر نیز دیده می‌شود. چروکیدگی زیادی در ناحیه‌ی گردن وجود دارد. پوزه به رنگ زرد کرمی، سم‌ها زرد کاهی و انتهای دم سفید رنگ است. این نژاد دارای سرِ دراز و باریک، چشم‌های آرام، منافذ بینی گشاد و حیوان نسبتاً آرامی است. این گاو جثه‌ای کوچک دارد و کاملاً به صورت نژاد خالص شیری است. شکل قرار گیری پستان بسیار مطلوب و مناسب برای تولید شیر است. این نژاد تا حدودی بزرگ‌تر از نژاد جرسی است.

گاو ماده	گاو نر	صفت
500-560	700-900	وزن (کیلو گرم)
120-130	125-135	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

1- Guernsey

2- English Guernsey Cattle Society

3- American – Guernsey Cattle Clup

خصوصیات تولیدی

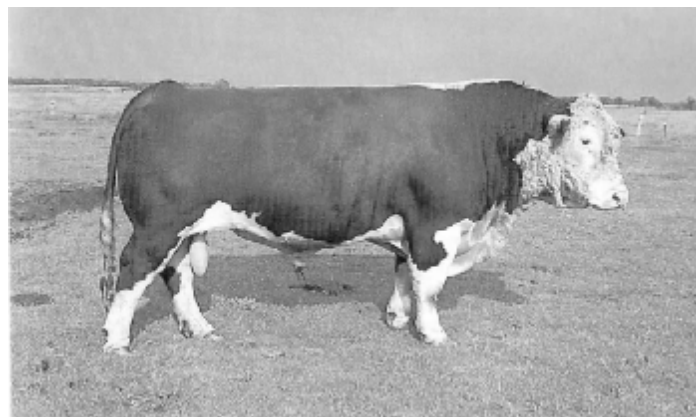
خصوصیات شیر این نژاد شباهت زیادی به جرسی دارد. درصد چربی و مواد جامد بدون چربی در شیر این نژاد اندکی کمتر از نژاد جرسی ولی رنگ شیر آن ها به علت وجود کاروتن بسیار زرد تر است. چربی شیر همانند شیر نژاد جرسی در تابستان و زمستان به رنگ زرد طلایی است که خصوصیت بارز و خوبی برای مصرف کننده است.

میانگین تولید شیر در این گاو در یک دوره شیر دهی نزدیک به 4 هزار لیتر با 4/62 درصد چربی و 3/6 درصد پروتئین است. وزن تولد در این نژاد کمی بیشتر از گوساله نژاد جرسی است. اندازه‌ی کوچک جثه و چربی لاشه‌ی زرد رنگ، موجب شده که این گاو برای تولید گوشت قرمز و گوشت سفید گوساله مناسب نباشد.

خصوصیات تولید مثلی

گاو ماده‌ی این نژاد دیرتر از گاو جرسی بالغ می شود و قدرت چرای آن به خوبی نژاد جرسی نیست. این گاو اولین زایمان خود را در سن 30 ماهگی انجام می دهد و هر 370 روز می تواند یک گوساله داشته باشد. این نژاد در طول عمر خود به طور متوسط 5 راس گوساله می تواند داشته باشد. وزن تولد گوساله نر 30 تا 40 کیلوگرم و وزن تولد گوساله ماده 25 تا 35 کیلوگرم است.

نژاد هر فورد



تاریخچه و پراکنش

منطقه‌ی اصلی پراکنش نژاد هر فورده¹ بین مرز های ولز و گلو سیستر می باشد. مناطق لانگ هورن² و فینچ بک³ موطن گاو های قرمز نژاد دوون به حد کافی بر رنگ قرمز نژاد هر فورده تاثیر گذاشته است. برخی افراد معتقدند که این نژاد در ولز و از آمیزش گاو های محلی با نژاد کسبل مارتینز⁴ از ایالت پمبروک⁵ به وجود آمده است. به این معنی که این نژاد با نژاد های همسایه، یعنی نژاد های گلامورگان، گلو سیستر و ولز بلک مرتبط است. برخی دیگر معتقدند که گاو های وارداتی فلمیش با صورت سفید در قرن هفدهم، پایه نژاد هر فورده بوده است.

در سال 1846، انجمن نژادی آن برای اولین بار در بریتانیا تاسیس و دفتر انساب آن در سال 1878 به وجود آمد. همچنین انجمن های این نژاد در کشور های آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، شیلی، دانمارک، ایرلند، نیوزیلند، پرتغال، آفریقای جنوبی، اسپانیا، آمریکا، اروگوئه، زامبیا و زیمباوه نیز وجود دارند.

خصوصیات ظاهری

نژادی کوچک جثه، قوی با اندام های حرکتی کوتاه بوده ولی دارای استخوان بندی خوبی است. ویژگی اصلی گاو هر فورده که سبب شناسایی سریع آن ها در سطح جهانی شده، صورت سفید آن ها است. در نژاد سیمنتال نیز صورت سفید مشاهده می شود، ولی صورت سفید و خاص در این نژاد به طور مستقل و بدون آمیزش با نژاد دیگری ایجاد شده است. نژاد های دیگری نیز صورت سفید دارند ولی ضرورتاً از خون نژاد های هر فورده و سیمنتال نیستند، نژاد قزاق وایت هِد⁶ روسی پیدایش خود را مدیون هر فورده های هیبرید وارد شده و آمیزش یافته با گاو های قزاق بومی در دهه 1920 است. در حالی که صورت سفید نژاد های کانورتر⁷ قرمز یا سیاه کانادایی، می تواند حاصل آمیزش با نژاد هر فورده در اوایل دهه 1950 باشد.

گاو ماده	گاو نر	صفت
500-600	800-900	وزن (کیلو گرم)
125-135	130-140	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

1- Hereford
4- Castlemartins
7- Hays Converter

2- Long Horn
5- Pembroke

3- Finch Back
6- Kazakh White headed

خصوصیات تولیدی

میانگین افزایش وزن گاو های نر در پروار بندی 1200 گرم در روز است. گوساله ها به مدت 8 ماه با مادر خود در مرتع می مانند. طبق گزارش، میانگین تولید شیر گاو های ماده در یک دوره شیردهی در حدود 2153 لیتر با 4/41 درصد چربی بوده است. تلیسه ها در سن 24 ماهگی می توانند در چراگاه ها با گاو های نر همراه شوند.

خصوصیات تولید مثلی

گاو های ماده اولین گوساله خود را در سن 36 ماهگی به دنیا آورده و هر سال می توانند گوساله ای داشته باشند. گوساله های نر در هنگام تولد 36 کیلوگرم و گوساله های ماده 33 کیلوگرم وزن دارند.

نژاد هایلند



تاریخچه و پراکنش

گاو نژاد هایلند¹ در اصل متعلق به کوهستان ها و غرب جزیره ی ساحلی اسکاتلند است. این نژاد از قرن شانزدهم در جزایر هبرید² در غرب کشور اسکاتلند پرورش یافته است. این منطقه به دلیل طوفان های دریای شمال آتلانتیک، آب و هوای سخت و طاقت فرسایی دارد.

1- Highland

2- Hebrid

در پیشینه‌ی ثبت شده‌ی این نژاد، پرورش دهندگان توجه زیادی به نگه داشتن خصوصیات اصلی این گاو داشته‌اند. این نژاد از آمیزش نژاد وست هایلند¹ یا کایلو² با نژاد هایلندر³ به وجود آمده است. گونه کایلو در غرب جزیره‌ی اسکاتلند رشد کرده و جثه‌ی کوچک داشت. این منطقه از کشور اسکاتلند از مناطق مهم کوهستانی به شمار می‌آید. گاو نژاد هایلند دارای اندازه و جثه‌ی متفاوتی می‌باشد که احتمالاً این ویژگی به دلیل آب و هوای سخت و رژیم غذایی به وجود آمده است. گاو های این جزیره به دلیل اندازه‌های متفاوت جثه، در معرض تغییر ژنتیکی بین گونه‌ها بوده است. امروزه همه اعضای این نژاد به نام هایلند نامیده می‌شوند.

در برخی از سال‌ها علاوه بر غرب و مرکز کشور اسکاتلند، این نژاد دارای تعدادی گله در مرکز و شمال اروپا و همچنین آمریکای شمالی بوده است.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن این گاو قهوه‌ای مایل به قرمز یا کاملاً طلایی است و به ندرت در میان آن‌ها گاو سیاه، سفید یا خال دار مشاهده می‌شود. این گاو جثه‌ی متوسط، سر کوتاه و پهن و موهایی بلند و آویزان دارد. شاخ‌های آن دراز و دارای خمیدگی به طرف بالا و بیرون هستند. اندام‌های حرکتی در این گاو کوتاه است.

گاو ماده	گاو نر	صفت
400-450	500-600	وزن (کیلو گرم)
110-120	125-130	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

گاو نژاد هایلند برای پرورش در مناطق مرطوب مناسب بوده و گوشت این گاو کیفیتی مطلوب دارد.

1- West Highland

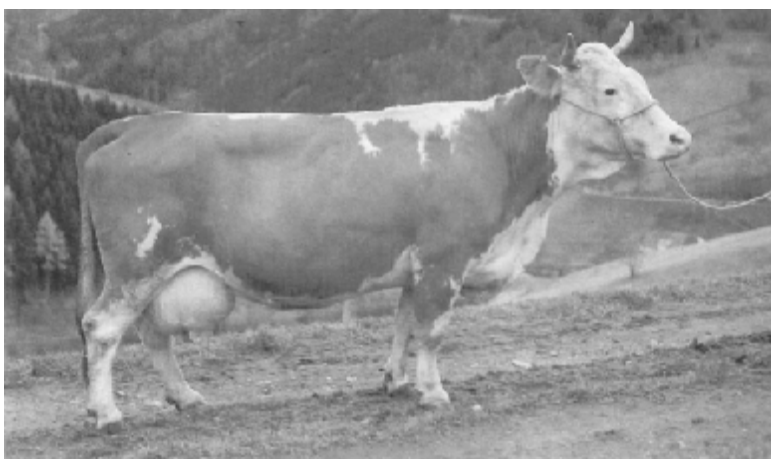
2- Kyloe

3- Highlander

خصوصیات تولید مثلی

این گاو، دیر بالغ می شود. گاو ماده اولین گوساله‌ی خود را در سن 3 تا 4 سالگی به دنیا می آورد و تا سن 16 سالگی توانایی گوساله زایی دارد. عمر طولانی این نژاد امتیاز بزرگی برای آن محسوب می شود.

هینتر والدر



تاریخچه و پراکنش

نژاد هینتر والدر¹ در سمت راست رودخانه دشت راین، به نام دیبر² شناخته شده است. انجمن اصلاح نژادی آن در سال 1888 تاسیس شد و در سال 1914 جمعیت این نژاد به 1000 راس رسید. گاو هینتر والدر به مدت طولانی تاثیر کمی بر نژاد های دیگر داشت و تنها در سال های اخیر برای بزرگ شدن جثه نژاد وردر والدر، بر این نژاد تاثیر گذاشته است. بانک اسپرم این نژاد برای ایجاد بانک ژن و برآورده کردن تقاضای نژاد های خارجی تاسیس شد.

1- Hinter Walder

2- Deer

در حال حاضر، جمعیت گاو ماده این نژاد در حدود 2500 راس است. این نژاد در مناطق جنوب جنگل بلک (در قسمت جنوبی فلدبرگ¹ و حوالی بلچن²) و تعدادی هم در کشور سوئیس پراکنده هستند.

خصوصیات ظاهری

گاو این نژاد کوچک ترین گاو اروپای مرکزی است و بدن خوب و ظریفی دارد. رنگ بدن این نژاد از طلایی تا قرمز تغییر می کند و گاهی اوقات همراه با لکه های سفیدی است. سر و پاهایی همیشه سفید، دارای دست تقریباً بلند و اندام های مناسب و شاخ می باشند.

گاو ماده	گاو نر	صفت
400-450	750	وزن (کیلو گرم)
118-120	130	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

میانگین تولید شیر این نژاد در دفتر انساب گاو ماده، 3100 لیتر با 4/1 درصد چربی و 3/4 درصد پروتئین ثبت شده است. در سال 1980 افزایش وزن گاو نر منتخب این نژاد 805 گرم در روز گزارش شده است. راندمان لاشه و کیفیت گوشت نیز در این نژاد بالا است.

خصوصیات تولید مثلی

این گاو در جنگل از هر 100 زایمان، 95 راس گوساله خوب تولید می کند. گاو ماده این نژاد در سن 32/3 ماهگی اولین گوساله‌ی خود را به دنیا می آورد و هر 382 روز یک بار می تواند گوساله ای داشته باشد. عمر اقتصادی این گاو بین 8 تا 12 سال است.

1- Feldberg

2- Belchen

نژاد هلشتاین فریزین



تاریخچه و پراکنش

منشا اصلی نژاد هلشتاین فریزین¹ کشور هلند و منطقه فریزلند در این کشور است. گاو نژاد هلشتاین از گاو وحشی بوس تاروس تیبیکوس به وجود آمده و حداقل از دو هزار سال پیش در هلند پرورش داده می شد. طبق نظریه ای، اولین گاو هلشتاین به وسیله ی افراد قبایل فریزین و باتاوی به هلند آورده شده اند. این گاو که از گاو های یونانی به وجود آمده تولید زیادی داشت.

خصوصیات ظاهری

گاو هلشتاین از بزرگترین نژاد های شیری جهان است. سن بلوغ در این نژاد بیش از نژاد های شیری دیگر است (به استثنای جرسی، گرنزی و ایرشایر). این گاو دارای بدنی حجیم و درشت بوده و اتصال پستان ها به بدن در این گاو بسیار مناسب است.

1- Holstein

رنگ آن ممکن است سیاه یکدست یا دارای لکه های سیاه و سفید باشد. در برخی موارد گاو هایی به رنگ قرمز و سفید نیز دیده می شود.

گاو ماده	گاو نر	صفت
600-700	1000 - 1200	وزن (کیلو گرم)
140	152	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

نژاد هلشتاین به گاوی با بیشترین تولید شیر و کمترین درصد چربی شهرت یافته است. کمترین درصد چربی با کمترین درصد مواد جامد نیز همراه است (به طور کلی اگر درصد مواد جامد بدون چربی در شیر نژادی کم یا زیاد باشد، درصد چربی آن نیز کم یا زیاد خواهد بود). گاو این نژاد به دلیل رشد نسبتاً سریع و تولید لاشه ای بسیار مطلوب، از لحاظ تولید گوشت هم دارای اهمیت است و در میان نژاد های شیری بهترین لاشه را دارد.

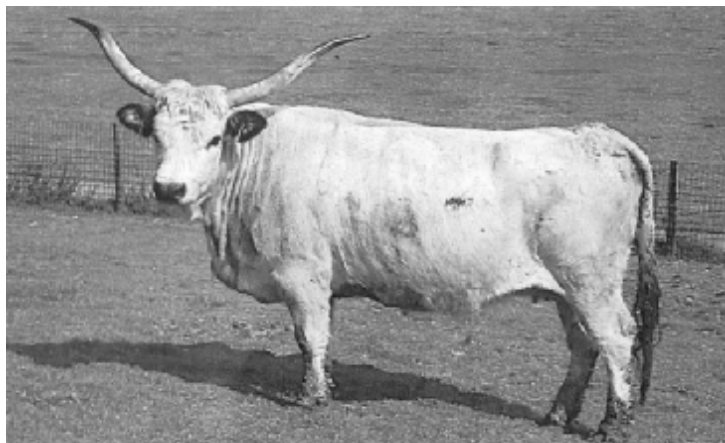
گوساله ی این نژاد در بین نژاد های شیری بیشترین وزن را دارد. این ویژگی همراه با رنگ سفید چربی بدن، این نژاد را برای تولید گوشت سفید گوساله¹ مناسب می سازد. در برنامه های اصلاح این نژاد، در ابتدا شیر تولیدی آن برای تهیه پنیر مورد استفاده قرار می گرفت و چون برای تولید پنیر شیر زیادی نیاز است، بنابراین به طور عمده بر روی گاو هایی با تولید شیر بالا و کم چرب تاکید می شد.

میانگین تولید شیر گاو های ماده در یک دوره شیردهی در حدود 7896 لیتر با 650 کیلوگرم چربی و 250 کیلوگرم پروتئین اعلام شده است.

خصوصیات تولید مثلی

گوساله ماده در 15 ماهگی یعنی وزنی حدود 362 کیلوگرم، قادر به جفت گیری است. گاو ماده در شرایط مطلوب اولین گوساله خود را در 24 تا 27 ماهگی به دنیا می آورد و عمر مفید آن شش سال است.

نژاد هانگربین گری



تاریخچه و پراکنش

به نظر می رسد که نژاد هانگربین گری¹ در اواخر قرن نوزدهم توسط مجارستانی ها از شرق اروپا به کشور مجارستان آورده شده، یا بعداً آن را از شرق یا جنوب اروپا (شبه جزیره بالکان و ایتالیا) آورده اند. از قرن 14 تا 18 این نژاد به عنوان یک نژاد گوشتی با ارزش در کشور مجارستان بود و به خصوص در کشورهای ایتالیا، استرالیا و آلمان و بیشتر در بازار شهر های آگوسبرگ، و نیز نورمبرگ و وین مشهور بود.

در اواخر قرن نوزدهم در شرایط سختی که کشاورزان داشتند، این نژاد به عنوان یک نژاد برجسته به شمار می آمد. در حدود سال 1850 جمعیت این نژاد کاهش یافت و تنها 187 راس گاو ماده و 6 راس گاو نر باقی مانده بود. تا این که برای بهبود جمعیت این نژاد، آن را با گاو نژاد سیمنتال آمیزش دادند. امروزه، جمعیت این نژاد در مجارستان حدود 1000 راس است. این نژاد در کشور مجارستان و تعدادی نیز در دیگر کشورهای مرکزی و شرق اروپا پراکنده هستند.

1- Hungarian Grey

خصوصیات ظاهری

رنگ پوشش بدن این نژاد سفید نقره ای تا خاکستری بوده و اطراف چشم ها، جدوگاه، اطراف شکم و کفل به خصوص در گاو نر اغلب تیره تر است. رنگ پوشش بدن گوساله به هنگام تولد طلایی مایل به قرمز است. گاو این نژاد، جثه ی بزرگ، سر کوتاه و باریک، گردن صاف و بلند، شکم بزرگ و عمیق، لگن شیب دار، قسمت پشتی گود و فرو رفته، سم های سخت، پستان های کوچک و مقاوم در برابر بیماری ها دارد. گاو های نر دارای شاخ های بلند با فاصله زیاد هستند و ارتفاع آن به 80 سانتی متر هم می رسد.

گاو ماده	گاو نر	صفت
535	700	وزن (کیلو گرم)
135	150	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

میانگین تولید شیر گاو ماده در یک دوره شیردهی حدود 2 هزار لیتر است. اخیراً از گاو ماده به عنوان گاو پرواری استفاده می شود. گاو این نژاد حیوان کاری ممتازی است.

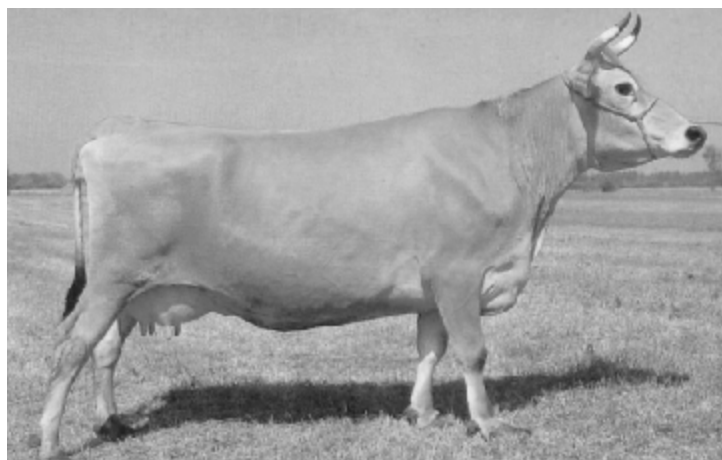
خصوصیات تولید مثلی

گاو نژاد هانگربین گری دارای عمری طولانی، بلوغ دیر رس و گوساله زایی آسانی است و گوساله ی این نژاد رشد خوبی دارد.

نژاد جرسی

تاریخچه و پراکنش

گاو نژاد جرسی¹ از گاو وحشی بوس تاروس تیپیکوس لانگی فرونس به وجود آمده است. در مورد منشا این گاو نظریه های مختلفی وجود دارد. برخی محققان بر این باور هستند که این گاو از زیر گونه ی بریتانی و نورماندی است. برخی دیگر معتقدند اجداد نژاد جرسی از نوع سلتیک می باشند که از آسیا و آفریقای شمالی به اروپا آمده اند. برخی دیگر منشا و مبدا



استوایی (احتمالاً هندی) برای این نژاد عنوان می کنند. عده ای درباره یک تیپ زرد رنگ خزر صحبت می کنند که در اثر انحراف مسیر، از دریای بالکان به اسپانیا و از آنجا به فرانسه و جزایر دریای مانس رسیده است. آن ها معتقدند که نژاد جرسی در سال 1709 به طور مستقیم با سرزمین فرانسه ارتباط پیدا کرده است.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن این گاو از زرد آهویی تا قهوه ای مایل به سیاه تغییر می کند و دارای لکه های سفید پیوسته یا جدا از هم هستند. رنگ پوزه سیاه است و حلقه ی موی کم رنگی پوزه را در بر می گیرد. از خصوصیات این گاو داشتن سر کوچک، حالت فرو رفتگی بین چشم ها و توانایی قابل توجه در سازگاری با آب و هوای سخت و طاقت فرسا، به ویژه آب و هوای بسیار گرم تر از جزیره ی محل رشد خود می باشد. تحمل و مقاومت این گاو آرام نسبت به گرما بسیار استثنایی است.

گاو جرسی به آسانی به شرایط آب و هوایی گوناگون عادت می کند و به احتمال زیاد وحشی تر از دیگر گاو های شیری اصیل است. از آنجا که این گاو به تحریکات محیطی بسیار حساس بوده و به سرعت واکنش نشان می دهد، به نژادی با سیستم عصبی بسیار توسعه یافته شهرت دارد.

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	600-700	350-425
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	144	120-135

خصوصیات تولیدی

نژاد جرسی جزء کوچک ترین نژاد های اصیل شیری جهان است که به دلیل داشتن چربی زرد، برای تولی

د گوشت قرمز و گوشت گوساله ارزش چندانی ندارد. شیر این گاو ها در مقایسه با شیر سایر نژاد ها بیشترین درصد چربی و مواد جامد بدون چربی را دارد.

این گاو زودتر از دیگر گاو های شیری بالغ می شود و زمان رسیدن به پیک تولید شیر در آن کوتاه تر از دیگر نژاد های اصیل شیری است. طی روند اصلاح نژاد، کره به عنوان اصلی ترین فرآورده ی شیر مورد نظر بوده است. در نتیجه تاکید بیشتر بر گاو هایی با درصد چربی بالا بوده است. شیر این نژاد به علت داشتن کاروتن زیاد زرد رنگ است و قابلیت تبدیل کاروتن به ویتامین A در نژاد های دیگر بیشتر از نژاد جرسی و گرنزی است، به همین دلیل شدت رنگ زرد شیر در این دو نژاد، بیشتر از سایر نژاد های شیری است. شیر این نژاد همانند شیر نژاد گرنزی با نام گلد تاپ میلک در کشور انگلیس عرضه می شود.

گاو جرسی قادر به تولید شیر زیادی است به طوری که میانگین تولید شیر در یک دوره ی شیر دهی در حدود 4 هزار لیتر با 5/12 درصد چربی و 3/84 درصد پروتئین برآورد شده است. دامداران جزیره ی جرسی اصرار دارند که گاو های ماده باید سالیانه 10 برابر وزن بدن خود شیری با 5 درصد چربی تولید کنند.

نژاد کردی

تاریخچه و پراکنش

در کتاب نژاد های گاو دنیا نوشته پورتر به تاریخچه و خصوصیات گاو کردی¹ اشاره شده است. در آن کتاب پورتر می نویسد که گاو کردی دارای قرن ها سابقه ی زیست به ویژه در مناطق کوهستانی بوده و فاقد کوهان است.

بر اساس گزارش مرکز تحقیق و منابع طبیعی و امور دام استان کردستان، جمعیت این نژاد در حدود 309384 راس است. برابر آمار واکسیناسیون و مبارزه انگلی اداره دامپزشکی در سال 1375 تعداد گاو و گوساله بومی این نژاد 368770 راس اعلام شده است. علت نام گذاری این گاو به سبب طایفه گلباخی است که اطراف دیوان دره زندگی می کنند. در اثر تلاقی های نا خواسته و کنترل نشده، هم اکنون تعداد کمی از این گاو باقی مانده است.

خصوصیات ظاهری

گاو کردی جثه‌ی کوچک، استخوان بندی ظریف و عضلاتی ضعیف دارد. شاخ آن ها کوتاه و باریک و گاهی اوقات بدون شاخ می باشند. رنگ بدن این گاو سیاه یا قهوه ای و غالباً با لکه های سفید همراه می باشد و در ساق پا ها مایل به خاکستری است. این گاو هیچ شباهتی به گاو های عراقی ندارد و تنها مخصوص مناطق کردستان ایران و ترکیه است. گاو کردی اغلب به رنگ سیاه و گاهی به رنگ زرد دیده می شود.

هر چه به طرف دشت های استان کردستان پیش می رویم گاو هایی با جثه‌ی بزرگ تر را مشاهده می کنیم. افراد ریش سفید و مسن دیوان دره و سقز از گاو کردی به نام گاو گلباخی یا گازرد یاد می کنند. گاو گلباخی استخوان بندی و اسکلت درشتی داشته و دارای ناف و پستان بزرگی است. این گاو نسبت به سایر گاو ها شیر بیشتری تولید می کند.

شاخ این گاو ضعیف بوده و معمولاً به سمت چشم ها خم می شود. تعدادی از این گاو ها دارای مو در پیشانی و تعدادی نیز فاقد کوهان می باشند. از آن جایی که این گاو ها به صورت گله ای به مرتع برده می شوند و در طول سال گاو نر در گله وجود دارد، جفت گیری آن ها کنترل نشده است و به همین دلیل گوساله ها در فصل های مختلف سال به دنیا می آیند و در اثر سرما یا گرمای تابستان خوب رشد نمی کنند.

وزن گاو بالغ این نژاد 300 کیلوگرم است. جثه کوچک این گاو احتمالاً ناشی از فقر غذایی و تغذیه نا کافی باشد.

خصوصیات تولیدی

میانگین تولید شیر گاو ماده‌ی این نژاد در یک دوره شیر دهی 206/1 روزه، حدود 727/5 لیتر است (این گاو روزانه 3/53 لیتر شیر تولید می‌کند). میانگین روز های خشک این گاو 154/1 روز و میانگین وزن گوساله هنگام تولد 15/5 کیلوگرم است.

نژاد لیموزین



تاریخچه و پراکنش

منشاء اولیه و اصلی پرورش گاو نژاد لیموزین¹ منطقه‌ی ویئن هاوت² در نزدیکی شهر لیموزین است. خاک این منطقه فقیر بوده و گاو این نژاد به دلیل شرایط سخت محیطی بسیار مقاوم شده است. از آنجایی که این گاو تحمل هوای بسیار گرم تا بسیار سرد را دارد، در سراسر سال می‌توان آن‌ها را در هوای آزاد نگه داری کرد.

هدف از پرورش گاو این نژاد در قرن نوزدهم بارکشی و تولید گوشت بوده است. با پیشرفت تکنولوژی کشت گیاهان علوفه‌ای و برداشت بهتر مواد غذایی، پروار بندی این نژاد پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد و در نتیجه تولید گوشت این نژاد افزایش یافت.

1- Limousin

2- Vienne Haut

تعداد گاو های مولد این نژاد در حال حاضر 389000 راس است که بیشتر آن ها در شهر لیموزین پراکنده هستند.

خصوصیات ظاهری

رنگ پوشش بدن این گاو زرد مایل به قرمز (گندمی) است. سر کوتاه، پیشانی و پوزه ی پهنی دارد. شاخ ها متوسط و کوتاه و به سمت پایین خمیده هستند. رنگ شاخ ها زرد طلایی (بلوند) است. قفسه ی سینه پهن، دنده ها برجسته، کپل بزرگ، آلت تناسلی صورتی رنگ و سم ها به رنگ زرد طلایی هستند. گاو این نژاد جثه ای متوسط دارد و از عضله بندی خوبی برخوردار است. پاها نسبتاً کوتاه هستند و گاو های این نژاد با وجود استخوان بندی ظریف، بسیار نیرومند می باشند.

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	1100-1200	650-800
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	145-155	135-140

خصوصیات تولیدی

گاو خالص این نژاد، دوشیده نمی شود و به عنوان گاو دایه به کار می رود. میانگین تولید شیر گاو ماده در یک دوره شیر دهی 271 روزه، 4047 لیتر با 3/95 درصد چربی و 3/17 درصد پروتئین است.

اولین هدف از پرورار بندی گوساله این نژاد، راندمان بالای تولید گوشت است (تولید بیشترین گوشت در کمترین زمان). گوساله ی پروراری با شیر گاو های دایه در سن 3 تا 4 ماهگی به وزن 140 تا 170 کیلوگرم (با راندمان لاشه ی 67/5 درصد) می رسد. گوساله نر سنگین وزن برای فروش در شهر های لیون¹ و سینت اتین² پرورش داده می شود.

1- Lyon

2- Saint- Etienne

خصوصیات تولید مثلی

گاو ماده‌ی این نژاد در سن 30 ماهگی اولین زایمان خود را انجام می‌دهد. میانگین وزن گوساله در هنگام تولد 37/3 کیلوگرم است و سخت زایی در تلیسه‌ها 6 درصد برآورد شده است. مقدار 97/9 درصد از زایمان‌های این نژاد بدون مشکل، 1/8 درصد با کمک دامدار و 0/3 درصد با سخت زایی همراه است. هر گاو ماده در طول عمر خود به طور متوسط می‌تواند 6/4 گوساله داشته باشد.

نژاد لیمپورگر



تاریخچه و پراکنش

نام نژاد لیمپورگر¹ از شهر لیمپورگ گرفته شده است. بعدها این نژاد را در مناطق گیلدرف² و آلن³ و اسوابیج جیموند⁴ نیز نگه‌داری می‌کردند. تعداد زیادی از این گاو نیز در حوالی رودخانه‌ی لین پرورش داده می‌شد. از زمان پیدایش این نژاد در قرن نوزدهم، به نام آل گلدن نامیده شد. در آن زمان گاو این نژاد کوچک و ظریف بود. در اواخر قرن نوزدهم تعداد زیادی از گاو‌های طلائئ نژاد گلن، فرانکونیان و دنربرگز برای اصلاح آن استفاده شد.

1- Limpurger

2- Gaildorf

3- Aalen

4- Schwabisch Gmund

گاو لیمپورگر کوچک تر و ظریف تر از گاو نژاد فرانکونیان است که احتمالاً نتیجه‌ی انتخاب های احتمالی بوده است. اولین انجمن نژادی گاو لیمپورگر در سال 1890 در مناطق گیلدرف و آلن تاسیس شد. همچنین در سال 1891 در منطقه‌ی اسواییچ جیموند انجمن دیگری بنیان گذاشته شد.

جمعیت این نژاد از قرن بیستم شروع به کاهش گذاشت. قبل از جنگ جهانی دوم تعداد این گاو 1300 راس بود ولی در سال 1952 تنها 5 هزار راس از آن ها باقی مانده بود. امروزه تعداد کمی از این نژاد باقی مانده است که در منطقه‌ی لیمپورگر نگه داری می شود. همچنین در مناطق هاچلینگن¹ و شرق منطقه‌ی اشتونگارت نیز تعدادی از این گاو وجود دارد.

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	850-900	550-600
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	143	135

خصوصیات ظاهری

این گاو جثه ای متوسط، اسکلت بندی خوب، ماهیچه های مناسب، قدی کوتاه، سر کوچک و نسبتاً کشیده، گردنی باریک و ظریف و شاخ های قوی و نیرومندی دارد. رنگ بدن آن از طلایی کم رنگ تا زرد مایل به قرمز تغییر می کند و وضعیت قرار گیری پا ها مناسب است. اطراف چشم ها و کنار گوش ها روشن تر از دیگر نقاط بدن، و شاخ ها و سم ها طلایی رنگ می باشند.

خصوصیات تولیدی

گاو نر دارای افزایش وزن روزانه‌ی خوبی در پروار بندی است. گوشت آن دارای الیاف خوب، ترد و ماربلینگ مناسبی است. میانگین تولید شیر گاو ماده در یک دوره‌ی شیر دهی بیش از 4 هزار لیتر است.

نژاد مین آنجو



تاریخچه و پراکنش

نژاد مین آنجو¹ در سال 1830 از آمیزش نژاد شورت هورن با نژاد محلی منسل به وجود آمده و در گذشته به نژاد منسل دورهام معروف بوده است. نژاد منسل نژادی با صورت سفید (شبیبه نژاد نورمند) بود و به سرعت پرور می شد. یک قرن پیش این نژاد کمیاب و به سرعت منقرض شد. در سال 1960 برای ایجاد نژاد راج دِ آی گِست²، نژاد مین آنجو با نژاد آرموریکان ترکیب شد. در سال 1974 اتحادیه بین المللی برای پرورش این نژاد تاسیس شد. جمعیت این نژاد طبق آمار سال 1989، بالغ بر 141 هزار راس اعلام شد. این نژاد به اکثر کشورها از جمله انگلستان، استرالیا، کانادا، ژاپن، نیوزیلند و آمریکا صادر شده است. انجمن های نژادی مین آنجو در سال 1952 در کشور فرانسه و کشورهای استرالیا، نیوزیلند، کانادا، بریتانیای کبیر و ایالات متحده ی آمریکا تاسیس شد.

خصوصیات ظاهری

رنگ پوشش بدن این نژاد، ترکیبی از رنگ های قهوه ای، قرمز و سفید است. علت ترکیبی بودن رنگ در این گاو، آمیزش آن با نژاد شورت هورن است. پوست و مخاط بدن دارای رنگ دانه های خاصی نیست و شاخ ها به طرف جلو خمیده و به رنگ روشن هستند.

1- Maine Anjou

2- Rouge de l'Ouest

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	1262	913
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	152	142

خصوصیات تولیدی

در سال 1980 با آزمایشی که بر روی 5470 راس از گاو ماده این نژاد انجام گرفت، میانگین تولید شیر گاو ماده این نژاد در یک دوره شیردهی حدود 2642 لیتر با 3/69 درصد چربی و 3/23 درصد پروتئین اعلام شد. این مقدار شیر برای پرورش یک تا دو گوساله به روش پرورش با گاو دایه کافی است. متداول ترین روش تولید گوشت در این نژاد، پرواربندی گاو نر اخته از سن 30 تا 36 ماهگی است که گوشت تولیدی آن طرفداران فراوانی دارد. اگر چه گاو های با بلوغ زود رس، مقدار شیر بیشتری تولید می نمایند، ولی زودتر نیز در بدن خود چربی ذخیره می کنند. البته به گزینی انجام گرفته در سال 1950 برای کم کردن چربی شیر این نژاد، نتایج مطلوبی داشت.

خصوصیات تولید مثلی

گاو ماده‌ی این نژاد اولین گوساله‌ی خود را در سن 32 ماهگی به دنیا آورده و هر 377 روز یک بار می تواند گوساله ای داشته باشد. نزدیک به 9 درصد از زایمان ها با سخت زایی همراه بوده و در 10 درصد از گاو ها در شکم اول عمل سزارین انجام می گیرد. دوقلو زایی حدود 5 درصد بوده که بیشترین درصد در بین گاو های جهان است. وزن گوساله‌ی نژاد مین آنجو در هنگام تولد حدود 49 کیلو گرم است.

نژاد مارشی گیانا

تاریخچه و پراکنش

نژاد مارشی گیانا¹ رشد و پیشرفت خود را مدیون نژاد کیانینا است و در اصل از یک نژاد پودولین ویژه‌ی کوهستان معروف به مُنتانا به وجود آمده است. گاو نژاد مُنتانا جنه ای متوسط و رنگی خاکستری دارد و متعلق به مناطق مرتفع است. گاو مُنتانا در قرن نوزدهم با خون نژاد

1- Marchigiana



کیانینا و در اوایل قرن بیستم با نژاد رومنگولا آمیزش داده شد. حاصل این آمیزش ایجاد نژادی گوشتی به نام مارشی گیانا بود. گاو اصلاح شده‌ی مناطق دشت و جلگه ای مارشی گیانا به جنتایل¹ معروف است. دفتر انساب گله‌ی نژاد مارشی گیانا در سال 1957 تاسیس شد. انجمن های نژادی این گاو هم اکنون در کشور های استرالیا، برزیل، کانادا، بریتانیای کبیر و ایالات متحده‌ی آمریکا وجود دارد.

خصوصیات ظاهری

رنگ موی کوتاه و صاف این نژاد از خاکستری روشن تا سفید متغیر است. تنها مو های دم، مژه ها، اطراف چشم و گوش ها سیاه است. رنگ موی گوساله به هنگام تولد قرمز مایل به زرد است، ولی پس از گذشت چند ماه به رنگ اصلی خود دیده می شود. پوست بدن این گاو بسیار نازک بوده و از انعطاف پذیری خاصی برخوردار است.

گاو ماده	گاو نر	صفت
750-850	1200-1400	وزن (کیلو گرم)
140	150	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

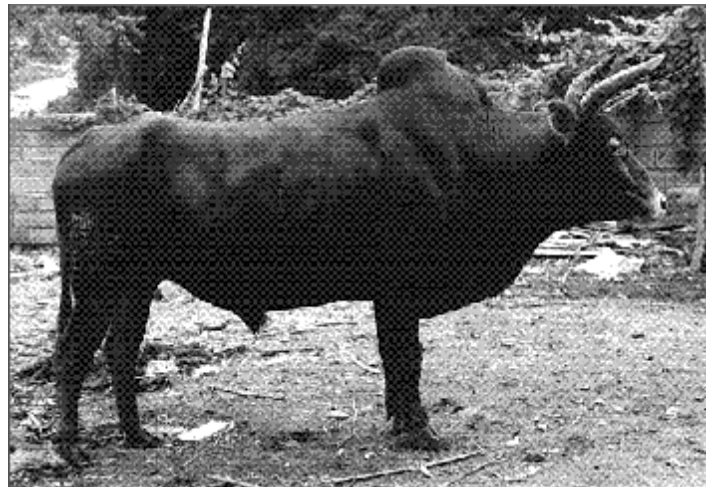
خصوصیات تولیدی

گوساله این نژاد غالباً با گاو مادر پرورش داده می شود. در مدتی کمتر از 5 ماه گوساله ی نر به وزن 250 کیلوگرم و گوساله ماده به وزن 210 کیلوگرم می رسد. گوساله گاو نر در سن 13 تا 14 ماهگی به وزنی حدود 500 تا 550 کیلوگرم می رسد و برای پروار بندی استفاده می شود. همچنین گاو نر این نژاد در مدت 15 ماه به وزن 588 کیلوگرم می رسد. افزایش وزن روزانه گاو نر در پروار بندی در حدود 1151 گرم است. بازده لاشه در دام کشتاری 67 تا 70 درصد است. در مورد شیردهی گاو ماده ی این نژاد ارقام معتبری وجود ندارد.

خصوصیات تولیدمثلی

تلیسه این نژاد زود بالغ می شود. گاو ماده در سن 14 تا 15 ماهگی با وزنی در حدود 140 کیلوگرم برای اولین بار باردار می شود و هر 12 تا 14 ماه می تواند گوساله ای داشته باشد. این مدت با توجه به روش های مختلف نگه داری تغییر می کند. وزن گوساله نر در بدو تولد 47 کیلوگرم و وزن گوساله ماده 44 کیلوگرم است و نیز استخوان بندی گوساله ظریف است به همین دلایل سخت زایی در این گاو ها به ندرت پیش می آید.

نژاد مازندرانی



تاریخچه و پراکنش

مازندران دارای گاو های بومی با جنه‌ی متوسط است که همگی از گروه گاو های کوهان دار زبو بوده و به گاو مازندرانی¹ معروف هستند. در حال حاضر جمعیت گاو بومی استان مازندران در حدود 757 هزار راس است. این گاو ها عمدتاً به صورت گله ای و در داخل جنگل پرورش داده می شوند.

در چند سال اخیر با توجه به اجرای طرح خروج دام از جنگل، بیشتر گله های خارج شده از جنگل راهی کشتارگاه ها شده اند. با طرح آمیخته گری کنترل شده‌ی دام های بومی در سطح روستاها، این گاو به سرعت جای خود را به گاو های هیبرید داد.

خصوصیات ظاهری

رنگ غالب در گاو مازندرانی معمولاً سیاه است ولی رنگ های قرمز و سفید نیز با فراوانی کم دیده می شود. مهم ترین عوامل نگه داری و پرورش این گاو عبارتند از:

- کم توقع بودن نسبت به خوراک
- چند منظوره بودن (شیری، گوشتی و کاری)
- توانایی کوچ (کوچ از مناطق دشتی قشلاق به مناطق جنگلی، میان بند و بیلاقی)
- مقاومت در برابر بیماری های منطقه

خصوصیات تولیدی

متوسط تولید شیر در هر راس گاو شیری بومی 5/67 لیتر است که این مقدار تولید با توجه به تغذیه و وضعیت بهداشتی نا مناسب حائز اهمیت زیادی است. گاو ماده بومی در شکم سوم بیشترین تولید را نسبت به سایر دوره های شیر دهی دارد. گاو ماده شیر ده در هر دوره شیر دهی به طور متوسط 246 روز شیر تولید می کند. گوساله این گاو به طور متوسط 7/68 ماه از شیر مادر استفاده می کند. سن پروار در گوساله نر پرواری به طور متوسط 21/7 ماهگی بوده و طول مدت پروار نیز از 6 تا 8 ماه متغیر است.

خصوصیات تولید مثلی

تلیسه ها در اولین جفت گیری 30/64 ماهه هستند. سن اولین زایش در این گاو در حدود 42 ماهگی است. متوسط فاصله دو زایش گاو بومی مازندرانی در شرایط روستایی 405 روز می باشد. این گاو در طول عمر مفید خود به طور متوسط 3/44 راس گوساله تولید می کند. این گاو ها در 6/21 درصد از زایمان ها با مشکل سخت زایی مواجه هستند. گاو نر مازندرانی از سن 2/36 سالگی آماده جفت گیری شده و به مدت 4/1 سال قابلیت تولید اسپرم مناسب را دارد.

نژاد ماس - راین - یسل



تاریخچه و پراکنش

منشاء نژاد ماس - راین - یسل¹ شرق و جنوب شرقی هلند در امتداد سه رودخانه ماس، راین و یسل است. این نژاد در دهه 1960 به شن زارها و مناطق وست فالی² و راین لند³ و مناطق لوگزامبورگ، بلژیک، دانمارک و بریتانیای کبیر گسترش یافت و امروزه در کشور های یوگسلاوی، مجارستان، لهستان، انگلستان، ایرلند و اسپانیا نیز وجود دارد.

1- Meuse- Rhine-Yssel

2- Westphali

3- Rhineland

نژاد های قدیمی آمیزش یافته با نژاد ماس - راین - یسل شامل نژاد های هولاندر¹، رد زیلند²، نوع درنتیش³ از نژاد اُور - یسل⁴ (شباهت بسیاری به نژاد ایرشایر اسکاتلند دارد) و نوع فورنز - آمباخت⁵ میلک رد پاید از نژاد فلاندرز⁶ می باشند.

این نژاد اجداد نژاد های بلژین رد پاید، پالیش رد اند وایت و دنیش رد پاید است. دفتر انساب این نژاد در سال 1906 در هلند تاسیس شد و امروزه انجمن های نژادی آن در کشور های هلند، کانادا، بریتانیای کبیر و ایالات متحده ی آمریکا وجود دارند.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن این نژاد اغلب سیاه و سفید به گونه ای که میزان رنگ سیاه بیش از رنگ سفید است. رنگ سفید بیشتر در ناحیه ی کتف دیده می شود و این دو رنگ در ناحیه ی زیر شکم به یکدیگر می رسند. ناحیه ی سر، بیشتر سفید با لکه هایی بر روی پیشانی، سم ها، دم و پوزه غالباً سفید، و شاخ های قوسی شکل به طرف پایین است. رنگ شاخ ها سیاه و سفید است.

گاو ماده	گاو نر	صفت
635-735	1000-1320	وزن (کیلو گرم)
130-137	142-147	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

این نژاد همیشه دارای تولید گوشت بیشتری نسبت به نژاد بلک اند وایت فریزین بوده و در عین حال، گاو ماده این نژاد تولید شیر خوبی دارد، به گونه ای که میانگین تولید شیر آن در یک دوره شیردهی در حدود 6 هزار لیتر با 4/25 درصد چربی و 3/49 درصد پروتئین اعلام شده است. شیر این نژاد دارای پروتئین بالا است و این عامل مهمی در تولید شیر در سراسر دنیا می باشد. مقدار شیر تولیدی این نژاد برای پرورش یک تا چند راس گوساله کافی است.

اگرچه همیشه تاکید و توجه بیشتر بر روی تولید شیر بوده، ولی این نژاد، به سبب سرعت رشد بالا و راندمان تبدیل خوراک مناسب مورد توجه قرار می گیرد، به ویژه این که تولید

1- Holander

2- Red Zeeland

3- Drentish

4- Over- Yssel

5- Furnws- Ambacht

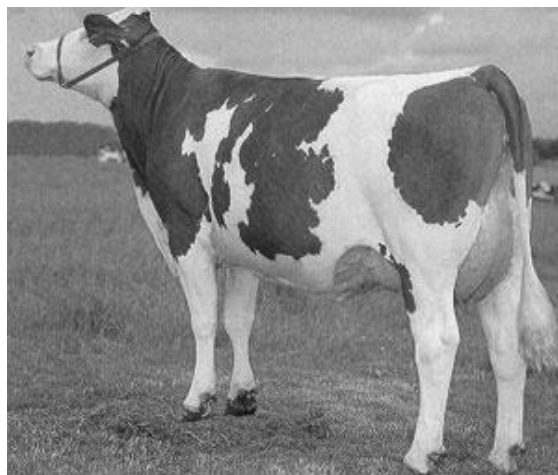
6- Flanders

گوشت گوساله بسیار مهم است. این نژاد دومین نژاد شیری کشور هلند بوده و ساختار بدنی قوی، اندام های حرکتی سالم و مناسبی دارد. افزایش وزن در پروار بندی این نژاد حدود 1154 گرم در روز است.

خصوصیات تولید مثلی

گاو ماده این نژاد گوساله زایی آسانی دارد و مدت زمان آبستنی آن 8 روز کوتاه تر از نژاد فریزین است.

نژاد مونت بیلارد



تاریخچه و پراکنش

نژاد مونت بیلارد¹ در گروه گاو های رد پاید مناطق مرتفع فرانسه قرار می گیرد و به نام آلساتیان² نیز معروف بوده و نژادی در حال گسترش بوده و تا سوئیس گسترش یافته است. نژاد مونت بیلارد شبیه نژاد سیمنتال می باشد، با این تفاوت که ترکیبی زیباتر و پوشش رنگی قرمز روشن تا زرد برنزه دارد و منشأ یکسانی با نژاد برنز قدیمی ایجاد شده به وسیله ی

1- Motbeliard

2- Alsatian

نژاد مینونایتز¹ در طول قرن هجدهم دارد. دفتر انساب و انجمن نژادی آن در سال 1889 تاسیس شد.

خصوصیات ظاهری

این گاو از نظر خصوصیات ظاهری شبیه نژاد ژرمن پاید است، با این تفاوت که فرم بدن و عضله بندی آن به سبب انتخاب برای تولید شیر، از گاو ژرمن پاید کوچک تر است. گاو ماده آن دارای پستانی حجیم (کاملاً تیپ شیری) می باشد.

گاو ماده	گاو نر	صفت
650-750	900-1100	وزن (کیلو گرم)
136	148	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

این نژاد همانند نژاد بلک اند وایت فرانسه، تولید شیر بالایی دارد. در 10 سال اخیر میانگین تولید شیر این نژاد در یک دوره شیردهی بیش از 5 هزار لیتر اعلام شده است. شیر این گاو برای تهیه پنیر استفاده می شود. گوساله موننت بیلبارد در سن 14 تا 15 ماهگی یعنی پایان پروار بندی وزنی بین 470 تا 570 کیلوگرم و راندمان لاشه 57 درصد دارد. نتیجه آمیزش گاو نر نژاد شاروله با گاو ماده این نژاد، به دست آمدن گاو نر بسیار مطلوب بوده است.

خصوصیات تولید مثلی

میانگین سن تلیسه هنگام به دنیا آوردن اولین گوساله، 33 ماه است. دوره آبستنی گاو ماده در این نژاد 289 روز است و هر 387 روز یک بار می تواند گوساله ای به دنیا آورد.

مورنا وردنفلز

تاریخچه و پراکنش

به احتمال زیاد نژاد مورنا وردنفلز² در اصل متعلق به منطقه تیرول بوده که توسط راهبان به پرورش دهندگان معرفی شده است. وجه تسمیه نام این نژاد دیر موناو است. آزمایش انجام گرفته بر روی خون این نژاد، وابستگی آن به نژاد براون سوئیس را نشان داد. در اواسط قرن

1- Mennonites

2- Murnau- Werdenfels



نوزدهم برای بالا بردن توان تولید این نژاد به سختی به وسیله نژاد های براون سوئیس و اسپوتد (که از طرف شرق و غرب در نزدیکی آن بودند) اصلاح نژاد شد. در سال 1925، تعداد 10 هزار راس از این نژاد ثبت شده بود. این نژاد در طول قرن بیستم در اثر بیماری های سل و تب مالت کاهش زیادی داشت و تا انقراض این نژاد پیش رفت. در سال 1980 بسیاری از دامداران آمادگی خود را برای پرورش گاو خالص این نژاد اعلام کردند و دولت هم اقدام به نگه داری 4 هزار دُز اسپرم از 5 راس گاو نر این نژاد در بانک ژن کرد.

خصوصیات ظاهری

رنگ پوشش بدن این نژاد زرد مایل به قهوه ای، قرمز مایل به قهوه ای و زرد کم رنگ بوده و اطراف پوزه، دم، سم ها و نوک شاخ ها سیاه هستند. رنگ بدن گوساله در بدو تولد خاکستری روشن است که پس از چند ماه به رنگ زرد در می آید. این نژاد کمی کوچک تر از گاو ژرمن براون است.

گاو ماده	گاو نر	صفت
500-600	800-900	وزن (کیلو گرم)
128-130	138-140	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

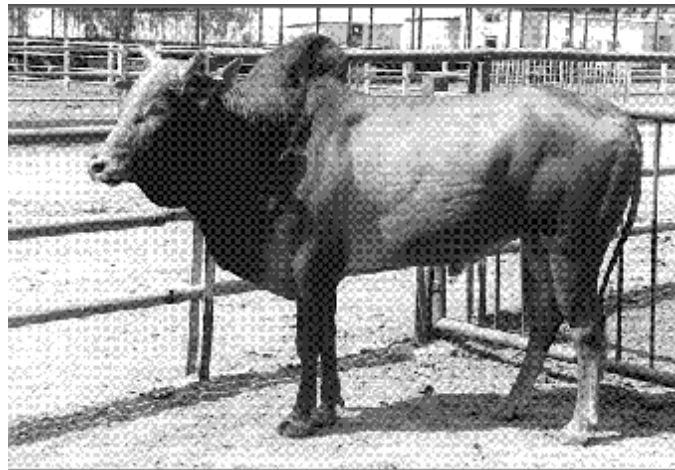
خصوصیات تولیدی

میانگین تولید شیر گاو ماده این نژاد در یک دوره‌ی شیردهی در حدود 4300 لیتر با $3/8$ درصد چربی و $3/4$ درصد پروتئین است. گاو این نژاد عمری طولانی و در نتیجه سود زیادی دارد.

خصوصیات تولید مثلی

طبق آزمایش سال 1980، اعلام شده که گاو ماده این نژاد اولین گوساله‌ی خود را در $34/6$ ماهگی به دنیا می‌آورد و هر 385 روز یک بار می‌تواند گوساله‌ی داشته باشد.

نژاد نجدی



تاریخچه و پراکنش

در مورد منشا و موطن اصلی گاو نجدی¹ نظریه ثابت و مستدلی وجود ندارد. عده‌ای معتقدند که به دلیل وجود کوهان، منشا آن‌ها گاوهای زبو موجود در هندوستان است. برخی دیگر

1- Nadjdi

عقیده دارند که این گاو از منطقه نجد عربستان به خوزستان آورده شده است. منطقه پراکنش گاو نجدی، قسمت های جنوب و جنوب شرقی استان خوزستان است.

خصوصیات ظاهری

گاو نجدی جثه ای بزرگ تر از دیگر گاو های بومی داشته، و همچنین دارای برجستگی در ناحیه جدوگاه (کوهان)، سر و صورتی ظریف، و پیشانی صاف می باشد. شاخ آن ها کوتاه و اندام های حرکتی کشیده است. پوست این گاو ظریف، نازک و پوشیده از مو های نرم و براق به رنگ قرمز خنایی روشن تا تیره است که در ناحیه زیر شکم و کشاله ران رنگ روشن تری به خود می گیرد. رنگ پوزه ای این گاو سیاه، قهوه ای یا صورتی روشن است.

در کله گاو نجدی دو زیر توده به خوبی مشخص است. یک نوع قرمز و دیگری زرد آهویی است که در بین روستاییان به ترتیب به نجدی حمرا و صفرا معروف هستند. از نظر جثه نیز می توان این گاو ها را به سه دسته بزرگ، متوسط و کوچک جثه تقسیم کرد. گاو نجدی موجود در هندوستان جثه ای بزرگ، در سوسنگرد و شوشتر جثه ای متوسط و در شادگان جثه ای کوچک دارد.

گاو نجدی توانسته در طول سال های طولانی خود را با شرایط آب و هوایی گرم و خشک و منابع غذایی محدود منطقه که بیشتر از گیاهان مرتعی ناحیه جلگه ای تشکیل شده، سازگار کرده و به تولید محصولات دامی ادامه دهد. از دیگر خصوصیات گاو نجدی مقاومت در برابر انگل های داخلی و خارجی و بیماری های بومی منطقه، توانایی راه پیمایی زیاد و استفاده از مراتع است.

خصوصیات تولیدی

متوسط تولید شیر روزانه در محیط روستایی 6 تا 8 لیتر است. میانگین طول دوره شیر دهی در گاو نجدی در طول سال های مختلف، اختلاف معنی داری با هم دارد ولی به طور متوسط طول دوره شیر دهی گاو نجدی 125 روز گزارش شده است.

میانگین تولید شیر گاو نجدی در یک دوره شیر دهی 875 لیتر با میانگین 5/8 درصد چربی گزارش شده است. میانگین افزایش وزن روزانه حدود 584 گرم و میانگین مصرف ماده خشک به ازای هر کیلوگرم افزایش وزن حدود 7/9 کیلو گرم است.

خصوصیات تولید مثلی

دامنه تغییرات طول دوره آبستنی در این گاو 260 تا 304 روز است (میانگین حدود 285/5 روز). طول دوره آبستنی گاو ماده برای جنین نر 288 روز و برای جنین ماده 283/5 روز است. از خصوصیات دیگر این نژاد عدم سخت زایی، عدم وجود بیماری های مربوط به دستگاه تناسلی و بازده تولید مثلی مناسب است.

نژاد نورماندی



تاریخچه و پراکنش

تاریخچه‌ی پرورش نژاد نورماندی¹ در کشور فرانسه به قرن های نهم و دهم بر می گردد. پس از جنگ جهانی دوم تعداد این گاو در منطقه‌ی نورماندی رو به کاهش گذاشت. از سال 1946 دامپروران حرفه ای موظف شدند که رکورد برداری کاملی از تولید شیر گاو خود به عمل آورند. در سال 1949 ثبت گاو نر واجد شرایط در دفتر انساب آغاز شد. هم اکنون جمعیت این نژاد 5/5 میلیون راس اعلام شده که در 52 منطقه از 95 منطقه‌ی کشاورزی کشور فرانسه پراکنده است.

1- Normande

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن گاو این نژاد قهوه ای بلوطی با لکه های سیاه و خطوط کوچک و بزرگی در زمینه سفید است. سر غالباً سفید است و حلقه‌ی سفیدی در اطراف چشم‌ها وجود دارد. خصوصیات ظاهری این گاو سبب شده که نژادی دو منظوره (شیری و گوشتی) باشد. پستان های گاو ماده این نژاد حجیم بوده و پستانک های خوبی دارند.

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	1000-1300	600-800
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	150-160	135-145

خصوصیات تولیدی

میانگین تولید شیر گاو ماده در یک دوره‌ی شیردهی در حدود 4 هزار لیتر با 4/04 تا 7/18 درصد چربی و 3/35 تا 3/39 درصد پروتئین است. شیر این گاو دارای خصوصیات مناسب برای تهیه‌ی پنیر مناسب است.

گاو این نژاد می تواند به عنوان گاو دایه در یک زمان 3 گوساله را تغذیه نماید که این گوساله ها پس از پایان دوره‌ی شیر خواری به طور متوسط 280 کیلوگرم وزن داشته و افزایش وزن روزانه ای در حدود 1 کیلوگرم دارند.

گاو نر جوان در سن 12 تا 15 ماهگی به روش پروار بندی متمرکز با سیلاژ ذرت و مواد کنسانتره نگه داری می شود. افزایش وزن روزانه این گاو تقریباً 1300 گرم است و به وزن 500 تا 550 کیلوگرم با راندمان لاشه‌ی 57 درصد می رسد.

با به کار گیری سیستم پروار بندی در مرتع، یعنی استفاده از مرتع در تابستان و استفاده از سیلاژ ذرت علوفه ای در زمستان، گاو نر در سن 24 تا 30 ماهگی به وزن 700 کیلوگرم می رسد. به دلیل فرم بدنی خوب، حتی گاو ماده پس از 7 تا 8 دوره شیر دهی می تواند راندمان لاشه‌ی خوبی در حدود 53 درصد داشته باشند.

خصوصیات تولید مثلی

گاو ماده اولین گوساله‌ی خود را در سن 33 ماهگی به دنیا می آورد و هر 387 روز یک بار می تواند گوساله ای داشته باشد. وزن گوساله‌ی نر در هنگام تولد 44 کیلوگرم و وزن گوساله ماده 41 کیلوگرم است.

نژاد پیئمونتر



تاریخچه و پراکنش

گاو نژاد پیئمونتر¹، به ویژه در نقاط کوهستانی برای بارکشی نگه داری می شد ولی امروزه از نظر بارکشی چندان مورد نظر نیست و حتی در 20 سال اخیر سعی بر آن بوده که به جای بارکشی و تولید شیر، آن ها را برای تولید گوشت پرورش دهند. در سال 1887 دفتر انساب این نژاد تاسیس شد. بر طبق آمار سال 1987، جمعیت این گاو در کشور ایتالیا 573 هزار راس اعلام شد.

پرورش دهندگان این گاو به منظور نگه داری و پرورش گاو اصیل از صادر کردن آن به دیگر کشور ها جلوگیری کردند. در حال حاضر، در خارج از کشور ایتالیا تنها اسپرم گاو نر این نژاد قابل دسترسی است. این گاو تنها در مناطق مهم کشور ایتالیا و استان های غربی این کشور دیده می شود.

خصوصیات ظاهری

رنگ موی کوتاه و صاف این نژاد در گاو نر، خاکستری و در گاو ماده، خاکستری روشن است. مژه ها، اطراف گوش ها، دم، سم ها و شاخ ها کاملاً سیاه هستند. گوساله ها در هنگام تولد به رنگ قرمز حنایی هستند و پس از گذشت 3 الی 4 ماه به رنگ اصلی خود دیده می شوند.

1- Piemontese

این گاو در مقایسه با گاو گوشتی ایتالیا (کیانینا، مارشی گیانا و رومگنولا) دارای عضله بندی خوب و ماهیچه مضاعف¹ است.

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	800	500-600
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	140	130

خصوصیات تولیدی

بر اساس رکورد برداری در 133 راس از گاو ماده، میانگین تولید شیر در یک دوره ی شیر دهی 279 روزه، برابر 2625 لیتر با 3/78 درصد چربی و 3/27 درصد پروتئین اعلام شده است. راندمان لاشه ی این گاو نیز 65 درصد است. در ارزیابی لاشه، نسبت تولید گوشت خالص 82/27 درصد، نسبت چربی 3/61 و استخوان ها و زردپی ها 14/12 درصد برآورد شده است.

خصوصیات تولید مثلی

گاو ماده، اولین گوساله ی خود را در سن 34 ماهگی به دنیا می آورد و دوران آبستنی آن 292 روز است. گوساله ی این نژاد معمولاً 10 روز دیر تر به دنیا می آید و این موضوع برای تلیسه ها ایجاد سخت زایی می کند. وزن گوساله در هنگام تولد در حدود 50 کیلوگرم است.

نژاد رد فریزین

تاریخچه و پراکنش

از زمان شکل گیری نژاد رد فریزین² در قرن نوزدهم، در چندین منطقه، آن را با گونه های کاملاً متفاوتی به خصوص نژاد شورت هورن آمیزش داده اند. در سال 1934 این گاو در تمام مراکز پرورش در کشور آلمان وجود داشت.

در آمریکای شمالی، گاو هلشتاین قرمزی به وجود آمده که نوع مغلوب نژاد بلک اند وایت هلشتاین است. نوع اروپایی این نژاد رد فریزین است. شکل های مشابه گاو رد فریزین با

1- ماهیچه های مضاعف گوساله های این نژاد در زبان ایتالیایی به Tipo Sella coscia یا Tipo Abese مشهور است.



نام های محلی، در دیگر کشور های اروپای مرکزی وجود دارند. گاو رد فریزین در شمال و غرب کشور آلمان پراکنده بوده و هم اکنون جمعیت آن در این نواحی محدود است.

خصوصیات ظاهری

گاو این نژاد جثه ای بزرگ دارد و رنگ بدن آن قرمز تیره و سفید است. گاو ماده ماهیچه ها و استخوان بندی خوب و جثه ای متوسط دارد. پس از آمیزش این گاو با گاو رد هلشتاین، قدی بلند تر و ماهیچه های پهن تری به دست آورد. در اصل این نژاد دارای شاخ است ولی امروزه اغلب شاخ سوزی می شود.

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	1000	700
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	150	140

خصوصیات تولیدی

نژاد رد فریزین، نژادی دو منظوره با تکیه ای یکسان بر روی تولید شیر و گوشت است. میانگین تولید شیر گاو ماده در یک دوره شیر دهی در حدود 6 هزار لیتر با 4 درصد چربی و 3/5 درصد پروتئین است. این میزان، نشان دهنده شیر دهی خوب این گاو است.

افزایش وزن روزانه‌ی گاو نر در پروار بندی به طور میانگین 1300 گرم و بازده لاشه‌ی این گاو در حدود 60 درصد می باشد. این گاو دارای توان بالا و مناسب مصرف علوفه در مناطق فقیر از نظر علوفه است.

رو مگنولا



تاریخچه و پراکنش

اجداد نژاد رومگنولا¹ در قرن چهارم به وسیله‌ی گوٹ ها² به کشور ایتالیا آورده شدند. این نژاد در اصل از گاو بوس تاروس ماکروسیروس³ (آروچ هایی با شاخ های بلند) و بومی صحرا های شرق و مرکز اروپا به وجود آمده است. ولی آزمون DNA گاو های ناحیه‌ی رومگنولا نشان می دهد که همه‌ی این گاو ها حامل یک سری ژن نهفته از گاو های بوس ایندیکوس یا زبو هستند. شاید گوٹ ها که اکثراً مهاجرت می کردند از شمال هند یعنی محل زندگی گاو های زبو عبور کرده باشند. در نتیجه احتمال آمیزش اجداد این گاو با گاو نژاد زبو وجود دارد.

1- Romagnola

۲- افرادی که از آسیای صغیر به منطقه‌ی حاصلخیز رومگنولا در طول سواحل غربی دریای آدریاتیک مهاجرت کردند.

3- Bos Taurus Macroceros

در تمام نظریه ها از گاو هندی نژاد نلور به عنوان اجداد گاو های جدید بومی نام برده شده است. نژاد رومگنولا از آمیزش گاو های بومی با توده گاو های پودولیش¹ به وجود آمده است. پرورش این گاو از سال 1800 شروع شد و در سال 1900 در نمایشگاه بین المللی گاو های پاریس، با بهترین امتیاز، مقام اول را کسب کرد.

اگرچه در حال حاضر جمعیت این نژاد در حال تعادل است ولی تعداد آن در 50 سال اخیر به شدت کاهش یافته است به گونه ای که جمعیت آن در سال 1940، برابر 570 هزار راس بود ولی در سال 1980 به 60 هزار راس کاهش یافت.

این گاو در خارج از کشور ایتالیا محبوبیت زیادی به دست آورد و تقاضاهای زیادی برای آن وجود داشت. دفتر انساب گاو رومگنولا برای اولین بار در سال 1956 در کشور ایتالیا تاسیس شد. علاوه بر این انجمن نژادی آن در کشور های آرژانتین، استرالیا، کانادا، نیوزیلند، ایالات متحده ی آمریکا و بریتانیای کبیر وجود دارد.

خصوصیات ظاهری

گاو رومگنولا استخوان بندی متوسط تا سنگین و شاخ هایی چنگالی شکل با طول متوسط تا بلند دارد. رنگ بدن آن خاکستری روشن است که از سفید تابستانی تا خاکستری زمستانی تغییر می کند. گوساله این نژاد در سه تا شش ماهگی به رنگ قهوه ای است و پس از آن به رنگ اصلی خود در می آید. پوست این نژاد در شرایط آب و هوایی مرطوب ضخیم می شود. گاو رومگنولا از گاو های نژاد کیانینا و مارشی گیانا کوچک تر است.

گاو ماده	گاو نر	صفت
650-750	1100-1200	وزن (کیلو گرم)
145	155	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

از بیست سال پیش در پرورش این گاو سعی شده که علاوه بر راندمان لاشه ی بهتر، کیفیت گوشت آن نیز مطلوب و بازار پسند شود. بر این اساس گاو نر در سن 20 تا 22 ماهگی به وزن 800 تا 850 کیلوگرم می رسد. افزایش وزن روزانه در پروار گاو نر 1074 گرم است.

خصوصیات تولید مثلی

سن اولین گوساله زایی در تلیسه ای با بلوغ زود رس 16 تا 18 ماهگی است. در این سن تلیسه 450 کیلوگرم وزن دارد. وزن گوساله نر در بدو تولد 44 کیلوگرم و وزن گوساله ماده 40 کیلوگرم است. بنابراین سخت زایی در این نژاد دیده نمی شود.

نژاد سالرز



تاریخچه و پراکنش

نژاد سالرز¹ از مقاوم ترین دام های پرورشی در مرکز کانتال² محسوب می شود و نژادی سه منظوره (شیری، گوشتی و کاری) است. با وجود سه منظوره بودن آن، گاو ماده اغلب به عنوان گاو شیری نگه داری می شود. این نژاد در سال 1853 زمانی شناسایی شد که تا اندازه ای به وسیله نژاد دوون قرمز اصلاح شده بود. نژاد های شورت هورن و هایلند نیز به توسعه و اصلاح این نژاد کمک کردند، ولی امروزه این نژاد را اغلب با نژاد شاروله آمیزش می دهند. نظریه ای مبنی بر امکان وجود خون گاو بوس ایندیکوس در این نژاد وجود دارد.

1- Salers

2- Cantal

در سال 1979، تعداد جمعیت این نژاد در دفتر انساب حدود 178 هزار راس بود که بیشتر آن را گاو ماده تشکیل می داد. انجمن نژادی سالرز در سال 1908 تاسیس شد و پس از آن در کشور های کانادا و ایالات متحده ی آمریکا نیز به وجود آمد.

خصوصیات ظاهری

نژاد کوهی قوی و خوش بنیه ای است که در آب و هوای سخت و مناطق فقیر از نظر پوشش گیاهی نگه داری می شود. پوشش بدن قرمز شاه بلوطی و مجعد در این نژاد برای محافظت در برابر سرما و رطوبت ضخیم می باشد، ولی در آب و هوای گرم تر، صاف و نرم می شود. رنگ تیره ی پوست، محافظت بیشتری را در آب و هوای گرم به این گاو می دهد و خطر بروز مشکلات برای چشم ها و پستان را کاهش می دهد.

شاخ های این نژاد مانند شاخ نژاد های آبراک و گاسکون¹ بلند است و به طرف بیرون و به شکل زیبایی رو به بالا رشد کرده و سپس به سمت عقب و رو به بیرون خم می شود. نژاد سالرز، نژاد کوهی یا کوهستانی کاملاً بزرگ است و جزء گاو های مناطق مرتفع به شمار می آید. لگن گاو ماده در این نژاد به طور غیر طبیعی پهن و عریض است.

گاو ماده	گاو نر	صفت
650-800	1000-1200	وزن (کیلو گرم)
142	152	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

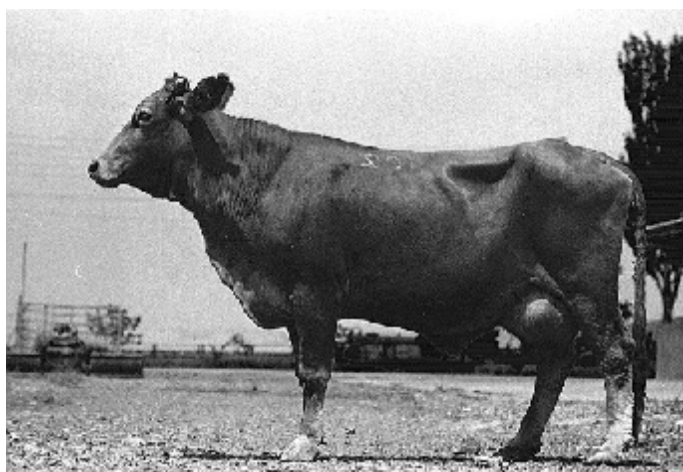
در سال 1980 با انجام کنترل بر روی 8655 راس از گاو ماده ی این نژاد، میانگین تولید شیر این نژاد در حدود 2614 لیتر با 3/6 درصد چربی و 3/2 درصد پروتئین اعلام شد. این مقدار شیر برای پرورش یک تا دو گوساله به روش پرورش با گاو دایه کافی است. هدف اصلی از پروار بندی این نژاد، رساندن گوساله ی پرواری به سن 15 ماهگی است که افزایش وزن روزانه ای در حدود 1350 تا 1450 گرم دارد. شیر کافی برای رشد گوساله و بلوغ زود رس سبب شده که گاو این نژاد لاشه ای با نسبت بالای گوشت نسبت به استخوان داشته باشد. گاو سالرز دارای گوشتی با ماربلینگ خوب است و گاو ماده این نژاد قدرت باروری بالایی دارد.

1- Gascon

خصوصیات تولید مثلی

با آزمایشی که در مراتع آزاد بین گاو های ماده این نژاد انجام گرفت، از 100 راس گاو ماده، 95 راس آبستن شدند و در سن 34 ماهگی اولین گوساله ی خود را به دنیا آوردند. گاو ماده این نژاد گوساله زایی راحتی دارد و اکثر زایمان های آن در فصل زمستان انجام می گیرد.

نژاد سرابی



تاریخچه و پراکنش

گاو سرابی¹ بدون کوهان است، به همین دلیل احتمال می رود که اجداد این گاو، گاو بوس پرمیژنیوس و گاو بدون کوهان بوس لانگی فرونس باشد. این امکان نیز وجود دارد که گاو سرابی از گاو های بوس تاروس پرمیژنیوس مشتق شده باشد و از نظر جانور شناسی در گروه بوس تاروس پرمیژنیوس قرار می گیرند.

پراکندگی این نژاد به طور عمده در منطقه سراب و اطراف شهرستان های میانه، اردبیل، خوی و حتی اطراف تهران و کرج و همچنین در شمال کشور و مناطق نزدیک گردنه حیران

1- Sarabi

بوده و توسط دامداران سنتی نگه داری می شود. از گاو نر سرابی در اکثر شهرستان های کشور برای پرورار بندی استفاده می شود. هم اکنون جمعیت این نژاد حدود 5 هزار راس است.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن گاو سرابی طیف های متنوعی دارد و به طور کلی از زرد روشن تا قهوه ای سوخته متغیر است و گاهی اوقات به رنگ زرد با لکه های سفید نیز دیده شده است. برخی از گاو ها نیز بر روی گردن و شانه خود مو های سیاه رنگی دارند. در این گاو، پوزه، فرج و اطراف چشم ها به رنگ های قهوه ای، سفید، کرم، سیاه، خاکستری و یا مخلوطی از این رنگ ها است. پستان گاو سرابی از مو های زرد روشن و نرم پوشیده شده است.

در محل پیشانی این گاو مو های اضافی روییده و اکثراً شاخ دار هستند. شاخ در گاو سرابی، کوتاه، انحنا به طرف عقب و رنگ آن از سفید تا سیاه متغیر است.

صفت	گاو نر	گاو ماده
وزن (کیلو گرم)	550 - 600	300 - 500
ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)	142	134

خصوصیات تولیدی

حداکثر شیر تولیدی گاو سرابی در یک دوره شیردهی با احتساب تغذیه شیر گوساله، 2852 لیتر است. میانگین شیر تولیدی این گاو 7/2 لیتر با 4/5 درصد چربی و 4/04 درصد پروتئین است. بر اساس رکورد قدیمی دیگری، تولید شیر این گاو ها حداکثر 4 هزار لیتر و حداقل 500 لیتر در یک دوره شیر دهی می باشد. حداکثر شیر تولیدی در یک دوره، 6 تا 8 لیتر در روز گزارش شده است.

خصوصیات تولید مثلی

وزن گوساله نر این نژاد در بدو تولد 26 کیلوگرم می باشد و در سن 15 ماهگی قادر به جفت گیری است. گوساله ماده در هنگام تولد وزنی بین 22 تا 23 کیلوگرم دارد و در سن 18 ماهگی قادر به جفت گیری است. گاو سرابی، گاوی با بلوغ زود رس به شمار می آید. میانگین طول دوره آبستنی گاو ماده سرابی 283/3 روز و میانگین سن اولین زایش در تلیسه ها 27 ماه و 15 روز است. درصد سخت زایی در این گاو 1/28 درصد برآورد شده است.

نژاد سیمنتال



تاریخچه و پراکنش

منشا گاو سیمنتال¹ یک نژاد محلی به نام برنژ² است که در دوره‌ی سیم³ به وجود آمده است. رنگ بدن این گاو سیاه و سفید یا قرمز و سفید خال خالی و گاهی اوقات یکدست قرمز بود. تا اواسط قرن نوزدهم گاو ها اغلب در گله های ترکیبی پخش بودند. در آن زمان انواع قرمز و سفید اساساً بلند تر و قوی تر از انواع سیاه و سفید نگه داری شده در ایالت فریبورگ بودند. با این وجود پس از سال 1870، ایجاد نژاد های اصیل و خالص به تدریج رایج شد و دو گونه‌ی رد اند وایت و بلک اند وایت بر اساس رنگ از هم جدا شدند. نوع رد اند وایت سیمنتال به عنوان یک نژاد سه منظوره پرورش یافت. این گاو پوشش قرمز و سفید مایل به زرد، و صورت، اندام های حرکتی و دم سفید داشت و در قرن هجدهم به دیگر نقاط جهان صادر شد. در قرن های نوزدهم و بیستم صادرات این گاو به مناطق همسایه گسترش یافت و نژاد سیمنتال به طور گسترده ای برای اصلاح نژاد و بهبود انواع محلی استفاده شد. چهار نوع معروف این نژاد، سوئسی، اتریشی، آلمانی (فلکویه)⁴ و فرانسوی (پای روژدوله)⁵ هستند. انواع دیگری از این گاو نیز در دیگر کشورهای اروپایی وجود دارد.

1- Simmental
4- Fleckvieh

2- Bernese
5- Pie Rouge de l Est

3- Simme

انجمن نژادی گاو نژاد سیمنتال در سال 1980 در کشور سوئیس تاسیس شد و پس از آن، انجمن های نژادی در کشورهای آرژانتین، استرالیا، اتریش، برزیل، کانادا، چین، ایرلند، نامی بیا، نیوزیلند، آفریقای جنوبی، سوئد، بریتانیای کبیر، ایالات متحده ی آمریکا، اروگوئه، زامبیا و زیمباوه نیز تاسیس شد.

خصوصیات ظاهری

این نژاد جثه ای متوسط تا بزرگ، استخوان بندی قوی و عضلات خوبی دارد. دارای رنگ های مختلفی از زرد تا قرمز با لکه های سفید و خالدار است و گاهی اوقات لکه های سفید رنگی نیز دارد. رنگ سر همیشه سفید است و گاهی لکه های رنگی در پشت چشم ها دیده می شود. قسمت پایین اندام های حرکتی و دم نیز سفید رنگ است. لکه های سفید رنگی نیز روی شاخ ها و کپل دیده می شود. این گاو شاخ دار است. اتصال پستان به بدن مناسب است. اگرچه پستان های بزرگی ندارند ولی توانایی تولید شیر زیادی دارند.

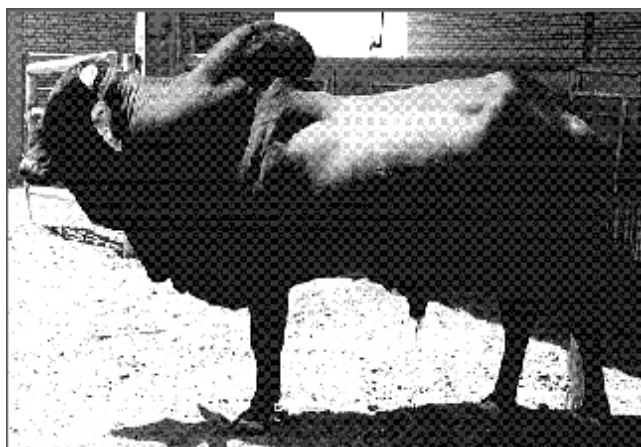
گاو ماده	گاو نر	صفت
750	1200	وزن (کیلو گرم)
138-142	150-158	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

این نژاد دو منظوره (شیری و گوشتی) است. میانگین تولید شیر گاو ماده در یک دوره شیردهی در حدود 5100 لیتر با 4 درصد چربی و 3/4 درصد پروتئین است. گاو این نژاد افزایش وزن خوبی در پروار بندی دارد به گونه ای که افزایش وزن گاو نر در پروار بندی در حدود 1300 گرم در روز است و بازده لاشه ی آن 63 درصد است.

این گاو از همه لحاظ برای آمیزش با گاو های نژاد کوچک تر مناسب است. در خارج از کشور سوئیس این گاو را تنها برای استفاده از گوشت خوب آن نگه داری می کنند.

نژاد سیستانی



تاریخچه و پراکنش

موطن اصلی گاو سیستانی¹ منطقه سیستان است. درباره منشا گاو سیستانی تا کنون هیچ گزارش علمی ارائه نشده است. ولی عده ای معتقدند که آن ها دارای برخی خصوصیات گاو های کوهان دار آسیایی مانند زبو و برهمن هستند. برخی نیز گزارش نموده اند که به احتمال قوی منشا اصلی گاو های زبو، بلوچستان و مناطق خشک ایران قدیم بوده و از آنجا به دره ی هند منتقل و در آنجا نگه داری شده اند.

گاو سیستانی عمدتاً در منطقه سیستان و در دشت هامون پراکنده است و در شهرستان های خاش و زاهدان نیز برای پروار بندی نگه داری می شود. جمعیت آن بر اساس آمار موجود 139 هزار راس است.

خصوصیات ظاهری

گاو سیستانی گاوی کوهان دار است. کوهان آن بزرگ و گوشتی بوده و اندازه آن در گاو نر بزرگ تر است. غبغب این گاو بلند و چین دار است و از زیر گردن تا زیر قفسه سینه و حد فاصل بین دست ها ادامه دارد. در گاو نر غبغب بلند تر و دارای چین بیشتری است.

1- Sistani

این گاو ها از لحاظ شکل و وضعیت ظاهر مانند اکثر گاو های زبو، عموماً بدنی شیب دار، دست و پا هایی کشیده و کمر و پشتی قوس دار و فرو رفته دارند. سر گاو سیستانی نسبتاً کوچک و مثلثی شکل، پیشانی پهن و برجسته و پوست نرم و لطیف دارد. صفت بی شاخی در این گاو غالب است. اغلب، گاو نر و ماده این نژاد فاقد شاخ یا دارای شاخ های کوتاه و کلفتی است. شاخ این گاو به جمجمه متصل نیست و اغلب لقی و شکننده است.

رنگ اغلب این گاو ها سیاه بوده ولی رنگ های ابلق، خاکستری، خرمایی و غیره نیز در بین این گاو ها دیده شده است.

گاو سیستانی از نظر جثه بر کلیه گاو های بومی و به طور نسبی بر گاو های خارجی برتری دارد. در بسیاری از کتاب ها، نژاد سیستانی را در گروه گاو های بزرگ جهان طبقه بندی می کنند.

گاو ماده	گاو نر	صفت
404	620	وزن (کیلو گرم)
118/5	121/7	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

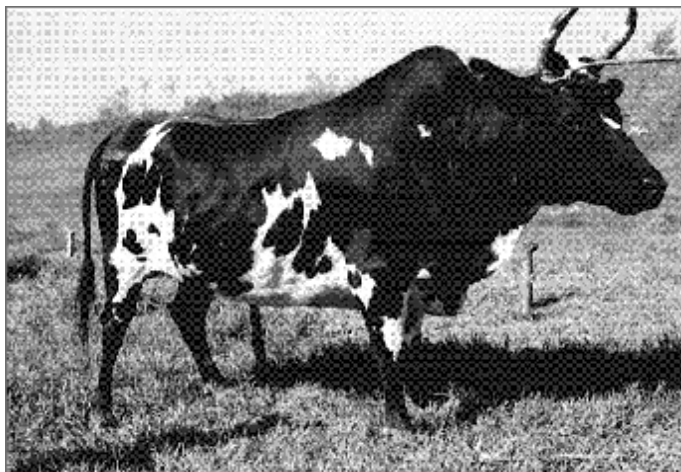
میانگین افزایش وزن روزانه گوساله نر پرواری این نژاد بسیار قابل توجه است. افزایش وزن روزانه برای سنین مختلف، متفاوت است، ولی افزایش وزن روزانه برای گوساله های نر 9 تا 14 ماهه تا 1000 گرم نیز گزارش شده است. همچنین بر اساس تحقیقات انجام شده، گاو سیستانی در پروار بندی بسیار ممتاز است.

میانگین تولید شیر روزانه این گاو 5/7 لیتر و میانگین شیر تولیدی در یک دوره شیر دهی 1262 لیتر است.

خصوصیات تولید مثلی

وزن تولد گوساله های نر 24/1 کیلوگرم و وزن تولد گوساله های ماده 21/8 کیلوگرم است. میانگین فاصله ی بین دو زایمان در این گاو $19/6 \pm 4/4$ روز و میانگین روزهای باز $17/8 \pm 3/3$ روز است.

نژاد تالشی



تاریخچه و پراکنش

مورخان عقیده دارند که گاو تالشی¹ در حدود 3 هزار سال قبل از میلاد به ایران آورده شده است. آن ها اظهار داشته اند که قبل از ورود آریایی ها به ایران، کشاورزی و دامداری در استان گیلان و نیز تالش توسط قوم کاووس یعنی اجداد ساکنان امروزی این منطقه، رونق زیادی داشته است.

خصوصیات ظاهری

گاو تالشی دارای جثه ای متوسط و کوهان و غبغبی بلند است و از نظر جانور شناسی به گروه گاو های شبه قاره هند تعلق دارد. این گاو به رنگ های مختلف از سیاه و ابلق تا زرد وحنایی دیده می شود.

گاو تالشی از غریزه مادری بسیار بالایی برخوردار بوده و علاقه شدیدی به گوساله ای خود دارد از این رو در شرایط سنتی، قبل از شیر دوشی که در دو نوبت صبح و عصر انجام می گیرد، نخست گوساله از پستان مادر شیر خورده، سپس افراد شیر دوش با طناب مخصوص

1- Taleshi

تهیه شده از کرک بز (چتو)، گوساله را به شاخ های مادرش بسته و سپس شیر دوشی را با دست انجام می دهند.

وزن گاو ماده در هنگام بلوغ کامل 320 کیلوگرم و وزن گاو نر هنگام بلوغ کامل 410 کیلوگرم است. حداکثر وزن مشاهده شده در گاو نر 600 کیلوگرم است.

خصوصیات تولیدی

در تحقیقی که در سال 1365 در گوساله های نر بومی گیلان انجام گرفت، افزایش وزن روزانه بیش از 600 گرم گزارش شده است. متوسط افزایش وزن روزانه برابر 626/7 گرم و حداکثر افزایش وزن مشاهده شده 1100 کیلوگرم بوده است.

میانگین تولید شیر روزانه در این نژاد 4 تا 4/5 لیتر و در دامنه‌ی 1/1 تا 8/2 لیتر است. طول دوره شیر دهی گاو ماده در شرایط روستایی حدود 8 تا 10 ماه است. بیشترین طول دوره شیر دهی در این گاو 320 روز گزارش شده است.

خصوصیات تولید مثلی

در شرایط روستایی، سن اولین آبستنی گاو تالشی در حدود 2 تا 3 سالگی است. ولی در شرایط ایستگاه فومن، سن اولین آبستنی در حدود 18 تا 20 ماهگی ثبت شده است. وزن تلیسه در اولین آبستنی 180 تا 200 کیلوگرم و وزن گاو نر در اولین جفت گیری 250 کیلوگرم است.

نژاد تگزاس لانگ هورن

تاریخچه و پراکنش

نژاد تگزاس لانگ هورن¹، از نژاد های پایه‌ی برهمن، هر فورد، آبردین آنگوس و شورت هورن به وجود آمده و همانند نژاد های بیف مستر، برانگوس و سانتاگرتودیس در آمریکا فراوان است. بیش از یک چهارم مساحت تگزاس (2590 هزار کیلومتر مربع)، تحت پرورش لانگ هورن های تگزاسی است. مراتع باز و پهناور شمال منطقه‌ی پند هندل، به جایگاه های



پروار تبدیل، و برای پروار بندی متراکم دام های جوان این نژاد به کار گرفته شد. این مناطق شامل فلوریدا، کالیفرنیا، تگزاس و نیو مکزیکو بودند. در سال 1960 گله‌ی بزرگی از کریولو ها در نزدیکی رودخانه‌ی سابین (منطقه‌ی تگزاس امروزی) توسط افراد مامور مکزیک در اسپانیا به وجود آمد. در گذشته، تگزاس تحت کنترل مکزیک بود تا این که در سال 1845 میلادی به عنوان ایالت بیست و هشتم به آمریکا پیوست. به زودی گله های آمیخته در این گله های اسپانیایی شاخ بلند، در اثر دو قرن انتخاب طبیعی در محیط های سخت و ناگوار، گله های آمیخته‌ی اسپینیش لانگ هورن سرسخت و پر طاقت شدند و تعداد آن ها در نواحی ریو، براوو و سابین به شدت افزایش یافت. همچنین این گاو ها به شدت وحشی شدند به طوری که حتی قادر به دفاع از خود در بیابان های گرم و خشک یا حتی شرایط برفی زمستان بودند. تا دهه‌ی 1860، تعداد گاو های وحشی تگزاسی به میلیون ها راس رسید، تا این که تگزاسی ها پس از جنگ های داخلی شروع به جمع آوری و شکار آن ها کردند. تا اواخر قرن نوزدهم، گاو های تگزاس لانگ هورن همانند گاو های لانگ هورن کشور انگلستان با خطر انقراض رو به رو شدند. در سال 1960 تنها 2500 راس گاو لانگ هورن در آمریکا وجود داشت. در سال 1964، هنگامی که گروهی از پرورش دهندگان متوجه وجود انجمن پرورش دهندگان گاو های این نژاد در آمریکا شدند، تنها 1500 راس از گاو های خالص این نژاد باقی مانده بود که در باغ وحش ها، پناهگاه ها و پارک ها پراکنده بودند، به همین دلیل،

انجمن پرورش دهندگان، این گاو ها را به تگزاس آوردند. امروزه تعداد گاو های این نژاد حدود 100 هزار راس است.

خصوصیات

نژاد تگزاس لانگ هورن سازگاری خوبی با محیط خود پیدا کرده و با انتخاب طبیعی به طور کامل اصلاح شده، به طوری که پروار بندی و استقامت این گاو ها بسیار معروف است. این نژاد همانند برخی نژاد های ساکن در جزایر و نیز مناطق مرتفع اروپا، دارای توانایی استفاده‌ی مؤثر از علوفه خشک و نا مرغوب، حتی یوکا¹ و ریشه های کاکتوس و نیز مراقبت عالی از خود هستند. گاو های ماده، گوساله زایی راحتی داشته و مادران بسیار خوبی هستند. گوساله ها دارای مقاومت بالایی در برابر انگل ها و بیماری ها هستند. این گاو به طور طبیعی همیشه لاغر بوده و از نظر اقتصادی راندمان خوبی ندارد.

در این گاو ها هیچ گونه استاندارد دی در مورد رنگ وجود ندارد و پرورش دهندگان نیز اقدامی برای ایجاد رنگ خاص در این نژاد نکرده اند. گاو لانگ هورن، حیوانی بلند و مرتعی بوده و کفل آن بلندتر از ستیغ گردنی است. این نژاد دارای سر دراز و بزرگ و شاخ هایی به شکل فرمان دو چرخه است که به راحتی قابل تشخیص می باشد. در گاو ماده‌ی این نژاد شاخ ها منشعب، دراز و باریک است. در گاو نر، شاخ ها به سمت بیرون، جلو و دو باره به بیرون پیچ می خورند. فاصله نوک دو شاخ از هم 100 سانتی متر و طول هر یک اغلب 150 تا 180 سانتی متر است. در برخی موارد خاص تا 275 سانتی متر هم می رسد.

نژاد وُردِر والدِر

تاریخچه و پراکنش

در سال 1829 به این گاو، فارست کاو گفته می شد ولی بعد ها این گاو به دو دسته‌ی گاو های بزرگ (وُردِر والدِر² امروزی) و گاو های کوچک (کوچک ترین نژاد در بین نژاد های اروپایی) یعنی هینتر والدِر امروزی تمایز یافت.

در اواسط دهه‌ی 1960 پرورش دهندگان تصمیم گرفتند که از اسپرم چهار گاو نر ایرشایر برای بهبود تولید این نژاد استفاده کنند و در نتیجه شیر و چربی این گاو افزایش ولی عضلات

1- Yucca

2- Vorder Walder



آن ضعیف تر شد. به همین دلیل، آن را با گاو نر نژاد هلشتاین آمیزش دادند. این آمیزش سبب افزایش تولید شیر و محتویات آن در این نژاد شد. این نژاد هم اکنون حاوی 10 درصد از ژن های نژاد ایرشایر و 15 درصد از محتویات ژنتیکی نژاد رد هلشتاین در گاو نر و 10 درصد در گاو ماده است. گاو های نر این نژاد در قسمت مرکزی و جنوب بلک فارست پراکنده است و در مناطق کوهستانی زندگی نمی کنند.

خصوصیات ظاهری

گاو کوچکی با استخوان بندی مناسب است. رنگ پوشش بدن این نژاد قرمز تیره و سفید می باشد و گاهی اوقات لکه هایی در میان رنگ اصلی دیده می شود. گاهی نیز رنگ بدن این نژاد یکدست سفید است، ولی سر و پاها عمدتاً سفید هستند. ظاهر این گاو مانند گاو پاید ولی از نظر جثه شباهتی به آن ندارد. این گاو دارای عمری طولانی و مناسب برای چرا در علف زارهای فقیر است.

گاو ماده	گاو نر	صفت
550-600	850-900	وزن (کیلو گرم)
128-135	140	ارتفاع جدوگاه (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

نژادی دو منظوره با تاکید یکسان بر روی تولید شیر و گوشت است. میانگین تولید گاو ماده این نژاد در یک دوره‌ی شیردهی در حدود 4300 لیتر با 4 درصد چربی و 3/4 درصد پروتئین است. بر اساس آزمایش ایستگاهی افزایش وزن گاو نر در پروار بندی، 1100 گرم در روز گزارش شده است.

نژاد یاک



تاریخچه و پراکنش

یاک¹ اهلی (بوس (پوئفاگوس) گرانیینز²) یا گاو غرغر کننده در مناطق فلات تبت، کشور های همسایه‌ی هیمالیا و محدوده‌ی آلتای³ در مغولستان زندگی می کند. جمعیت های اصلی این نژاد در کوهستان ها، فلات تبت، غرب چین، شمال افغانستان از هیمالیا تا غرب چین و از تاجیکستان تا قزاقستان، مغولستان و سیبری یافت می شود. این گاو کمتر از 3 هزار سال قبل اهلی شده و در حاشیه‌ی مناطق تبت با گاو های اهلی آمیزش انجام داده است. در سال 1980، جمعیت تخمینی این نژاد در چین بیش از 12 میلیون راس بود که در حدود 85 درصد از مجموع یاک های سراسر جهان را تشکیل می دادند. اکثر گاو های یاک

1-Yak

2- (Bos (Poephagus) grunniens)

3- Alta

(حدود 70 درصد) در مناطق علف زاری شمال و غرب استان سیچوان¹ یعنی در نواحی سرد کوهستانی و مرتفع چین و دارای بیش از سه هزار متر ارتفاع زندگی می کنند و 30 درصد دیگر این گاو ها در مناطق استپی سرد، مرتفع، خشک و بی حاصل شمال تبت و غرب استان گینگای² در ارتفاعات 4500 تا 5000 متری پراکنده هستند. میانگین دمای این منطقه صفر درجه و بارش سالانه تنها 200 تا 300 میلی متر در منطقه اینوم³ می باشد که منطقه ای برای یاک ها و بز ها است ولی مختص گله های گاو و گوسفند نیست. حدود 10 درصد دیگر از این گاو ها در مناطق استپی کوهستانی شمال تبت و بقیه در کوهستان های منطقه ای بیابانی شمال غربی حاشیه استان اکسینجیانگ⁴ پراکنده هستند

گاو نژاد یاک برای افراد ساکن در مناطق کوهستانی مفید و ضروری است. یاک اهلی مدت ها قبل از یاک وحشی تبت رام شده است. در تبت گاو نر تبتی را به عنوان برونک یا درونگ⁵ و ماده ی آن را تحت عنوان برونگیری یا درونگری⁶ می شناسند.

خصوصیات

رنگ بدن یاک متغیر است و اغلب به رنگ قهوه ای تیره می باشد، ولی می تواند سفید خالص، نقره ای خاکستری، قرمز، سبز، شاه بلوطی مایل به آبی، قرمز مایل به سفید و یا ابلق باشد و اغلب، نقاط سفیدی بر روی صورت خود دارد.

حدود 90 درصد از یاک های کشور مغولستان بی شاخ ولی در نپال اغلب یاک ها شاخ دار هستند. شیر یاک محصول مهمی است. تولید شیر سالانه آن ها در حدود 400 لیتر با 7 درصد چربی است. شیر این گاو دارای ذرات چربی بزرگی است. از شیر یاک برای تهیه پنیر و کره استفاده می شود.

هر گاو، سالانه حدود 3 کیلوگرم پشم تولید می کند که در تهیه روکش، چادر و طناب استفاده می شود. در کوه های هیمالیا از مدفوع این گاو به عنوان سوخت نیز استفاده می شود. کاربرد اصلی این گاو در بارکشی و سوارکاری است و به عنوان کشتی های فلات شناخته شده اند. این گاو ها می توانند باری در حدود 60 تا 80 کیلوگرم را به مسافت 20 تا 30 کیلو متر در کوهستان های سرد حمل کنند.

1-Siechuan
4- Xinjiang

2- Qinghai
5- Brong or Drong

3- Annum
6- S Brongbri or Drongdri

فصل دوم

نژاد های گوسفند

جایگاه گوسفند در رده بندی جانوران

Animal	جانوران	Kingdom	سلسله
Metazoa	پر سلولی ها	Sub kingdom	زیر سلسله
Chordata	طناب داران	phylum	شاخه
Vertebrata	مهره داران	Sub Phylum	زیر شاخه
Tetrapoda	چهار پایان	Super Class	فوق رده
Mammalia	پستان داران	Class	رده
Ungulata	سم داران	Sub Class	زیر رده
Artiodactyla	زوج سمان	Order	راسته
Ruminantia	نشخوار کنندگان	Sub Order	زیر راسته
Bovoidae (Hollow horned animal)	حیوانات تهی شاخ	Super Family	فوق خانواده
Bovidae	تهی شاخان	Family	خانواده

درباره‌ی اهلی شدن گوسفند عقاید بسیار متفاوتی بیان شده است. بعضی از دانشمندان عقیده دارند که گوسفند اولین حیوانی بوده که به دست انسان اهلی شده (7 هزار سال قبل از میلاد مسیح)، در صورتی که عده‌ی دیگری اهلی شدن گوسفند و گاو را همزمان می‌دانند. آنچه که تقریباً همگی توافق دارند این است که منشاء اولیه‌ی گوسفند مناطق استپی بین دریای خزر و دریای آرال، آسیای صغیر، جنوب غربی آسیا تا هندوستان است. به نظر بعضی از دانشمندان، گوسفندان وحشی بسیاری در طبیعت وجود دارند که در دو گونه‌ی قرار دارند.

1) اویس آمون¹ که در آسیای مرکزی و اروپا می زیسته و به احتمال قوی اجداد اکثر گوسفندان اهلی امروزی می باشد. در این گونه 30 زیر گونه وجود دارد که تا کنون چهار گونه‌ی وحشی گوسفند به نام های موفلون²، اورپال³، آرگالی⁴ و ٹیک هورن⁵ شناسایی شده است. منشاء اصلی گوسفند اهلی امروزی را گونه های موفلون و اورپال می دانند. مشخصات چهار گونه‌ی بالا به شرح زیر می باشد:

الف) موفلون

در حال حاضر دو نوع از گله های وحشی موفلون وجود دارد که در آسیا و اروپا زندگی می کند. بر اساس برخی از نظریات گوسفندان وحشی موجود در قاره‌ی اروپا موفلون واقعی نیستند، زیرا عقیده بر این است که گوسفندان موجود در قاره‌ی اروپا در اواخر عصر میان سنگی از بین رفته اند و گوسفندانی که حدود 6 هزار سال قبل از میلاد توسط انسان از غرب آسیا به جزایر ساردنی و کرس برده شده اند، مجدداً به صورت وحشی در آمده اند. تفاوت در پیچش شاخ دو گله و قرمز تر بودن رنگ پوست موفلون آسیایی تا حدودی این نظریه را تایید می کند.

موفلون آسیایی کوچک ترین گوسفند وحشی است که قد آن حدود 65 تا 70 سانتی متر و نام علمی آن اویس اورینتال⁶ است. در حال حاضر گله هایی از این گوسفند در غرب آسیا زندگی می کنند. نام علمی موفلون اروپایی اویس موزیمون⁷ می باشد.

ب) اورپال (آرکال)⁸

گوسفند وحشی اورپال منحصر به قاره ی کهن آسیا بوده و به همین جهت به آن اورپال آسیایی⁹ می گویند. نام علمی آن اویس وینئی¹⁰ است و امروزه به صورت وحشی در برخی از مناطق این قاره مانند ترکیه، کوهستان های شمال شرق ایران، افغانستان و غرب تبت زندگی می کند. بررسی ها نشان می دهد اورپال آسیایی منشاء گوسفندان آسیای غربی، آسیای مرکزی و آفریقا است. قد اورپال آسیایی حدود 70 تا 90 سانتی متر و دارای شاخ های قوی سه لایه و به صورت کمان است. بر خلاف موفلون که به زندگی در

1- Ovis Ammon
4- Argali
7- O.musimon
10- O.Vienei

2- Mufflon
5- Thick horn
8- Arkal

3- Urial
6- O.oriental
9- Asiatic urial

ارتفاعات تمایل دارد، اورپال بیشتر زندگی در دشت ها و کوهپایه ها را ترجیح می دهد و اگر امروز اورپال در کوهستان ها زندگی می کند به دلیل تغییری است که بشر امروزی در نحوه ی زندگی آن داده است.

بر اساس شواهد موجود تا حدود 30 سال پیش گله های وحشی گوسفند و بز از کوهستان های زاگرس به دشت می آمدند و از کشت زار ها تغذیه کرده و با روشن شدن هوا در سپیده دم مجدداً به کوهستان باز می گشتند. همچنین این گوسفند ها برای بقای نسل خود به بهترین نحو با شرایط سخت طبیعت سازگار شده اند.

این حیوانات در اواخر پاییز آمیزش می نمایند و فصل زایش آن ها همزمان با گرم شدن هوا و رویش علوفه ی مرتع می باشد. در این زمان یخ بندان های کوهستان بر طرف شده و سرمای کوهستان سبب تلف شدن نوزاد آن ها نمی شود. این گوسفندان وحشی در زمستان های بسیار سخت به روستاهای کوهپایه پناه می آورند و چند روزی را در گله های روستایی زندگی نموده و با گرم شدن هوا مجدداً به زیستگاه خود مراجعه می کردند.

ج) آرگالی

زیستگاه اصلی و ابتدایی گوسفند وحشی آرگالی در تبت و مغولستان می باشد. آرگالی بزرگ ترین گوسفند وحشی است به طوری که قد آن حدود 125 سانتی متر و وزن آن معادل 200 کیلوگرم می باشد.

د) تیک هورن

زیستگاه ابتدایی این گوسفند در مناطق شرق سیبری و آمریکای شمالی است. شاخ های پهن و کلفت و همچنین جثه ی بزرگ آن ها سبب شده تا در یک گروه جداگانه قرار گیرند. قد آن ها حدود 100 تا 110 سانتی متر و وزن آن ها حدود 150 کیلوگرم می باشد.

2) دومین گونه ی اصلی گوسفند، اویس نیوکلا¹ که در شمال سیبری و کامچاتکا پراکنده می باشد. زیر گونه ی دیگری از این گونه به نام اویس کانادینسیس² وجود دارد که در مناطق کوهستانی آمریکای شمالی تا ایالت کالیفرنیا و شمال مکزیک پراکنده است. از این

1- Ovis Nivicola

2- Ovis Canadensis

دو گونه و زیر گونه های آن هیچ گونه گوسفند اهلی مشتق نشده و امروزه نیز فقط به صورت وحشی زندگی می کند.

گوسفندان وحشی ایران

شرایط جغرافیایی اقلیمی ایران سبب پیدایش قوچ و میش وحشی در آن گردیده است. نژاد های قوچ و میش وحشی ایران از یک گونه‌ی به خصوص متمایز شده اند که نام علمی آن اویس اورینتالیس است. محققین و پژوهشگرانی¹ که قوچ ها و میش های وحشی ایران را مطالعه و بررسی نموده اند، چهار زیر گونه‌ی خالص و پنج نژاد هیبرید را مشخص کرده اند. در زیر در مورد هر یک از این نژاد ها توضیح داده می شود.

1) نژاد اورپال

نژاد اورپال قدیمی ترین گوسفند وحشی ایران است و دارای 58 عدد کروموزوم می باشد. نام علمی آن اویس اورینتالیس آرکال² است. محل زیست این نژاد در شمال شرقی کشور است. اورپال های ایران با توجه به منطقه‌ی زیست آن ها جثه های متفاوتی دارند، به طوری که قوچ های کوهستان های مرتفع و سردسیر شمال خراسان و شاهرود، از قوچ های مناطق کویری بزرگ ترند و شاخی کلفت تر و بزرگ تر دارند. به عنوان مثال ارتفاع و طول حیوان در قوچ های منطقه‌ی حفاظت شده‌ی تندوره یا سرانی به ترتیب 100 و 150 سانتی متر است. همچنین طول شاخ حدود 115 تا 118 سانتی متر و وزن آن ها 85 کیلوگرم است. وزن میش ها کمتر و حدود 50 کیلوگرم است.

شاخ قوچ اورپال بزرگ تر از سایر نژاد های وحشی و مقطع آن مثلثی شکل (سه لبه) می باشد. در قوچ های اصیل شاخ پیچ خورده و از کنار چشم ها می گذرد. میش های اورپال بیش از سایر نژاد های وحشی دارای شاخ می باشند.

رنگ و موی بدن قوچ اورپال بر حسب فصل متغیر است. در تابستان بدن کم مو، رنگ بدن کرم متمایل به نخودی و زیر شکم سفید است. در زمستان موها بلند، قسمت قدامی بدن قهوه ای متمایل به خاکستری و قسمت خلفی و زیر شکم سفید می باشد. از خصوصیات منحصر به فرد قوچ اورپال وجود مو یا ریش بلند در زیر گلو تا سینه است.

1- Charls Nadler & Raol Waldes

2- Ovis Orientalis Arkal

سن بلوغ جسمی در قوچ 4 سالگی و حداکثر رشد در 5 سالگی و در میش ها 2 تا 3 سالگی است. فصل آمیزش بر حسب مناطق مختلف و شرایط آب و هوایی متغیر بوده و اغلب در آذر ماه است و زایش در اواخر اردیبهشت ماه می باشد.

(2) نژاد ارمنی

در مناطق غرب و شمال غربی ایران یک گونه از قوچ و میش وحشی زندگی می کند که برخی از خصوصیات آن مشابه نژاد اورپال می باشد. نام علمی این نژاد اویس اورینتالیس جملینی¹ است و مشابه گوسفند اهلی دارای 54 عدد کروموزوم می باشد.

قد، طول شاخ و طول حیوان در قوچ ارمنی به ترتیب حدود 80، 95 و 140 سانتی متر و وزن آن 50 تا 70 کیلوگرم است. وزن میش ها کمتر و حدود 30 تا 50 کیلوگرم است. مقطع شاخ در قوچ ارمنی بیضی شکل است و به طرف پشت گردن امتداد دارد. شاخ میش های ارمنی از شاخ میش های اورپال کوچک تر ولی دارای پیچش بیشتری است. در برخی از قوچ های ارمنی در زمستان مقداری از موهای پهلوها سفید رنگ می شود که اصطلاحاً به آن ها آلاکمر می گویند. ریش در قوچ ارمنی کوچک تر از قوچ اورپال ولی مشابه آن دارای موهای بلند در زیر سینه است.

مناطق که نژاد ارمنی در آن زندگی می کند پر جمعیت بوده و محل ییلاق و قشلاق عشایر مختلف است. لذا نژاد ارمنی در بیشتر اوقات سال مجبور به مهاجرت می شود و در اثر شکار غیر مجاز و رقابت شدید با دام های اهلی برای چرا در شرایط نامطلوبی زندگی می کند. محل زندگی نژاد ارمنی در ایران مناطق حفاظت شده ی جزیره ی کبودان دریاچه ی ارومیه، آنگوران زنجان، بیجار کردستان و حیات وحش کیامکی در آذربایجان شرقی است. قوچ و میش ارمنی در فصل آمیزش همراه با هم زندگی کرده به طوری که تعداد گله ی آن ها گاهی بیش از 40 راس است.

طول دوره ی آبستنی در میش حدود 5/5 ماه است. سایر عادات زندگی این نژاد مشابه نژاد اورپال است.

1- Ovis Orientalis Gemelini

(3) قوچ البرز مرکزی

از آمیزش بین دو نژاد اورپال و ارمنی گوسفند وحشی البرز مرکزی حاصل شده است. نام علمی این نژاد هیبرید اویس اورینتالیس اورینتالیس¹ و تعداد کروموزوم های آن 54 تا 58 عدد است. شاخ در قوچ البرز مرکزی حد واصل بین شاخ قوچ های اورپال و ارمنی می باشد و بیشتر به طرف گردن خمیده می شود.

(4) قوچ اصفهان

در مناطق جنوبی ایران نوعی گوسفند وحشی زندگی می کند که بیشتر به نژاد ارمنی شباهت دارد ولی از آن کوچک تر است. پیچیدگی شاخ های آن مشابه قوچ اورپال و البرز مرکزی است ولی تعداد کروموزوم های آن 54 عدد است. نام علمی این نژاد اویس اورینتالیس اصفهانیکا² است.

(5) قوچ لارستان

در مناطق جنوبی استان فارس (لارستان) زندگی می کند. از نظر شکل ظاهری شبیه قوچ اصفهان است ولی جثه ای آن کوچک تر است. نام علمی آن اویس اورینتالیس لارستانیکا³ است.

(6) قوچ کرمان

از آمیزش بین قوچ های اورپال افغان و لارستان به وجود آمده است. سه گونه ای هیبرید دیگر به نام های قوچ و میش اورپال مورچه، شیراز و عراق وجود دارند که در مورد آن ها پژوهشی صورت نگرفته است.

1- Ovis Orientalis Orientalis
3- Ovis Orientalis Larestanica

2- Ovis Orientalis Esphahanica

نژاد افشاری¹

تاریخچه

بر اساس منابع تاریخی موجود، به نظر می آید ایل افشاری موجود در منطقه‌ی افشار از بقایای ایل افشار منطقه‌ی خراسان بوده که توسط شاه عباس به این منطقه کوچ داده شده اند و احتمالاً در آن هنگام گوسفندان خود را نیز به این منطقه آورده اند. روایتی که در مجله‌ی بررسی های تاریخی از قول حسن قزاقانی نوشته شده، ورود این ایل به منطقه را به شرح زیر بیان می دارد: شاه عباس در اوایل اقتدار خود به منظور کاهش نفوذ اقوام محلی و بومی، بخشی از ایل افشار را که در جنوب اترک پراکنده بودند به آذربایجان کوچ داد که در منطقه‌ی وسیعی بین بیجار تا زنجان پراکنده شدند و به افشار قاسملو شهرت یافتند و در همان ایام افشار ها در خوزستان و کهگیلویه نیز پراکنده بودند.

جمعیت گوسفند افشاری در استان زنجان 650000 راس است. با توجه به پراکندگی این نژاد در استان های مجاور نظیر آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و کردستان انتظار می رود کل جمعیت این نژاد بسیار بیشتر از این رقم باشد.

خصوصیات ظاهری

رنگ غالب در گوسفندان بالغ، قهوه ای متمایل به قرمز یکدست، بدون لکه با دامنه‌ی تغییرات از قهوه ای روشن تا قهوه ای تیره متمایل به سیاه می باشد. رنگ بدن بره ها در بدو تولد قهوه ای متمایل به سیاه بوده و به تدریج با افزایش سن، رنگ بدن روشن تر می گردد. گوش ها معمولاً به صورت افتاده و بزرگ می باشند. ولی گوسفند افشاری نیم گوش و بدون گوش نیز دیده می شود.

قوچ ها و میش ها فاقد شاخ هستند. در قوچ ها روی بینی اکثراً انحنا وجود دارد و در میش ها روی بینی صاف یا دارای انحنای کمی است. گردن در میش ها دراز بوده و در قوچ ها قوی و ضخیم است.

گوسفند افشاری جزء گوسفندان بلند قد محسوب می گردد و بیومتر های انجام شده نشان می دهد که ارتفاع کمر در این حیوان قدری بلند تر از ارتفاع جدوگاه می باشد. اندام های حرکتی از ظرافت خاصی برخوردار است که حیوان را قادر به راه پیمایی در کوهستان و مناطق سنگلاخی می نماید.

سطح پشت، گردن، دنبه و دنبالچه در این حیوان غالباً پوشیده از پشم بوده، ولی زیر گردن، زیر شکم، اندام های حرکتی و صورت فاقد پشم است و از مو های زبری پوشیده شده که رنگ آن ها تیره تر از رنگ پشم حیوان است. این گوسفند از نظر کمیت و کیفیت پشم در مقایسه با سایر گوسفندان بومی استان، متفاوت و از نظر ظرافت الیاف با گوسفندان مغانی، قزل و بختیاری مشابه است. این نژاد پشم ضخیمی دارد که در صنعت قالی بافی استان زنجان از آن استفاده می کنند.

تیپ های مختلف

به طور کلی با توجه به گله های مورد بررسی در روستا ها و بیلاق های مناطق پراکنش گوسفند افشاری و نیز پرسش نامه های تکمیل شده به نظرمی رسد تیپ های گوناگونی از نژاد افشاری موجود باشد. در زیر به چند مورد از آن ها اشاره می شود.

تیپ قزل افشار



لفظ قزل به معنی قرمز متمایل به قهوه ای می باشد. گوسفند قزل تیبی از نژاد افشاری است که محل اصلی پراکنش آن استان های آذربایجان شرقی و غربی بوده و در میان گله های موجود در استان زنجان نیز یافت می شود. این گوسفند دارای سری نسبتاً بزرگ تر از نژاد اصلی افشاری است و پشم های ضخیم تر و کم پشت تری دارد. رنگ موی صورت و قلم های اندام حرکتی قهوه ای تیره تا متمایل به سیاه بوده و دارای دنبالچه ای است که در ابتدا قلبی شکل بوده و پر از چربی می باشد. پشم های روی دنبه، زیر شکم و زیر گردن معمولاً می ریزند و قابل استفاده نیستند. این تیپ قدری سنگین تر از نژاد اصلی است. نوعی از این تیپ تیره رنگ بوده و متمایل به سیاه است و به نام قره قزل معروف می باشد. در این گوسفندان گاهی پشم قسمت های زیادی از بدن ریخته و فقط مقدار کمی در منطقه ی پشتی حیوان باقی می ماند.

تیپ قاشقا افشار

تیپیی از نژاد افشاری بوده که تقریباً خصوصیات این نژاد از جمله لکه ی سفید روی پیشانی را دارد. این گوسفند را به وفور بین گله های افشاری می توان یافت.

تیپ قمر افشار

این گوسفند دارای رنگی تقریباً متمایل به خاکستری است.

میش	قوچ	صفت
52 تا 60	70 تا 80	وزن (کیلو گرم)
74	83	ارتفاع (سانتی متر)

نژاد آمریکن مرینو

نژاد آمریکن مرینو^۱ دارای سه تیپ A، B و C است. بیش از 95 درصد مرینوس ها بی مو یا کم مو هستند. تعدادی از پرورش دهندگان تولید اختصاصی تیپ A و B را انجام می دهند. این دو تیپ عموماً به انواع سنگین بر می گردند. تیپ A در ورمونت انتخاب و پرورش داده شده است که به این دلیل در گذشته ورمونت نامیده می شد. این نوع دارای چین های زیادی بر روی پوست می باشد که به این دلیل از دو تیپ B و C متمایز است. این چین خوردگی ها از قسمت سر شروع می شود و تمام طول تنه و قسمت های مختلف بدن حیوان را تا دم فرا می گیرد.

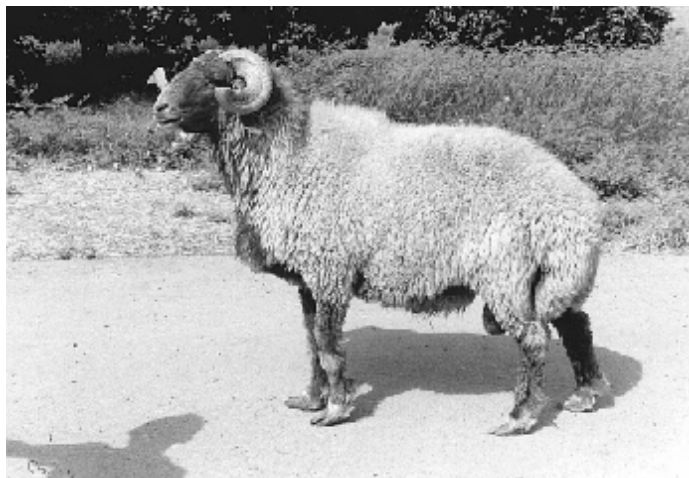
1- American Merino

این گوسفند دارای قابلیت تولید پشم زیاد است و به این دلیل باید چروک روی پشم کم باشد تا باعث کاهش کیفیت نشود. پشم های آن خوب و خیلی زبر هستند و افزایش طول آن حدود 5 سانتی متر در سال است. قوچ ها بیشتر از 11 کیلو گرم و میش ها 5/5 تا 9 کیلو گرم پشم تولید می کنند. گوسفند تیپ A معمولاً از نظر جثه کوچک تر از دو تیپ دیگر است. میانگین وزن قوچ ها 65 تا 80 کیلوگرم و میانگین وزن میش ها 45 تا 60 کیلوگرم است. به علت کیفیت پایین پشم این گوسفند و عدم ظرافت و ایجاد مشکل در هنگام پشم چینی از تعداد آن ها کاسته شده است.

تیپ B از نظر تعداد چین خوردگی حد متوسط دو تیپ دیگر است به گونه ای که بدن آن بدون چین بوده و در گردن آن چین خوردگی های زیاد دیگری وجود دارد. تیپ B بزرگ تر از تیپ A و سازگاری آن با محیط بیشتر است. میانگین وزن قوچ های تیپ B حدود 73 تا 82 کیلوگرم و میانگین وزن میش ها حدود 45 تا 54 کیلوگرم است. میزان تولید پشم در قوچ ها 11 کیلوگرم و در میش ها 6 تا 8 کیلوگرم است.

تیپ C یا لاین بیشترین جمعیت را بین گوسفندان مرینوی مزارع آمریکا دارد و در ایالات غربی و شمال غربی جزء گوسفندان تولیدی قرار می گیرد. آن ها در تگزاس، نیو مکزیکو، کالیفرنیا، اوهایو، یوما، میشیگان، پنسیلوانیا، ورجینیای غربی، نیویورک و سایر ایالات، گله های بی شماری دارند و از مرز های شمالی تا جنوبی و از صحرا های هم سطح دریا تا کوه های با ارتفاع ده هزار پا دیده می شوند.

تیپ C از نظر جثه بزرگ تر از انواع دیگر است. میانگین وزن قوچ های بالغ 75 تا 100 کیلوگرم و میانگین وزن میش های بالغ 55 تا 75 کیلوگرم است. این تیپ دارای قابلیت تولید پشم بالاتر با طول الیاف خوب و ظرافتی بیشتر از دو تیپ دیگر است.

نژاد عربی¹

تاریخچه و پراکنش

در مورد تاریخچه و منشأ اصلی گوسفندان عربی اطلاعات دقیقی در دست نیست. با توجه به ذائقه‌ی خاص مردم منطقه‌ی خوزستان نسبت به گوشت این گوسفند، این نژاد از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین به دلیل این که گوسفند عربی یک دام گوشتی - پشمی محسوب می شود علاوه بر گوشت، پشم آن نیز اهمیت ویژه ای در صنعت قالی بافی منطقه دارد.

از نظر پراکندگی، گوسفند عربی بومی حاشیه‌ی غربی و جنوبی منطقه‌ی خوزستان است، به طوری که هر چه از مرکز استان به طرف جنوب غرب (شهرستان دشت آزادگان) در حاشیه‌ی مرز عراق پیش برویم تراکم این نژاد بیشتر می شود. در کشور هایی مانند عراق، سوریه، ترکیه، فلسطین اشغالی و برخی کشور های غرب آسیا این گوسفند را اصلاح نژاد کرده و به عنوان یک گوسفند گوشتی - پشمی به نام آواسی پرورش می دهند. برخی از محققین عقیده دارند که گوسفند آواسی در حقیقت همان گوسفند اهوازی یا عربی می باشد.

1- Arabi

خصوصیات ظاهری

پوشش بدن ممکن است به رنگ های سفید، سفید مایل به زرد و قهوه ای روشن یا تیره باشد. به علت آمیزش های غیر اصولی، تعدادی گله‌ی مخلوط سیاه و سفید و قهوه ای یکدست دیده می شود که این لکه های رنگی ممکن است گسترش کم یا زیاد داشته باشد. در اغلب این گوسفندان لکه های رنگی اطراف چشم (که باعث مقاومت گوسفند در مقابل تابش آفتاب می شود) به رنگ های سیاه و قهوه ای مشاهده می گردد که در انتخاب الگو های این نژاد حتماً باید این صفت وجود داشته باشد.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	60 تا 65	45 تا 50
ارتفاع (سانتی متر)	70 تا 75	65 تا 70

نژاد آواسی



خصوصیات

این نژاد از گوسفند های نژاد های مدیترانه ای است و در سرزمین های بین النهرین، سوریه، ترکیه، اردن، لبنان، فلسطین اشغالی و عراق یافت می شود. در عراق 60 درصد از کل گوسفندان از نژاد آواسی¹ هستند و حدود 200 هزار راس از این نژاد را می توان در نواحی جنوبی ترکیه یافت. همچنین این نژاد دارای انواع مختلفی است که بر اساس محل زندگی نام های مختلفی دارند. گوسفند بلدی و همچنین گوسفند دیری از انواع گوسفند آواسی می باشند که به ترتیب در شرق و غرب سوریه پراکنده هستند. نوع دیگری از نژاد آواسی در عراق و الجزایر وجود دارد که گوسفند جزیره نامیده می شود. گوسفند جزیره زودرس تر از نوع معمولی آواسی است ولی تولید شیر بالایی ندارد.

گوسفند آواسی در نواحی مختلف بر اساس لهجه های متفاوت دارای نام های گوناگونی است که عبارتند از: آوازی، ال عوض، ایوسی، اوسی و یوسی. همچنین در ترکیه این نژاد را به نام ایوزی یا گوسفند عرب و در سوریه آن را به نام نعیمه یا شامی می شناسند.

دارای بدن سفید رنگ، سر و اندام های حرکتی قرمز متمایل به قهوه ای است و انتهای اندام های حرکتی به ندرت سیاه، سفید، خاکستری یا لکه دار می باشد. قوچ ها دارای شاخ های چین دار و طویل به طول 40 سانتی متر و میش ها دارای شاخ های کوتاه و یا بی شاخ هستند. قسمت جلوی گردن و پاها قهوه ای رنگ است و در بعضی از آن ها لکه های سفیدی بر روی پیشانی دیده می شود.

این نژاد دارای دنبه ی بزرگی است که تا نزدیکی مفصل خرگوشی ادامه دارد و 4 تا 5 کیلوگرم است. در شرایط مناسب تغذیه وزن دنبه امکان دارد تا 6 کیلوگرم در میش و 10 کیلوگرم در قوچ برسد. این نژاد از نظر تولید شیر بسیار با اهمیت است و تولید بسیار بالایی دارد. میزان تولید شیر در این نژاد 123 تا 181 کیلوگرم در طول 168 تا 190 روز شیردهی با 7 درصد چربی است. از شیر آن ها برای تهیه ی ماست، روغن حیوانی، کره و پنیر استفاده می شود. گوشت این گوسفند نیز خوب است و دارای 50 تا 55 درصد راندامان است.

پشم این نژاد در میش های اصلاح شده 2/5 تا 3 کیلوگرم و در قوچ ها 4 کیلوگرم است. پشم این گوسفند ضخیم و دارای تیپ های متفاوتی است و در تولید قالی، پتو و پارچه های پشمی استفاده می شود.



میش ها اولین زایش را در سن 15 ماهگی انجام می دهند و در طول سال 2 بار زایش می کنند. نسبت دوقلو زایی 5 تا 10 درصد است و نسبت بره زایی بالایی می باشد. وزن بره های نر در هنگام تولد 4 تا 4/6 کیلوگرم و وزن بره های ماده 4/3 کیلوگرم است. همان طور که گفته شد این نژاد انواع متفاوتی دارد که نوع اصلاح شدهی آن بیشتر در فلسطین و عراق یافت می شود. و از جملهی این گوسفندان می توان گوسفندان نعیمه و شفالی را در عراق و نوع اصلاح شدهی آواسی را در فلسطین یافت.

الف) نعیمه

گوسفند نعیمه از گوسفند آواسی است که در عراق وجود دارد. بدن این گوسفند نسبت به نوع معمولی آواسی دارای جثهی کوچک تر و ساق های عضلانی تر است. به علاوه کیفیت پشم در این نوع و مقدار تولید شیر نیز بیشتر است. گوسفند نعیمه معمولاً دارای صورت سیاه است ولی انواع دیگری نیز وجود دارد که در آن ها نه تنها صورت بلکه پشم های ناحیهی گردن نیز قرمز رنگ است. قبیلهی جبل شمر در شمال منطقهی دیلیم عراق پرورش دهندهی اصلی گوسفند نعیمه است.

ب) شفالی

در عراضی آبیاری شده‌ی جنوب مرکزی عراق و در منطقه ای به نام کوت لیوا نوعی از گوسفند آواسی پرورش داده می شود که به نام گوسفند شفالی معروف است. گوسفند شفالی نسبت به نوع معمولی آواسی دارای جثه‌ی درشت تر و زود رس تر است. رنگ این گوسفند معمولاً خرمایی و گاهی اوقات سیاه است.

پ) نوع اصلاح شده‌ی آواسی

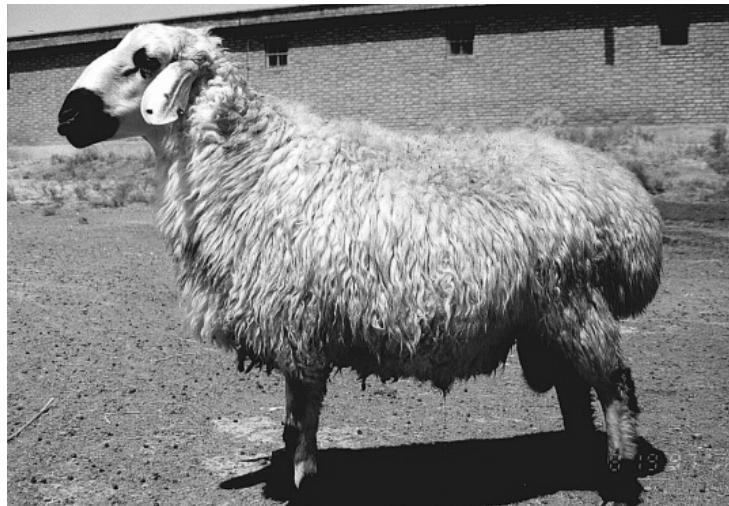
منشاء اصلی این گوسفندان از گوسفندان هیریک ناحیه‌ی سی زر کردستان ترکیه و نزدیک مرز سوریه و عراق است. وزن زنده‌ی میش های هیریک در حدود 40 تا 45 کیلوگرم و سر آن ها معمولاً به رنگ خاکستری و به ندرت سفید یا قهوه ای می باشد. از آمیزش قوچ های انتخاب شده‌ی آواسی و میش های هیریک ابتدا نوع اصلاح شده‌ی آن به دست آمد و در مرحله‌ی بعد انتخاب از نظر افزایش تولید شیر و کاهش نسبت گوسفندان دارای گوش کوچک در گله و افزایش نسبت گوسفندان با پشم یک دست در گله عملی گردید. امروزه در گوسفندان آواسی میانگین طول دوره‌ی شیر دهی 200 روز است. شیر میش هایی که مقدار تولیدشان به 370 کیلو برسد در حدود 7 درصد چربی دارد.

نژاد برک ناک

منشاء نژاد برک ناک¹ به کوه های برکون بیکن² در ولز انگلیس و در حدود 400 سال پیش بر می گردد. این نژاد از گوسفند بوردر³ با صورت کوچک به وجود آمده است. در گذشته برای بهبود کیفیت پشم، گوسفندان کوه های برکون بیکن ولز را با گوسفند کوهی ولش آمیزش دادند. در سال 1850 میلادی از نژاد لایسیستر برای اصلاح این نژاد استفاده کردند، که نتیجهی آن به وجود آمدن دو نژاد برک ناک هیل⁴ و سنی بریج⁵ به صورت امروزی شد. گوسفند خالص این نژاد، دارای رنگ های متنوع و بسیار زیادی است. گوسفند برک ناک مانند اجداد خود جثه ای کوچک، گوش های راست و صورت سفیدی دارد و پشت گوش های آن کمی پشم وجود دارد.

قوچ ها و میش ها بی شاخ هستند ولی گاهی قوچ های دارای شاخ نیز دیده می شود. پشم این گوسفندان 6 تا 10 سانتی متر طول و 1/5 تا 2/5 کیلوگرم وزن دارد و بیشتر برای تولید فاستونی و کشباف استفاده می شود.

نژاد بلوچی



1- Brecknock
4- Brecknock Hill

2- Brecon Beacon
5- Senny bridge

3- Border

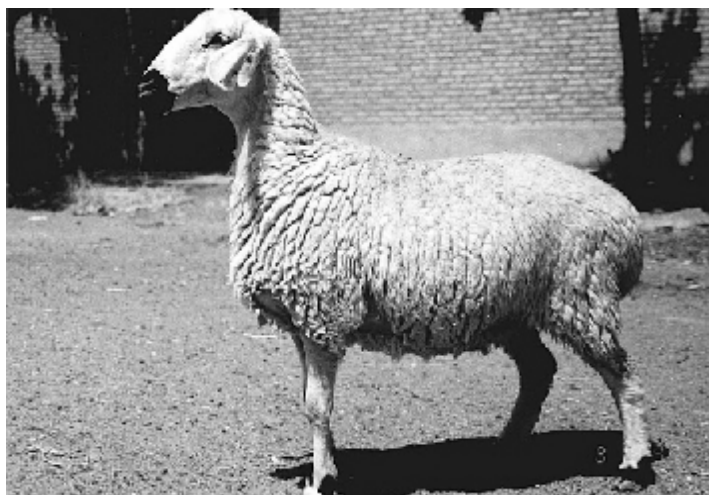
تاریخچه

در رابطه با تاریخچه‌ی پرورش و پیدایش گوسفند بلوچی¹ اطلاعات مستندی موجود نیست، ولی ایجاد بیش از 29 درصد گوسفندان ایران از این نژاد دلالت بر قدمت گوسفند بلوچی دارد. این نژاد در کلیه‌ی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان و قسمت عمده‌ی جنوب خراسان پراکنده است. همچنین در استان‌های خراسان، کرمان و قسمتی از یزد و اصفهان نیز پرورش داده می‌شود. در حدود 2 میلیون راس گوسفند بلوچی در کشور موجود می‌باشد.

خصوصیات ظاهری

گوسفند بلوچی دارای استخوان بندی قوی، بدن مستقیم و استعداد کافی برای راه پیمایی بوده و سرعت صعود آن در مراتع کوهستانی به خاطر سبک بودن وزن و کوچک بودن نسبی دنبه قابل ملاحظه است. این نژاد دارای سری کوچک (در مقایسه با جثه‌ی حیوان) همراه با لکه‌های اختصاصی این نژاد می‌باشد. نیم رخ صاف، بینی باریک، بدون انحناء و چین خورده، حذقه‌ی چشم کم و بیش برجسته و پوزه باریک است. گوش گوسفند نژاد بلوچی پهن و افتاده و به طور متوسط دارای 19 سانتی متر طول و 8 سانتی متر عرض است. گردن کوتاه با رشد متوسط، شانه غیر عضلانی، سینه کم عمق، پشت صاف و رشد عضلات متوسط است. این گوسفند بدون شاخ است و به ندرت می‌توان آثار شاخ را در قوچ‌ها مشاهده کرد. از مشخصه‌های نژاد بلوچی رنگ سفید و لکه‌های سیاه در انتهای اعضاء و پوزه‌ی حیوان است. در بین این نژاد انواعی یافت می‌شود که می‌توان از آن‌ها به شرح زیر نام برد:

کفتر گوش: این تیپ دارای لکه‌های اختصاصی گوسفند بلوچی است و علاوه بر آن لکه‌های سیاهی روی گوش‌ها دارد.
سیاه گوش: در این تیپ، گوش‌ها یکدست سیاه بوده و سیاهی پوزه از حد عادی بیشتر است.
گل دنبه: این تیپ دارای لکه‌ی سیاه بر روی دنبه است.



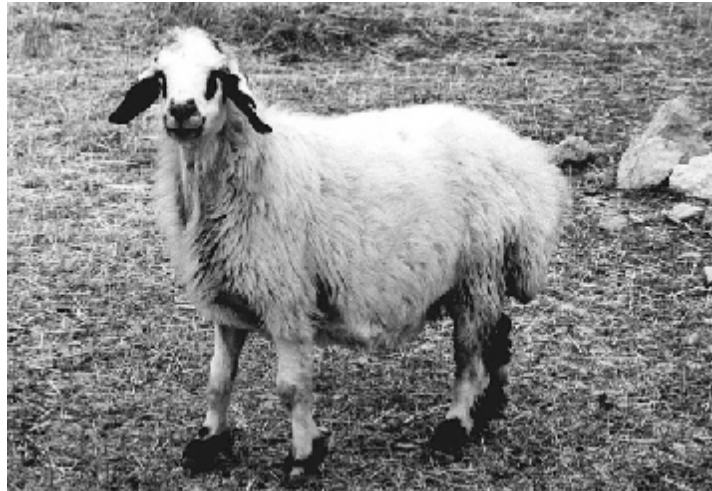
کبوتر سوز: تیپ کبوتر سوز به گوسفندانی از نژاد بلوچی اطلاق می شود که لکه های اختصاصی در آن ها به حداقل رسیده باشد. این گروه دارای جثه ای کوچک و جمع و جور تر از نژاد بلوچی معمولی است و از نظر ظرافت و مجعد بودن پشم در قسمت پشت کم و بیش بر نژاد بلوچی برتری دارد.

میش	قوچ	صفت
45 تا 40	50 تا 45	وزن (کیلو گرم)
65 تا 60	70 تا 60	ارتفاع (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

به علت رشد سریع پشم در این نژاد معمولاً پشم چینی در دو نوبت انجام می گیرد. پشم گوسفندان بلوچی رنگ کاملاً سفیدی دارد به خاطر کیفیت خاص آن مورد توجه است. اولین پشم چینی بره ها در سن 5 تا 6 ماهگی انجام می گیرد. مقدار پشم تولیدی بره ها 700 تا 800 گرم است.

گوسفند بهمئی



تاریخچه و پراکنش

نژاد بهمئی¹ از نژاد های قدیمی استان کهگیلویه و بویر احمد می باشد و در مناطق گرمسیری این استان زندگی می کند.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن سفید (سی سار) می باشد. 35 تا 45 درصد از گوسفندان گله های موجود، در انتهای پوزه و انتهای اندام های حرکتی، مفصل خرگوشی، دور حدقه ی چشم و گوش ها رنگ سیاه یا قهوه ای دارند. اکثراً دارای گوش های پهن و برگی شکل، کمر کشیده و راست و صورت کشیده و دوزنقه ای هستند. از نظر شاخ به دو شکل شاخ دار و بی شاخ دیده می شوند. بعضی از میش ها، شاخ و اندام های حرکتی ظریف و کشیده ای دارند و دارای مقاومت زیاد برای راه پیمایی در شرایط عشایری نیستند.

میش	فوج	صفت
45 تا 50	65 تا 75	وزن (کیلو گرم)
60 تا 65	70 تا 75	ارتفاع (سانتی متر)

نژاد دامارا



تاریخچه و پراکنش

منشا نژاد دامارا¹ آسیای شرقی و مصر بوده و این نژاد طی سالیان متمادی به قاره‌ی آفریقا و کشور های نامیبیا و آنگولای امروزی منتقل شده است. گوسفند دامارا سال ها در منطقه‌ی محدود شده‌ی نامیبیا زندگی می کرده، بنابراین از تاثیر نژاد های دیگر در امان بوده است. امروزه این گوسفندان در شمال غربی کشور آنگولا به صورت خالص نگه داری می شوند. نام این نژاد از شهر گراس دامار لند² یعنی موطن اصلی آن گرفته شده است.

1- Damara

2- Damar Land

خصوصیات

این نژاد اصولاً خصوصیات یک نژاد صحرایی مانند بدن تنومند و عضلانی، اندام های حرکتی دراز، دنبه‌ی بزرگ، مو های کوتاه و بدنی لاغر و کشیده (استوانه ای شکل) را دارد. رنگ بدن آن دارای طیف گسترده ای از رنگ ها می باشد. مو های کوتاهی دارد و در فصل زمستان لایه ای پشم در زیر مو قرار می گیرد. گوسفندان جوان مو هایی بلند با خواص پشمی بیشتری دارند ولی با افزایش سن این خصوصیات را از دست می دهند. پوشش مطلوب در این گوسفند، مو های کوتاه و براق است. قوچ ها معمولاً مو های بلند تری در قسمت گلو و سینه دارند.

درصد باروری و غریزه‌ی جنسی در این نژاد بالا می باشد. میش ها در تمام سال می توانند زایش انجام دهند و حتی در هشت ماهگی هم قدرت تولید مثل دارند. درصد دو قلو زایی در این نژاد بالا است.

نژاد دالاق¹ (آتابای)



محل اصلی پرورش این نژاد منطقه‌ی ترکمن صحراست.

خصوصیات ظاهری

شکل عمومی بدن به صورت کشیده و اندام های حرکتی بلند و گوش های بلند هستند و فاقد شاخ می باشد. روی بینی قوس دار، حدقه چشم برجسته و پیشانی پوشیده از پشم است. اندام های حرکتی دارای قلم درشت، رنگ پیشانی قهوه ای سبز تا روشن و گونه، سر و روی بینی قهوه ای سبز تا روشن است.

میش	قوچ	صفت
45 تا 50	60 تا 70	وزن (کیلو گرم)
65 تا 70	70 تا 75	ارتفاع (سانتی متر)

نژاد دُرسیت¹ (درست هورن و پولد درست)



1- Dorset (Dorset Horn & Polled Dorset)

قرن ها پیش با ورود اسپانیا برای فتح انگلیس به این کشور، تعدادی گوسفند مرینو به جنوب غربی انگلیس آورده شد. در اثر آمیزش گوسفند مرینو با گوسفند نر شاخ دار، نژاد چند بهره ای به نام درست هورن، مطابق با نیاز های آن زمان به وجود آمد. سپس این نژاد در مناطق دُرست، سامرست، دُوون و ولز پراکنده شد.

درسال 1951 میلادی در گله ی گوسفندان درست هورن دانشکده ی ایالتی کالیفرنیا ی جنوبی جهش ناگهانی رخ داد و چهار بهره ی بدون شاخ به دنیا آمد که بعد ها این بره ها منشاء گوسفندان پولد درست گردیدند.

امروزه تعداد کنونی پولد دُرست خیلی بیشتر از دُرست هورن است. این موضوع فقط شامل آمریکا نمی شود و در سایر کشور هایی که درست ها رایج هستند نیز همین طور است و دلیل آن به انتخاب تولید کنندگان گوسفند بر می گردد. تعداد درست ها به اندازه ای زیاد شده که به نژاد شماره ی یک صورت سفید در آمریکا تبدیل شده است. این نژاد از نظر تعداد در آمریکا، پس از سافوک در رتبه ی دوم قرار دارد.

هم گوسفندان پولد درست و هم درست هورن دارای صورتی تمام سفید، طول بدن مناسب و ساختار عضلانی هستند که برای تولید بره هایی با اندام دلخواه مناسب است. وزن قوچ ها بین 85 تا 125 کیلوگرم و وزن میش ها بین 60 تا 85 کیلوگرم است. گوسفند های درست هورن شاخ های پیچیده و رو به جلو دارند. دارای اندام های یک نژاد گوشتی مناسب است و ران های عضلانی و پر گوشتی دارد.

پشم آن بسیار سفید، قوی و بدون الیاف مشکی است. وزن پشم تولیدی بین 2/25 تا 4 کیلو گرم با خلوص 50 تا 70 درصد است. طول پشم بین 6 تا 10 سانتی متر و قطر آن 27 تا 32 میکرون است. از نظر تولید شیر نیز مطلوب است و گله های انتخابی تولید شیر بالایی دارند.

از ویژگی های بارز این نژاد، زایش غیر فصلی است و بر خلاف مرینو که دارای فصل طبیعی برای جفت گیری است آن ها توانایی آمیزش در همه ی فصول سال را دارند. نسبت بره زایی 1/3 تا 1/8 و درصد دو قلو زایی بالاست.

نژاد فراهانی¹

پراکنش

محل پرورش این نژاد شهرستان های آشتیان، فراهان و اراک می باشد.

خصوصیات ظاهری

رنگ پوشش بدن سفید متمایل به نخودی بوده و اطراف پوزه، دور چشم و گاهی اشک ریزه ها، اطراف گوش ها و انتهای اندام های حرکتی دارای لکه های سیاه رنگ است. دور بینی در میش صاف و کشیده و در قوچ دارای انحنا و قوس کمی می باشد. گوسفندان این نژاد دارای سر و گوش کوچک بوده و هر دو جنس فاقد شاخ می باشند. دنبه ی آن ها گرد و یک تکه بوده و دنبالچه ای گرد از وسط دنبه منشعب شده است.

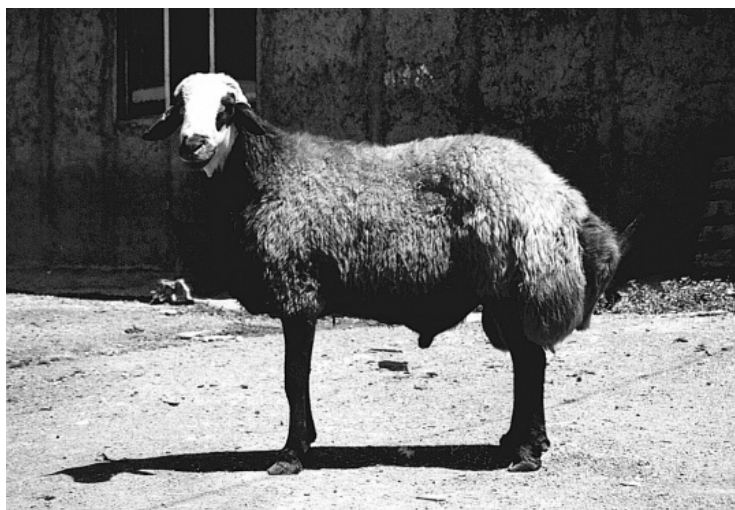
قالی های بافته شده از پشم این نژاد به دلیل مرغوبیت الیاف آن معروفیت زیادی در سطح کشور و حتی جهان دارد. متأسفانه به علت افزایش قیمت پوست و گوشت و پایین بودن قیمت پشم، دامپروران برای افزایش درآمد خود و نیز به دلیل نداشتن آگاهی از عوارض ناشی از ترکیب نژادی، از قوچ های نژاد های پوستی یا گوشتی (بسته به وضعیت بازار و رونق هر

1- Farahani

یک از این محصولات و نوسانات قیمت ها) برای آمیزش با این نژاد استفاده می نمایند که نهایتاً سبب آمیخته شدن گوسفند فراهانی با گوسفندان دیگر شده است.

میش	قوچ	صفت
40 تا 45	50 تا 60	وزن (کیلو گرم)
60 تا 65	70 تا 75	ارتفاع (سانتی متر)

نژاد فشندی¹



پراکنش

بیلاق این گوسفند در مراتع مرتفع طالقان، کندوان، کرج و شمیرانات و قشلاق آن در حاشیه‌ی دشت قزوین، ساوجبلاغ و شهریار می باشد. منطقه‌ی میان بند آن در اطراف روستا های محل پرورش است. پرورش این گوسفند به روش روستایی و نیمه عشایری انجام

می شود. این گوسفندان در مناطق طالقان، ساوجبلاغ، کرج و شمیرانات بیشتر از نقاط دیگر پرورش داده می شوند.

خصوصیات ظاهری

گوسفند فشنندی گوسفندی با جثه‌ی متوسط است که دارای رنگ های کرم، قهوه ای سیر، قهوه ای روشن و قرمز روشن می باشد و معمولاً اندام های حرکتی، زیر شکم و سر حیوان رنگ تیره تری دارند. سر دارای لکه‌ی سفید کوچک و با نوار سراسری است که گاهی روی پیشانی را می پوشاند. قوچ ها اغلب شاخ دار و برخی بدون شاخ هستند و میش ها غالباً بدون شاخ می باشند. دنبه دارای اندازه‌ی متوسط و شکاف و دنبالچه ای بزرگ است. این نژاد از نظر مقاومت به شرایط محیطی منطقه، سرعت رشد و تولید مثل دارای اهمیت به سزایی است.

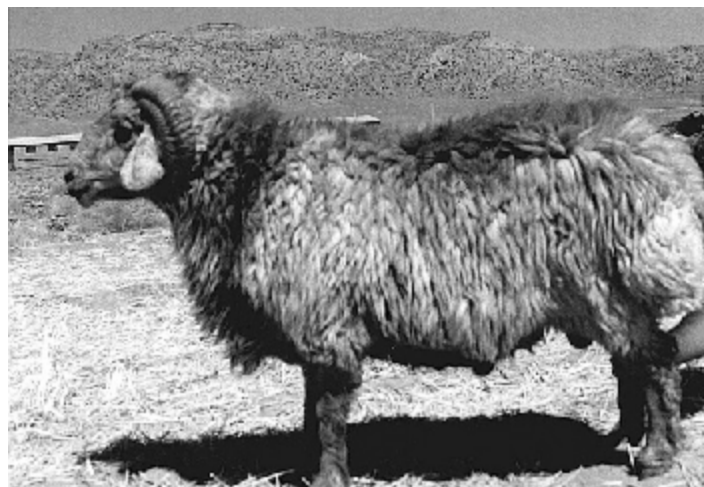
صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	60 تا 65	45 تا 50
ارتفاع (سانتی متر)	70 تا 75	65 تا 70

خصوصیات تولیدی

این توده سازگاری خوبی با نواحی کوهستانی دارد و از این نظر پرورش این نژاد در مناطق کوهستانی ارزش اقتصادی بالایی دارد. پشم چینی در سال یک بار و بر حسب موقعیت جوی مناطق استقرار گله، از اوایل خرداد ماه آغاز و معمولاً حداکثر تا آخر تیر ماه به پایان می رسد. متوسط تولید پشم هر راس گوسفند در گله های مورد بررسی $1/240 \pm 0/55$ کیلوگرم است.

نژاد کبوده‌ی شیراز¹

محل پرورش این نژاد استان فارس است. در اصطلاح فارسی به این نژاد چال می گویند.



خصوصیات ظاهری

گوسفند کبوده به طور کلی به رنگ های سیاه و قهوه ای دیده می شود. این گوسفند در منطقه با توجه به رنگ های مختلف به سوز، ملحه و بور معروف است. صرف نظر از گوسفند های بور که از بدو تولد تا پایان عمر رنگ آن ها قهوه ای باقی می ماند، رنگ بره های سیاه و کبوده در طول عمر تغییراتی پیدا می کند. ولی نکته ای جالب این است که مقاومت گوسفندان سیاه نسبت به خاکستری و قهوه ای در برابر بیماری ها و شرایط سخت محیط بیشتر می باشد.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	60 تا 65	45 تا 50
ارتفاع (سانتی متر)	70 تا 75	60 تا 65

خصوصیات تولیدی

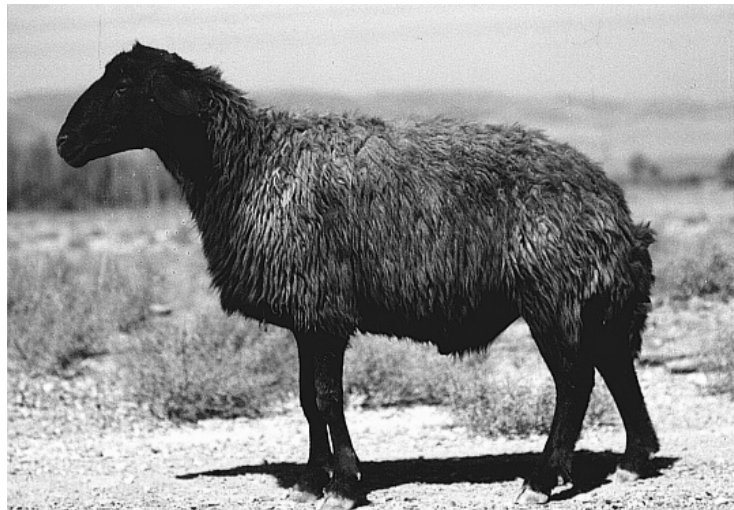
در شرایط نگه داری در مرتع، وضعیت دام و وزن آن با توجه به کیفیت مرتع متفاوت می باشد. وزن بلوغ گوسفند کبوده بین 30 تا 56 کیلوگرم است. علاوه بر گوشت تولیدی و

بره های مازاد یکی دیگر از تولیدات گوسفند کبوده‌ی شیراز، پشم می باشد. پشم گوسفند کبوده‌ی شیراز از نظر کیفیت نسبت به سایر گوسفند های موجود در منطقه از ارزش کمتری برخوردار است به طوری که معمولاً قیمت آن حداکثر دو سوم قیمت پشم گوسفندان نژاد بلوچی می باشد.

خصوصیات تولید مثلی

تاثیر محیط زیست استان فارس بر تولید مثل گوسفند کبوده حائز اهمیت است. همان طور که می دانیم از نظر فیزیولوژیکی دوره‌ی فعالیت جنسی گوسفند با کاهش طول روز شروع می شود. بنابراین با توجه به شرایط آب و هوایی کشورمان همیشه اواخر تابستان و اوائل پاییز بهترین فصل آمیزش گوسفند محسوب می شود. علاوه بر فصل، مسئله‌ی تغذیه و کم و زیاد شدن آن نیز می تواند تولید مثل گوسفند را تحت تاثیر قرار دهد. تاثیر این عامل بر تولید مثل در نقاط مختلف استان فارس به وضوح دیده می شود.

نژاد قزل¹



1- Ghezel

پراکنش

گوسفند قزل یکی از نژادهای دنبه دار است که منطقه‌ی زیست آن در آذربایجان شرقی، مناطق کوهستانی تبریز به ویژه کوه پایه های سهند، اطراف مراغه، بناب، میانه، آذر شهر، سراسکندر و هشترود است. هر چه به طرف بناب و مراغه نزدیک تر شویم گله ها بزرگ تر شده و بر تعداد گوسفند قزل در آن ها افزوده می شود.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن معمولاً بین قهوه ای روشن تا قهوه ای تیره متغیر است. اندام های حرکتی برای راه پیمایی های طولانی در مراتع و کوهستان ها مناسب است و رنگ آن ها قهوه ای سیر می باشد. شکل دنبه که یکی از وجوه تمایز خاص این نژاد می باشد کاملاً گرد و دارای دنبالچه ای به شکل گلابی بوده و از نیم رخ به صورت S دیده می شود. هر چه دنبه از حالت فوق خارج شده باشد به همان اندازه از مطلوبیت گوسفند کاسته می شود. رنگ دنبه و سینه و اندام های حرکتی تیره تر از سایر نقاط بدن می باشد. اکثر گوسفندان در زیر گردن منگوله دارند. برخی از گله داران معتقدند که اصیل ترین میش ها آن هایی هستند که به رنگ قرمز حنایی، فاقد شاخ و دارای لکه‌ی سفید روی پیشانی باشند.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	85 تا 90	55 تا 65
ارتفاع (سانتی متر)	80 تا 90	74 تا 80

نژاد قره گل

تاریخچه

منشاء نژاد قره گل¹ گوسفند وحشی اویس ویگنی بلیث² است. قره گل از معروف ترین نژاد های گوسفند پوستی در دنیا می باشد. بررسی ها نشان می دهد که تا ابتدای قرن نوزدهم پرورش گوسفند قره گل محدود به کشور ایران، افغانستان، شوروی سابق و آفریقای جنوبی بوده است، ولی بسیاری از کشور های اروپایی و آمریکا نیز سعی داشته اند به پرورش آن اقدام

1- Karakul

2- Ovis Vignei Blyth



نماینده. یکی از این کشورها آلمان بود که در اوایل قرن نوزدهم تعدادی قوچ و میش اصیل قره گل را وارد کرد و مطالعاتی را بر روی آن انجام داد. این تحقیقات بعد از مدتی با نتایج درخشانی همراه نگردید و پس از مطالعات لازم تصمیم گرفته شد تا این مطالعات در آفریقای جنوبی که در آن زمان مستعمره آلمان بود انجام شود. علت اتخاذ این تصمیم سازگاری گوسفند قره گل با شرایط آب و هوایی آفریقای جنوبی بود. بعد از مدتی فعالیت در این زمینه موفقیت های زیادی در امر پرورش گوسفند قره گل حاصل گردید؛ به طوری که امروزه این نژاد در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکا پرورش داده می شود.

قره گل احتمالاً قدیمی ترین نژاد گوسفند اهلی است. شواهد تاریخی وجود پوست بره های ایرانی¹ را در 1400 سال قبل از میلاد نشان می دهد. این نژاد، بومی آسیای مرکزی است و نام خود را از روستای قره گل گرفته است. قره گل در دره ای از رودخانه ای آمو دریا در بخارا در غرب ترکستان سابق واقع شده و در حال حاضر منطقه ای مرتفع با پوشش گیاهی اندک و منابع آب محدود در ازبکستان است. پوست بره های قره گل را به نام پوست های ایرانی نیز می نامند. علت انتخاب نام ایران برای پوست های قره گل این بود که پوست های ایران از نوع مرغوب ترین پوست ها به شمار می رفت و رقبای دیگر با استفاده از

1- Persian Pelt

نام ایران کالای خود را با قیمت بیشتر می فروختند. متأسفانه امروزه ایران از تجارت جهانی پوست قره گل که هنوز به نام پوست ایرانی خرید و فروش می شود سهمی ندارد.

نژاد هرکی¹



خصوصیات ظاهری

هر دو جنس فاقد شاخ می باشند. معمولاً رنگ بدن سفید متمایل به شیری بوده و گردن، سر و مفاصل اندام های حرکتی به رنگ های قرمز، خاکستری، حنایی، قهوه ای تیره، سیاه و غیره هستند. دارای دنبه ای بلند و آویزان و دنبالچه می باشد. مشخصه اصلی این نژاد گوش های بزرگ، پهن و آویزان آن است.

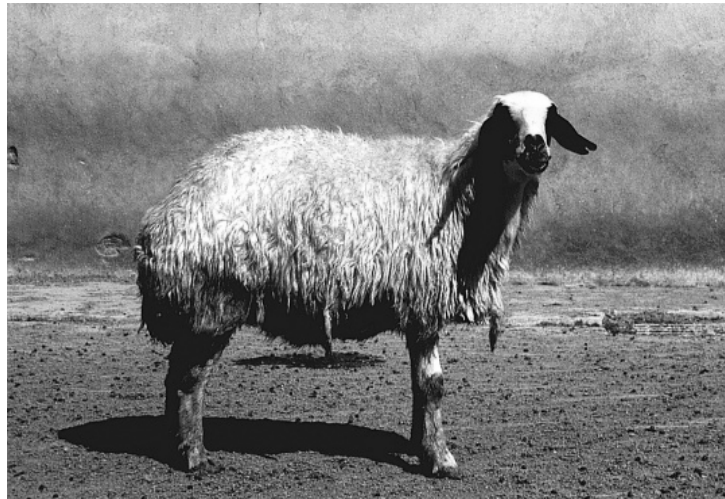
میش	قوچ	صفت
50 تا 55	55 تا 65	وزن (کیلو گرم)
60 تا 65	65 تا 70	ارتفاع (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

طول دوره‌ی شیر دهی 67 روز، تولید شیر در یک دوره‌ی شیر دهی $55/9 \pm 28/9$ کیلوگرم، وزن تولد $0/558 \pm 4/24$ کیلوگرم و وزن شیر گیری $15/23 \pm 4/5$ کیلوگرم است.

خصوصیات تولید مثلی

میانگین راندمان زایش 80 درصد و دوقلو زایی 5 درصد می باشد.

نژاد کردی¹**تاریخچه**

استان کردستان به دلیل همجواری با سلسله جبال زاگرس دارای آب و هوا و بارندگی مناسب جهت رشد نباتات علوفه ای و مرتعی می باشد. از زمان های قدیم در این منطقه دامداری رواج داشته و نگه داری گوسفند و بز در تامین معیشت زندگی مردم نقش اول را داشته است.

1- Kordi

در گذشته کردستان یکی از استان های عشایری کشور بوده و طوایف و عشایر زیادی در آن وجود داشتند که شغل اصلی آن ها دامداری به صورت متحرک بود. قشلاق این عشایر بیشتر در استان های کرمانشاه، خوزستان و اطراف کوه سهند در آذربایجان و مناطقی از خاک عراق است. استان کردستان نیز بیلاق عشایر مناطق یاد شده محسوب می شده است. در حال حاضر دامداران دارای گوسفندان زیاد، بسیار کم کوچ می کنند. آن ها برای مدت یک تا دو ماه گوسفندان خود را به مراتعی که دور از دسترس عموم روستائیان است می فرستند که در اصطلاح محلی به این نوع کوچ، هه وار می گویند. وجود مراتع در استان موجب شده مردم از راه دامداری امرار معاش نمایند. دامداری دلیل موجهی برای ماندگاری مردم در روستا و عدم مهاجرت آن ها به شهر ها است. گوسفند کردی به دو تیپ کوهستانی و دشتی تقسیم می شود که توضیح آن ها به شرح زیر است:

گوسفند تیپ کوهستانی

در این تیپ رنگ پوشش بدن سفید مایل به شکری و سر، صورت و اندام های حرکتی به رنگ سیاه و قهوه ای با لکه هایی به رنگ پوشش بدن می باشد. میش ها بدون شاخ و قوچ ها دارای تکمه شاخ بوده و به ندرت، در برخی از آن ها تکمه رشد کرده و شکل شاخ به خود می گیرد. در میان گله های موجود در منطقه، پراکندگی رنگ در سر و صورت تا حدودی متغیر می باشد. فنوتیپ های مختلف تیپ کوهستانی عبارتند از:

الف) پر: سر و صورت سیاه و اندام های حرکتی سفید همراه با لکه های سیاه است.

ب) چار: دو طرف صورت به رنگ سیاه یا قرمز، پیشانی سفید و اندام های حرکتی سفید با لکه های مناسب با رنگ دو طرف صورت است.

ج) سور یا چرمک سور: سر و صورت قرمز و اندام های حرکتی سفید با لکه های قرمز در آن می باشد.

د) کزل یا عینکی: دور پوزه و چشم و انتهای دو گوش به رنگ قهوه ای یا سیاه است.

گوسفند تیپ دشت

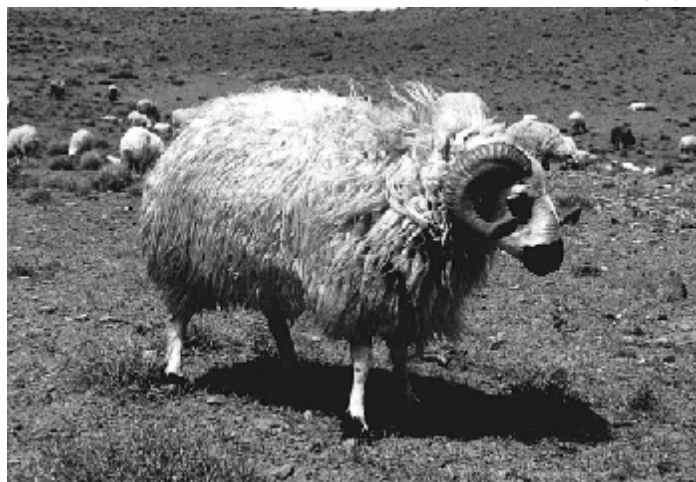
در تیپ دشت یا پوارپل سور، رنگ پشم، نخودی تیره بوده و دارای کیفیت پایین تری می باشد. سر و صورت و اندام های حرکتی به رنگ قهوه ای و فاقد پشم است. از نظر وزن

سنگین تر است و در مناطق دشتی استان پرورش داده می شود. بره ها هنگام تولد قهوه ای یکدست هستند ولی پس از بلوغ جنسی رنگ بدن آن ها تغییر کرده و به نخودی تیره می گراید.

از نظر تولید گوشت نسبت به گوسفندانی نواحی کوهستان استعداد بیشتری دارد. ضمناً قابل ذکر است که گوسفندانی که توسط کرد های مهاجر به شمال خراسان در حدود 300 سال قبل یعنی در زمان شاه سلطان حسین صفوی برده شده، از همین تیپ بوده اند.

میش	قوچ	صفت
40 تا 45	55 تا 65	وزن (کیلو گرم)
65 تا 70	70 تا 75	ارتفاع (سانتی متر)

نژاد کلکویی¹



تاریخچه

گوسفند کلکویی یکی از گوسفندان پشمی ایران است که علاوه بر تولید پشم با ظرافت قابل توجه (30 تا 35 میکرون) از استعداد سرعت رشد و پیش رسی و تولید گوشت خوب برخوردار

1- Kalakui

است و می توان آن را جزء گوسفندان پشمی - گوشتی به حساب آورد. عشایری که در پرورش این گوسفند اشتغال دارند از ایل کلکو هستند. نام کلکو به قسمتی از سلسله جبال زاگرس گفته می شود که بلند ترین آن ها در حدود 3500 تا 4000 متر ارتفاع دارد. محل پرورش گوسفندان کلکو، مسیله ی وسیعی بین قم و ورامین است. مسیله در واقع منطقه ی قشلاق این گوسفندان را تشکیل می دهد که در حدود 4 تا 5 ماه از سال را در آن به سر می برند.

خصوصیات ظاهری

گوسفند کلکویی جثه ی کوچکی دارد و رنگ پوشش بدن آن روشن (سفید نخودی) است. لکه های سیاه در ناحیه ی پوزه و انتهای بینی، اطراف چشم ها، انتهای گوش ها و سر پاچه ها دیده می شود و طول پشم آن ها متوسط تا بلند است.

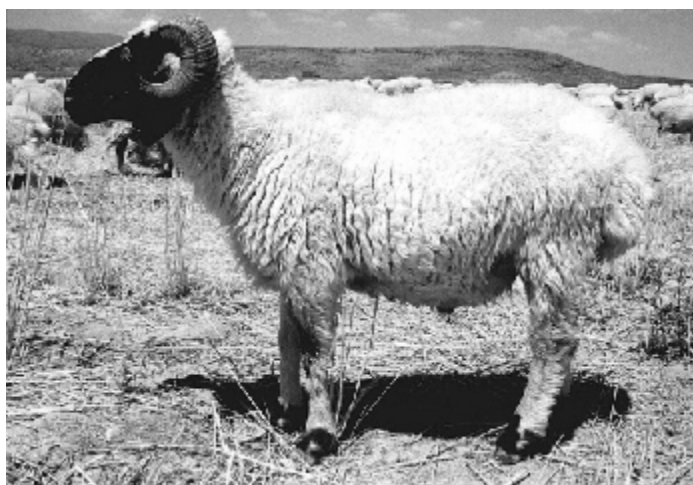
مهم ترین خصوصیت این گوسفند دارا بودن اندام ظریف، نسبتاً بلند و کشیده و اندام های حرکتی بلند است و در نتیجه از قدرت راه پیمایی بالایی برخوردار است. همچنین یکی از مهم ترین صفات برجسته این نژاد، شبیه بودن به گوسفند بلوچی (به ویژه بلوچی - خراسانی) است ولی دارای کیفیت پشم مناسب تری بوده و با حداقل خوراک، بالا ترین بهره را عاید پرورش دهنده خود می کند.

گوسفند کلکویی دارای سر کوچک، ظریف و کمی دراز می باشد. اندازه ی چشم ها متوسط و حدقه فاقد برجستگی خاصی است. میش ها بدون شاخ هستند ولی گاهی در تعدادی از آن ها آثار شاخ به ارتفاع حداکثر 1 الی 1/5 سانتی متر دیده می شود. قوچ ها دارای شاخ های پیچیده با امتداد جانبی می باشند. نیم رخ صاف، بینی کشیده، باریک و بدون تحذب، گوش ها متوسط، گردن کشیده با رشدی متوسط و پوشیده از پشم، پشت صاف و رشد عضلات ناحیه ی ران متوسط است. کمر و پشت در امتداد هم قرار دارند. رنگ بدن سفید یک دست و لکه های اختصاصی سیاه رنگ در ناحیه ی ساق ها، پوزه، انتهای بینی، اطراف چشم ها و انتهای گوش ها دیده می شود.

میش	قوچ	صفت
45 تا 50	50 تا 55	وزن (کیلو گرم)
60 تا 65	65 تا 70	ارتفاع (سانتی متر)

نژاد کرمانی¹

تاریخچه



گوسفند کرمانی سال های متمادی در داخل گله های استان کرمان وجود داشته است. تاریخچه ی دقیقی در مورد پیدایش این دام در این استان موجود نیست. عده ای این دام را تپپی از گوسفند بلوچی می دانند که از استان سیستان و بلوچستان به این ناحیه آورده شده است، ولی طی نسل های متمادی، به شرایط نواحی کوهستانی استان کرمان خو گرفته و زندگی در شرایط متفاوتی نسبت به زیستگاه اصلی، تغییراتی را در بدن آن به وجود آورده، به گونه ای که جثه بزرگ تر، وزن بیشتر و دنبه سنگین تر شده است. پشم آن مرغوب تر و وزن نهایی آن بیشتر از گوسفندان بلوچی می باشد.

خصوصیات ظاهری

گوسفند کرمانی دارای صفاتی مانند عادت به آب و هوای گرم و خشک، کمی علوفه، چابکی و قدرت راه پیمایی است. اندام های حرکتی بلند در این گوسفند باعث شده که این حیوان بتواند برای چرا راه پیمایی زیادی کرده و به ارتفاعات نیز برود. گوسفند کرمانی بدن گرد و کشیده،

1- Kermani

مفصل خرگوشی خمیده، گردن عضلانی و چشم های کوچک دارد. پشت، کمر و کپل تقریباً در یک امتداد قرار گرفته و صاف و هموار هستند. رنگ پشم سفید و کمی به رنگ نخودی و شکری گرایش پیدا کرده است.

میش	قوچ	صفت
45 تا 50	50 تا 55	وزن (کیلو گرم)
60 تا 65	65 تا 70	ارتفاع (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

گوسفند کرمانی گوسفندی از تیپ گوشتی است، ولی به علت پشم مرغوب آن می توان آن را گوسفند دو منظوره‌ی گوشتی - پشمی محسوب کرد. پشم این گوسفند به علت سفیدی، رنگ پذیری و ظرافت برای قالی بافی کاربرد دارد. راندمان پشم 66 تا 68 درصد، طول متوسط تار 15 سانتی متر، میزان جعد در 10 سانتی متر 40 عدد، طول فتیله‌ی پشمی 11 سانتی متر و ظرافت متوسط تار های پشم 23 تا 27 میکرون است. هر رأس گوسفند ماده‌ی این نژاد 250 تا 300 گرم در روز شیر تولید می کند.

نژاد لینکلن

تاریخچه و پراکنش

نژاد لینکلن¹ حاصل آمیزش گوسفند نژاد لایسیستر و گوسفند بومی ساحل لینکلن شایر واقع در ساحل شرقی انگلیس، در کنار دریای شمالی است. این نژاد از سال 1863 میلادی به دلیل انتخاب در گله ها و یا انتقال صفات نژاد لایسیستر توسعه یافت. این گوسفند از اواخر قرن نوزدهم یعنی پس از ورود به آمریکا پر طرفدار نبوده ولی هنوز هم اهمیت خود را در ایالت مرکزی، اوهایو و ارگین حفظ کرده است. در این ایالات قوچ های این نژاد به خاطر تولید پشم خوب پرورش داده می شوند. در کانادا، بر خلاف آمریکا این گونه بسیار پر طرفدار و محبوب شد.

1- Lincoln



همان طور که گوسفند مرینو از نظر پشم اهمیت دارد و برترین نژاد پشمی دنیا محسوب می شود، این نژاد نیز از نظر تولید گوشت مهم بوده و در رتبه اول برترین نژاد های گوشتی جهان قرار دارد. به همین دلیل در حد وسیعی از آن برای تولید نژاد های دیگر استفاده شده است که از نمونه های آن می توان موارد زیر را نام برد:

(1) آمریکا (نژاد های کلمبیا و تارگی)

(2) استرالیا (نژاد پل وارث¹)

(3) نیوزیلند (نژاد کوریدال)

پرورش قوچ های این نژاد به دلیل وزن بالای آن اهمیت زیادی دارد و در شرایط مساعد یکی از پر درآمد ترین فعالیت های اقتصادی در صنعت دامپروری است.

خصوصیات

رنگ آن ها معمولاً سفید براق است. این نژاد ویژگی های یک نژاد گوشتی مطلوب را دارا می باشد. دارای سر عضلانی، گردن ضخیم، شانه های پهن، سینه ی پهن و عمیق، کمر عضلانی و ضخیم، کپل و اندام های حرکتی پهن و ساق های عضلانی است. این گوسفندان معمولاً مستطیل شکل بوده و هر دو جنس بی شاخ می باشند.

1- Polwarth



این نژاد سنگین ترین نژاد جهان به شمار می آید. وزن قوچ های بالغ بین 125 تا 175 کیلوگرم و وزن میش های بالغ بین 110 تا 125 کیلوگرم است. از نظر تولید پشم نسبت به سایر نژاد های گوشتی برتر است. تولید پشم آن سالانه 6 تا 10 کیلوگرم با طول 25 تا 35 سانتی متر و خلوص 65 تا 80 درصد است. قطر الیاف آن از $33/5$ تا 41 میکرون متفاوت بوده و در شمارش عددی دارای 36 تا 46 تار است. دارای پشم های خوش رنگی هستند و برخی از آن ها در زیر زانو هم پشم دارند. در این نژاد، صورت، گوش و ساق تا زیر مفصل خرگوشی از موهای سفید پوشیده شده است و گاهی در این نقاط لکه های سیاه نیز دیده می شود. از نظر تولید شیر در حد متوسطی هستند. این گونه دارای برجستگی بین گوش ها است که آن را کاملاً متمایز می کند. برخی اوقات این برجستگی در نژاد لایسیستر و کاتس وولد دقیقاً وسط بالای سر قرار دارد. عمدتاً تولید مثل خوبی دارند و برای اهداف تولید مثل انتخاب می شوند.

نژاد لک قشقایی¹



تاریخچه و پراکنش

این توده‌ی ژنتیکی تحت عنوان گوسفند ترکی قشقایی در مرکز تحقیقات فارس در حال شناسایی است و گوسفند شاخص عشایر قشقایی می باشد. بیشترین پراکنش گوسفند لک قشقایی در ناحیه‌ی جنوب و جنوب شرقی استان، در محدوده‌ی شهرستان های گچساران و بویر احمد می باشد.

خصوصیات ظاهری

در ابتدای تولد، رنگ بره کاملاً قهوه ای (خرمایی رنگ) است. پس از شش ماهگی به تدریج رنگ بدن به رنگ شکری تغییر پیدا می کند ولی رنگ سر و صورت، جلوی سینه، زیر شکم و اندام های حرکتی به همان رنگ قهوه ای (خرمایی) باقی می ماند. رنگ های گوسفند بالغ، بور روشن، شکری، بور قرمز یا تقریباً خرمایی روشن یا قهوه ای تیره است. نوع بور چال عبارت است از ترکیب هرکدام از رنگ های فوق به همراه سفید در صورت و پیشانی که درصد کمتری در گله ها (حدود 10 درصد) دارد.

1- Lak Ghashghaei

بدن، خیلی کشیده نیست و شکل متناسبی دارد ولی اندام های حرکتی تقریباً کشیده و از ماهیچه های قوی برخوردار هستند. سر قوچ تقریباً بزرگ می باشد. 75 درصد قوچ ها شاخ دارند که شکل آن پیچ خورده و به سمت بیرون است و نوک آن در امتداد سر قرار دارد و گاهی به سمت کاسه سر متمایل می شود و ممکن است سبب سوراخ کردن جمجمه نیز بشود.

پشم نژاد لک قشقای از نوع پشم های ضخیم و مناسب قالی بافی است. بره ها معمولاً در سن 4 تا 5 ماهگی در گله ها به همراه مادر نگه داری می شوند و وزن آن ها به بیش از 30 کیلوگرم می رسد.

میش	قوچ	صفت
55 تا 50	75 تا 70	وزن (کیلو گرم)
70 تا 65	75 تا 70	ارتفاع (سانتی متر)

نژاد لری¹

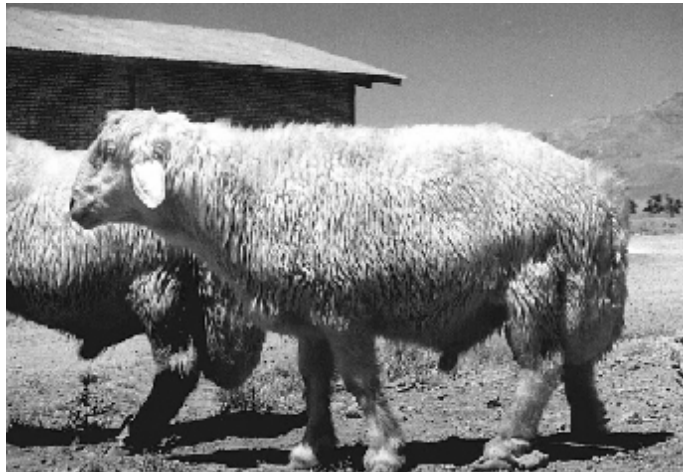


خصوصیات ظاهری

سر در این نژاد نسبتاً بزرگ و پیشانی برجسته بوده و برجستگی کمی روی بینی مشاهده می شود. چشم ها درشت و گوش ها بلند و آویزان است. این نژاد جزء نژاد های بلند قد قرار دارد. معمولاً هر دو جنس بدون شاخ بوده و به ندرت قوچ ها دارای شاخ های پیچیده هستند. رنگ بدن کم و بیش سفید است و لکه های خرمایی قهوه ای تیره در اطراف چشم و انتهای پوزه و سایر اعضاء دیده می شود. دنبه در این نژاد در اثر شکاف سراسری به دو قسمت تقسیم شده و حجم و رشد آن زیاد است. پشم آن ها به علت آن که یکدست سفید نمی باشد، مرغوبیت زیادی ندارد.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	65 تا 75	50 تا 55
ارتفاع (سانتی متر)	65 تا 70	60 تا 65

نژاد لری بختیاری¹



قسمت عمده‌ی گله‌های این نژاد توسط عشایر بختیاری در استان چهارمحال و بختیاری پرورش داده می‌شود، ولی در چند استان مجاور نیز تعداد کمی از گله‌های این نژاد وجود دارد.

خصوصیات ظاهری

رنگ اکثر گوسفندان این نژاد سفید است، ولی درصدی از آن‌ها دارای رنگ قهوه‌ای تیره تا روشن و اصطلاحاً قنقر و بور می‌باشند. گوسفندان دو رنگ (بلق) مانند قنقر و سفید یا بور و سفید نیز در بین آن‌ها دیده می‌شوند.

دارای جثه و سر بزرگ، نیم رخ صورت محدب، برجستگی روی بینی، چشم‌های درشت، گوش‌های بلند و آویزان، گردن متوسط با رشد عضلانی خوب، پشت عریض و مستقیم، ران قوی و عضلانی، دنبه‌ی کاملاً شکاف دار (دو فاق) و تارهای پشم است.

میش	قوچ	صفت
58 تا 68	90 تا 115	وزن (کیلو گرم)
70 تا 80	80 تا 90	ارتفاع (سانتی متر)

نژاد لایسیستر



تاریخچه و پراکنش

منشاء نژاد لایسیستر¹ ایالت لایسیستر در مرکز کشور انگلیس است. این نژاد در اثر تلاش های رابرت بیک ول² در سال 1760 میلادی و با آغاز برنامه‌ی انتخاب و اصلاح نژاد گوسفند لایسیستر پایه گذاری شد. وی این گوسفندان را که بیشتر به دلیل افزایش وزن و تولید بالای پشم پرورش داده می شدند با روش دقیق از نظر صفاتی مانند جثه‌ی متوسط و استعداد پروار بندی انتخاب کرد، سپس با آمیزش خویشاوندی در گله موفق به تثبیت صفات در نسل بعد شد.

خصوصیات

این گوسفند دارای پوشش بدن سفید رنگ و لب ها و پستان های سیاه است. صورت و ساق در زیر مفصل خرگوشی از مو های سفید پوشیده شده که در بعضی نقاط احتمالاً دارای لکه های سیاه است. سر نسبت به بدن کوچک بوده و هر دو جنس بی شاخ هستند. بر روی پیشانی مقداری پشم به چشم می خورد. استایل های پشم به صورت لوله ای و به طرف زمین متمایل هستند. پشمی ظریف تر و متراکم تر نسبت به دیگر نژاد های گوشتی دارد. از نظر جثه شبیه نژاد لینکلن است. وزن قوچ های بالغ بین 110 تا 125 کیلوگرم و وزن میش های بالغ بین 85 تا 115 کیلوگرم است. نژادی حساس بوده و احتیاج به مراقبت و تغذیه در حد عالی دارد.

در انگلیس لایسیستر را با نژاد های کوهستانی آمیزش داده اند که از نظر درصد بالای زایمان در میش ها موفقیت آمیز بوده است. از این نژاد برای افزایش تولید گوشت در ایجاد مرینو های گوشتی - پشمی و مرینو های دیگر استفاده کرده اند. همچنین این نژاد برای اصلاح نژاد گوسفندان بومی به کشور های مختلف صادر شده است.

1- Leicester

2- رابرت بیک ول (1726 تا 1795 میلادی)، کشاورز نسل سوم، ساکن دیشلی در لایسیستر شایر و مسئول توسعه نژاد لایسیستر بود. همچنین وی نقش مهمی در پیشرفت اسب نژاد شایر و گاو نژاد لانگ هورن داشت. اصول پرورشی که وی به کار برده و از آن دفاع می کرد، آمیزش نزدیک فردی برای به دست آوردن گونه‌ی دلخواه بود که تاثیر مهمی در تولید نژاد های دیگر گونه های حیوانی داشت. وی به دلیل کارهایش معروف شد، زیرا کار های او اصول کار افرادی مانند چارلز داروین و گریگور مندل را تحت تاثیر قرار داد.

امروزه سه نژاد از نژاد لایسیستر به وجود آمده که عبارتند از:

- (1) نژاد لایسیستر لانگ وول¹
 - (2) نژاد بُردر لایسیستر²
 - (3) نژاد بلوفیسد لایسیستر³ یا هگزام لایسیستر⁴
- که توضیح آن ها در زیر آمده است:

(1) لایسیستر لانگ وول



این نژاد در سال 1700 میلادی توسط بیک ول به وجود آمد. همان طور که گفته شد او اولین کسی بود که تکنیک مدرن تولید مثل گوسفند را در انتخاب دام به کار برد و با استفاده از این تکنیک ها، نژاد لایسیستر لانگ وول را از گوسفند قدیمی لایسیستر به وجود آورد. تکنیک های انتخابی او، لایسیستر را که رشد کندی داشت به گوسفندی با رشد سریع و

1- Leicester Longwool
4- Hexham Leicester

2- Border Leicester

3- Bluefaced Leicester

سنگین وزن تبدیل کرد که درصد لاشه‌ی آن بالا بود. نژاد لایسیستر لانگ وول در مستعمرات معروف شده بود و برای تولید نژاد های جدید گوسفند در قرن نوزدهم مورد استفاده قرار گرفت.

همان طور که اشاره شد به دلیل محبوبیت و اهمیت این نژاد در قرن هجدهم نام های متفاوتی مانند نیو لایسیستر¹، بیک ول لایسیستر²، دیشلی لایسیستر³، انگلیش لایسیستر⁴، ایمپروود لایسیستر⁵ و معروف ترین نام آن لایسیستر لانگ وول به آن ها داده شد.

امروزه این نژاد از طرف کمیسیون نگه داری از نژاد ها، به عنوان نژادی در معرض انقراض معرفی شده است. در آمریکا 200 راس از این گوسفند ثبت شده است و جمعیت تخمینی کمتر از 200 راس در سایر کشور های جهان وجود دارد. این نژاد کمیاب، امروزه در آمریکا، انگلیس، استرالیا و نیوزیلند یافت می شود.

پشم این نژاد سنگین، دراز، مجعد، لطیف و درخشنده است. طول پشم 200 تا 250 سانتی متر و قطر آن 32 تا 38 میکرون است. وزن پشم معمولاً 5 تا 7 کیلو گرم است. دارای جثه‌ی متوسط تا درشت پر گوشت با کیفیت خوب است. این گوسفند بزرگ ترین نژاد در بین گوسفندان لایسیستر است. در ظاهر شبیه لینکلن بوده و دارای گیسوی پشمی و گوش های پایین تر از سر است.

2) نژاد بوردر لایسیستر

منشاء این نژاد مناطق مرزی انگلیس و اسکاتلند است و از گله های اولیه‌ی بیک ول به شمار می آید. برخی عقیده دارند که در نتیجه‌ی آمیزش قوچ ایمپروود لایسیستر با میش های تیز واتر⁶، بوردر لایسیستر به وجود آمده است و برخی دیگر معتقدند که این نژاد نتیجه‌ی آمیزش با نژاد شویدت است. شاید هر دو گروه درست بگویند ولی در هر حال این نژاد در انگلیس تا سال 1850 ایجاد گردید. این نژاد امروزه از نظر تراکم در جزایر انگلیس از نژاد قدیمی لایسیستر پیشی گرفته است. معلوم نیست که اولین بار نژاد بوردر لایسیستر چه زمانی به آمریکا یا کانادا وارد شده است، ولی با اطمینان می توان گفت که موسسه‌ی پرورش دهندگان لایسیستر آمریکایی در سال 1888 میلادی تاسیس شد و در

1- New Leicester

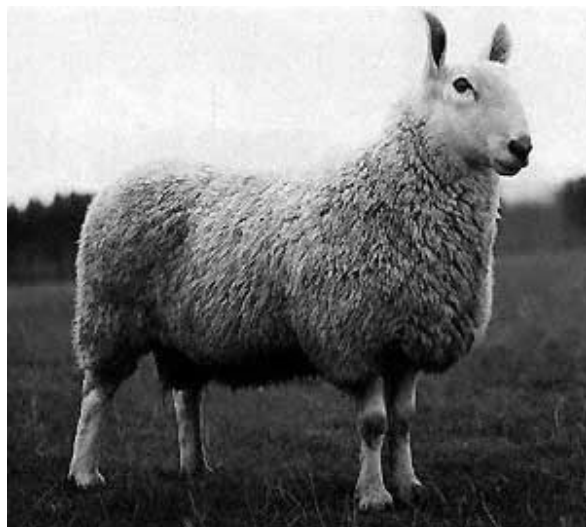
2- Bakewell Leicester

3- Dishley Leiceste

4- English Leicester

5- Improved Leicester

6- Teez Water



سال 1920 میلادی طبق آمار تعداد 767 راس از گوسفندان نژاد بوردر لایسیستر خالص در آمریکا لیست شده بودند.

این نژاد نیز مانند نژاد لایسیستر با نژاد های کوهستانی انگلیس آمیزش یافته و به عنوان لاین پدری نتاج خوبی تولید کرده است. همچنین برای اصلاح نژاد به کشور های مختلف صادر شده است.

هر چند افت صنعت فرش در دهه‌ی 1940 میلادی نتیجه‌ی کاهش تعداد لایسیستر ها به ویژه لایسیستر لانگ وول و بوردر لایسیستر بود ولی به دنبال آن تا سال 1970 میلادی به دنبال افزایش قیمت صنایع دستی مانند پشم بافی این صنعت دوباره احیا شد.

نژاد بوردر لایسیستر کمی کوچک تر و ظریف تر از لایسیستر ولی پر تحرک تر از آن می باشد. دارای جثه‌ی بزرگ با استخوان بندی خوبی است. مانند لایسیستر رنگ بدن سفید رنگ می باشد و بر خلاف لایسیستر بر روی سر پشم ندارد، دارای گوش های تیز است و تولید شیر بالاتری نسبت به لایسیستر دارد. وزن قوچ های بالغ بین 102 تا 147 کیلوگرم و وزن میش های بالغ بین 79 تا 124 کیلوگرم است. دارای سرعت رشد سریعی می باشد و بره هایی با کیفیت بالا تولید می کند. همچنین محصول پشم بیشتری نسبت به لایسیستر دارد. وزن پشم در میش های بالغ بین 8 تا 12 پوند و حدود 65 تا 80 درصد است. طول ثابت پشم بین 12/5 تا 25 سانتی متر است. نسبت بره زایی این نژاد 1/9 می باشد.

3) نژاد بلوفیسد لایسیستر



منشاء این نژاد بریتانیا و اسکاتلند است. جثه‌ی این نژاد مانند نژاد بوردر لایسیستر است، هر دو نژاد بینی خمیده و گوش‌های راست دارند اما پشم در این نژاد عموماً دارای درجه‌ی بهتری بوده و کوتاه تر و روشن تر است. امروزه نژاد های لایسیستر بلوفیسد و لانگ وول در آمریکا کمتر دیده می شوند.

پوست سر در نژاد بلوفیسد در میان موهای سفید و آبی تیره قرار گرفته است و این باعث تمایز آن از نژاد بوردر لایسیستر می شود. نسبت بره زایی در این نژاد 250 درصد است.

نژاد مونتادال

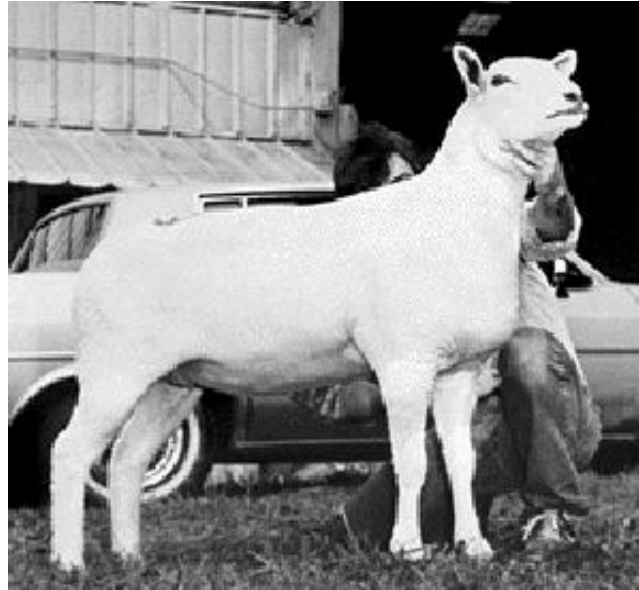
تاریخچه و پراکنش

نژاد مونتادال¹ از آمیزش نژاد وسترن وایت فیست² با گوسفند نژاد مید وسترن³ در نیم قرن پیش به وجود آمده است. اتحادیه‌ی پرورش دهندگان این نژاد در سال 1945 میلادی تاسیس شد. این نژاد دارای قدرت بالایی در سازگاری با محیط است و در آب و هوای سرد

1- Montadale

2- Western White – Faced Sheep

3- Mid – Western



شمال کشور انگلیس، آب و هوای گرم جنوب، در مزارع غرب میانه و در هوای بارانی و مرطوب غرب دور خود را اثبات کرده است.

خصوصیات

گوسفند نژاد مونتادال دو منظوره بوده و برای تولید گوشت و پشم از آن استفاده می شود. معمولاً درجه‌ی پشم تولیدی آن 48 تا 58 است و 25 تا 35 میکرون قطر دارد. رنگ تمام پشم ها سفید خالص است که بسیار محبوب می باشد. این گوسفند لانولین¹ کمی تولید می کند که باعث می شود محصول پشم آن 45 تا 60 درصد باشد. دارای تولید محصول پشم بسیار بالایی است که 2 تا 4 درصد بیشتر از سایر مناطق بوده و این برای پرورش دهندگان بسیار اهمیت دارد. پشم میش در این نژاد 3/6 تا 5/4 کیلوگرم با طول 8/25 تا 11/43 سانتی متر است.

1- Lanolin

نژاد ماکویی¹



پراکنش

این گوسفند علاوه بر آذربایجان شرقی و غربی به کشورهای شوروی و ترکیه نیز گسترش پیدا کرده است. این نژاد در ترکیه کارامان سفید نامیده می شود. پرورش این گوسفند از سابقه‌ی طولانی برخوردار بوده و زیستگاه آن شمال غربی آذربایجان شرقی و نواحی شمال آذربایجان غربی است.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن سفید یکدست و ناحیه‌ی دور چشم ها، بینی، گوش و مفاصل اندام های حرکتی دارای لکه های سیاه است که در یک سوی آن، این لکه ها به رنگ قهوه ای هستند. در سطح خارجی دنبه شکافی وجود دارد که چندان مشخص نیست. ماکویی گوسفندی مقاوم است و در مقابل عوامل جوی از خود سازگاری مناسبی نشان می دهد.

1- Makuei

صفت	فوج	میش
وزن (کیلو گرم)	55 تا 65	50 تا 55
ارتفاع (سانتی متر)	65 تا 70	60 تا 65

تیپ های مختلف گوسفند ماکویی

تیپ رش: در این تیپ رنگ گوش ها تماماً سیاه است.
 تیپ گورش: در این تیپ رنگ گوش و صورت تماماً سیاه است.
 تیپ کل رش: در این تیپ لکه های اختصاصی در صورت و اعضاء به حداقل رسیده است.
 تیپ سوز: لکه های اختصاصی به رنگ قهوه ای متمایل شده است.

نژاد مهربانی¹



تاریخچه

این نژاد به علت خصوصیات مطلوب آن، از زمان های قدیم مورد علاقه ای اکثر کشاورزان و دامداران بوده است. گوسفند نژاد مهربانی بومی بخش وسیعی از استان همدان و قسمت های

1- Mehrabani

هم مرز بین استان های زنجان و کردستان می باشد. به گفته دامداران مناطق شهرستان کبود آهنگ زادگاه اصلی این نژاد منطقه‌ی وسیعی در شمال غربی استان به نام منطقه‌ی مهربان است.

خصوصیات ظاهری

گوسفند مهربانی دارای بدن کشیده بوده و پوشش پشم از ناحیه‌ی پس سر به موازات حدقه‌ی چشم شروع و تا لبه‌ی زیرین شکم و انتهای سینه و از جهت دیگر تا انتهای دنبه و چند سانتی متر بالا تر از زانو و آرنج ادامه دارد. سر، صورت و زیر شکم فاقد پشم است و گاهی فقدان پشم تا حد جناغ سینه ادامه پیدا می کند. اندازه‌ی سر نسبت به بدن متوسط، استخوان بینی ظریف، اغلب صاف و به ندرت برجسته و پشت سر نسبتاً باریک و کمی برجسته است. میش ها معمولاً بدون شاخ و قوچ ها اکثراً شاخ دار می باشند. رشد شاخ ها کند بوده و به ندرت پیچیده و بلند هستند. طول گردن نسبت به بدن متناسب و در قسمت زیر آن اکثراً خالی از پشم است. گاه یک یا دو زائده‌ی مخروطی شکل به صورت منگوله در زیر گردن دیده می شود. گوش اغلب دراز است (در صورتی که آن را به طرف پایین متمایل کنیم از ناحیه‌ی فک تجاوز می کند) و گاه دارای لاله‌ی پهن با انتهای مثلثی بوده و قسمت زیرین آن پوشیده از کرم های نازک است. به ندرت گوسفند نیم گوش یا بی گوش دیده می شود. رنگ پشم بره های گوسفند مهربانی، از خرمایی تیره تا آلبالویی سیر تغییر می کند.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	65 تا 75	50 تا 55
ارتفاع (سانتی متر)	65 تا 70	60 تا 65

خصوصیات تولیدی

میانگین تولید شیر گوسفند مهربانی 55/6 کیلوگرم در مدت 110 روز شیردهی است. میانگین مقدار تولید شیر روزانه هر راس میش 504 گرم می باشد که دارای 7/9 درصد چربی، 5/47 درصد پروتئین خام و 16/55 درصد ماده‌ی خشک است. شیر سالیانه‌ی گوسفند مهربانی از 23 تا 79/79 کیلوگرم تغییر می کند و ضریب تغییرات مقدار شیردهی سالیانه 28 درصد است.

نژاد مغانی¹

پراکنش

مرکز اصلی پرورش گوسفند مغانی، دشت مغان است که در بخشی از شمال شرقی آذربایجان شرقی و غرب دریای خزر قرار دارد.

خصوصیات ظاهری

گوسفندان منطقه‌ی مغان رنگ های متنوعی دارند. گرچه اکثر آن ها به رنگ سفید شگری به نظر می رسند، ولی به هر حال تفاوت هایی از نظر رنگ ظاهری در بین آن ها دیده می شود. معمولاً دامداران رنگ زرد و سفید را بیشتر ترجیح می دهند.

سر نسبتاً ظریف و کوچک، حدقه‌ی چشم صاف با انحناى مختصر، پیشانی مسطح و کوتاه، نیم رخ صاف و اندازه‌ی گوش ها متوسط و نیمه افتاده است. تعدادی گوسفند نیم گوش و بی گوش در بین گله دیده می شود. طول گردن این گوسفند متوسط با رشد مناسب و عضلانی، شانه با رشد متوسط، عضلات پشت مستقیم، مسطح و عریض، ران عضلانی و اعضاء نسبت به جثه‌ی دام کوچک، ولی ظریف و مقاوم می باشند. اعضای صورت به رنگ بدن و گاه خرمایی یا روشن متمایل به قهوه ای با رویش مو های خرمایی هستند.

1- Moghani

پشم گوسفند مغانی از تراکم کمی برخوردار است و فتیله های پشم در سطح بدن دام نسبتاً پراکنده، به صورت مخروطی شکل و دارای انتهای باریک و تیز است.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	60 تا 65	50 تا 55
ارتفاع (سانتی متر)	65 تا 70	60 تا 65

خصوصیات تولیدی

حد اکثر راندمان لاشه در بره‌ی نر هنگامی است که وزن گوسفند زنده 61 کیلوگرم می باشد و مقدار آن 54/8 درصد است. حداقل راندمان در وزن 29 کیلوگرم بوده و مقدار آن 45 درصد می باشد.

میانگین شیر تولیدی میش مغانی در مدت 4 تا 5 ماه شیر دهی حدود 75 کیلوگرم است. مقدار متوسط چربی پشم 3/62 درصد است که بین 1/7 تا 6/67 درصد تغییر می کند. طول الیاف پشم گوسفند مغانی در نقاط مختلف بدن متغیر و مقدار آن بین 155 تا 189 میلی متر در قسمت های شانه و پشت کیل متفاوت است.

خصوصیات تولید مثلی

فصل زایش از اواخر پاییز شروع و تا اواسط زمستان و به ندرت تا اوایل بهار ادامه دارد، ولی اکثراً در گله ها در ماه دوم پاییز تا اوسط زمستان انجام می شود. اکثر گله های مغانی سالی یک بار به طور معمول زایش دارند.

درصد دو قلو زایی 16 درصد، درصد باروری 93 درصد، درصد زایایی 110 درصد، درصد چند قلو زایی 118 درصد، درصد بره زایی 118 درصد و درصد تلفات بره 1/23 درصد است.

نژاد نائینی¹

پراکنش

این نژاد، بومی حاشیه‌ی کویر مرکزی ایران است و عمدتاً در شهر های شرقی و شمالی استان اصفهان پرورش داده می شود. همچنین در سایر شهر های استان به صورت گله های بومی و یا آمیخته وجود دارد.

خصوصیات ظاهری

معمولاً در اکثر مناطق شیر میش دوشیده نمی شود، ولی در اطراف نائین، پس از آن که بره از شیر گرفته می شود بین 2 تا 3 ماه و در برخی از مناطق 4 ماه از شیر میش برای مصارف خانگی استفاده می کنند. میزان تولید شیر در زمان دوشش بین 300 تا 600 گرم در روز است.

پشم

گوسفند نائینی در طول سال یک بار پشم چینی می شود. وزن بیده پشم در قوچ ها به طور متوسط 1300 تا 1500 گرم، در میش بین 1000 تا 1200 گرم، در بره های نر 550 گرم و در بره های ماده 500 گرم می باشد.

میش	قوچ	صفت
45 تا 40	50 تا 45	وزن (کیلو گرم)
65 تا 60	70 تا 65	ارتفاع (سانتی متر)

خصوصیات تولیدمثلی

گوسفند نائینی عموماً تک قلو زا است و با انجام فلاشینگ میزان دو قلو زایی به 0/5 تا 1 درصد می رسد. این گوسفند در طول سال یک بار زایمان دارد و با شرایط تغذیه‌ی فصلی مناسب گاهی سه زایش در دو سال انجام می دهد. راندمان زایش در گله های گوسفند نائینی بین 85 تا 92 درصد و به طور متوسط 90/2 درصد می باشد.

نژاد اُلد نروژین



گوسفند نژاد اُلد نروژین¹ از نژاد های دم کوتاه و قدیمی شمال است و در شهر های سلب جورن²، اُستیوُل³ و هوردا⁴ در غرب نروژ یافت می شود. این نژاد در سواحل غربی نروژ به نام کامل نرسک اسپالسو⁵ به معنی گوسفند نروژی قدیمی هم معروف است. این گوسفند

1- Old Norwegian

2- Selbjorn

3- Austevoll

4- Horda

5- Gammel Norsk Spaelsau

جزء اولین گوسفندان اهلی شده در اروپا است. با توجه به خصوصیات این گوسفند، این سوال به وجود می آید که چگونه ممکن است این نژاد در ساحل غربی نروژ باقی مانده باشد؟ در پاسخ به این سوال می توان دلایل زیر را مطرح نمود:

(1) منشاء این نژاد گوسفند آلد آتلانتیک¹ است که هنوز هم در جزایر غربی نروژ همانند سایر جزایر دور اروپای شمالی وجود دارد.

(2) دور از دسترس بودن این منطقه مانع ورود نژاد های دیگر شده است.

(3) مردمی که در ساحل زندگی می کردند، ارزش زیادی برای این نژاد قائل بودند و از گوشت آن استفاده می کردند و پشم آن را برای تولید محصولات با کیفیت به کار می بردند. (4) مهم تر از همه این که، خود این گوسفند توانایی بقا در زمستان های سخت را داشته است.

(5) این نژاد مانند سایر حیوانات وحشی مانند گوزن با آب و هوای نامساعد و کمبود خوراک سازگاری دارد. این گوسفند تمام سال را می چرد و حتی در زمستان هم برای خود غذا پیدا می کند و حداقل نیاز را به پناهگاه و تغذیه ی مصنوعی دارد.

این نژاد منشاء نژاد های آیس لندیک²، فاروس³ و اسپالسو⁴ است. عادت به چرای دقیق گوسفند نروژی، او را برای پیدا کردن گیاه از بخش های مختلف و خرابه ها، مناسب ساخته است. برای تغذیه ی زمستانی نیاز به کاشت علف هیت (جاروب)⁵ می باشد و بهترین روش برای افزایش رشد این گیاه، چرای گوسفند نروژی است.

نژاد رامبویه

منشاء نژاد رامبویه⁶ گوسفندان اسپانیایی مرینو هستند که از زمان های بسیار قدیم به دلیل تولید پشم خیلی خوب و ظریف معروف بوده اند. در زمان لوئی شانزدهم در فرانسه، گوسفندان این کشور مقدار کمی از پشم مورد نیاز کارخانه ها را تامین می کردند و به همین دلیل وی تعداد کمی از گوسفندان مرینو را از اسپانیا تقاضا نمود. تا آن زمان دولت اسپانیا نسبت به گله های مرینوی خود بسیار دقیق بود و صادرات آن را ممنوع کرده بود. در سال 1786 میلادی با تقاضای فرانسه این سیاست تغییر نمود و 366 راس از مرینو های اسپانیایی به فرانسه منتقل شدند.

1- Old Atlantic
4- Spaelsau

2- Ice Landic
5- Heather

3- Faeroes
6- Rambouillet



این گوسفندان به محلی به نام رامبویه (مزارع شخصی لویی شانزدهم در نزدیک پاریس) فرستاده شدند که بر اثر انتخاب و آمیزش های انجام شده، نژاد رامبویه به وجود آمد. از سال 1801 میلادی این نژاد از منطقه‌ی رامبویه به مناطق دیگر گسترش یافت. این گوسفندان مانند مرینو های آمریکایی دارای سه تیپ A، B و C هستند و به همان ترتیب که در مورد مرینو آمریکایی گفته شد تیپ C بیشتر است. رنگ پوشش بدن، سفید بوده و از نظر ظاهری کلیه‌ی صفات نژاد های گوشتی را دارا می باشد. دارای جثه‌ی بزرگ و اندام های حرکتی کوتاه و قوی می باشد. قوچ ها شاخ های بزرگ و پیچیده دارند ولی میش ها بدون شاخ هستند.

میانگین تولید پشم قوچ های بالغ $3/6$ تا 8 کیلو گرم با خلوص 35 تا 55 درصد و طول 5 تا 10 سانتی متر است. قطر الیاف آن $18/5$ تا $24/5$ میکرون یا 60 تا 80 میکرون برای هر چند تار است. نسبت بره زایی $1/3$ تا $1/4$ است. بره ها دارای سرعت رشد بالا و قابلیت پروار بندی خوب هستند.

نژاد راسا آراگونزا



نژاد راسا آراگونزا¹ نام خود را از منطقه ای به همین نام گرفته است. نژاد های مختلفی را می توان نام برد که نام خود را از محل زندگی خود گرفته اند، مانند نژاد های راسا مونگریا² از منطقه ای راس مونگروا³، تورلنس⁴ از استان ترول، انسوتانا⁵ از دره ای انسو⁶ و نژاد جدید میجورادا⁷ که هر نژاد فرعی با توجه به محل زندگی خود جثه ای متفاوتی نسبت به دیگر نژاد های فرعی دارد.

خصوصیات

سر این نژاد بدون پشم بوده و هر دو جنس بدون شاخ هستند. قسمت های بدون پشم با موی سفید و درخشان پوشیده شده است. میانگین وزن قوچ های این نژاد 50 تا 70 کیلو گرم و میانگین وزن میش ها 35 تا 40 کیلو گرم است.

1- Rasa Aragonesa
4- Ture Lense
7- Mejorada

2- Rasa Monegria
5- Ansotana

3- Los Monegroa
6- Anso

نژاد راسا آراگونزا پشم و گوشت خوبی دارد و معروف ترین بره‌ی کشتاری را در منطقه‌ی آراگون تولید می‌کند که ترناسکو نامیده می‌شود. بره‌های ترناسکو آراگون باید در سن 10 تا 70 روزگی که کشتار انجام می‌گیرد وزنی حدود 18 تا 28 کیلوگرم داشته باشند. تغذیه‌ی بره‌ها نیز باید با ترکیبی از شیر مادر و کنسانتره‌ی گاه سفید انجام گیرد.

نژاد رامنی¹



منشاء نژاد رامنی به گوسفندان دو منظوره‌ی رامنی مارش در قدیم که از نژاد لایسیستر در قرن نوزدهم به وجود آمده بودند، بر می‌گردد. این گوسفند متعلق به منطقه‌ی مارشی در ایالت کنت انگلیس است. به دلیل بادهای تند و بارش‌های زیاد، نواحی کنت مملو از علف‌های آبدار است. این شرایط جغرافیایی باعث به وجود آمدن چند خصوصیت ویژه در نژاد رامنی شده است. این ویژگی‌ها شامل سم‌هایی است که از آسیب‌پاها جلوگیری می‌کنند و پشم‌هایی که در هوای نامطلوب سالم می‌مانند. با توجه به شبیه بودن شرایط آب و هوایی با توپوگرافی منطقه، این نژاد به راحتی در نیوزیلند و جزایر فالکلند سازگاری پیدا کرد و در آنجا به سرعت رشد کرد و هنوز هم در این مناطق نژاد غالب است. در سال 1904

1-Romny

میلادی اولین رامنی به آمریکای شمالی آورده و به سرعت در آن جا معروف شد. اتحادیه‌ی پرورش دهندگان نژاد رامنی در آمریکا در سال 1982 تاسیس شد و اولین رامنی مارش های خالص، طبیعی و رنگی در همان سال در اتحادیه ثبت شدند.

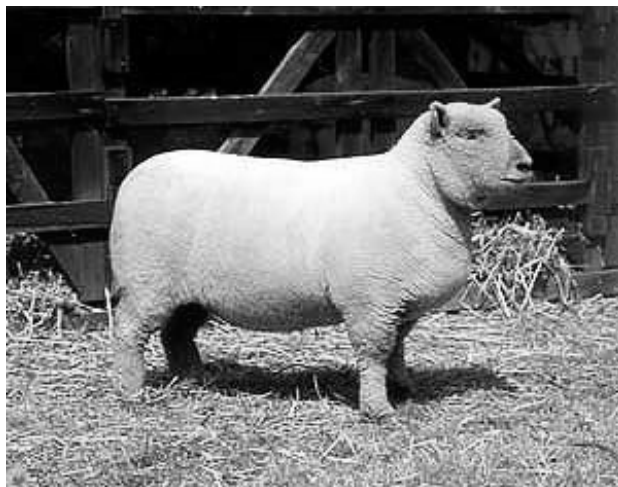
رامنی یک نژاد تاریخی دو منظوره بوده است و در تمام محیط های کشاورزی یافت می شود. این گوسفندان در ابتدا دارای پشم های ضخیمی بودند. پشم این گوسفندان از اوایل قرن نوزدهم به بعد به واسطه ی آمیزش های رامنی با قوچ های لایسیستر و انتخاب دقیق نتاج آن ها به تدریج بهبود یافت.

بدن به رنگ سفید و سم، پوزه و لب سیاه رنگ است. دارای جثه‌ی متوسط می باشد و نسبت به دیگر نژاد های گوشتی کوچک تر است. در هر دو جنس بی شاخ و دارای ظاهر یک نژاد گوشتی خوب است. سر پهن و پوشیده از مو یا پشم، گردن قوی، شانیه‌ی پهن، سینه عمیق و پهن، پشت راست و پهن، کمر عمیق و طویل، کپل پهن و ساق پای کوتاه و محکم دارد.

وزن بلوغ در قوچ ها بین 100 تا 125 کیلوگرم و در میش ها بین 85 تا 100 کیلوگرم است. بر روی پیشانی مقداری از پشم و بر روی گونه ها تار های کوتاهی از پشم وجود دارد. این نژاد به دلیل داشتن چند ویژگی در میان تمام نژاد های گوسفند بی نظیر است، پشم درخشان بوده، محصول خالص بالایی دارد و به خوبی تاییده می شود. این نژاد در سال 3/5 تا 6 کیلوگرم پشم با خلوص 65 تا 80 درصد تولید می کند. پشم رامنی 31 تا 38 میکرون قطر و 12 تا 18 سانتی متر طول دارد و شمارش تابش آن اعداد 40 تا 48 را نشان می دهد.

کم بودن روغن این پشم باعث روشن شدن آن به هنگام شست و شو می شود. طیف وسیع شمارش تابشی آن باعث شده تا پشم گوسفند رامنی برای تولید بسیاری از محصولات از عرق گیر گرفته تا لباس های رو و قالیچه مورد استفاده قرار گیرد. پشم به راحتی در روغن تاییده می شود و به سرعت رنگ می گیرد. رنگ های طبیعی سیاه، خاکستری، نقره ای و قهوه ای بیشترین خریدار را دارند. اگر به خوبی مراقبت شود، بره های این گوسفند را می توان تا از شیر گرفتن آرام آرام تغذیه نمود و سپس در مراتع رها کرد تا بالغ شوند. گوشت این نژاد به دلیل مزه‌ی خوب آن معروف است.

نژاد سات داون



منشاء نژاد سات داون¹ منطقه‌ی سات داون واقع در سوسکس در جنوب شرقی انگلستان است. در اواخر قرن 18 و اوایل قرن 19 میلادی این گوسفند به مناطق دیگر گسترش یافت. سال‌های بسیار قبل، گوسفند بومی این منطقه به دلیل داشتن گوشتی با کیفیت مطلوب مشهور بوده است. در اثر سال‌ها انتخاب بین گله‌های محلی و پرورش دقیق گوسفندان انتخاب شده این نژاد به صورت امروزی ثبت گردید. به احتمال زیاد این گوسفند در ایجاد نژاد های گوشتی دیگر مخصوصاً نژاد های همشایر، شراب شایر و ساف نقش مهمی داشته است.

دارای پوشش بدن سفید و سر و اندام‌های حرکتی قهوه‌ای رنگ است و در هر دو جنس بی‌شاخ می‌باشد. بدن پهن و عمیق و ساق پای پُر، صاف و کوتاهی دارد. میانگین وزن قوچ‌های این نژاد 85 تا 110 کیلو گرم و میانگین وزن میش‌ها 60 تا 80 کیلو گرم است. پشم آن کوتاه، کم‌پشت و ظریف می‌باشد. پشم میش‌های بالغ

1- South down

بین 0/9 تا 1/8 کیلوگرم و خلوص آن 40 تا 55 درصد است. پشم ها از نوع متوسط با قطر فیبری 23/5 تا 29 میکرون و طول 4 تا 6 سانتی متر هستند. این نژاد یکی از بهترین نژاد ها از نظر دارا بودن صفات نژاد های گوشتی و رشد است. جثه ی کوچک در قوچ ها مانع آمیزش این نژاد با سایر نژاد ها برای تولید بره های کشتاری می شود، در نتیجه دامداران برای تولید بره های کشتاری از قوچ های نژاد های بزرگ تر استفاده می کنند. این میش ها تولید شیر متوسطی دارند و دو قلو زایی در آن ها متوسط است. قوچ های این نژاد در انگلیس، آمریکا، استرالیا و نیوزیلند برای پرورش بره های پرواری خالص و آمیخته در حد وسیعی مورد استفاده قرار گرفته اند.

نژاد سافولک



تاریخچه و پراکنش

گوسفند نژاد سافولک¹ حاصل آمیزش قوچ های سات داون جنوبی با میش های نورفولک هورن هستند. این نژاد نام خود را از بخش سافولک در جنوب شرقی انگلیس گرفته که این منطقه همراه با مناطق اسکس و نورفولک منشاء اولیه این نژاد است. این نژاد پس از شکل گیری، در اثر انتخاب به شکل نژاد امروزی سافولک ثبت شد. گوسفند شاخ دار نورفولک گونه ای وحشی بوده که دارای صورت سیاه و پشم سبک می باشد. هر دو جنس شاخ دار بوده هستند.

مناطق مرتفع سافولک، نورفولک و کمبریج در سواحل شرقی انگلیس محل زندگی این گونه بوده است. این مناطق، باد خیز، سرد و خشک بودند و گوسفندان نورفولک مسافت طولانی را برای غذا می پیمودند. به دلیل تحمل شرایط سخت دارای بدن عضلانی شده بودند. آن ها دارای بدن کشیده و قوی و بره های بلند و عضلانی بودند. این گونه از نظر پرورش دهندگان و قصاب ها بسیار حائز اهمیت بوده است.

در سال 1886 میلادی، جامعه ی سافولک انگلیس در جهت ارائه ی خدمات و گسترش استفاده از این گونه حرکتی نوین را آغاز کرد. با انتخاب و پرورش دقیق نژاد سافولک توسط پرورش دهندگان انگلیسی، این گونه خصوصیتی کسب نمود که همگان را شگفت زده کرد. از آن پس تا به امروز این نژاد به دلیل کیفیت مناسب گوشت مشهور و مورد استقبال همگان است. همچنین این نژاد در انگلیس، آمریکا، استرالیا و نیوزیلند برای پرورش بره های پروراری خالص و آمیخته به عنوان لاین پدری مورد استفاده قرار گرفته است.

خصوصیات

از نشانه های مشخص این نژاد صورت، گوش و ساق های سیاه آن است. سر و گوش ها فاقد پشم بوده و از مو های کوتاه پوشیده شده است. این نژاد بدون شاخ بوده و از صفات بارز آن پر تحرک بودن و مقاومت به محیط می باشد. این گوسفندان جثه ی نسبتاً درشت، ویژگی های یک نژاد گوشتی خوب و قدرت راهپیمایی زیادی دارند و در مراتع فقیر می توانند از علوفه های نا مرغوب استفاده کنند.

1- Suffolk

از نظر شیر دهی دارای قابلیت بالایی می باشند. راندمان پشم در آن ها مطلوب نیست و تولید پشم سالانه 30 تا 35 کیلوگرم با خلوص نهایی 50 تا 62 درصد است. پشم آن ها از نوع پشم متوسط با قطر الیاف 25/5 تا 33 میکرون و طول آن 5 تا 8/75 سانتی متر است. میانگین وزن قوچ های بالغ 115 تا 150 کیلوگرم و میانگین وزن میش های بالغ 80 تا 115 کیلوگرم است. این نژاد 30 درصد سنگین تر از نژاد سات داون می باشد. نسبت بره زایی 1/5 و درصد دو قلو زایی متوسط است. در اصلاح نژاد، قوچ های این نژاد اهمیت بالایی دارند، زیرا از آمیزش این قوچ ها با میش های مناسب دیگر نژاد ها، بره هایی نسبتاً کوچک به وجود می آید که بره زایی در میش ها را بسیار آسان می کند.

نژاد سنگسری¹



گوسفند سنگسری مختص محلی است به همین نام که در شمال شهرستان سمنان واقع می باشد (مهدی شهر) و به روش عشایری و روستایی پرورش می یابد. به علت کوچکی جثه و مقاومت نسبت به عوامل محیطی، متداول ترین روش پرورش آن روش رمه گردانی است.

بیلاق گوسفند سنگسری معمولاً منطقه‌ی فیروزکوه، دماوند، شمیرانات و کرج و قشلاق آن‌ها در حاشیه کویر سمنان و ورامین است. به دلیل کوچک بودن جثه در معرض شدیدترین شکل آمیخته‌گری قرار گرفته است. این گوسفند در منطقه‌ی شمال شرقی استان تهران گوسفند غالب منطقه را تشکیل می‌دهد.

خصوصیات ظاهری

سنگسری گوسفندی است که دارای بدن جثه‌ی کوچ، اندام‌های حرکتی کوتاه و ظریف و دنبه‌ی نسبتاً کوچک و بدون دنبالچه یا با دنبالچه‌ی بسیار کوچکی است که به شکل برگشتگی انتهایی روی دنبه قرار دارد. قوچ‌ها و میش‌ها اکثراً بدون شاخ هستند و گاهی در نرها شاخ به شکل زائده‌ای کوچک نمایان می‌شود. این گوسفند در رنگ‌های سیاه (بور)، نخودی (شیوا)، قهوه‌ای روشن، قهوه‌ای تیره و خاکستری دیده می‌شود و به خاطر جثه‌ی کوچک و دست و پای ظریف، قدرت راه‌پیمایی زیاد و مقاومت به عوامل محیطی، یکی از بهترین گوسفندان گوشتی منطقه محسوب می‌شود.

این گوسفند به عنوان یک نژاد ریز جثه و با توجه به شرایط سخت پرورش، از قدرت بره‌دهی قابل توجهی برخوردار است و میزان تلفات بره در آن پایین است اگر چه عملکرد تبدیل ماده‌ی خشک به گوشت در این گوسفند مانند گوسفندان درشت جثه نیست ولی به علت کم توقع بودن، با سهولت بیشتری می‌تواند خوراک کم پروتئین را به گوشت تبدیل نماید.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	45 تا 50	40 تا 45
ارتفاع (سانتی متر)	-	-

نژاد شال

تاریخچه

منطقه‌ی بوئین زهرا که زادگاه اصلی گوسفند نژاد شال¹ می‌باشد به طور متوسط دارای بارندگی 150 تا 250 میلی‌متر در سال است. مراتع منطقه عموماً از نوع استپی و بافت خاک از نوع درشت دانه و مخلوط با رس می‌باشد. نژاد شال از صدها سال پیش به محیط زندگی

1- Shal



خود عادت کرده و برای تحمل تشنگی و گرسنگی دارای دنبه‌ی بزرگی است. ذخیره‌ی چربی در دنبه علاوه بر فراهم کردن امکان تحمل تشنگی و گرسنگی برای دام، موجب جلوگیری از تجمع چربی در نقاط دیگر بدن می‌شود، به گونه‌ای که اگر در دوران بره گی دنبه‌ی حیوان قطع شود، چربی بیشتری در لاشه‌ی خود ذخیره می‌کند. مورفولوژی نژاد شال می‌تواند تحت تاثیر شرایط منطقه‌ی زیست آن (بوئین زهرا) باشد.

سر حیوان کمی طویل، حدقه‌ی چشم برجسته و پوزه‌ها کلفت است. چشم‌ها نسبتاً درشت و پیشانی صاف و کوتاه است. هر دو جنس فاقد شاخ می‌باشند. رنگ بدن و الیاف پشمی آن به رنگ سفید شکر می‌تمایند به خاکستری است که در اصطلاح محلی به این رنگ شیر بور می‌گویند.

میش	قوچ	صفت
50 تا 58	70 تا 80	وزن (کیلو گرم)
70 تا 75	75 تا 80	ارتفاع (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

هدف از نگه داری این نژاد منحصراً تولید گوشت و فروش بره است. متوسط وزن تولد بره ها $3/5$ کیلوگرم، وزن گوسفند بالغ در قوچ ها 70 الی 75 کیلوگرم و در میش ها 65 الی 69 کیلوگرم است.

به علت کم بودن گسترش پشم در سطح بدن، میزان تولید پشم ناچیز بوده و سالانه به طور متوسط یک کیلوگرم پشم تولید می شود، زیرا برخی از قسمت های بدن (شکم و بین ران ها) فاقد پشم است. تولید پشم سالیانه به ازای هر راس 1200 الی 1500 گرم است. میزان تولید شیر نسبتاً زیاد است به طوری که در یک دوره ی چهار ماهه 150 کیلوگرم شیر تولید می کند که اغلب به مصرف بره ها می رسد. تولید شیر روزانه بین 400 الی 600 گرم است.

این گوسفند دو قلوا زا است.

نژاد سنجابی¹



تاریخچه و پراکنش

ایل سنجایی در اواسط دوره‌ی ناصری (1264 تا 1313 قمری) با انشعابات از ایل زنگنه تشکیل سازمان ایلی داد. حدود 80 درصد از کل مردم ایل سنجایی به طور دایم و ثابت در ناحیه‌ی بیلاق ده نشینند و به کشاورزی می پردازند. ناحیه زندگی ایل از دو قسمت دشت و کوهستان تشکیل شده است. نام این گوسفند از ایل سنجایی گرفته شده است و بیشترین تعداد این نوع گوسفند در استان کرمانشاه یافت می شود.

خصوصیات ظاهری

سنجایی گوسفندی دنبه دار است که جثه ای بزرگ و اندام های حرکتی بلند دارد. رنگ صورت قهوه ای تا قهوه ای کم رنگ بوده و بدن از پشم بلند و نسبتاً سفید و ضخیمی پوشیده شده است. از لحاظ تولید جزء گوسفندان گوشتی و گوشتی - پشمی بوده و دارای تولید شیر مناسبی است.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	65 تا 70	50 تا 55
ارتفاع (سانتی متر)	65 تا 70	60 تا 65

مقاومت نسبت به شرایط محیطی، سرعت رشد و کیفیت و کمیت پشم مناسب است. در بین گوسفندان این نژاد سه تیپ غالب دیده می شود که عبارتند از:

زردی: در این تیپ، سر و صورت از محل خط وصل کننده دو چشم به پایین یکدست قهوه ای است.

کژل: در این تیپ نوار سفیدی از محل پیشانی تا روی بینی و پوزه کشیده شده که در برخی این نوار سفید در پوزه نیز امتداد یافته است.

کلول: در این تیپ مانند تیپ کژل، نوار سفیدی روی سر وجود دارد ولی برخلاف آن به صورت کامل تا روی بینی و پوزه ادامه ندارد.

گوسفند ترکی - قشقایی



تاریخچه

این گوسفند عمدتاً توسط عشایر ترک قشقایی نگه داری می شود و در قلمرو عشایر مناطق مختلف استان فارس، بخشی از استان کهگیلویه و بویر احمد، اصفهان و بوشهر پراکنده است. به علاوه گوسفنداری های روستایی این مناطق نیز گوسفند ترکی - قشقایی¹ را پرورش می دهند. در حال حاضر طایفه‌ی کشکولی بیشترین تعداد این نوع گوسفند را دارا است.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن در بره قهوه ای تیره است ولی در زمان بلوغ رنگ بدن تغییر کرده و حالت روشن به خود می گیرد ولی قسمت های سر، زیر گردن، زیر شکم و چهار قلم رنگ اولیه خود را حفظ می کنند. رنگ های مشهور این اکوتیپ قهوه ای تیره (بور قنقر)، قهوه ای روشن (بور نخودی یا شکری) و قهوه ای متمایل به قرمز (بور قرمز) می باشد. بدن کشیده و حجیم بوده و به حالت عضلانی و پهن دیده می شود. دنبه به شکل گرد و کوتاه بوده و معمولاً بالا تر از مفصل خرگوشی قرار دارد و از وسط دارای نیم چاک می باشد.

1- Turki- Ghashgaii

صفت	فوج	میش
وزن (کیلو گرم)	60 تا 65	50 تا 55
ارتفاع (سانتی متر)	70 تا 75	65 تا 70

خصوصیات تولیدی

در حال حاضر فرآورده های لبنی حاصل از گوسفند ترکی بسیار محدود و بیشتر جنبه‌ی خود مصرفی دارد. از شیر میش های مادر بیشتر در تغذیه‌ی بره ها استفاده می شود. پرورش گوسفند ترکی - قشقایی به منظور تولید گوشت و جهت به دست آوردن درآمد بالا تر، در بین اکثر خانوار ها مرسوم گردیده است. طول مدت شیردهی این اکوتیپ 102 روز و متوسط شیر تولیدی روزانه 195 گرم، درصد چربی شیر 5/88، درصد پروتئین خام 5/29 و درصد ماده‌ی خشک شیر 18/2 می باشد. تولیدات دیگر شامل دام های مازاد و حذفی (بره های نر زیر یک سال و میش های پیر و قصر) می باشد. همچنین پشم آن به دلیل کیفیت مناسب و رنگی بودن (قهوه ای) در صنعت قالی و گبه بافی کاربرد دارد.

نژاد زندی¹



1- Zandi

تاریخچه

گوسفند زندی بنا بر اعتقاد گروهی از صاحب نظران سویه ای از گوسفند قره گل می باشد که در اثر آمیخته شدن گوسفندان منطقه‌ی شیراز با قره گل به دست آمده است. این گوسفند در زمان سلسله‌ی زندیه به منطقه آورده شده و در کتب قدیم به نام قره گل زندی معروف می باشد. یکی از مهم ترین گوسفندان پوستی به حساب می آید و پوست بره های آن جهت تولید البسه گران قیمت پوستی استفاده می شود. پرورش این گوسفند در بین عشایر و روستا نشینان جایگاه خاصی داشته و ایلات و عشایر نقش مهمی در پرورش و نگه داری آن دارند.

حدود 2 میلیون راس گوسفند زندی در دو استان تهران و مرکزی وجود دارد که از این تعداد 1/565/460 راس آن در استان تهران پراکنده هستند.

خصوصیات ظاهری

رنگ پوشش بدن در بدو تولد کاملاً سیاه بوده و از شش ماهگی به بعد به تدریج به رنگ قهوه ای و یا بر اثر تابش به رنگ نقره ای متمایل می گردد. البته برخی نیز تا آخر عمر سیاه باقی می مانند. گروهی که حدود 10 درصد گله های موجود را تشکیل می دهند، به رنگ خاکستری (کبود) بوده و احتمالاً منشاء آن ها گوسفندان خاکستری شیراز می باشد. دنبه در این گوسفند گردن کوچک بوده و دارای دنبالچه ای به شکل S بر روی آن می باشد. چربی زیر پوستی در آن ها در مقایسه با بسیاری از گوسفندان دیگر ایرانی، کمتر می باشد. از مزایای بسیار جالب این گوسفند عدم زرد شدن چربی پس از کشتار و قرار گرفتن در معرض هوا می باشد که این باعث افزایش بازار پسندی گوشت آن می شود.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	50 تا 55	40 تا 45
ارتفاع (سانتی متر)	60 تا 65	55 تا 60

نژاد زل¹

تاریخچه

این نژاد در مناطق ساحلی دریای خزر و قسمتی از دشت گرگان پرورش داده می شود و در استان گیلان بیشتر به صورت آمیخته با نژاد مغانی پرورش می یابد. این گوسفند به نژاد آریایی هم معروف است، زیرا شواهد تاریخی نشان می دهد که قوم آریایی ساکن که در نواحی گرگان و مازندران اقدام به اهلی کردن این گوسفند نموده اند.

خصوصیات ظاهری

خصوصیات منحصر به فرد گوسفند زل سبب شده که آن را حد فاصل گوسفندان اهلی و وحشی منظور نمایند، زیرا این نژاد به جای دنبه دارای یک دم متشکل از هفت مهره است که طول آن حدود 10 تا 12 سانتی متر است که در مقایسه با نژاد های دم دار خارجی بسیار کوتاه می باشد. این نژاد به رنگ های سیاه، سفید و قهوه ای روشن تا تیره دیده می شود. پوست آن به دلیل کوچک و نازک بودن مرغوب نیست. اندام های حرکتی آن بلند و بدون پشم است. قوچ ها دارای شاخ طویل، پیچیده و قوی بوده و برخی از میش ها نیز دارای شاخ

هستند که در اصطلاح محلی به آن گُلُن می گویند که در اصطلاح محلی به دو زائده‌ی زیر گلوی دام ها گفته می شود.

این نژاد سبک وزن و کوچک جثه، دارای سر ظریف و کوچک و پیشانی کوتاه است و بر روی بینی یا پیشانی برجستگی ندارد. به دلیل عدم رعایت اصول لازم در آمیزش نژاد زل، امروزه رنگ های متفاوتی از گوسفند زل مانند سفید متمایل به نخودی تا شکری، حنایی و سیاه وجود دارد که هر یک از آن ها به دلیل تعداد زیاد به اسامی مختلفی مانند جور شیوا، جوربور، تیپ کوتر، تیپ ساری و کلاچی نامیده می شوند.

میش	قوچ	صفت
35 تا 40	40 تا 50	وزن (کیلو گرم)
60 تا 55	60 تا 65	ارتفاع (سانتی متر)

فصل سوم

نژاد های بز

جایگاه بز در رده بندی جانوران

Animal	جانوران	Kingdom	سلسله
Metazoa	پر سلولی ها	Sub kingdom	زیر سلسه
Chordata	طناب داران	phylum	شاخه
Vertebrata	مهره داران	Sub Phylum	زیر شاخه
Tetrapoda	چهار پایان	Super Class	فوق رده
Mammalia	پستان داران	Class	رده
Ungulata	سم داران	Sub Class	زیر رده
Artiodactyla	زوج سمان	Order	راسته
Ruminantia	نشخوار کنندگان	Sub Order	زیر راسته
Bovoidae (Hollow horned animal)	حیوانات تهی شاخ	Super Family	فوق خانواده
Bovidae	تهی شاخان	Family	خانواده

اطلاعات موجود نشان می دهند که اهلی شدن بز تقریباً همزمان با اهلی شدن گوسفند می باشد ولی بحث بر سر موضوع اولویت اهلی شدن این دو گونه‌ی حیوانی ادامه دارد. قدیمی ترین بقایای اسکلت بزهای اهلی که در غرب ایران کشف شده اند، مربوط به حیواناتی که در 8 هزار سال قبل از میلاد مسیح در این مناطق می زیسته اند. آثار باقی مانده از قدیم نشان می دهد که فاصله‌ی زمانی 2 هزار تا 6 هزار سال قبل از میلاد گروه هایی از بز های اهلی در قاره های آسیا، اروپا و آفریقا پراکنده شده اند. در طول زمان، پس از اهلی شدن بزها تغییرات زیادی در صفات مختلف آن ها به وجود آمده است. جثه‌ی آن ها بزرگ تر شده، شکل و اندازه‌ی شاخ ها تغییر کرده و بی شاخی رواج یافته، سرعت رشد افزایش یافته و میزان تولید مثل افزایش یافته است. در حدود 3 هزار سال قبل از میلاد در غرب آسیا نژاد هایی به وجود آمده اند که سطح بدن آن ها از الیاف بلند و ظریف پوشیده بوده و بعد ها به سایر نقاط منتقل شده اند.

نژاد آلپین¹

تاریخچه و خصوصیات

منشاء اولیه‌ی این نژاد نواحی کوهستانی سوئیس، اتریش و فرانسه است، لذا بهترین عملکرد را در نواحی سرد و کوهستانی داشته و در نواحی گرمسیری نیز تولید مناسبی دارد. در این نژاد رنگ بدن به صورت سیاه، سفید، خاکستری و یا ترکیبی از آن ها می باشد. هر دو جنس دارای شاخ هستند. از خصوصیات ممتاز این نژاد عادت پذیری آن به شرایط محیطی متفاوت است. مشخصات صفات تولیدی این نژاد مشابه نژاد سانن می باشد ولی تولید آن بیشتر است. وزن متوسط بلوغ در جنس نر 65 تا 80 کیلو گرم و در جنس ماده 50 تا 60 کیلو گرم است.

نژاد آنقوره



تاریخچه

منشاء اولیه‌ی بز آنقوره¹ سرزمین های آسیای میانه می باشد. پس از ورود این بز ها به وسیله‌ی ترک ها به خاک آناتولی در حدود قرن سیزدهم، این حیوانات در سرزمین جدید تطابق خوبی نشان داده و بومی شده اند. در طول دوره‌ی عثمانی در آناتولی منحصرأ به پرورش این نژاد پرداختند. در سال 1838 میلادی نخستین گروه از این بز ها به آفریقای جنوبی و بعد از آن به تدریج به ایالات متحده‌ی آمریکا، برخی از کشور های اروپایی و اقیانوسیه صادر شدند. در این کشور ها به پرورش و اصلاح این بز ها پرداختند. نام این نژاد از ناحیه‌ی آنکارا اخذ شده به طوری که در ترکیه به این نژاد بز آنکارا گفته می شود.

خصوصیات

بز های آنقوره دارای بدنی ظریف و کوچک هستند. بز های ماده در حدود 28 تا 35 کیلوگرم و بز های نر 35 تا 45 کیلوگرم وزن دارند. رنگ اصلی این نژاد سفید نقره ای است

1- Angora

ولی بزهای به رنگ های کرم، زرد، قهوه ای و سیاه هم دیده می شوند. بز های رنگی در اثر آمیزش با نژاد های موپی به وجود آمده اند.

بز های آنقوره عموماً دارای شاخ می باشند و گوش های نسبتاً بزرگ و بلندی دارند. سر و گردن، زیر شکم و همهی بدن از الیاف سفید، ظریف و درخشان که مادهی اولیهی نساجی محسوب می شود، پوشیده شده است. این حیوانات علی رغم این که فاقد بدن عضلانی هستند، دارای قابلیت تحرک بسیار می باشند و از این ویژگی برای چرا در مراتع فقیر حد اکثر بهره برداری را می نمایند.

محصول اصلی مورد نظر از پرورش بز آنقوره موهر است. تولید موهر با توجه به اصلاح نژاد، جنس، سن و شرایط تغذیه و بهداشت متفاوت است و سالیانه به طور میانگین در بز های ماده 1/5 تا 3 و در بز های نر 3 تا 6 کیلوگرم تولید می شود.

در آمریکا تعداد زیادی از این بز ها اصلاح شده اند و تولید بالایی دارند، ولی میانگین تولید در ترکیه بیش از 2 کیلوگرم نمی باشد.

نژاد عربی¹



پراکنش

پرورش دهندگان این بز عشایر طایفه عرب هستند که برخی از آن ها در قسمت شرق خرامه ساکن شده اند. بیلاق این طایفه سر پنیان سعادت شهر، سرچاهان بوانات، باغ سیاه قادر آباد، ده بید و قشلاق آن لار، داراب، فسا و جهرم است. ارتفاع جدوگاه در بز نر بالغ 60 سانتی متر و در بز ماده‌ی بالغ 56 سانتی متر می باشد.

خصوصیات تولیدی

مقدار شیر تولیدی در یک دوره‌ی شیر دهی 40 تا 50 کیلوگرم، طول مدت شیر دهی در یک دوره‌ی 5 تا 6 ماه، وزن زنده در بز نر بالغ 40 تا 45 کیلوگرم و وزن زنده در بز ماده‌ی بالغ 30 تا 32 کیلو گرم است.

نژاد بوئر¹

تاریخچه و خصوصیات

نژاد بوئر یکی از معروف ترین نژاد های گوشتی بز می باشد که در آفریقای جنوبی پرورش یافته است. رنگ بدن این بز سفید و گردن و سر به رنگ قهوه ای می باشد و ممکن است رنگ بدن نقطه نقطه به نظر آید. رشد این حیوان بسیار مطلوب است به گونه ای که نر های اخته شده ی پرواری تا وزن 100 کیلوگرم می رسند. بز های ماده ی بوئر در طول سال فحل می شوند، لذا تنظیم برنامه برای سه زایش در دو سال بسیار آسان خواهد بود. در برخی از مزارع دامپروی سالیانه از هر بز به طور میانگین 3/6 بزغاله به دست می آورند. افزایش وزن روزانه ی بزغاله ها در دوره ی پروار بندی به 230 تا 270 گرم می رسد. راندمان غذایی این بز ها در دوره ی پروار نسبتاً خوب می باشد. لاشه ی این بز ها کیفیت مرغوبی دارد.

نژاد خلخالی¹



تاریخچه و پراکنش

بز یکی از مهم ترین حیوانات اهلی منطقه ی آذربایجان بوده و در هر روستایی، گله های متعددی از آن دیده می شود. بز خلخالی از شاخص ترین نژاد های بز منطقه است که از سالیان بسیار دور در میان گله ها به چشم می خورد.

1- Khalkhali

به علت هزینه‌ی نگه‌داری نسبتاً کم و سازگاری با شرایط اقلیمی منطقه، نگه‌داری و پرورش این بز به صورت یک سنت در اکثر نقاط این منطقه انجام می‌گیرد. پرورش این دام از لحاظ اقتصادی اهمیت زیادی برای روستاییان و عشایر دارد. این بز بخشی از پروتئین مورد نیاز مردم را تامین می‌کند.

خصوصیات ظاهری

رنگ عمومی این بز ها سیاه و در مواردی روشن بوده، پوشش مویی بدن آن ها بلند و ضخیم و گوش ها پهن و کوتاه است. ارتفاع جدوگاه 63 تا 74 سانتی متر و طول بدن 52 تا 64 سانتی متر می باشد.

خصوصیات تولیدی

مقدار کل تولید شیر در یک دوره‌ی شیردهی 120 تا 150 کیلوگرم، میانگین وزن زنده‌ی بز نر بالغ 40 تا 54 کیلوگرم و میانگین وزن زنده‌ی بز ماده‌ی بالغ 30 تا 41 کیلوگرم است.

نژاد لری¹



پراکنش

پراکنش این بز در استان فارس در منطقه‌ی جاوید، دشمن زیاری و پشت کوه رستم می باشد. نحوه‌ی نگه داری این نژاد عمدتاً به صورت روستایی است. ارتفاع جدوگاه در بز نر بالغ 75 سانتی متر و ارتفاع جدوگاه در بز ماده‌ی بالغ 59 سانتی متر است.

خصوصیات تولیدی

میانگین شیر تولیدی در یک دوره‌ی شیردهی 40 کیلوگرم، طول مدت شیردهی در یک دوره‌ی 5 تا 6 ماه، وزن زنده در بز نر بالغ 45 تا 47 کیلوگرم و وزن زنده در بز ماده‌ی بالغ 30 تا 33 کیلوگرم می باشد.

نژاد مُرغز¹



تاریخچه و پراکنش

بز مُرغز یکی از بز های کرکی ایران است که در منطقه‌ی شمال غربی استان کردستان پرورش داده می شود. آثار حکاک‌ی بز به همراه گوسفند در غار شانه دری کردستان عراق که

1- Morghoz

مربوط به بیش از 8000 سال قبل از میلاد است، حکایت از سابقه‌ی دیرینه‌ی پرورش این دام در کردستان دارد.

در منطقه‌ی کردستان به بز مرغز، بز مرز می گویند که معادل فارسی آن کرک نرم و لطیف است. در خصوص منشاء بز مرغز اختلاف نظر های زیادی وجود دارد. عده ای آن را زیر نژادی از بز آنقوره‌ی ترکیه می دانند که در اثر تلاقی با بز های بومی آذربایجان و کردستان و انتخاب طبیعی به شکل کنونی درآمده است. عده ای نیز بر این باور هستند که منشاء بز آنقوره‌ی ترکیه از بز مرغز ایران می باشد که به ایستگاه های تحقیقاتی برده شده و با اجرای برنامه های اصلاحی نژادی به بز آنقوره تبدیل شده است و نام آن از شهر آنکارا اقتباس و به تدریج به آنقوره مبدل شده است. لازم به ذکر است که روستایی در منطقه‌ی سقر کردستان به نام مرخز وجود دارد که عده ای این روستا را موطن اصلی بز مرغز می دانند. بز مرغز، دامی سه منظوره یعنی گوشت، الیاف نرم و ظریف (معروف به موهر) و شیر است. گوشت آن از نظر کیفی ترد، نرم با طعم و بوی مطبوع و نیز کم چرب است و در منطقه‌ی آرمرد در بانه طرفداران زیادی دارد که آن را به سایر گوشت ها ترجیح می دهند. از شیر آن ماست، کره و پنیر کوزه ای ویژه ای درست می کنند که خوراک روزمره‌ی ساکنان می باشد. چون اکثر آن منطقه صعب العبور است، در نتیجه بز مرغز ماده همچون گاو کوچک خانوار ها می باشد که سالانه در حدود 5 تا 6 ماه از شیر آن استفاده می شود.

پس از تبدیل الیاف به نخ و سپس به پارچه توسط دستگاه های نساجی سنتی به نام جولائی، لباس های محلی به نام جوخه و رانک (شلوار و قبا) تهیه می کنند. همچنین الیاف آن جهت بافت شال، ساق بند، جوراب، ژاکت، پشه بند، جا نماز، عبا، پستک (پوشش نمد مانند که برای محافظت در مقابل سرما بی نظیر است) و غیره کاربرد دارد. به واسطه‌ی وجود بز مرغز، منطقه از نظر تامین البسه، گوشت و شیر کاملاً خود کفا می باشد و اگر زمانی بز مرغز در منطقه از بین برود، مردم روستا ها و کوخ ها (محل تجمع یک، دو یا سه خانوار در منطقه) به شهر ها سرازیر خواهند شد.

با افزایش تولید الیاف می توان آن را به عنوان یک کالای غیر نفتی ارز آور به خارج از کشور صادر و مازاد آن را در کارخانجات تولیدی کوچک جهت تبدیل به نخ و نخ به پارچه و تهیه‌ی سایر فرآورده ها مورد استفاده قرار داد و اشتغال زایی بیشتری را ایجاد نمود. ارزش اقتصادی بز مرغز بر اساس کیفیت و رنگ موهر تولیدی است. موهر تولیدی این گوسفند بر اساس آخرین قیمت موجود تا 12 دلار به ازای هر کیلوگرم خریداری شده است.



جمعیت

هم اکنون تعداد این توده در کردستان تقریباً حدود 18000 راس و در مناطق کرد نشین استان آذربایجان غربی در حدود 5000 راس می باشد. با در نظر گرفتن بز های ننگه داری شده در ایستگاه های تحقیقاتی سقز، کرمانشاه و سنندج، شمار این دام در ایران بالغ بر 24000 راس می باشد.

خصوصیات ظاهری

رنگ الیاف پوششی این بز شامل قهوه ای روشن تا تیره، سفید، سیاه و شکلاتی می باشد. از آنجایی که رنگ قهوه ای نیاز به رنگرزی مجدد ندارد، محبوبیت زیادی دارد و بیشتر در تهیه ی لباس های محلی استفاده می شود، ولی رنگ سفید در صنعت ارجحیت دارد، زیرا رنگ پذیر است.

این بز چابک و زرنگ با جثه ای کوچک، سر مثلثی شکل و متوسط، حدقه ای چشم برجسته و چشم به رنگ های مختلف می باشد. پوزه باریک، گوش ها صاف و صورت بدون کرک با کمی پوشش در قسمت پیشانی است. شاخ در بز نر ضخیم و پیچیده است، در حالی که شاخ در بز ماده، باریک با پیچش ملایم می باشد. گردن کوتاه و پوشیده از کرک، تمام سطح بدن، اندام های حرکتی و زیر شکم پوشیده از الیاف پوششی، سینه کم عمق، پشت تقریباً صاف و اندام های حرکتی باریک و کوتاه می باشد.

طول بدن در نر ها 46/1 سانتی متر و در ماده ها 49/6 سانتی متر و ارتفاع جدوگاه در نر ها 64/6 سانتی متر و در ماده ها 61 سانتی متر می باشد.

خصوصیات تولیدی

طول دوره‌ی شیر دهی 196 روز، میانگین تولید شیر در هر دوره‌ی شیر دهی 150 لیتر، میزان چربی شیر 4 تا 5 درصد و میزان پروتئین شیر 4 تا 5 درصد می باشد.
متوسط تولید کرک سالیانه‌ی بز نر بالغ 600 گرم، متوسط تولید کرک سالیانه‌ی بز ماده‌ی بالغ 500 گرم، درصد الیاف حقیقی 96/20 درصد، قطر الیاف 30 میکرون و راندمان 78 درصد است.

خصوصیات تولید مثلی

سن در اولین زایش 23 ماه، طول دوره‌ی آبستنی 147 تا 151 روز، باروری 97/6 درصد، دوقلو زایی 32 درصد، سه قلو زایی 1/4 درصد، چند قلو زایی 33/3 درصد و بزغاله زایی 142/5 درصد است.

نژاد نجدی¹



1- Najdi

تاریخچه و پراکنش

این بز از قرون گذشته در منطقه‌ی خوزستان وجود داشته و عقیده بر این است که از منطقه‌ی نجد عربستان به خوزستان آورده شده است. برخی دیگر عقیده دارند که ناحیه‌ی نجد بسیار وسیع بوده و در زمان های بسیار دور منطقه‌ی خوزستان قسمتی از ناحیه‌ی نجد بوده و به همین دلیل نام این بز نجدی می باشد.

بز نجدی یک دام شیری محسوب می شود و تولید گوشت آن نیز مهم است. اصولاً یک دام خانگی است و یکی از منابع مهم تامین شیر، گوشت و درآمد خانوار ها به حساب می آید. از سوی دیگر با توجه به این که گیاهان رویشی منطقه‌ی خوزستان اغلب از مواد خشبی و سلولزی تشکیل شده اند و این دام نیز قابلیت خوبی در استفاده از این مواد دارد، پرورش این دام در استان خوزستان دارای اهمیت خاصی می باشد.

جمعیت

جمعیت فعلی بز های استان خوزستان 1/753/659 راس است که به روش متمرکز و غیر متمرکز پرورش داده می شود. از جمعیت بز های نجدی اطلاعات دقیقی در دست نیست. غالباً این نژاد با نژاد های خارجی (عموماً بز های پاکستانی) آمیخته شده و در نتیجه این نژاد در حال نابودی و انقراض است.

خصوصیات ظاهری

این بز دارای اندام های حرکتی باریک و بلند و پوست نرم و براق با پوشش کوتاه، نرم و لطیف می باشد. رنگ عمومی بدن، قهوه ای تیره و در مواردی از زرد آهویی تا یک دست سفید متغیر است. گوش ها پهن و افتاده، نیم رخ سر صاف و باریک، دارای خط سیاه پشتی از پس سر تا نوک دم و دارای دو منگوله در زیر گردن است. در گله های موجود حدود 57 درصد ماده ها و 54 درصد نر ها شاخ دار هستند.

خصوصیات تولیدی

میانگین طول دوره‌ی شیر دهی $198/11 \pm 14/82$ روز و میانگین مقدار تولید شیر در یک دوره‌ی شیر دهی $160/4 \pm 0/715$ کیلوگرم می باشد.

میانگین وزن بزغاله‌ی نر در هنگام تولد $3/065 \pm 0/126$ کیلوگرم، میانگین وزن بزغاله‌ی ماده در هنگام تولد $2/775 \pm 0/197$ کیلوگرم و میانگین وزن از شیرگیری بزغاله‌ی نر $12/037 \pm 0/800$ کیلوگرم است.

چربی شیر 4/014 درصد، پروتئین شیر 3/6 درصد و مواد جامد شیر 14/85 درصد می باشد.

خصوصیات تولید مثلی

میانگین طول دوره‌ی آبستنی حدود 151 روز می باشد و دو قلو زایی در حدود 46 درصد است که در حد نسبتاً بالایی قرار دارد.

نژاد نائینی¹



تاریخچه

این بز به عنوان بز غالب و بومی منطقه شناخته شده و از نژاد های دو منظوره‌ی شیری و کرکی به شمار می آید.

1- Naeini

خصوصیات ظاهری

رنگ عمومی بدن در این بز سیاه می باشد. قسمت فوقانی سر و اطراف پوزه تا ناحیه‌ی گوش های این حیوان نوار سفید یا خرمایی رنگی وجود دارد که این رنگ در زیر شکم بین کشاله‌ی ران نیز دیده می شود. رنگ کرک، خاکستری تیره و گاهی روشن است.

خصوصیات تولیدی

میانگین مقدار شیر تولیدی در یک دوره‌ی شیر دهی 60 تا 70 لیتر، وزن زنده‌ی بز نر بالغ 30 تا 35 کیلوگرم و وزن زنده‌ی بز ماده‌ی بالغ 25 تا 30 کیلوگرم می باشد.

نژاد کرکی رائینی¹



تاریخچه و پراکنش

بز کرکی رائینی از دوران گذشته در عشایر رائین در کرمان وجود داشته و به عنوان یک نژاد محسوب می شود. بیشترین بز کرکی در شهرستان بافت وجود دارد. کرک تولیدی این دام اهمیت زیادی برای دامداران داشته و معمولاً در پایان هر سال و اوایل بهار کرک آن ها چیده

1- Raeini

شده و به فروش می رسد. از شیر این بز در تهیهی کشک استفاده می شود که در استان کرمان مصرف زیادی دارد. این فرآورده ها به عنوان فرآورده های فرعی دام محسوب شده و بخشی از هزینه های دامداران را تامین می کند.

خصوصیات ظاهری

رنگ عمومی بدن سفید بوده و سطح بدن پوشیده از کرک و مو می باشد. رنگ های سفید، قهوه ای، سیاه و ترکیبی از رنگ های فوق به صورت ابلق و یا ابرش نیز دیده می شود. اکثر این بز ها شاخ دارند، به طوری که در بز های ماده شاخ ظریف و باریک و در بز های نر شاخ ضخیم و تا حدودی پیچیده است. گردن در این بز ها نسبتاً کوتاه تا متوسط و پوشیده از کرک و مو می باشد.

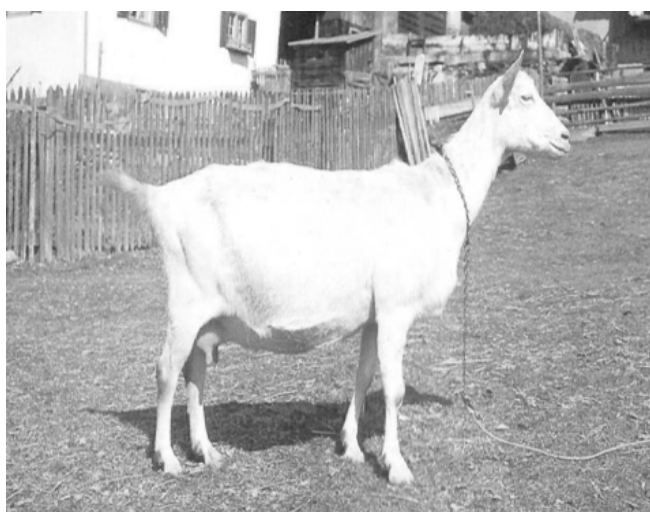
کرک این دام از نظر ظرافت در دنیا اهمیت زیادی دارد. در زمان کرک دهی، کرک ناحیهی گردن زود تر از نواحی دیگر بدن شروع به ریزش می کند. بدن از کرک و مو به نسبت 30 به 70 پوشیده شده است. اندازهی گوش ها متوسط، شاخ ها کمی خمیده و طول ایاف کرکی بدن حدود 23 تا 30 سانتی متر است. پستان در این بز قیفی شکل، نرم و اسفنجی است. دم پوشیده از مو بوده و علاوه بر رنگ سفید عمومی بدن، رنگ های نقره ای و یا ترکیبی از رنگ های سیاه با قهوه ای و غیره نیز وجود دارد. میانگین ارتفاع جدوگاه در بز نر $63/76 \pm 4/41$ سانتی متر و میانگین ارتفاع جدوگاه در بز ماده $60/46 \pm 4/8$ سانتی متر است.

خصوصیات تولیدی

مقدار شیر تولیدی روزانه به روش نگه داری متمرکز 350 گرم و طول دورهی شیر دهی به روش نگه داری متمرکز 4 تا 5 ماه است. میانگین وزن زندهی بز نر بالغ 35 کیلوگرم، میانگین وزن زندهی بز ماده بالغ 30 کیلوگرم، میانگین وزن لاشه 12 کیلوگرم و راندمان لاشه 40 درصد می باشد. میزان کرک تولیدی سالیانه در بز نر بالغ 800 تا 1000 گرم و در بز مادهی بالغ 250 تا 300 گرم است.

خصوصیات تولید مثلی

بزغاله زایی 78 درصد، دو قلو زایی 2 تا 4 درصد و سن در هنگام اولین جفت گیری 15 تا 18 ماهگی می باشد.

نژاد سانن¹**تاریخچه**

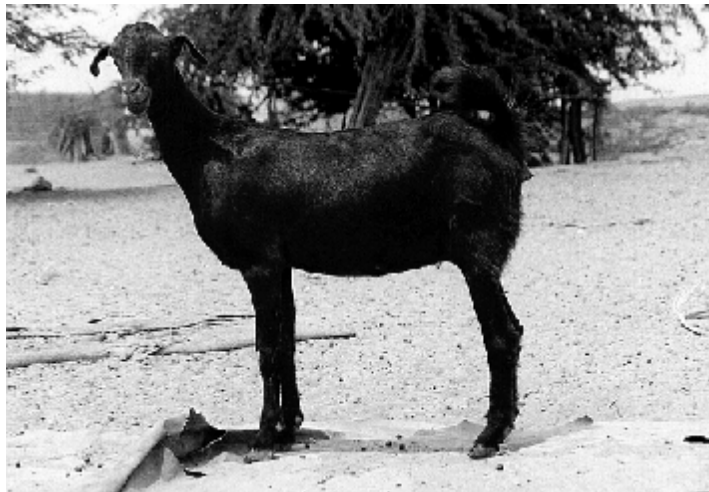
این نژاد یکی از نژاد های معروف شیری جهان می باشد. این بز ها در سوئیس پرورش یافته و دارای بدنی با پوشش کاملا سفید رنگ هستند. یکی از نژاد های تولید کننده ی شیر بوده، قابلیت تطابق با شرایط مختلف آب و هوایی و درصد باروری بالایی دارد، و به علت دارا بودن این ویژگی ها به نقاط مختلف دنیا برده شده است. در کشور های مختلف بز های سانن را هم به صورت گله های خالص و هم به صورت آمیخته ی بز های بومی مورد استفاده قرار می دهند.

1- Saanen

خصوصیات

بز های سانن دارای ویژگی های مشترک بز های شیری می باشند. در مراتع خوب قابلیت چرا داشته و در مزارع بسته نیز قابل پرورش هستند. میزان شیر تولیدی در دوره ی 280 روزه ی شیردهی به 700 کیلوگرم می رسد. نژاد های رکورد دار در آمریکا در یک سال بیش از 2 هزار کیلوگرم شیر تولید کرده اند. وزن بز های ماده در حدود 50 کیلوگرم و وزن نرها 60 تا 65 کیلوگرم است.

نژاد تالی¹



این توده حدود 400 سال پیش توسط ملوانان از عدن وارد استان هرمزگان شده و توانسته است با شرایط موجود در این منطقه سازگاری یافته و به صورت دام بومی منطقه در آید و در حال حاضر یکی از توده های غالب بز در سواحل خلیج فارس و دریای عمان می باشد. بز های تالی در نقاط مختلف این استان به نام های تالی جزیره ای، بز ساحلی و بز عدنی نیز نامیده می شوند.

بز تالی یکی از دام های مقاوم استان هرمزگان می باشد که با شرایط آب و هوایی گرم و مرطوب این نواحی سازگار شده است. این بز همچنین قادر به راه پیمایی طولانی بوده و به همین سبب در بیشتر نواحی استان مانند بندر لنگه، بندر خمیر و جزایر مربوطه، گله های بز در طول سال در مراتع اطراف به چرا می روند و تنها در موارد نادر تغذیه دستی می شوند. در نواحی دیگر استان مانند بندر عباس و میناب علاوه بر چرا در مراتع و پس چر مزارع، با استفاده از علوفه های باغی و ضایعات خرما تغذیه دستی می شوند.

خصوصیات ظاهری

رنگ عمومی بدن این دام قهوه ای سوخته تا روشن می باشد. دارای گوش های کوچک و اندام های حرکتی ظریف و پوشش بدن بسیار کوتاه و براق بوده و غالباً فاقد شاخ است.

خصوصیات تولیدی

میانگین مقدار تولید شیر روزانه 800 گرم و میانگین طول دوره ی شیر دهی 120 روز است. وزن بزغاله ی نر در هنگام تولد 2/5 تا 3 کیلوگرم، وزن بزغاله ی ماده در هنگام تولد 2 تا 2/5 کیلوگرم، وزن بزغاله ی نر در هنگام از شیر گیری 10 تا 12 کیلوگرم، وزن بز نر بالغ 35 تا 40 کیلوگرم و وزن بز ماده ی بالغ 25 تا 30 کیلوگرم می باشد.

خصوصیات تولید مثلی

غالباً فصل زایش بز های تالی در اواخر تابستان، اواخر پائیز و اوایل زمستان است. دارای درصد دو قلو زایی نسبتاً بالایی بوده و احتمالاً دو قلو زایی بیش از تک قلو زایی می باشد. صفت دو بار زایش در سال از خصوصیات بز های توده ی تالی است و معمولاً اولین زایش در سن 15 ماهگی انجام می گیرد. در این نژاد باروری 76/5 درصد، بزغاله زایی 114/5 درصد و دو قلو زایی 25 تا 30 درصد می باشد.

نژاد توگن برگ¹

تاریخچه و خصوصیات

این نژاد نیز از نژاد های سوئیسی به وجود آمده است. موی آن ها کوتاه تا متوسط، نرم و صاف است. رنگ بدن از قهوه ای تا سیاه و خاکستری تغییر می کند. در صورت این بز ها دو نوار رنگی روشن به چشم می خورد. دارای گوش های سفید با لکه های سیاه می باشند و اندام های حرکتی آن ها سفید است. این نژاد صفات ظاهری بز های شیری را دارا می باشد. وزن زنده ی بز های ماده 45 تا 50 کیلوگرم و وزن زنده ی نرها 60 تا 65 کیلوگرم است. بز های توگن برگ نیز با شرایط آب و هوایی مختلف تطابق نشان می دهند ولی برای تولید حداکثر شیر توجه به تغذیه و بهداشت آن ها ضروری خواهد بود. برای اصلاح نژاد بز های بومی در کشور های مختلف در برنامه های آمیخته گری از این نژاد استفاده شده است. طول دوره ی شیرواری 270 روز و میانگین تولید در این دوره 650 تا 700 کیلوگرم است.

نژاد تورکی¹

تاریخچه

این بز به طوایف ایل قشقایی منتسب می باشد و اغلب توسط تیره های ایمانلو از طایفه‌ی دره شوری و تیره‌ی کهبا از طایفه‌ی کشکویی کوچک، نگه داری و پرورش می یابد.

خصوصیات تولیدی

مقدار تولید شیر در یک دوره‌ی شیردهی 36 تا 40 کیلوگرم، طول دوره‌ی شیردهی 6 ماه، وزن زنده‌ی بز نر بالغ 50 تا 55 کیلوگرم و وزن زنده‌ی بز ماده‌ی بالغ 32 تا 35 کیلوگرم گزارش شده است.

فصل چهارم

نژاد های اسب

جایگاه اسب در رده بندی جانوران

Animal	جانوران	Kingdom	سلسله
Metazoa	پر سلولی ها	Sub kingdom	زیر سلسله
Chordata	طناب داران	phylum	شاخه
Vertebrata	مهره داران	Sub Phylum	زیر شاخه
Tetrapoda	چهار پایان	Super Class	فوق رده
Mammalia	پستان داران	Class	رده
Ungulata	سم داران	Sub Class	زیر رده
Perissodactyla	فرد سمان	Order	راسته
Equidae	اکوئیده	Family	تیره
Equus	اسب	Genus	جنس

تکامل اسب

در سال 1840 میلادی، در جست و جوی شناسایی اجداد اسب های امروزی در حومه‌ی لندن و در سال 1870 میلادی در بستر رودخانه‌ی ویند در وایومینگ آمریکا، سنگواره های مشابهی به دست آمد که متعلق به دوران ائوسن، یعنی دومین دوره از دوران سوم زمین شناسی بود. پس از بررسی و مطابقت با یافته های دوران بعدی زمین شناسی، مشخص شد که این سنگواره ها متعلق به نخستین اسب موجود بر روی زمین است. نام علمی ائو هیپوس برای این سنگواره انتخاب شد. این سنگواره به 60 تا 85 میلیون سال پیش بر می گردد و انتخاب این نام برای آن به دلیل شباهت به روباه یا خرگوش است که چهار انگشت در اندام های حرکتی جلویی و سه انگشت در اندام های حرکتی عقبی داشته و حدود 40 تا 45 سانتی متر قد داشته است. همچنین دندان های آن نشان دهنده‌ی آن است که علف خوار بوده و از برگ درختان استفاده می کرده است. در آن زمان هوای کوهی زمین گرم و سطح آن باتلاقی بوده و وزن کم حیوان، امکان زیست در این شرایط را فراهم می کرده است. سنگواره های یافت شده در دوره‌ی ائو هیپوس که به آن ها اورو هیپوس گفته می شود بیانگر ایجاد تغییراتی در ساختمان اسب می باشد که از آن جمله می توان افزایش قد چند سانتی متری و وجود دندان های آسیا را بیان کرد. علت این تغییرات بعد از این چند میلیون سال را می توان ناشی از پایین آمدن درجه‌ی حرارت، خشک شدن باتلاق ها و پوشیده شدن زمین ها از مرتع دانست.

در اواخر دوره‌ی ائوسن، حیوانی در اروپا زندگی می‌کرده که نسل آن زود از میان رفته و در دوره‌ی اولیگوسن اثری از آن نیست. این حیوان شباهت زیادی به ائو هیپوس داشته و نام اپی هیپوس را به خود گرفته است. کاملاً معلوم نیست که اسب‌های پیدا شده در دوره‌های بعد، از نسل اپی هیپوس هستند یا ائو هیپوس، ولی به هر حال با شروع دوره‌ی اولیگوسن (20 تا 45 میلیون سال پیش دوره‌ی اولیگوسن آغاز و به اتمام رسیده است)، نوعی از اسب‌ها از نسل یکی از این دو حیوان بر روی زمین پیدا شده که با صراحت می‌توان گفت اجداد اسب‌های بعدی بوده‌اند. نام این اسب مزو هیپوس است که پس از تغییراتی که در آن به وجود آمد، اسب میو هیپوس به وجود آمده است. مزو هیپوس‌ها به خوبی می‌دویده‌اند و قد آن‌ها به 50 سانتی متر رسیده بود. سپس قد آن‌ها به 60 تا 70 سانتی متر افزایش یافت و به خوبی روی یکی از انگشت‌های بیشتر رشد کرده، تکیه می‌کردند، ولی هنوز انگشت‌های دیگر هم روی زمین تکیه داشتند. در این دوره، در آسیا و اروپا نیز اسب دیده شده و این نشان می‌دهد که مهاجرت‌هایی انجام گرفته است. در اواخر دوره‌ی میوسن (10 میلیون سال پیش) اسبی به وجود آمده که شباهت زیادی به اسب‌های امروزی داشته و مریکیپوس نامیده شد. این اسب فقط بر یکی از انگشتان خود تکیه می‌کرده و انگشتان دیگر این اسب کوچک شده و به زمین نمی‌رسیدند، همچنین قد آن 80 تا 90 سانتی متر بوده است. پیش از تکامل اسب در این دوره (حدود 10 تا 25 میلیون سال پیش) حیوانی به نام پارا هیپوس پیدا شده است. در این دوره قد اسب کوتاه‌تر بوده و شباهت کمتری به اسب امروزی دارد. پارا هیپوس در دندان‌های خود دارای جودان و ستاره‌ی دندانی بود که امروزه از آن‌ها برای شناسایی سن اسب استفاده می‌شود.

در دوره‌ی پلیوسن که به 10 میلیون سال پیش بر می‌گردد، حیوانی به نام هیپاریون پیدا شده که خیلی شبیه تک‌سمان امروزی است و تشخیص این که کدام یک از تک‌سمان امروزی از نسل آن هستند دشوار است. قد هیپاریون از یک متر بیشتر بوده، یک سم در هر یک از اندام‌های حرکتی داشته و در آمریکا، آسیا و اروپا زندگی می‌کرده است. در همین دوره بلافاصله پس از هیپاریون، اسب پلیو هیپوس به وجود آمده که به معنی واقعی تک‌سم بوده و با 120 سانتی متر قد، آغاز عصر اسب را نوید می‌دهد. از یک میلیون تا 150 هزار سال پیش دوره‌ی پلیستوسن شروع و به اتمام رسیده است. در آغاز این دوره، اسب پلیو هیپوس و پس از آن اسب پرزوالسکی به شکل واقعی و امروزی پیدا شده است. این اسب در جنوب سبیری موجود است و با 140 سانتی متر قد تمام ویژگی‌های اسب امروزی را دارد.

چگونگی پیدایش اسب های امروز جهان

بررسی مقدماتی و پیش از تعیین توالی ژنوم اسب نشان می دهد که به یقین اسب های امروز نتاج و حاصل سه دسته اسب هستند که در گذشته های خیلی دور وجود داشته اند، ولی تشخیص و جدا کردن درصد اختلاط این سه دسته، مشکل است. به هر حال بررسی های دقیق تا حدودی ژن های اسب های امروزی و درصد شرکت هر کدام از سه دسته اسب های اصلی را مشخص کرده است. این اسب ها عبارتند از:

1) **اسب های خون سرد (کُلد بلاد¹):** اسبی به نام فریژیلوس در هزاران سال پیش، در جنگل ها و مراتع اروپای امروزی وجود داشته است. این اسب سنگین وزن تقریباً به وزن یک تن بوده و پیدایش آن به زمان هایی بر می گردد که حیوانات عظیم الجثه مانند ماموت ها، شیر های دریایی و خرس های سنگین می زیسته اند. نسل باقی مانده و موجود اسب های کُلد بلاد که در آن شرایط به وجود آمده و هم اکنون نیز وجود دارند، اسب هایی در آردنس کشور فرانسه است که بدنی با عضلات پُر و محکم و اندام های حرکتی پُر پشم داشته و بسیار تندرو هستند.

2) **اسبچه ها:** در مناطق گرم تر اروپا اسب های اکوئوس پرزوالسکی و ائوکوس تارپانوس به وجود آمدند که هم اکنون نیز تعدادی از نوع اول موجود است.

3) **اسب های خون گرم (وارم بلاد²):** نتیجه ی بررسی ها و تحقیقات نشان داده که اسب عرب امروزی باقی مانده ی اسب های اکوئوس آزیلیس می باشد که فوق العاده چابک و خون گرم است.

اسب های امروزی و تقسیم بندی آن ها

نظریه های مختلفی درباره ی نخستین اسب های امروزی روی کره ی زمین وجود دارد که با توجه به وجود تعداد کم سنگواره ها، به دقت و قاطعانه نمی توان گفت که کدام یک صحیح و

1- Cold Blood

2- Warm Blood

کدام یک غلط است. در سال 1947 میلادی بی. لوند هولم¹ اسب های اولیه را به دسته های زیر تقسیم بندی کرد:

- (1) اسب های صخره ای استپ²
 - (2) اسب های صحاری و فلات های سلطیک پونی³
 - (3) اسب های جنگلی که منشاء آن ها به نژاد وحشی سالوتر⁴ می رسد.
- در سال 1922 میلادی آنتونیوس⁵ اسب ها را به سه دسته ی دیگر با نام های زیر تقسیم بندی کرد:

- (1) تارپان یا اکوئوس اورینتالیس⁶
- (2) پرزوالسکی⁷ یا اکوئوس فروس⁸
- (3) اکوئوس روبوس توس⁹ یا اسب های درشت جثه

داروین تمام اسب های امروزی جهان را از یک نژاد یعنی اسب وحشی می داند. در حالی که محققانی مانند آنتونیوس و هلز هایمر¹⁰ اسب نوع تارپان را پدر اسب های امروزی می دانند. نژاد اسب های تارپان هم اکنون از میان رفته ولی در لهستان از یک سیلیمی پرزوالسکی و یک مادیان نژاد کونیک، اسبی شبیه آن به دست آورده اند. اطلاعات فوق ثابت می کند که نژاد های اسبی که هم اکنون وجود دارند، هر کدام دارای یک اصل و نسب وحشی بوده و از اسب های اولیه به وجود آمده اند. در تقسیم بندی اسب های امروزی جهان نظریه های مختلفی وجود دارد. در گذشته ابتدا اسب ها را از نظر شکل نیم رخ استخوان پیشانی به سه دسته تقسیم می کرده اند:

- (1) راست بر: اسب هایی بودند که نمای نیم رخ پیشانی آن ها صاف بود.
 - (2) کاو بر: به اسب هایی گفته می شد که نمای نیم رخ پیشانی آن ها فرو رفته بود.
 - (3) کوژ بر: دسته ای از اسب ها بودند که نمای نیم رخ پیشانی آن ها برجسته بود.
- در سال 1874 رانک، اسب ها را به دو گروه خون گرم و خون سرد تقسیم کرد. اسب های خون گرم از اسب های پُر خون و اصیل بوده که منشاء آن ها کشور ایران قدیم است. در ایران، اسب های ترکمنی در شمال شرق، اسب های عربی در جنوب غرب و

1- B.Lundholm
4- Solutre
7- Przewalski
10- Hilzhimer

2- Steppe
5- Antonieas
8- Equus ferus

3- Celetic Pony
6- Equus Orientalis
9- Equus robustus

اسب های کردی در شمال غرب از پُر خون ترین اسب های دنیا می باشند. این اسب ها بسیار باهوش، دلیر، سر زنده، بسیار چابک و خستگی ناپذیر هستند و اصالت و نجابت آن ها شهرت جهانی دارد. گروه دیگر، اسب های خون سرد هستند. منشاء این اسب ها مراتع خوش آب و هوای اروپا است. اسب های خون سرد دارای نژاد های متعددی می باشند که همگی دارای اندام های حرکتی تنومند بوده و اکثراً سم های بزرگ آن ها با مو های مچ اندام های حرکتی پوشیده شده است. اسب های خون سرد بسیار رام و مطیع بوده و به دلیل داشتن قدرت زیاد، از آن ها در کشیدن گاری های سنگین یا شخم زدن زمین ها استفاده می شود.

امروزه اسب ها به سه دسته‌ی زیر تقسیم بندی می شوند:

- 1) اسب های سنگین وزن یا خون سرد
- 2) اسب های سبک وزن و میان وزن یا خون گرم
- 3) اسبچه ها

اصیل یا اسب عرب¹

متخصصین اسب در دنیا عمدتاً اسب اصیل را مهم ترین عامل در اصلاح انواع نژاد های اسب دنیا می دانند و چون این نژاد پایه و اساس نژاد ترابرد می باشد، برای این موضوع اهمیت زیادی قائل هستند. از آنجایی که این اسب با شرایط اقلیمی گوناگون به راحتی سازگاری پیدا می کند در حال حاضر در اغلب کشورهای دنیا، از مناطق سردسیر تا مناطق استوایی پراکنده است و زیر نظر سازمان بین المللی اسب عرب² می باشد. اسب اصیل از خالص ترین و قدیمی ترین نژاد های دنیا می باشد. این اسب که به غلط به نام اسب عرب در دنیا مشهور شده، در واقع یک نژاد کاملاً ایرانی بوده و پدران ما هزاران سال در اصلاح نژاد این اسب تلاش نموده اند ولی چون اولین بار اروپایی ها این اسب را از کشورهای عربی دریافت کرده اند به این مناسبت این اسب به نام اسب عرب مشهور گردیده است. تحقیقات انجام شده ثابت کرده که اعراب به خصوص عربستان قبل از ظهور اسلام دارای اسب اصیل نبوده بلکه در اثر

1- Asil or Arab

2 - WAHO (World Arab Horse Organization)

تشویق پیامبر اسلام (ص) مبادرت به نگه داری و تربیت اسب های ایرانی نمودند که بعد ها به اسب عرب معروف شد.

شاخه‌ی ایرانی اسب اصیل نه تنها ویژگی های مربوط به تیره های خود مانند کهیلان، حمدانی، عیبان، سگلاوی، حدبان و غیره را از دست نداده بلکه آن خصوصیتی را که در اصل باعث معروف شدن این نژاد شده به صورت کامل نگه داشته است. این خصوصیات شامل زیبایی، هوش و بیش تر از همه شهامت و پُر خونی توأم با نجابت می باشد. ایرانیان به توانایی های این نژاد نسبت به شکل ظاهری آن اهمیت بیشتری داده اند. در حال حاضر جمعیت قابل ملاحظه ای از این نژاد در نواحی جنوب غربی کشور به خصوص استان خوزستان و همچنین تهران وجود دارد.

خصوصیات ظاهری

این نژاد از نظر خصوصیات ظاهری کاملاً متمایز از سایر نژاد های دنیا می باشد. نژاد های حاصل از نژاد عرب از نظر قدرت، سرعت و جثه بهتر از اسب عرب هستند، ولی از نظر نجابت، مقاومت و سازگاری قابل مقایسه با آن نیستند.

در این اسب گردن به طور بسیار زیبایی به طرف جدوگاه انحنا پیدا کرده و شانه ها به طور مشخص برجسته می باشند. سر به طور خاصی به گردن متصل شده و می تواند آزادانه در همه‌ی جهات حرکت نماید. یال و دم به صورت بی نظیری، زیبا و ظریف با درخشش ابریشمی می باشد. سر نیز کوتاه و ظریف بوده و صورت، صاف یا مقعر است، دارای منخرین بزرگ و چشم های درشت و براق (که پایین تر از سایر نژاد ها قرار دارد) می باشد. گوش ها کوچک، ظریف و متحرک بوده و گاهی به طرف داخل انحنا می یابد. قسمت پشت در اسب عرب، کوتاه و کمی مقعر است. این اسب دارای کمر قوی، کپل طویل و تخم مرغی شکل و اندام های حرکتی سخت و خشک است.

استقامت اسب عرب افسانه ای بوده و در قرن نوزدهم مسابقات اسب های عرب در مسافت های طولانی در صحرا به مدت سه روز انجام می شده است. روش این اسب در حرکت به صورت شنا کردن توصیف شده است. اسب عرب دارای طبیعتی مهربان بوده و بسیار دلاور است.

نژاد ترکمن آخال تکه



منشاء اولیه‌ی اسب های آخال تکه¹، روستای میان کویری به نام آخال واقع در جنوب ترکمنستان است. این منطقه از جنوب شرقی صحرای قره قوم تا دامنه کویت داغ ادامه دارد. به دلیل وضعیت خاص، این منطقه دور از هر گونه تاخت و تاز و تهاجم و حتی دور از مقاصد تجاری و بازرگانی قرار گرفته است. بنابراین، این انزوا و جدایی روستا های آخال، همراه با غرور خاص مردم قبیله تکه در خالص کردن نژاد، منجر به ایجاد قدیمی ترین و خالص ترین خط نژادی گردیده است. قرن ها جنگ جویان ترکمن، سوار بر اسب های آخال تکه در حداکثر درجه حرارت روز در صحرا های بی آب و علف به تاخت و تاز می پرداختند و این اسب ها همه‌ی این سختی ها را تحمل می کردند. از آنجایی که فقط یک ماه از سال در صحرا های لم یزرع علوفه ی تازه در دسترس بوده، و شب ها بسیار سرد و ظهر ها بسیار گرم

1- Akhal Teke

بود، بنابراین اهالی قبیله ی تکه، روش خاص خود را در پرورش اسب به کار می بردند. به این صورت که میخ چوبی در زمین می کوبیدند و توسط افسار کوتاهی اسب را مهار کرده و توسط جل و نمد تمام بدن اسب را می پوشانند تا از سرمای شب و گرمای سوزان روز در امان باشند. پرورش اسب های آخال تکه از طریق اجرای محدودیت های غذایی اعمال می شد. برای تغذیه اسب ها از جیره های غنی از پروتئین مانند یونجه خشک، پلت چربی گوسفند همراه با جو و کیک خمیر سرخ شده و ذرت استفاده می کردند. این روش نگه داری منجر به این شد که اسب به غذا و آب کم عادت نماید، نسبت به صاحب خود اظهار علاقه نماید و به افراد ناشناس مشکوک شود. پوشاندن بدن اسب ها با پوشش زیاد نه تنها آن ها را از تغییرات درجهی حرارت هوا مصون نگه می دارد، بلکه باعث درخشندگی پوست و موی اسب می شود که چشم را خیره کرده و باعث احساس غرور صاحبان آن ها می شود.

اسب آخال تکه به خاطر قدرت تحمل و سرعت بالا، اسبی ایده آل در شرایط صحرائی است. در پیشینهی این اسب، رکورد عجیب و باور نکردنی ثبت شده که حاکی از تحمل و مقاومت بیش از حد آن به گرما می باشد. اسب های آخال تکه مسیر اشک آباد تا مسکو با فاصلهی بیش از 4100 کیلومتر را در سال 1935 میلادی در حدود 84 روز طی کرده اند که 360 کیلومتر از این مسیر، حرکت در صحرائی سوزان بوده و اسب به آب دسترسی نداشته است. این مسیر سه روزه طی شده و این رکورد هرگز تکرار نشده است.

این اسب دارای ترکیب بدنی متمایز از سایر نژاد ها، ساختار بدنی سبک و زیبا، اندام بلند، کشیده، باریک و لاغر ولی بسیار قدرتمند است. شیب کمر به طرف جلو، شیب کپل به طرف عقب و روی کپل گرد نبوده و به صورت صاف دیده می شود. صورت کشیده، خشک، استخوانی، ظریف، باریک و بلند، نیم رخ صورت صاف یا کمی محدب، چشم ها درشت و براق هستند.

دارای گردن طویل، باریک و عضلانی بوده و از نیم رخ، زیر گردن صاف و روی مهره‌ی سوم گردن شکستگی جزئی دیده می شود. گردن با شیب تند نزدیک به خط عمود روی تنه قرار می گیرد. اندام های حرکتی طویل، نازک با تاندون های قوی، مفاصل قوی و متناسب، بخولق بدون مو و با طول متوسط و نیز دارای شیب تند نزدیک به خط عمود، مفاصل خرگوشی بسیار مناسب برای جهش، قلم اندام های حرکتی کوتاه، گام ها نرم و سبک و دارای انعطاف، و حرکات آزادانه است. اسب های آخال تکه غالباً دارای سم های نرم و

شکننده بوده و غالباً دچار لنگش ناشی از سم می گردند و بدین جهت اسب های آخال تکه برای مسیره های کوهستانی مناسب نیستند.

رنگ بسیار خیره کننده این نژاد، رنگ طلایی و مشکی با جلای فلزی (متالیک) است که زیر تابش خورشید درخشندگی خاصی دارد. رنگ های کهر متالیک و به ندرت نیلی یا نقره ای نیز یافت می شود. اغلب آخال تکه ها روی سرتاسر کمر خود یک خط طولی ممتد دارند که نشانگر قدمت نژاد است. خالص ترین و مقاوم ترین اسب های آخال تکه آن هایی هستند که علاوه بر داشتن تمامی خصوصیات فنوتیپی و ژنوتیپی ایده آل، رنگ بدن مشکی متالیک (پر کلاغی) یا طلایی یکدست (یعنی حتی یک موی سفید در بدن آن ها یافت نشود) داشته باشند. اسب های آخال تکه در کتاب های انساب به سه تیپ طبقه بندی شده اند: اسب هایی با جثه ی استاندارد، متوسط و سنگین که ارتفاعی بین 152 تا 164 سانتی متر دارند.

آخال تکه، اسب واقعی بیابان و دشت می باشد، دارای آراستگی، ظرافت، مقاومت و استقامت زیادی است و توانایی و طاقت تحمل هوای گرم را دارد. حرکات این اسب ها زیبا، دارای ظرافت خاص و چابکی و همراه با گام های بلند و طویل است. توانایی و انعطاف در تغییر جهت در تاخت و تاز و نیز چهار نعل رفتن از دیگر ویژگی های این نژاد می باشد که در مسابقات درساژ، بسیار مناسب و در مسابقات پرش، عالی است. به علاوه، این اسب ها برای مسابقات چند منظوره و رالی برای مسافت زیاد بسیار مناسب هستند.

آموزش تکنیک های سوار کاری به اسب های ترکمن نیازمند حوصله و تجربه کافی است و اگر مراحل تربیتی با موفقیت طی شود، اسب ترکمن هیچ وقت تعلیمات را فراموش نکرده و نا فرمانی نمی کند و تا آخر عمر یک اسب ورزشی موفق خواهد بود.

اسب های آخال تکه بدنی لاغر و باریک داشته و مدت زیادی از شبانه روز را به دویدن، بازی کردن و جنگ های نمایشی با یکدیگر می گذرانند. اگر چند روز از اصطبل بیرون آورده نشوند، برای جلوگیری از چاق شدن، غذا نمی خورند و به محض خروج از اصطبل نیز با فعالیت های فیزیکی، انرژی اضافی را مصرف می کنند.

با گرم شدن بدن اسب های آخال تکه در اثر تمرینات ورزشی، قدرت آن ها نیز بیشتر شده تا جایی که بدن آن ها تماماً غرق در عرق می شود. در این موقع تمایلی به توقف ندارند و دائماً می خواهند با تمام قدرت بدوند. سوار کاری در چنین وضعیتی بسیار سخت و دشوار می باشد چون با کشیدن ملایم افسار برای توقف اسب، نه تنها نمی ایستند بلکه مانند قورباغه به طرف جلو می جهند (اصطلاحاً کاپریول می زنند) و با کشیدن قوی افسار، روی

دو پا ایستاده و هیچ وقت از دویدن خسته نمی شوند. به همین دلیل این اسب ها بهترین نژاد اسب برای مسابقات اسب دوانی در مسافت های طولانی هستند.

فعالیت هایی که سبب شهرت این نژاد گردیده استقامت و ظرافت در حمل کالسکه در مراسم و برنامه ها است که سبب زیبایی و جلال خاصی در این مراسم و مخصوصاً در درساژ می گردد. در مسابقات پرش، این نژاد در رقابت با سایر اسب ها معمولاً در پرش از موانع بلند و بزرگ امتناع می ورزد ولی با وجود این از قابلیت انعطاف بالایی برخوردار می باشد و قادر است مسافت های بین موانع را با قدرت مانور و سرعت بالایی طی کند، به طوری که برخی اسب های آخال تکه در مسابقات جهانی سوار کاری و رقابت های بین المللی و بازی های المپیک فاتح بوده اند.

سرمایه های ارزشمند نژاد اسب های ورزشی، از آمیخته گری های آخال تکه با نژاد های سواری هانور تراکتر و لاتویان به دست آمده است. آخال تکه از متوسط طول عمر و باروری بالایی برخوردار است. تعجب آور نیست که نریان ها پس از بیست سالگی نیز در مسابقات کشتی استفاده می شوند. رکورد باروری مربوط به مادیان اِلان¹ با تولید هفده کره در طی سه سال عمر می باشد و به طور کلی آخال تکه از عمر مفید بالایی برخوردار است. متأسفانه طی سالیان اخیر چند ژن نا مطلوب در اسب های آخال تکه ظاهر شده که عمده ترین آن ها شامل نهان خاگی (یک طرفه یا دو طرفه)، دهان طوطی که در آن فک پایین کوتاه تر از فک بالا می باشد، تنگی سینه و نزدیکی بیش از حد اندام های حرکتی جلویی به یکدیگر و متعاقباً انحراف آن ها به طرف خارج می باشد.

اسب ترکمن یموت

همان طور که گفته شد، مردمان طایفه ی تکه، اسب های ترکمن را برای شرایط زیست محیطی خود اصلاح نژاد کردند. افراد طایفه ی یموت کوچ نشین بوده و نحوه ی سکونت آن ها به شکل چادر نشینی و حیات آنان اساساً بر نگه داری و پرورش دام مبتنی بود. با توجه به شرایط این کوچ نشینان که استفاده ی وسیع از مرتع می باشد و نیز بر اساس شرایط زیست محیطی خود، اسب های ترکمن را به گونه ای اصلاح نژاد کردند، که برای آن ها مطلوب بود. اسب های یموت شباهت زیادی به اسب های آخال تکه دارند. اسب های آخال تکه به دلیل دارا بودن اندامی ظریف و باریک، اندام های حرکتی بلند، سم های کوچک، نرم و

شکننده، بدن طویل و کمر ضعیف، برای مسیر های صعب العبور و کوهستانی، فعالیت های بدنی شدید و حمل و نقل مناسب نمی باشند. بنابراین افراد کوچ نشین طایفه ی یموت، برای تقویت توانایی اسب های خود در کوچ و نقل و انتقال در مسیر های صعب العبور، خون اسب های عرب ایرانی و اسب های فلات ایران را وارد گله های خود کردند، به طوری که در این اسب های ترکمن، تأثیر پذیری از اسب های عرب مشهود است. اسب های یموت از نظر رفتاری شباهت زیادی به اسب های عربی دارند. به راحتی رام و اهلی شده و لجاجت اسب های آخال تکه را ندارند. اگرچه اسب های یموت همانند آخال تکه ها سریع نمی دوند ولی برای مسافت های طولانی توانایی و طاقت بیشتری دارند. اسب های یموت مسافت عشق آباد تا مسکو را پا به پای اسب های آخال تکه طی کرده اند. همچنین این اسب ها از مقاومت عجیبی برخوردار هستند. به عنوان مثال، وقتی لشکریان ناپلئون به مناطق سردسیر روسیه رسیدند، اکثر اسب ها از سرمای شدید تلف شدند ولی اسب معروف ناپلئون به نام جهان پیما (امپراطور) که از اسب های یموت بود هیچ ضعفی نشان نداد. اسب های یموت برای مسابقات پرش، درساز، اسب دوانی و مسابقات سه روزه مناسب هستند. ترکیب بدنی

اسب های یموت شباهت زیادی به اسب های آخال تکه دارد، ولی از برخی جهات با اسب های آخال تکه ی روسیه فرق دارند. به عنوان مثال، قد اسب های یموت کمی کوتاه تر ولی بدن آن ها سنگین تر و کمی پهن تر است، همچنین سم های قوی و اسکلت محکم تری دارند. مو های یال، دم و کاکل کمی بیشتر از آخال تکه است. این اسب ها مقاومت و استحکام بیشتری دارند، در مسیر های کوهستانی موفق هستند و حرکات قدرتی را بهتر انجام می دهند. اسب های یموت اغلب به رنگ نیله هستند (تأثیر اسب های عرب ایرانی)، ولی به ندرت به رنگ های کهر و کرنگ نیز دیده می شوند. امروزه اسب های یموت فقط در ترکمنستان و ترکمن صحرای ایران یافت می شوند. از آنجا که اکثر خانواده های طایفه ی یموت در منطقه ی ترکمن صحرای ایران زندگی می کنند، بنا بر این بیشترین تعداد از اسب های ترکمن ایران را اسب های یموت تشکیل می دهند.

در ترکمنستان اسب های یموت در گروه های جدا از اسب های آخال تکه در مسابقات اسب دوانی شرکت می کنند و در ایران فقط تعداد اندکی از بقایای بهترین اسب های یموت را می توان زیر گاری ها، در حال شخم زدن زمین ها در روستا های دور دست و یا تعداد کمی به صورت گله های وحشی در منطقه ی شمال شرقی کشور و در روز های آخر زندگی

آن ها رویت کرد. اسب های طایفه ی گوکلان برادران اسب های طایفه ی یموت هستند که از هر نظر شباهت زیادی به هم دارند. تنها تفاوت این دو نوع اسب های ترکمن را در رنگ آن ها می توان جستجو کرد. گوکلان ها علاقه خاصی به رنگ های تیره دارند و یموت ها، رنگ های روشن را می پسندند.

اسب ترکمن جرگلانی

نوع دیگری از اسب های ترکمن به نام جرگلانی در منطقه جرگلان و روستاهای مجاور (راز، گیفان، غلامان و غیره) واقع در بجنورد تا نواحی شمال شرق استان خراسان در نزدیکی نوار مرزی ایران - ترکمنستان یافت می شوند. از آنجا که سالیان متمادی، از این اسب ها در بارکشی، حمل و نقل، گاری کشی، کار در زمین های کشاورزی و مسیر های صعب العبور استفاده می شده، بنابراین در اصلاح نژاد این اسب ها بیشتر، عوامل و معیار های قدرتی و اطاعت پذیری مد نظر بوده است. به همین دلیل امروزه اسب هایی در منطقه یافت می شوند که از نظر اندام، تنومند و نسبتاً سنگین و زمخت می باشند، در حالی که خیلی مطیع و سر به راه هستند. این اسب ها چابکی و سرعت اسب های ترکمن را ندارند، ولی در عوض بسیار تنومند و مطیع هستند، بنابراین برای استفاده در رشته ی پرش همانند اسب های پرشی موفق، کارایی دارند.

اسب ترکمن چنارانی

به طور عمده، اسب های چناران برای اولین بار توسط نادر شاه افشار در منطقه ی چناران خراسان به منظور استفاده برای سواره نظام خود برای فتح هندوستان توسعه پیدا کردند. نادر شاه که در اندیشه ی فتح افغانستان و هندوستان بود، برای لشگریان خود نیاز به اسب هایی داشت که خیلی سریع دویده و خسته نشوند. به همین دلیل به فکر استفاده از اسب های آخال تکه افتاد، ولی به دلیل این که اسب های آخال تکه برای حمل تجهیزات جنگی و سواران مسلح در مسیر های سنگلاخی و کوهستانی مناسب نبودند، بنابراین به فکر استفاده از اسب های عربی افتاد که از استحکام بیشتری برخوردار بودند، ولی متأسفانه اسب های عربی هم قد کوتاه و هم سرعت کمی دارند، پس به فکر آمیختن این دو نژاد با یکدیگر، برای تولید یک اسب ایده آل افتاد. سپس با آمیزش بهترین سلیمی های عرب (که امروزه فرزندان آن ها در بازار های جهانی بالغ بر یک میلیون دلار معامله می شوند) با مادیان آخال تکه، کره هایی

با خصوصیات متفاوت حاصل شد. از آنجا که تثبیت صفات مورد نظر در مورد اسب ایده آل مد نظر بود، بنابراین اسب های دارای خصوصیات مطلوب تکثیر شدند تا جایی که اسب های ایده آلی پدید آمدند.

اسب های چنارانی از نظر اخلاق و رفتار شباهت زیادی به اسب های عربی دارند و بسیار قانع و سازگار هستند. از نظر تمام عوامل مدیریتی مانند تغذیه، پرستاری و شرایط محیطی، قانع هستند. حداقل و حداکثر درجهی حرارت محیط را تحمل می کنند. لگد نمی زنند و گاز نمی گیرند فقط در مواقعی که تحت فشار روحی شدید باشند، برای دفاع از خود لگد می زنند. اسب هایی عاطفی بوده و خیلی زود با سواران خود ارتباط برقرار می کنند. این اسب ها در جنگ های نادر شاه از سواران مجروح خود دور نمی شدند، حتی در جنگ ها دیده شده که اسب های چنارانی در کنار صاحبان مجروح خود خوابیده و سعی کرده اند آن ها را سوار کرده از مهلکه خارج کنند و بدون سواران خود میدان را ترک نمی کردند. در هر حال، قدرت فراگیری و قدرت سازش با محیط در اسب های چنارانی به مراتب بیشتر از اسب های عربی است.

اسب های چنارانی طی سالیان متمادی و زیر نظر کارشناسان متبحر به وجود آمده اند. برای ایجاد اسب های چنارانی، از اسب های سیلیمی عربی و مادیان آخال تکه استفاده می شد. اگر جفت گیری معکوس انجام می گرفت، یعنی مادیان سیلیمی عربی با نریان آخال تکه آمیزش می یافت، به طور مسلم اسب ایده آلی مانند اسب چنارانی پدید نمی آمد. امروزه حاصل آمیزش هر اسب سیلیمی عربی با مادیان آخال تکه، اسبی چنارانی نخواهد بود، بلکه اسب هیبرید عرب ترکمن می باشد. در طول زمان، خصوصیات مطلوب در اسب های چنارانی تثبیت شده و به عنوان تیره ای از اسب های ترکمن شناخته شده اند. بهترین اسب های چنارانی آن هایی هستند که رنگ مشکی یا کهر یکدست دارند (موی سفیدی در بدن آن ها دیده نمی شود). حواس شش گانه ای اسب های چنارانی خیلی قوی است. این اسب ها بسیار پر خون بوده و ظرفیت حمل اکسیژن در خون آن ها بالا است در نتیجه به بهترین وجه ممکن از اکسیژن هوا بهره می برند به طوری که در فعالیت های ورزشی بازده انرژی بالایی دارند. دستگاه گوارش اسب های چنارانی به بهترین وجه ممکن، خوراک مصرفی را هضم و جذب می کنند. به طوری که این اسب ها نسبت به فعالیت ورزشی که انجام می دهند در مقایسه با اسب های دیگر خوراک کمتری مصرف می کنند.

نژاد آنجلو عرب



منشاء نژاد آنجلو عرب^۱، اسب های عرب و ترابرد هستند ولی این نژاد بزرگ تر از اسب عرب خالص است. این اسب، از آمیزش بین نریان ترابرد و مادیان عرب یا بالعکس حاصل می شود. همچنین از آمیزش اسب های ترابرد با آنجلو عرب، عرب با آنجلو عرب، یا آنجلو عرب با آنجلو عرب به وجود می آید. با توجه به انواع آمیزش های بالا، درصد خون اسب عرب و همچنین اندازه و ظاهر اسب ها متفاوت است. بزرگ ترین اسب های نژاد آنجلو عرب از آمیزش بین نریان عرب با مادیان اسب ترابرد حاصل می شوند، که استقامت و مقاومت در برابر شرایط سخت را از اسب عرب و سرعت و آزادی عمل خود را از اسب ترابرد به ارث می برند.

فرانسه از نیمه ی اول قرن نوزدهم بیشترین اسب آنجلو عرب را تولید کرده است. منشاء اسب آنجلو عرب فرانسوی به دو نریان شرقی به نام های مسعود^۲ (عرب) و اسلم^۳ (که گفته می شود منشاء ترکی دارد) بر می گردد. این اسب ها از سوریه وارد شدند و در آنجا با سه مادیان ترابرد انگلیسی به نام های دیئر^۴، کُموس^۵ و سلیم^۶ آمیزش داده شدند. حاصل این آمیزش ایجاد سه اسب آنجلو عرب به نام های دلفین^۷، کلویس^۸، و دانه^۹ بود. این اسب ها به

1- Anglo-Arab

4- Dear

7- Delphine

2- Massoud (Arab)

5- Comus

8- Clovis

3- Aslam

6- Selim

9- Danae

عنوان اولین اسب های مسابقه و سوارکاری مورد استفاده قرار گرفتند. امروزه این اسب منشاء یکی از اسب های جدید ورزشی به نام اسب سیل فرانسویس¹ شده است.

نژاد آری جیوس



اسب نژاد آری جیوس² اسبی از دوران عهد باستان است و در کوه های پیرنه در جنوب غرب فرانسه زندگی می کند. این اسب شباهت زیادی به اسب ساترن گائول³ که در گزارش های سزار از جنگ های گالی توصیف شده است، دارد. زیستگاه این اسب دره های بلند رود آریئج⁴ است و نام خود را از همان محل گرفته است. با سخت ترین شرایط کوهستانی آن منطقه بسیار خوب سازگار شده، به سرما مقاوم است و گام های محکم و مطمئنی بر می دارد. عبور از راه های پر پیچ و خم و پوشیده از یخ کوهستان برای این اسب راحت است. این اسب بی نظیر و پر طاقت، قرن هاست که به عنوان اسب کاری استفاده می شود، همچنین می تواند به عنوان اسب سواری کوچک عمل کند یا در شیب دار ترین مزارع تپه ای کار کند که هیچ ماشین مدرنی توان کار ندارد.

1- Selle Francais
4- Ariege

2- Ariegeois

3- Southern Gaul

نژاد آردنایز



اسب نژاد آردنایز¹ یکی از متمایز ترین اسب های سنگین جهان، قدرتمند ولی به طور استثنایی رام و مطیع است. این اسب ریشه ای باستانی دارد و نام خود را از منطقه‌ی کوهستانی زادگاه خود در مرز فرانسه و بلژیک گرفته است. این اسب بزرگ، در اواخر قرن نوزدهم نه تنها به عنوان اسب کاری بلکه برای سواری هم استفاده می شد. در سال 1810 میلادی ابتدا با اسب عرب و سپس با اسب های ترابرد، پرچرون و بولنایز² آمیزش داده شد. این تلاش ها جهت اصلاح این نژاد موفقیت آمیز نبود ولی با این وجود به سودمند ترین اسب تبدیل شد. در طول انقلاب صنعتی، در زمان امپراطوری و به خصوص لشگرکشی روسیه، انرژی و بنیه‌ی اسب آردنایز، آن را برای نیروی زمینی مناسب ساخت. در طول جنگ جهانی اول این اسب به عنوان اسب توپ خانه بسیار مورد استفاده قرار گرفت.

به دلیل نیاز به نیروی اسب در کشاورزی و انجام کار های سنگین، نوع سنگین وزن این اسب گسترش یافت و امروزه علاوه بر نوع کوچک و قدیمی، دو نوع دیگر از این اسب شناخته شده است. نوع بزرگ تر که به اسب آئوکسیوز³ معروف است و اسب بزرگ تر و سنگین تر دو نرد⁴ که حاصل آمیزش با اسب بلژین درآوت است و قبلاً به نام اسب تربیت دو نرد⁵ مشهور بود.

1- Ardennais
4- Du Nord

2- Boulonnais
5- Trait du Nord

3- Auxois

نژاد آندلسی



منشاء اسب نژاد آندلسی¹ ناحیه‌ی گرمسیر جنوب اسپانیا در نزدیکی آفریقای شمالی است. اسب‌های بومی اسپانیا در زمان ورود سپاه اسلام به این کشور (سال 711 میلادی) به پونی اولیه‌ی سورانی که هنوز هم در پرتغال یافت می‌شوند، شباهت داشتند. احتمالاً این اسب‌ها با اسب‌های بارب متعلق به مسلمانان آمیزش‌های بسیاری انجام داده‌اند. در سال 1492 میلادی، توجه کشور اسپانیا به جهان غرب و اسب‌های آنجا معطوف شد. اسب‌های اسپانیایی که فاتحان اسپانیایی در قرن 16 به آمریکا بردند برای اصلاح نژاد‌های جدید بسیار مطلوب بودند. اسب اسپانیایی در اروپا به اسب دلخواه پادشاهان و اربابان بزرگ سوارکاری مانند ویلیام کاوندیش² و دوک نیوکاسل تبدیل شد. دوک نیوکاسل در قرن هفدهم نوشت، اگر این اسب درست انتخاب شود بهترین و زیباترین اسب در جهان خواهد بود.

این اسب بسیار شجاع، مطیع و آرام است و در یورتمه، چهار نعل و تاخت و گام بسیار محکم و قوی عمل می‌کند. بسیار متواضع و دوست داشتنی و مناسب برای پادشاهان در روزهای پیروزی و شادی بوده است. اسب لیپیزانر³ نواده‌ی مستقیم اسب آندلسی است، در حالی که دیگر نژاد‌های مشهور اروپایی تحت تأثیر خون اسب‌های اسپانیایی شامل

1- Andalusian

2- William Cavendish

3- Lipizzaner

فردریسبورگ¹، فریزین، هلشتاین و کانمارا بوده اند. این اسب به دلیل اینکه بسیار چابک و با استعداد است قدرت یادگیری و انجام بسیاری از حرکات موزون را در سوارکاری دارد.

نژاد برتن



اسب نژاد برتن² دارای اندام های حرکتی کوتاه و جثه ای بزرگ بوده و بسیار فعال است. حرکات یورتمه ای مخصوص به خود را دارد، خصوصیتی که بیانگر وجود خون اسب نورفوک رود استار و اسب عرب در این نژاد است. پرورش دهندگان این اسب در بریتانی، همانند دیگر پرورش دهندگان جنوب اروپا، از اسب های آورده شده توسط جنگجویان صلیبی به خاور میانه، برای آمیزش با نژاد بومی استفاده کردند. امروزه نیز از آن ها برای آمیزش با اسب های انگلیسی و اسب های برخی از کشور های اروپایی استفاده می کنند، که مورد اخیر همیشه نتایج موفقیت آمیزی به همراه نداشته است.

در طول قرن ها همیشه بیش از یک نوع اسب برتن وجود داشته است. دو نوع اسب شناسایی شده در قرون وسطی، سومیئر³ و روسین⁴ بودند. اسب سومیئر نواده ای اسبی بود که عمدتاً در شمال بریتانی پرورش و تولید مثل داشت و برای کار در مزرعه، کشاورزی و

1- Frederiksborg
4- Roussin

2- Breton

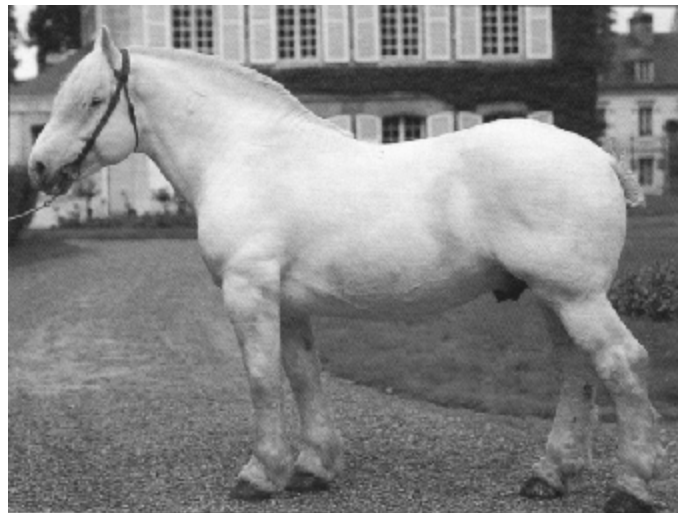
3- Sommier

همچنین بارکشی استفاده می شد. نوع بسیار سبک تر این اسب، در جنوب و بخش های مرکزی این منطقه یافت شد. اسب سواری محبوبی بود و به خاطر طرز راه رفتن و سواری دادن راحت شهرت داشت.

اگرچه اسب برتن دیگر به عنوان اسب کاری استفاده نمی شود، ولی همچنان انواع مختلفی مانند اسب کاری کوچک و بزرگ و نوعی اسب کالسکه مشهور به نام پُستیر¹ دارد، که جثه‌ی آن کوچک تر از اسب کاری است. این اسب ساختار سبک تر و گام های محکم خود را مدیون نژاد نورفوک رود استار انگلستان در قرن نوزدهم است.

برتن اسبی با بلوغ زود رس است که در تجارت گوشت فرانسه به دلیل تولید زیاد و کیفیت بالای گوشت، به شدت مورد توجه است. این نژاد، همچنان به عنوان اسب کاری ارزشمند است و برخی افراد از برتن برای کار در مزارع به خصوص در تاکستان ها استفاده می کنند.

نژاد بُلنایز



اسب نژاد بُلنایز² اسبی رام با رفتار ملایم و زیباترین نژاد اسب سنگین وزن است که به زمان رومیان بر می گردد. این اسب، بومی شمال غرب فرانسه است و مانند اسب پرچرون، به شدت

1- Postier

2- Boulonnais

تحت تأثیر اسب های نژاد های شرقی بوده و تأثیر اسب عرب در این نژاد بیش از یک بار بوده است. این اسب برای اولین بار توسط سپاه روم وارد فرانسه شد و پیش از حمله به انگلستان ساکن سواحل فرانسه بود. سپس جنگجویان صلیبی اسب های شرقی بیشتری را با خود آوردند. دو اشراف زاده‌ی بزرگ یعنی رابرت کومت د'آرتویز¹، و یوستاچی کومت د'بولان² اقدام به وارد کردن اسب های عربی کردند. در طول قرن چهاردهم برای افزایش بنیه و توانایی این اسب ها برای انتقال شوالیه ها و نیز سلاح های سنگین آن ها، با اسب های از آلمان آمیزش داده شدند.

واژه‌ی بُلنایز به قرن هفدهم و منطقه‌ی آمیزش و تولید مثل اصلی آن به مناطق ساحلی شمال فرانسه بر می گردد. متأسفانه، تعداد این اسب ها در طول جنگ جهانی اول به شدت کاهش یافت که علت آن وقوع جنگ در قلب زادگاه این اسب بود. در طول جنگ جهانی دوم کاهش این نژاد همچنان ادامه یافت. این دو دوره‌ی بحران، به همراه صنعتی شدن پس از جنگ جهانی دوم این نژاد را در معرض نابودی قرار داد.

خوشبختانه به علت تلاش های چند فرد متعصب مذهبی و فداکار و جلوگیری از تجارت گوشت این اسب، از انقراض آن جلوگیری شد و امروزه برخی از این اسب ها در حال کار روی مزارع کوچک دیده می شوند که موثر تر و اقتصادی تر از تراکتور ها هستند. علی رغم اندازه و ساختار عظیم این اسب، همچنان می توان آثاری از جد نژاد عرب مانند سر کوچک و چشم های بزرگ نافذ و ظاهری زیبا را مشاهده کرد.

نژاد بارب

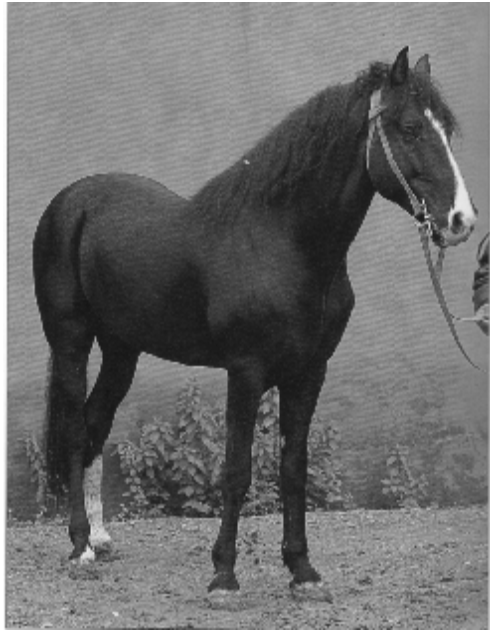
مبدأ اسب نژاد بارب³ کشور های، مراکش، الجزایر و تونس است. بارباری⁴ به معنای سرزمین های بیگانه یا به طور خاص تر سرزمین های غیر مسیحی است. در مورد منشأ اسب بارب نظریه‌های متفاوتی وجود دارد ولی مدارک مستندی برای تایید یا رد آن ها وجود ندارد. بر اساس یک نظریه، اسب بارب به گروه منزوی شده‌ی اسب های وحشی بر می گردد که از عصر یخبندان به جا مانده‌اند. در صورت صحت این نظریه، این اسب حتی قدیمی تر از اسب عرب است. نظریه‌ی دیگری بارب را با اسب آخال تکه‌ی ترکمن ها مرتبط می داند. هرچند

1- Robert, Comte d'Artois

2- Eustache, comte

3- Barb

4- Barbary



بعید است که منشاء اصلی و واقعی نژاد های خاص تا به حال مشخص شده باشد، ولی به طور قطع می توان گفت که پس از اسب عرب، اسب بارب بیش از هر اسب دیگری بر نژاد های اسب سراسر جهان تأثیر داشته است. بارب همانند اسب عرب، با گسترش اسلام توسعه یافت زیرا اولین ارتش مسلمانان که شامل هفت هزار نفر بود در بهار سال 711 میلادی با اسب های بارب به اسپانیا وارد شد. بنابراین این اسب در قرن هشتم وارد اروپا شد. پس از تأسیس شبه

جزیره ایبری¹ اسب بارب در گسترش اسب آندلسی نقش مهمی داشت بنابراین اسب آندلسی به یکی از بهترین اسب ها در سراسر جهان تبدیل شد. بر اساس مستندات تاریخی، اسب های بارباری متعلق به پادشاه انگلستان، ریچارد دوم (1367 تا 1400 میلادی) در منطقه ای رُن بارباری²، مشهور ترین اسب ها بودند. در طول قرن شانزدهم، هنری هشتم چند راس اسب بارباری را به انگلستان وارد کرد و یک قرن بعد اسب بارب باعث تحولی شگرف در اسب نژاد تروبرد شد. در نقاط دیگر تأثیر بارب بر نژاد های اسب کریولو و امریکن موستانگ مشهود است.

علی رغم اهمیت این اسب به عنوان جد نژاد های اسب امروزی، اسب بارب شهرت کمتری نسبت به اسب عرب دارد که علت آن می تواند ظاهر جذاب، فریبنده و زیبای اسب عرب باشد. ولی بر خلاف خصوصیات ظاهری، همانند اسب عرب دارای توانایی سازگاری با شرایط نا مساعد اقلیمی و کمبود خوراک است.

1- Iberian peninsula

2- Roan Barbary

پونی کِنمارا



پونی کنمارا¹ که ظریف، زیبا، دارای تحمل زیاد، دلیر، با هوش و دارای چابکی و مهارت در پرش است، بهترین پونی کاربردی جهان است. این پونی فقط بومی ایرلند است و نام خود را از منطقه‌ی بیابانی و سنگلاخی در ساحل غرب ایرلند (جایی که پونی ها از زمان قبل از تاریخ در آن وجود داشته اند) گرفته است.

معلوم نیست که این نوع اسب ممتاز چگونه در میان پونی ها پرورش یافته است. نظریه ای وجود دارد که این پونی نواده ی اسب های اسپانیایی و بارب آورده شده به غرب ایرلند در اواسط قرن شانزدهم پیش از میلاد است، یعنی زمانی که سلت ها² تمام اروپا را اشغال کردند. این اسب ها از آن به بعد با اسب های بومی آمیزش داده شدند. به احتمال زیاد در طول قرن های بعد نیز در اثر تجارت میان ساحل غربی ایرلند و شبه جزیره ی ایبریا تعداد زیادی اسب به آنجا وارد شده است. این پونی علایمی از وجود خون نژاد های شرقی و اسپانیایی را تا امروز نشان داده است. این نظریه که این اسب نواده ی اسب های اسپانیایی و آرمادا² است، که پس از شکستن کشتی در سال 1588 میلادی در دریا شنا کردند، امروزه توسط اکثر کارشناسان مردود شده است.

1- Connemara

2-Armada

گفته می شود نریان های عرب توسط مالکان زمین در طول اواسط قرن نوزدهم وارد شده اند، ولی تاثیر قابل توجهی بر اسب کنمارا نداشتند. در طول سال های آخر قرن گذشته، پونی ولش وارد گله های این نژاد شد و نقش مهمی ایفا کرد. یکی از نریان های ولش به نام پرنس لولین¹، در اثر آمیزش با یکی از مادبان های بومی اسب داینامیت² را به وجود آورد. داینامیت سپس اسب کائون بال³ را در سال 1904 میلادی به دنیا آورد که اولین نریان فهرست شده در دفتر انساب اسب های کنمارا است. تلاش های دیگر برای بهبود و اصلاح این اسب شامل استفاده از اسب های تروبرد، هاکنی و کلایدسدال انجام گرفت.

سرانجام در سال 1923 میلادی، انجمن پرورش دهندگان پونی کنمارا با هدف اصلاح نژاد این پونی در شهر گالووی تأسیس شد و دیارتمان کشاورزی نیز از آن حمایت کرد. کار اصلاح نژاد با انتخاب بهترین مادبان و تعداد مناسبی از نریان دارای خصوصیات مشابه برای استفاده به عنوان حیوان پایه انجام گرفت. در نتیجهی این تلاش ها اسبی حاصل گردید که به عنوان پونی ممتاز، شجاع ولی حساسی بود که قادر بود در تمام مسابقات از جمله نمایش پرش، مسابقات سه روزه، نمایش سوار کاری و گاری رانی برتر باشد. پس از آمیزش با اسب تروبرد عملکرد این اسب بهبود یافت.

اسبچهی خزر



1- Llewellyn

2- Dynamite

3- Cannon ball

این اسب قدیمی ترین اسب موجود در دنیا است به طوری که اصالت آن به دوران قبل از تاریخ بر می گردد زیرا استخوان های اجداد آن در کنار استخوان های حیوانات قبل از تاریخ مانند دایناسور ها یافت شده است. با تحقیقات انجام شده ثابت گردیده که اسپچهی خزر¹ جد تمام اسب های موجود در دنیا بوده و حتی اسب های عربی که از قدیمی ترین اسب های دنیا می باشند، از اسپچهی خزر به وجود آمده اند.

شاهان ایران باستان همچون کوروش و داریوش هخامنشی از شهامت و قدرت مانور این نژاد استفاده کرده، آن ها را به ارابه می بستند و به شکار شیر می رفتند.

سال های زیادی این نژاد منقرض اعلام شده بود تا این که خانم فیروز (لوئی الیزابت لیلین) در سفری که در سال 1965 میلادی به سواحل جنوبی دریای خزر در شهرستان آمل داشت، متوجه حضور تعدادی از بقایای این نژاد در آن منطقه گردید و از آنجا که این اسپچه ها در حوالی دریای خزر یافت شدند، نام کاسپین یا اسپچهی خزر به آن ها داده شد. از آنجا که اسب های کوتاه تر از 142 سانتی متر در کلاس پونی ها قرار می گیرند در ابتدا به آن کاسپین پونی اطلاق گردید. پونی ها دارای بدن و اندام های قوی هستند ولی اسپچهی خزر از نظر خصوصیات بدنی هیچ تشابهی با پونی ها نداشت و کاملاً شبیه به کلاس اسب ها بود، بنابراین به آن اسب مینیاتوری دریای خزر اطلاق گردید. اسپچهی خزر به عنوان الگوی تیپ چهار پرورش اسب است که قاعده ی دم آن بالا تر از حد معمول بوده و نیم رخ صورت مقعر و کمر، کمی گود می باشد. این اسب خصوصیات رفتاری و جسمانی بسیار متفاوتی نسبت به سایر تک سمی ها دارد. دارای یک دندان آسیاب اضافی در فک بالا بوده و تفاوت قابل ملاحظه ای در شکل کتف دارد. استخوان آهیانهی سر به شکل خاصی می باشد، استخوان پیشانی گنبدی شکل، سوراخ منخرین از حالت عادی کمی پایین تر بوده و استخوان حدقه چشم گشاد، گوش ها کوچک و روی بینی مقعر است. متوسط ضربان قلب 22 ضربه در دقیقه و تعداد تنفس 6 بار در دقیقه می باشد.

این اسب دارای سم کوچک، بیضی شکل و بسیار قوی است، به طوری که حتی برای کار روی زبرترین زمین ها نیازی به نعل بندی ندارند. این نژاد قادر است در کوهستان به سرعت حیرت انگیزی بدود. همچنین می تواند از موانع بلند و عریض به راحتی بپرد. و از آنجا که بسیار با هوش می باشد برای سوار کاری نوجوانان بسیار مفید است. این اسب بسیار دلیر بوده و به هیچ وجه در مقابل انسان از اندام های دفاعی خود استفاده نمی کند. امروزه این

اسبچه‌ها برای سوار کاری نوجوانان در تمام رشته‌های سوار کاری، حمل ارابه‌ها و انجام حرکات آکروباتیک در سیرک‌ها به کار می‌روند. تعداد اسبچه‌های خزر موجود در دنیا به 700 رأس می‌رسد که متأسفانه از این تعداد تنها دویست رأس آن در ایران موجود است.

نژاد کلونند بی



اسب نژاد کلونند بی¹ نژادی از اسب‌های کهر است که طی قرون وسطی در شمال شرقی انگلستان بیشتر به عنوان اسب کاری به وجود آمده است. در گذشته این اسب به عنوان سواری برای افراد یا فروشندگان مورد استفاده قرار می‌گرفته و به این دلیل به نام اسب چپمن² هم نامیده می‌شده است. پرورش دهندگان قرن هفدهم، چپمن را به عنوان اسب اصلی با تعدادی از نریان‌های نژاد‌های آندلسی و بارب آمیزش دادند. این اسب‌ها که در آن زمان برای تولید اسب کالسکه‌ای خالص و مناسب به آن کشور آورده شده بودند، به خاطر گام‌های فعال، طاقت زیاد و بنیه قوی شهرت داشتند. پس از پرورش در آن منطقه به همان نام یا اسب کلونند نامیده شدند. به محض باز سازی و بهبود جاده‌ها، و ضرورت وجود

1- Cleveland bay

2- Chapman Horse

اسبی سریع تر از اسب کالسکه، موجب شد تا نریان هیبرید ترابرد را با مادیان اسب کلوند پی، آمیزش دهند. نوع سبک تر و سریع تر به وجود آمده اسب یورک شایر کوچ نامیده می شد. دفتر انساب و انجمن این اسب در سال 1886 میلادی تأسیس شد. پیدایش حمل و نقل موتوری باعث کاهش اسب های کالسکه در آن منطقه شد و نژاد یورک شایر هم از این قاعده مستثنی نبود.

دفتر انساب این نژاد سر انجام در سال 1936 میلادی، یعنی زمانی که این نژاد در معرض انقراض قرار گرفت، تعطیل شد. خوشبختانه علیرغم تعداد اندک باقی مانده، این اسب از خطر نابودی نجات یافته است. آمیزش این اسب با اسب ترابرد، باعث شد که بهتر از گذشته باشد و به اسب مناسبی برای حمل گاری و شکار تبدیل شود. این اسب همانند والدین خود فعالیت زیادی دارد، از شانه آزادانه حرکت کرده و مسافت را به خوبی طی می کند. این نژاد از هنگام آمیزش با ترابرد، علاوه بر مناسب بودن برای شکارچیان و گاری رانی، به عنوان اسب پرش تراز اول نیز محسوب می شود.

نژاد کِلایدِسدال



اسب نژاد کِلایدِسَدال¹ اسکاتلندی اسب سنگین وزنی است که در منطقه ای از لانارک شایر به وجود آمده که رود کلاید² از آنجا عبور می کند و نام خود را از این منطقه گرفته است. این اسب امروزه بیش از دیگر نژاد های سنگین وزن انگلستان پرورش یافته، و در طول نیمه ی دوم قرن هجدهم، یعنی زمان استفاده از نریان فلمیش³ برای اصلاح نژاد اسب های کاری و بومی کشاورزان تکامل یافته است. پیش از آن، در طول سال های اول این قرن، پرورش دهنده ای به نام پاترسون از لوچ لایوچ⁴ شروع به تولید اسب هایی کرد که در کل شبیه اسب کِلایدِسَدال به خصوص از نظر رنگ بودند. منشاء بسیاری از نریان اسب کِلایدِسَدال به نریان کِلایدِسَدالی بر می گردد که از مادیانی به نام لمپیت⁵ به وجود آمده است. اعتقاد بر این است که لمپیت نواذهی اسب های لوچ لایوچ است.

در طول نیمه ی دوم قرن نوزده پرورش دهندگان اولیه و دیوید ریدل، اعتقاد داشتند که اسب های کِلایدِسَدال و شایر منشاء واحدی دارند و هر دو را با هم آمیزش دادند. انجمن اسب کِلایدِسَدال در سال 1877 میلادی تاسیس و اولین دفتر انساب در سال بعد منتشر شد. به دلیل محبوبیت روز افزون این نژاد، توجه کشور های دیگر نیز به آن جلب شد و پس از مدت زمان کوتاهی این اسب صادر شد. اغلب تعداد زیادی از آن ها برای کار در مزارع بزرگ گندم در آمریکای شمالی، استرالیا، آمریکای جنوبی و روسیه صادر شدند. بدون شک طبیعت آرام همراه با ظرافت و فعالیت زیاد این اسب آن را به اسبی محبوب برای دوستداران اسب های سنگین وزن در سراسر جهان تبدیل کرد. این اسب قوی و استثنایی است و همیشه بر اندام های حرکتی استوار وی تأکید شده است.

نژاد کامارگو

اسب کوچک و پر طاقت کامارگو⁶ منشاء باستانی دارد و بومی زمین های بایر و آب و هوای بد دلتای رون⁷ در جنوب فرانسه است و تا ژانویه سال 1968 میلادی به عنوان یک نژاد شناخته نمی شد. این اسب، شباهت بسیاری با اسب های نقاشی های درون غار ها که به 15000 سال پیش از میلاد بر می گردد. اسکلت های قدیمی حفاری شده در قرن نوزدهم در منطقه ی سالوتر⁸ در جنوب شرق فرانسه می تواند اسکلت های اجداد این نژاد باشد.

1- Clydesdale
4- Lochlyoch
7- Rhone

2- Clyde
5- Lampit
8- Solutre

3- Flemish
6- Camargue



در طول اشغال طولانی مدت زمین های باتلاقی، این اسب بومی تحت تأثیر خون اسب های آفریقای شمالی قرار گرفت، ولی خصوصیات اصلی اسب اولیه بخصوص سر مربعی نسبتاً سنگین خود را حفظ کرد. این اسب ها با گام های مطمئن خود به عنوان اسب مورد استفاده در گله های گاو نر در آن منطقه پرورش داده شدند. علی رغم اندازه ی نسبتاً کوچک، قدرت و شجاعت حمل یک مرد بالغ بر روی خطرناک ترین زمین های مردابی را دارد. اسب های نژاد کامارگو، نیمه وحشی بوده و سالانه برای بررسی جمع آوری می شوند. هر چند عمل نرده کشی مزرعه ها و زهکشی مناطق بزرگ برای کشاورزی در طول سال ها نیاز به گله داران را کم کرده، این اسب ها هنوز جنبه ی اصلی این منطقه هستند. امروزه منطقه ی کامارگو به علت حیات وحش زیاد، توریست های بی شماری دارد و این اسب ها در منطقه برای تفریح توریست ها استفاده می شوند.

نژاد چوال دِ سلِ فرانسویس



فرانسه همیشه در پرورش اسب ورزشی جدید پیشرو بوده و اسب چوال دِ سلِ فرانسویس¹ (اسب سدل فرانسوی) یکی از آمیزش‌های اسب‌های خون‌گرم موفق در قرن بیستم بوده است.

واژه‌ی سل فرانسویس در دسامبر سال 1958 میلادی مورد استفاده قرار گرفت و اولین دفتر انساب مرکز پرورش این اسب در سال 1965 میلادی منتشر شد. فرانسوی‌ها، با سابقه‌ی طولانی خود در پرورش اسب، اساس اسب مدرن را در اوایل قرن نوزدهم بنا نهادند. زمانی که بسیاری از کشورها شروع به واردات تروبرد انگلیسی و نریان هیبرید برای آمیزش با مادیان محلی خود با خلوص کمتر یعنی آنجلو نمودند (مناطق لیموزین و جنوب غرب استثنای بودند چون که تخصص آن‌ها پرورش اسب‌های آنجلو عرب بود)، در نرماندی (پایگاه همیشه محکم پرورش اسب) دو اسب مهم پرورش یافت، اسب یورتمه رو و سریع که پس از اسب تروتر فرانسوی (بسیاری از هیبریدهای وارداتی از انگلستان از نژاد نورفوک رود استار بودند) و آنجلو نورمن به وجود آمد.

1- Cheval de Selle Francais

منشاء تعداد زیادی از اسب های امروزی به آنجلو نورمن ها بر می گردد. نحوه ی آمیزش اسب نژاد فرنچ وارم بلاد با آمیزش اسب های کشور های همسایه متفاوت بود، زیرا سیستم رتبه بندی اسب در فرانسه بسیار مهم است. موفقیت در رقابت از سوی نریان، مادیان و خویشاوندان این اسب ها اساس انتخاب در فرانسه است. این روش به گونه ای است که می توان به وسیله ی آن در دوره ی کوتاهی، اسبی بسیار موفق در رقابت ایجاد کرد. این روش مانند اسب تروتتر (اسبی که مشهور ترین پدران را دارد) است و اسب های انتخابی دارای توانایی بقا در مسابقات ورزشی مدرن می باشند. علاوه بر همه ی این موارد، در نمایش پرش نیز موفق هستند، یعنی جایی که اسب هایی مانند جاپلپ¹ (در مسابقات اروپایی سال 1987 و مسابقات المپیک 1988)، اسب کوئیتو د باسی² (در جام جهانی سال 1990 میلادی)، اسب آی لاو یو (برنده ی کاپ جهان در سال 1983 میلادی) و اسب گالوبت³ (دارای مدال طلای جهانی در سال 1982 میلادی) در اروپا و جهان درخشیده اند.

پونی دالس



1- Japeloup

2- Quito de Baussy

3- Galoubet

منشاء پونی دالس¹ منطقه‌ی دالس علیا در سمت شرق تپه‌های پنین² در شمال انگلستان است. پونی دالس اجداد مشابهی با پونی فل دارد، زیرا پونی فل هم متعلق به سمت غربی تپه‌های پنین است. این اسب‌های کوچک بر اساس اعتقاد برخی متخصصین، اجداد اسب‌های دوره‌ی رومی، یعنی زمان آورده شدن اسب فریزین به شمال انگلستان هستند. این اسب دارای آلل غالب رنگ سیاه بوده و امروزه آمیزش‌های متعددی با اسب‌های دیگر از جمله با اسب نورفولک روداستار انجام داده است. با توجه به استفاده از تعدادی پونی در قرن نوزدهم مانند پونی‌های کلایدسدال و ولش، همچنان این پونی ویژگی‌های اصلی خود از جمله سر کوچک و گوش‌های خوش ترکیب را حفظ کرده است.

پونی دالس به دلیل داشتن گام‌های بسیار بلند و قدرت بسیار زیاد نسبت به اندازه‌ی جثه‌اش مشهور است. این پونی در زمان‌های دور در معادن سرب نقش مهمی در حمل کانی‌های سرب به بندرگاه‌ها داشته است و همچنین توانایی کار در اعماق زمین را دارد و در ارتش هم مورد استفاده قرار گرفته است. قدرت تحمل، شجاعت و خلق و خوی رام و مطیع، همراه با قدرت و انرژی زیاد، آن را به پونی سوارکاری و گاری رانی ممتازی تبدیل کرده است. این نوع پونی دارای توانایی پرش خوب، هوش بالا، خلق و خوی حساس و آرامی است و یک فرد بالغ را به راحتی حمل می‌کند.

نژاد دنیش وارم بلاد

اسب دنیش وارم بلاد³ یکی از اسب‌های مخصوص ورزش‌های سوارکاری مدرن، به خصوص رشته‌های نمایش سوارکاری، نمایش پرش و مسابقات سه روزه است. دانمارکی‌ها سابقه طولانی به عنوان پرورش دهندگان اسب دارند. اولین مرکز پرورش اسب آن‌ها در قرن چهاردهم تاسیس شد. هر چند بازار اسب در آن زمان تغییرات فراوانی داشت، ولی بسیاری از کشورها دریافتند که نژاد‌های بومی و خویشاوندان آن‌ها یعنی اسپاتد ناب استراب (اسب‌های سیرک) دیگر به عنوان اسب‌های مسابقه‌ای واجد شرایط لازم نیستند. برای جبران این نقص، برنامه‌ی پرورشی در سال 1962 میلادی پایه‌گذاری شد تا نوع جدیدی از اسب سوارکاری دانمارکی تولید شود. برای این کار نریان‌های انتخابی که عمدتاً از نژاد‌های سوئدی، هانورین، هلشتاین و لهستانی بودند با مادپان‌های محلی آمیزش

1- Dales

2- Pennine

3- Danish Warmblood



داده شدند تا خصوصیات اسب ها را بهبود بخشند. معیار های دقیقی برای انتخاب نریان و مادپان استفاده شد تا تضمین کند که فقط بهترین ها حق ورود به دفتر انساب را دارند. برنامه ی آمیزش موفقیت آمیز بود و اسب حاصل، اسبی ممتاز، متناسب و دارای گام های عالی بود. این اسب شجاعت را با خلق و خوی خوب ترکیب کرده و نمایش سوار کاری جذابی اجرا می کند.

پونی دارتمور

پونی دارتمور¹ بر خلاف همسایه ی خود یعنی پونی اکسمور، در طول قرن های متمادی که در ارتفاعات مورلند در منطقه ی دیوون در جنوب غربی انگلستان آزادانه زندگی می کردند تحت تأثیر تعدادی نژاد قرار گرفته اند. تصور بر این است که این نوع پونی در عصر ساکسون ها در مور زندگی می کرده است. بعد ها مسیر مهم بازرگانی میان اکستر² و پلایماوث³ در اختیار اسب های مختلف بوده، که به طور قطع برخی از آن ها بر نژاد های

1- Dartmoor

2- Exeter

3- Plymouth



بومی اثر داشته اند. اسب های عرب و بارب را که جنگجویان صلیبی با خود آورده اند در مسیر منتهی به مور یافت شده اند.

شرایط اقلیمی بد منطقه‌ی مورلند باعث شد که اسب های آزاد و رها در مور با توجه به اندازه‌ی خود، انسجام زیادی به دست آورند. در طول انقلاب صنعتی به خاطر نیاز های صنعت معدن، رشد و توسعه اسب های جدید احساس شد. به دنبال آن پونی های دارتمور و شتلند بسیار کوچک، به منظور ایجاد اسب هایی مناسب برای کار در اعماق زمین آمیزش داده شدند. این نوع پونی که برای سوارکاری تکامل یافته بود، ویژگی های خود را از دست داد. برای بهبود ویژگی های این پونی، از پونی های ولش مانتین، پولو پونی¹ و هاکنی استفاده شد.

اولین کتاب فهرست اسب های تخمی دارتمور در سال 1899 میلادی منتشر و محدودیت های ارتفاع برای نریان 142 سانتی متر و برای مادیان 134 سانتی متر اعلام شد. حدود 20 سال است که این اندازه ها به 124 سانتی متر کاهش یافته است. درصد خون هاکنی در تعدادی از نریان های پایه چشمگیر بود. موثر ترین اسب نر در سال های اولیه بدون شک اسب لیت² بود، که از آمیزش نریان اسب عرب با قد 143 سانتی متر با مادیان دارتموری که 124 سانتی متر قد داشته و خوش قیافه و دارای ساختاری عالی بوده حاصل

1- Polo Pony

2- Leat

گردیده است. در طول مدت کوتاهی که این پونی به عنوان اسب تخمی بود، فقط تعداد کمی از نتاج آن ثبت شدند، ولی بسیاری از بهترین پونی های امروزی به او نسبت داده می شود. پونی دارتمور پُر طاقت بوده، برای سواری مناسب و دارای فعالیت اندک است. ساختار بدنی استوار، هوش بالا و خلق و خوی آرام، این پونی را به حیوان ایده آلی برای کودکان تبدیل کرده است.

پونی اکسمور



پونی اکسمور¹ قدیمی ترین نژاد کوهستانی مورلند انگلستان و یکی از قدیمی ترین نژاد های اسب در جهان است. این پونی جذاب در طول قرون متمادی در مناطق وحشی مورلند²، وسترن سامرسیت³، نورث دوون⁴ و جنوب غربی انگلستان زندگی کرده است. پونی های اکسمور در طول دوره‌ی رومی شناخته شدند و شاید به عصر برنز (زمانی که برای کشیدن ارابه های جنگی استفاده می شدند) برگردند. در کتاب دامز دی⁵ در سال 1085 میلادی از این پونی و صاحبان آن نام برده شده است.

دور بودن زیستگاه این پونی نشان می دهد که در اصلاح نژاد این پونی از نژاد های کمتری استفاده شده است. سختی

زندگی در منطقه‌ی مور، این پونی را بسیار پُر طاقت کرده و علی رغم ارتفاع کمتر از 125 سانتی متر، برای حمل یک سوار کار بالغ به حد کافی قوی است.

انجمن پونی اکسمور در سال 1921 میلادی تاسیس شد و پرورش پونی های نوع سابق مور را اصلاح کرد. بررسی های دقیق تضمین می کند که اگر پونی ای فاقد خون خالص

1- Exmor

4- North Devon

2- Moorland

5- Domes day

3- Western Somerset

اکسمور باشد به عنوان نژاد خالص ثبت نمی شود. وقتی پونی ها برای ثبت تأیید می شوند، روی شانهای آن ها علامت ستاره‌ی انجمن، داغ زده می شود و روی سمت چپ پسین گاه شماره‌ی پونی در آن گله دیده می شود. گله های پونی هنوز در مورلند هستند، ولی سالانه برای بررسی جمع آوری می شوند. بدن قدرتمند و قوی این پونی آن را برای سوار کاری ممتاز ساخته و برای ورزش، کالسکه یا گاری رانی هم استفاده می شود.

پونی فیل



بر اساس اعتقاد گذشتگان، پونی فیل¹ مانند خویشاوند خود پونی دالس، اجداد اسب فریزی است که در دوره‌ی رومی ها به شمال انگلستان آورده شد. به طور قطع این پونی در طول قرن ها تحت تأثیر اسب گالووی که امروزه منقرض شده، قرار گرفته است. پونی فیل کمی کوچک تر و سبک تر از پونی دالس است. مشخصه‌ی تمایز بین این دو پونی تا سال 1916 میلادی ممکن نبود، تا این که انجمن اصلاح نژادی پونی دالس و انجمن پونی فیل تأسیس شد. پونی فیل بسیار قوی است و مانند پونی دالس به عنوان پونی کاری استفاده می شده است. در طول قرن هجدهم سبدهای مخصوصی تا وزن صد کیلوگرم و

1- Fell

پر از سرب، زغال سنگ و کانی های آهن را به ساحل حمل می کرد. برخی از آن ها در قطار های باربری برای حمل محصولات نظیر چوب تا لندن استفاده می شدند. این نوع پونی ها به دلیل گام های محکم مشهور هستند و یورتمه و راه رفتنی سریع و فعال دارند. امروزه این پونی دیگر مورد نیاز کار های باربری، نگه داری از گله و کار های مزرعه نیست و بیشتر برای تفریح استفاده می شود. برای سفر های کوتاه بسیار عالی بوده، با زین خوب حرکت می کرده و در نمایش سوار کاری نیز بسیار خوب می درخشیده است.

پونی فِجُرد



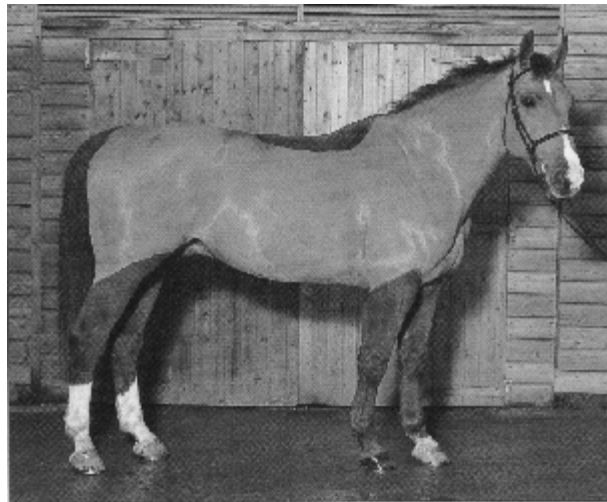
پونی فِجُرد¹ از زمان قبل از تاریخ در نروژ و دیگر قسمت های اسکاندیناوی زندگی می کرده است. ظاهری شبیه به اسب پرزوالسکی (اسب وحشی آسیایی) دارد، سر آن بسیار سبک تر و حالتی شبیه نخستینی ها دارد. پونی های شبیه به پونی فِجُرد در آثار به جا مانده از وایکینگ ها ترسیم شده و در این تصاویر آن ها را در حال مبارزه می توان دید. این نوع پونی به دلیل صدها سال زندگی در کوهستان، با محیط زندگی خود کاملاً سازگار شده است. دارای قدرت تحمل بسیار زیاد، بدنی عضلانی، اندام های حرکتی قوی و کوتاه،

1- Fjord

مفاصلی خوب و مچ های محکم است. در طول قرن ها، قدرت، ثبات قدم، استحکام و طاقت فراوان ذاتی این نوع پونی، آن را برای کشاورزان ارزشمند کرده است. این پونی به دلیل زندگی در شرایط جوی سخت، در اکثر مناطق صخره ای، دلیر و بی پروا است و اثبات کرده که برای بارکشی در کوهستان، بسیار مناسب است.

امروزه پونی فجرد را می توان در برخی از کشور های خارج از اسکاندیناوی مانند آلمان، دانمارک و انگلستان یافت. این نوع پونی، همه فن حریف است و در مالبندی نیز به خوبی می رود.

نژاد فردریکس بورگ



مرکز پرورش اسب نژاد فردریکس بورگ¹ توسط کینگ فردریک دوم در سال 1560 میلادی یعنی پس از فردریکس بورگ تاسیس شد که وی به عنوان پرورش دهنده ی اسب های ممتاز برای درباریان اروپایی مشهور بود. حاصل آمیزش اسب فردریکس بورگ از مرکز پرورش اسب اسپانیا، با خویشاوند نزدیک اسپانیایی خود (یعنی نتاپولیتان)، اسب هایی ظریف، زیبا و پر انرژی بودند. این اسب هم به عنوان اسب سوار کاری برای کار در مرکز تربیت اسب و نیز

1- Fredderiksborg

برای رژه‌ی سواره نظام مناسب بود. اسب فردریکس بورگ با نریان شرقی و انگلیسی آمیزش داده شد و سپس هیبرید های حاصل در اروپا گسترش یافتند. به دلیل صادرات این اسب از دانمارک تعداد آن بسیار کاهش یافت، در نتیجه در نیمه‌ی اول قرن نوزدهم این اسب جای خود را به اسب نژاد تروربد داد. سرانجام در سال 1871 میلادی این نژاد در معرض انقراض قرار گرفت ولی خوشبختانه از بین نرفت. برای جلوگیری از انقراض این اسب، پرورش دهندگان خصوصی اقدام به پرورش این اسب کردند. در آن زمان این اسب بیشتر به عنوان اسب بارکش سبک استفاده می شد. امروزه این اسب در دانمارک تنها برای تولید مثل استفاده می شود و با وجود نژاد های جدیدی مانند اسب دنیش وارم بلاد که از نریان لهستانی، آلمانی و سوئدی با مادیان فردریکس بورگ به وجود آمده، دیگر به عنوان اسب مسابقه مورد استفاده قرار نمی گیرد.

نژاد فرنج تروت¹



فرانسه، کشوری با سابقه‌ی طولانی در مسابقه‌ی یورتمه در خارج از ایالات متحده است. این کشور اسب های هاف برد، نورفوک استار و تروت را با آمیزش اسب های انگلیسی و هیبرید ها با مادیان قوی نورمن گسترش داد. این روند در اوایل قرن نوزدهم شروع شد. اولین مسابقات یورتمه در فرانسه، مسابقات چمپ دِ مارس² در پاریس و در سال

1- French Trotter

2- Champ de Mars

1806 میلادی برگزار شد. با افزایش محبوبیت مسابقات، مسیر های مسابقه ای به این منظور ساخته و بازگشایی شد که اولین آن ها در دهه ی 1830 میلادی در چربورگ¹ بود. به این ترتیب این نژاد رشد کرده و اصلاح نژاد شد. در سال 1861 میلادی فرمان امپراطور بدان رسمیت داد و باعث شکل گیری اولین گروه مدیریتی گردید.

آنجلو - نرمن به اسب یورتمه روی ممتازی تبدیل شد و 5 گونه ی مهم به وجود آورد که شامل فوجسیا²، فیتان³، لاواتر⁴، نُرماند⁵ و کُنکورانت⁶ می باشند. کُنکورانت و نُرماند هر دو هیبرید انگلیسی هستند که توسط راتلر⁷ به وجود آمده اند. تروبرد راتلر⁸ به علت تاثیر فراوان بر پرورش اسب یورتمه رو در فرانسه، به عنوان پیام بر فرانسوی نامیده می شد (پیام آوری که پایه گذار نژاد استاندارد برد است).

اسب لاواتر از اسب انگلیسی نورفوک رود استار به وجود آمده است. فوجسیا که پر قدرت ترین نریان اولیه از لحاظ قوه ی جنسی بود، در سال 1883 میلادی اولین کره ی خود را به دنیا آورد. نزدیک به 655 اسب یورتمه رو را نیز به وجود آورده و بیش از 155 راس از پسران این اسب برنده ی مسابقات مختلف بودند.

در طول سال ها از اسب استاندارد برد استفاده شد تا این اسب به اسب سریع تری تبدیل گردد، ولی در سال 1963 میلادی استفاده از اسب های اصلاح نژاد شده ی تروتر فرانسیس⁹ بر روی اسب های غیر فرانسوی ممنوع شد، تا این که در سال های اخیر تعداد بسیار محدودی از آمیزش های دقیقاً انتخاب شده ی استاندارد برد در آن ها انجام می گیرد. فرانسه هرگز مسابقات سوار کاری را کاملاً رها نکرده است. حدود 15 درصد از مسابقات یورتمه ی امروزی که در فرانسه نمایش داده می شوند با زین هستند و تاثیر مهمی بر جفت گیری دارند. به علت آن که یورتمه رو های سوار کاری تحت وزن های نسبتاً زیاد و سنگین مسابقه می دهند پس باید متناسب با آن خوش بنیه و دارای تعادل خوب باشند. این اسب های ممتاز نقش مهمی را در حفظ استاندارد کلی فرنچ تروتر ها ایفا کرده اند.

1- Cherbourg
4- Lavater
7- Rattler

2- Fuchsia
5- Normand
8- Rattler Thoroughbred

3- Phaetan
6- Conquerant
9- Trotter Francais

نژاد فریزین



اسب نژاد فریزین¹ یکی از قدیمی ترین اسب های اروپاست و در طول قرن ها بر نژاد های زیادی به خصوص اسب آلدنبرگ در آلمان و پونی های فیل² و دالس³ در انگلستان تاثیر داشته است. مبداء این نژاد، منطقه‌ی فریزلند در شمال مجارستان است. آثاری از اسب خون سرد باستانی و سنگین وزن در آنجا کشف شده و اعتقاد بر این است که فریزین امروزی نواده‌ی آن می باشد. نژاد های شرقی که در طول جنگ های صلیبی به مجارستان آورده شدند، بر پرورش این اسب اثر داشتند. اسب فریزین دارای استعداد های گوناگون و فعال است و برای کار در زمین های کشاورزی مناسب می باشد، ولی به علت توانایی در یورتمه رفتن به عنوان اسب مالبندی و سواری هم مفید است.

در طول قرن نوزدهم، زمانی که اسب های یورتمه رو طرفداران زیادی پیدا کردند، پرورش دهندگان به دنبال اصلاح اسب یورتمه ای گام بلند و فعالی بودند. این کار با آمیزش این اسب با اسب های تروتر حاصل شد. این آمیزش باعث شد که اسب فریزین ساختار سبک تری پیدا کند و برای کار در مزرعه زیاد مفید نباشد. با آغاز جنگ جهانی اول تعداد فریزین ها به شدت کاهش یافت. در بین دو جنگ این کاهش ادامه داشت تا این که کمبود سوخت در طول جنگ جهانی دوم منجر به احیای دوباره‌ی این نژاد گردید چون کشاورزان مجدداً برای بارکشی به این اسب ها روی آوردند.

1- Friesian

2- Fell

3- Dales

در طول نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم دوباره توجه همگان به این نژاد جلب شد و امروزه به عنوان اسب کالسکه و چهار چرخه بسیار محبوب است. این اسب خوش تناسب با رفتار مغرورانه هنگام کشیدن درشکه‌های قدیمی به طرز فوق العاده‌ای جذاب به نظر می‌رسد. این نژاد به خاطر خلق و خوی مهربان شهرت دارد.

نژاد فوریزو¹



مجارستان مدت‌ها از شهرت جهانی به عنوان کشور پرورش دهنده‌ی اسب و به عنوان تولید کننده‌ی سوارکاران عالی برخوردار بوده است. مزرعه‌ی مشهور پرورش اسب مزوهگایز² در سال 1786 میلادی توسط امپراتور جوزف دوم تأسیس شد و به عنوان یکی از مراکز مهم پرورش اسب اروپا به کار خود ادامه داد. یکی از مهم‌ترین نژادهای پرورش یافته در این مرکز، اسب فوریزو بود که عمدتاً از آمیزش اسب تروبرد با مادیان مجارستانی تولید شد. در این مزرعه بیشتر از نریان تروبرد انگلیسی و فوریزو استفاده می‌شد و در نتیجه اسب

1- Furioso

2- Mezohegyes

مزوهگایز در سال 1841 میلادی و اسب انگلیسی دیگری به نام نورث استار¹ به دست آمدند. اسب نورث استار در طول دهه‌ی 1850 میلادی به کشور انگلستان وارد شد. اسب مزوهگایز در اثر استفاده از این دو نژاد، اسب های کاری و سنگین وزن سواری را تولید کرد. اسب نورث استار، پدر اسب موفق مسابقه های یراق بندی و مالبندی بود. وی نواده‌ی واکیسی² (برنده‌ی داربی سال 1793 میلادی) و نوه‌ی اسب اکلیپس³ بزرگ بود. گفته می شود که منشاء آن به اسب نورفوک استار بر می گردد، این امر موفقیت او را در مالبندی و یراق بندی توجیه می کند. در پایان قرن نوزدهم اسب نورث استار و فوربوزو با یکدیگر آمیزش داده شده و پس از آن به نیروی غالب و برتری تبدیل شدند.

پونی هافلینگر



پونی هافلینگر⁴ اتریشی نام خود را از روستای هافلینگ⁵ در منطقه‌ی تیrol جنوبی⁶ که اولین بار صد ها سال قبل در آن پرورش یافته، گرفته است. اجداد این پونی، اسب های بومی مناطق کوهستانی بودند که به وسیله‌ی آمیزش با اسب عربی اصلاح شدند. اجداد تمام اسب های هافلینگر امروزی، اسب های هیبرید البداوی بیست و دو⁷ (که در اتریش پرورش یافت و نوه‌ی پسری نریان عربی البداوی است)، پسر البداوی بیست و دو⁸ و اسب فولی⁸ می باشند.

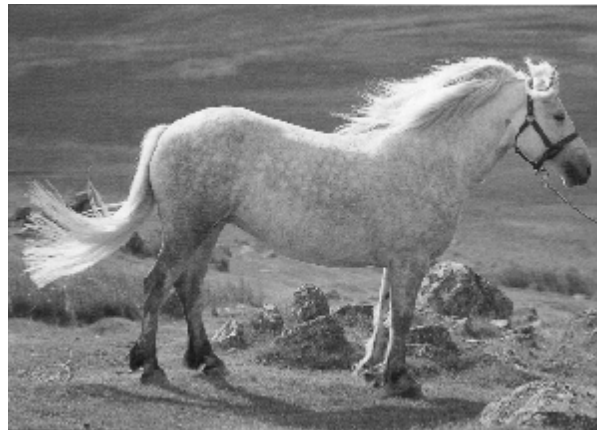
1- North Star
4- Haflinger
7- El Bedavi XXII

2- Waxy
5- Hafling
8- Folie

3- Esclipse
6- Southern Tirol

پونی هافلینگر در اثر سال ها آمیزش خویشاوندی به پونی بسیار خاص تبدیل شده که کوچک، قوی، به رنگ شاه بلوطی، پُر طاقت، دارای گام های محکم و مناسب برای کوهستان است و گام های فعال اجداد عربی خود را حفظ کرده است. این پونی با طبیعت رام خود، پونی مناسب برای سوارکاری و کالسکه رانی است. پیش از ورود ماشین آلات، از این پونی در کار های کشاورزی استفاده می شده است. امروزه بسیاری از این پونی ها برای کار های سوارکاری و تفریحی استفاده می شوند. این نژاد به بسیاری از کشور ها صادر شده و در آلمان و سوئیس محبوبیت خاصی دارد. شهرت این پونی به خاطر عمر طولانی آن است.

پونی هایلند



سنگین ترین پونی در مناطق مورلند و مانترین انگلستان پونی هایلند¹ است که منشاء آن فلات های اسکاتلند و جزایر دور از ساحل غربی است. اعتقاد بر آن است که این پونی ها از چندین هزار سال قبل در منطقه ساکن بوده اند. پونی امروزی هایلند، که پُر طاقت، دارای گام های محکم و عمر طولانی است در نتیجه ی آمیزش های متعدد به خصوص با اسب های عرب و کلایدسدال تکامل یافت. دوک های آتول²، پرورش دهندگان مخصوص

1- Highland

2- Atholl

پونی های هایلند در قرون متمادی، در اوایل قرن 16 میلادی اسب های شرقی را وارد گلهی این پونی ها کردند.

چند سال پیش این پونی به دو تیپ تقسیم شد، تیپ سرزمین اصلی که 144/24 سانتی متر قد داشت و تیپ وسترن آیس لس که سبک تر و تا حدودی کوچک تر بود. با تاسیس انجمن پونی هایلند در سال 1923 میلادی این تفاوت ها کنار گذاشته شد ولی هنوز در این پونی ها تفاوت هایی به مقدار کم دیده می شود.

پونی هایلند قوی و خوش بینه است. این پونی کارگری واقعی و دارای استعداد های گوناگون است که در زمان قدیم، در جنگ ها سربازان از آن ها استفاده می کردند، به چوپانان جهت انتقال گله های خود به خوبی سواری داده اند، در مالبندی کار می کردند، الوار ها را می کشیدند، شکارچیان گوزن را به تپه ها می بردند و گوزن های نر شکار شده به وزن صد کیلوگرم را به راحتی حمل می کرده و همچنین بیشتر برای سفر های کوتاه استفاده می شده است. نژاد های خالص هنوز در حالی دیده می شوند که با موفقیت در مسابقات و ورزش های رقابتی نظیر نمایش سوار کاری و کاری رانی شرکت دارند. در نتیجهی آمیزش هایلند با اسب تروربرد، اسب ممتازی به وجود آمد که در مسابقات سه روزه موفق بود.

نژاد هاکنی

اسب نژاد هاکنی¹، بومی انگلستان است. این اسب گام های بلندی دارد و به عنوان اسبِ گاری، به خصوص در میدان نمایش در جهان مورد توجه است. اسب هاکنی در اواخر قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم از نوادهی اسب های تروتر انگلیسی یعنی یورک شایر تروتر، و نورفوک رود استار منشاء گرفت. این اسب ها جد مشترکی به نام اسب اُریجینال شیلز² دارند که در سال 1755 میلادی کره ای به دنیا آورد و به وسیلهی اسب تروربرد پلیر³ از مادپانی بود که هاکنی یا اسب کالسکه توصیف می شد. منشاء اسب پلیر، اسب فلائینگ چایلد⁴ بود. اسب پلیر و اجداد آن به خصوص دو اسب اسکات شیلز⁵ و درایور⁶، تأثیر زیادی در پرورش اسب های تروتر شرق انگلستان داشتند.

1- Hackney

2- Original Shales

3-Thoroughbred Blaze

4- Flying Child

5- Scot Shales

6- Driver



نوع پونی هاکنی در طول نیمه‌ی دوم قرن هجدهم پرورش یافت و استفاده از کلمه‌ی پونی هاکنی به طور قطع به اسب هاکنی هیبرید و کوچک اشاره دارد. کریستوفر ویندهام ویلسون پ رورش دهنده‌ی بلند همت شهر وست مورلند بود که سیلوی ذخیره‌ی خوراک زمستانی اسب های مزرعه را ابداع کرد. همچنین وی مسئول گسترش و پرورش پونی هاکنی بود. ویلسون از چندین نژاد پونی به خصوص پونی فل و ویلسون استفاده کرده و آن ها را با اسب هاکنی خوش قیافه ای به نام سیر جورج آمیزش داد. سیر

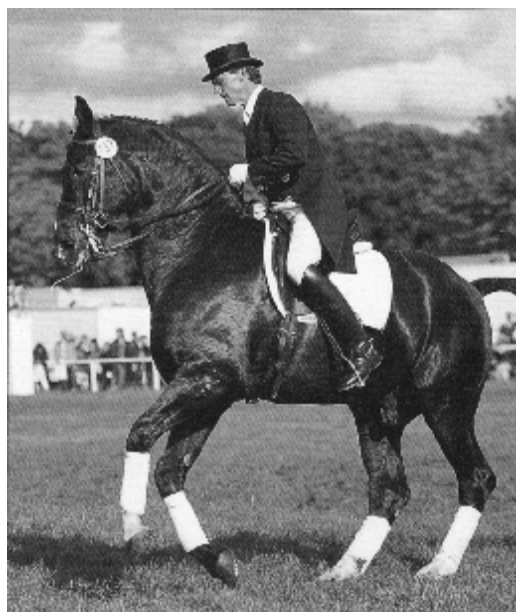
جورج در سال 1866 میلادی کره ای به دنیا آورد که ارتفاع آن حدود 142 سانتی متر بود. روش وی برای آمیزش خویشاوندی این اسب با سر جورج، او را قادر ساخت تا به هدف خود یعنی پرورش هاکنی با خصوصیات پونی واقعی دست یابد. پرورش دهندگان دیگر هم از وی تبعیت کردند. محدودیت اولیه برای قد پونی ها، 144/54 سانتی متر بود ولی بعد ها به 142 سانتی متر کاهش یافت. گام های بلندی که هاکنی به سبب آن شهرت دارد تا نیمه‌ی دوم قرن نوزده یعنی زمان مرسوم شدن استفاده از اسب های زیبا و ظریف در گاری پیشرفت نکرد. این امر تا حدودی ژنتیکی و تا حدودی اکتسابی است و در اثر آموزش افزایش می یابد.

نژاد هانورین¹

جورج دوم، عضو شورای انتخاب کنندگان هانور و پادشاه انگلیس، با تأسیس مرکز پرورش اسب در منطقه‌ی سیل² در سال 1735 میلادی، نقش بسیار مهمی در ایجاد اسب خون گرم آلمانی ایفا کرد. هدف از ایجاد این نژاد تأمین اسب های با کیفیت بالا و ارزان برای مردم بود، در حالی که در آن زمان اسب های نژاد هلشتاین و عمدتاً اسب های آندلسی و نتوپولیتان

1-Hanoverian

2- Celle

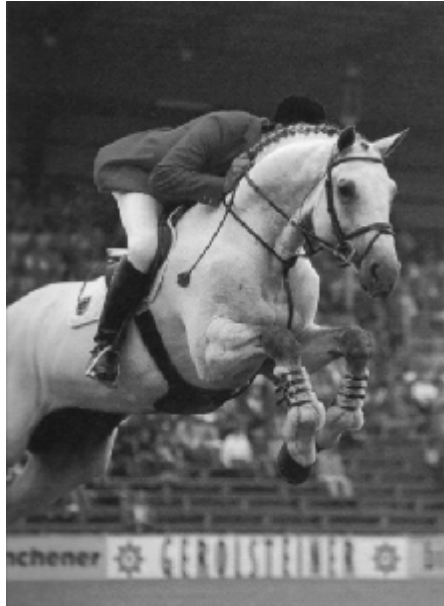


وجود داشتند. به خاطر واردات بعدی اسب های انگلیسی مانند اسب های ترورد، هانورین به تدریج کیفیت بهتری پیدا کرد و به اسبی همه فن حریف و مناسب برای کار در زمین های کشاورزی، سوار کاری و استفاده به عنوان اسب باری سبک تبدیل شد. پیشرفت اسب هانورین در سل مانن تحت تأثیر جنگ قرار گرفت. تا پایان قرن هجدهم این مرکز پرورش اسب بیش از 100 اسب نر داشت ولی در سال 1816 میلادی (پس از جنگ های ناپلئونی)، فقط 30 راس از آن باقی ماند. برای جبران کاهش این اسب ها از اسب های نژاد های برتر به ویژه ترورد استفاده شد. پس از جنگ جهانی دوم، این اسب مجبور شد برای حفظ بقای خود با روش زندگی جدید سازگار شود و خون اسب ترورد و اسب تراکیز برای ایجاد اسب خون گرم مناسب با نیاز های بازار و اسبی مناسب برای تفریح مورد استفاده قرار گرفت.

اسب های هانورین امروزی، سبک تر و کمی خشن تر از نژاد قدیمی هستند و به خاطر خلق و خوی خوب و تحرک زیاد شهرت دارند. همانند اسب های خون گرم دیگر آلمانی، نریان ها تنها در صورتی مجوز می گیرند که از معاینات دامپزشکی لازم بگذرند، و پس از گرفتن مجوز باید تست های سوار کاری را با موفقیت بگذرانند. اسب هانورین از

پر طرفدارترین اسب های ورزشی جهان است، زیرا قدرت و توانایی بالای آن، این اسب را برای نمایش سوار کاری و پرش مناسب کرده است.

نژاد هلشتاین



اسب نژاد هلشتاین¹، احتمالاً قدیمی ترین اسب خون گرم آلمانی است که چندین قرن سابقه دارد. در اوایل قرن هفدهم این اسب ها در حالی آمیزش داده شدند که در فرانسه، دانمارک و ایتالیا بسیار مورد نیاز بودند. اسب های هلشتاین قدیمی خون آمیخته شامل خون اسب های آلمان، نپولیتان، اسپانیا و مناطق شرقی داشتند. این اسب ها در طول قرن نوزدهم با اسب های نژاد یورک شایر کوچ آمیزش داده شدند، این کار هیبت آن ها را بزرگ تر و ماهیت آن ها را بسیار رام کرد. اسب های هلشتاین به دلیل داشتن بنیه ی قوی به

عنوان اسب های کاری ممتاز و اسب های تازه نفس ارتش مشهور بودند. مرکز پرورش اسب تراونتال² توسط پروس در سال 1867 میلادی، در شلزویگ - هلشتاین³، یعنی زادگاه اسب امروزی هلشتاین، تاسیس شد. امروزه این مرکز پرورش اسب مورد استفاده قرار نمی گیرد و پایه ی اولیه ی نژاد های امروزی در اِلم شورن است. برای به وجود آوردن نژاد اسب مناسب برای نیاز های امروزی، در دوره ی پس از جنگ جهانی دوم بیشتر خون اسب های تروبرد استفاده شد که باعث تولید نوع سبک تری از این اسب به عنوان اسب کاری گردید. اگرچه آمیزش های انجام یافته با اسب تروبرد، این اسب را تحریک پذیر تر از نوع قدیمی کرده، ولی خلق و خوی خوب این اسب حفظ شده است. شجاعت و هوش

1-Holstein

2- Traventhall

3- Schleswig-Holstein

اسب هلشتاین آن را برای نمایش سوار کاری در رده های بالا و نمایش پرش در رتبه‌ی اول قرار داده است.

اسب های هلشتاین مانند دیگر اسب های خون گرم با کیفیت بالا پرورش داده نمی شوند و منطقه‌ی پرورش و آمیزش این اسب، بزرگ و وسیع نیست.

نژاد ایتالین هیوی درافت



اسب نژاد ایتالین هیوی درافت¹ ممتاز ترین اسب سنگین وزن ایتالیا است که به عنوان اسب سنگین وزن کشاورزی هم شهرت دارد. این اسب شباهت آشکاری به اسب برتن دارد که تأثیر مهمی روی این اسب گذاشته است. اسب هیوی درافت در منطقه‌ی فریر² در شمال کشور ایتالیا و در طول نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، از آمیزش اسب ناپلئونی با اسب عرب و هاکنی به منظور تولید اسب کاری سبک وزن و فعال، منشاء گرفت. در دوره های مختلفی برای توپخانه و کشاورزی نیاز به وجود اسب خیلی شدید شد، و در نتیجه پرورش دهندگان استفاده از نژاد های دیگر به خصوص اسب بُلنایز را شروع کردند. سپس در دهه‌ی 1920 میلادی،

1- Italian heavy Draught

2- Ferrere

نریان های خالص برتن برای ایجاد نژادی از اسب استفاده شدند که امروزه به اسب ایتالین هیوی درافت معروف است.

اسب خوش قیافه و جذاب، چاق، کوتاه و عضلانی ایتالین هیوی درافت به خاطر ساختار و گام های فعال معروف است. این اسب قادر به حفظ سرعت، حتی به هنگام کشیدن بار های سنگین است. اندام های حرکتی بسیار قوی، مفاصل بزرگ و ماهیچه‌ی مناسبی دارد. هرچند نیاز به این اسب مانند هر جای دیگر کاهش یافته، ولی هنوز هم برای کار روی برخی مزارع کوچک و نیز برای تولید گوشت استفاده می شود.

نژاد ژوتلند



اسب نژاد ژوتلند¹ یک اسب سنگین دانمارکی است که به غیر از پهن شدگی قسمت پایین اندام های حرکتی، شباهت زیادی به نژاد انگلیسی سافوک پانچ دارد. این شباهت، زیاد هم تعجب آور نیست، چون اسب ژوتلند امروزی به شدت تحت تأثیر نژاد سافوک از طریق نریان انگلیسی اوپنیهیم ال ایکس تو² (اسبی که در دانمارک در طول دهه‌ی 1860 میلادی مرکز پرورش اسب را معتبر کرد) بوده است. تاریخچه‌ی این نژاد خاص به

زمانی بسیار دور بر می گردد. اسب های سنگین وزن که پیش از قرن دوازدهم برای اهداف جنگی بسیار مورد نیاز بودند با اسب ژوتلند پنینسولا³ آمیزش داده شدند و این اسب را برای شوالیه های قرون وسطی ایده آل ساختند. به احتمال زیاد منشاء اسب ژوتلند، اسب های

1- Jutland

2- Oppenheim LX2

3- Jutland Peninsula

کلیولند بی و یورک شایر کوچ بوده و بدون شک اسب سافوک در رنگ شاه بلوطی این اسب تاثیر داشته است. با پیشرفت صنعت، تعداد این اسب های جذاب کم شد ولی هنوز تعدادی از آن ها در نمایش های گاری رانی در شهر ها و گاهی اوقات برای کار در مزارع، دیده می شوند.

اسب کرد¹



تاریخچه و پراکنش

در تاریخ آمده است که از 500 سال قبل از میلاد مسیح (ع) در دامنه های سلسله جبال زاگرس در منطقه ای به نام نسا، اسب کردی وجود داشته است. با توجه به وضعیت توپوگرافی کردستان که منطقه ای صعب العبور و کوهستانی با دشت ها و تپه ماهور های سنگلاخی می باشد، بدیهی است قبل از ورود خودرو به منطقه، اکثر کار های روزمره مردم و کار های سنگین کشاورزی، بارکشی و سواری با اسب انجام می شده است.

با توجه به خصوصیات ظاهری و توانایی ها، این اسب به تیره های متفاوتی مانند جاف، افشاری، سنجابی و غیره تقسیم می شود. اسب جاف را می توان الگوی نقاشی های سنتی ایران دانست. در سنگ نوشته های باقی مانده از سال های 226 میلادی در نقش رستم،

1- Kord

اردشیر ساسانی سوار بر اسب نسایی است که پس از شکست لشکریان روم، امپراتور روم یعنی والرین در حضور وی به خاک افتاده و زانو زده است.

همچنان که اشاره گردید در گذشته نگه داری اسب به عنوان دام نجیب با اهداف استفاده در حمل و نقل و سواری بوده و نقشی همانند وسایل نقلیه‌ی فعلی داشته است و طبعاً با ورود ماشین‌های کشاورزی و متعلقات آن از تعداد این اسب‌ها به شدت کاسته شده است. هم‌اکنون هدف از نگه داری اسب در معدود روستا‌های دور افتاده‌ی کوهستانی و در مرزها، حمل و نقل کالاهای قاچاق است. از طرفی با توجه به علاقه‌ی کرد‌ها به سوار کاری به عنوان ورزش و سرگرمی مفرح در بهداشت روحی، اسب شهری و دور شهری در اطراف شهرها توسط سوار کاران و دلالان نگه داری می‌شود.

اسبی قدرتمند، جمع، عضلانی و با استقامت بوده و دارای سر نسبتاً بزرگ و گونه‌ی برجسته‌ای است که به سادگی می‌توان آن را با خصوصیات اسب نیسایی نقل شده توسط گزنفون و هرودت مقایسه کرد. توانایی این نژاد برای استفاده در مسافت‌های طولانی و مسیرهای کوهستانی و همچنین شرکت در مسابقات چوگان بی‌نظیر است.

اسب کردی دارای سم‌های سخت و محکم، پیشانی عریض، مسطح، و برجستگی کمی روی بینی (محدب) است. انتهای بینی و منخرین نا صاف و برجسته بوده و گوش‌ها ظریف و خوش حالت می‌باشند و در مادیان کمی بزرگ‌تر به نظر می‌رسد. چشم‌ها درشت و گرد با حدقه‌ی برجسته، گونه‌ی مشخص و گرد، اتصال سر و گردن قوی، گردن قوی و حجیم (معمولاً سر را بالا نگه می‌دارد)، یال پر پشت، دم در موقع راه رفتن به صورت فواره‌ای و قوس دار پایین آمده، به علت بلندی گردن، جدوگاه معمولاً نا مشخص، کپل پر حجم و قوی، قسمت جلویی سینه عریض و عضلانی، سینه‌ی مدور، عریض و عمیق می‌باشد. شکم به صورت استوانه‌ای مدور در امتداد سینه قرار دارد. اسب کردی از نظر رنگ متنوع است و به رنگ‌های سیاه، سفید، کزنگ و کهر دیده می‌شود.

نژاد مارمانو

اسب‌های نژاد مارمانو¹ در منطقه‌ی توسکانی² پرورش داده شدند و برای سوارکاری مرسوم در منطقه‌ی باتیری³ یا گاواران مناسب هستند. مسیر ساحلی دریای تایرنین⁴ که از

1- Maremmano
4- Tyrrhenian

2-Tuscany

3- butteri



پیو مبینو تا اُربِتِلو¹ امتداد دارد، زمین مرداب قدیمی است که در عهد باستان زهکشی و تخلیه شده بود ولی بعداً به بیابان تبدیل شد. این زمین دوباره در اوایل این قرن زهکشی شد و امروزه این منطقه به صورت علفزار است.

منشاء اسب های مارمانو مشخص نیست ولی احتمالاً نواده‌ی اسب های ناپلئونی هستند که بر پایه‌ی خون عرب، بارب و اسپانیایی پایه گذاری شده و در قرن شانزدهم توسط فریکو گریسون معروف شدند. گریسون مؤسس آکادمی سوار کاری ناپلئونی بود. وی پس از زنونف یونانی به عنوان اولین ارباب سوار کاری کلاسیک به شمار می رود. بعد ها تعدادی آمیزش بین این اسب ها و اسب های وارداتی

انگلستان مانند اسب نورفولک و رود استار انجام گرفت. بنابراین اسب های معروف به اسب مارمانو، هیبرید هستند. این اسب ها به هیچ وجه جزء اسب های زیبا و سریع محسوب نمی شوند ولی کارگران خوبی هستند. دارای قدرت و طاقت زیاد و خلق و خوی آرامی بوده و طبیعت پذیرا و رامی دارند. تغذیه آن ها نیز اقتصادی است. اثبات شده که این اسب ها برای پلیس و ارتش مفید بوده و به حد کافی قوی هستند تا بتوانند به عنوان اسب کاری، کار های سبک را انجام دهند و برای هدایت گله های گاو نیز سودمند هستند.

نژاد مورگان



اسب نژاد مورگان¹ آمریکایی نژادی غیر معمول است چون جد آن یک اسب نر به نام جاستین مورگان می باشد که به طرز خارق العاده ای کوچک بوده و فقط 142 سانتی متر ارتفاع دارد ولی در رقابت های بارکشی، مسابقات با زین و مالبندی برتری دارد.

جاستین مورگان در سال 1789 میلادی کره ای به نام فیگور² به دنیا آورد، که بعد ها به نام اولین صاحب رکورد دار خود یعنی، توماس جاستین مورگان³ معروف شد. وی صاحب مزرعه ای در ورمونت⁴ بود ولی مدارکی در مورد نحوه پرورش جاستین مورگان وجود ندارد. منشاء این نژاد به احتمال زیاد، اسب های ترابرد، عرب، ولش کاب⁵ و اجداد اسب های هلندی هستند. این اسب قد و قامت کوچکی داشته و 386 کیلوگرم وزن دارد. اسب مورگان اسب کاری قوی و قدرتمندی بود و بدون شک برای صاحبان خود به شدت کار کرده است. این اسب برای شخم زدن، به عنوان اسب مالبندی و در جنگل استفاده می شد و در مسابقات حمل هیزم در مقابل رقیبان خود که حتی نصف بار آن را داشته اند، هرگز بازنده نبوده است.

اسب نر این نژاد بسیار قوی است و تمام ویژگی های قابل توجه شامل قدرت، سرعت و خلق و خوی ملایم را به نتاج خود منتقل می کند. سه راس از نریان این اسب تأثیر خاصی بر

1- Morgan
4-Vermont

2- Figure
5-Welsh Cob

3- Thomas Justin Morgan

پرورش نژاد های دیگر داشته اند. این نژاد بنیان گذار اسب های شرمین مورگان¹ (متولد سال 1808 میلادی)، اسب وودبری مورگان² (متولد سال 1816 میلادی) و اسب بول راش مورگان³ (متولد سال 1812 میلادی) است. شرمین مورگان به خاطر اسب های مالبندی عالی شهرت دارد و تأثیر مهمی بر نژاد های دیگر در ایالات متحده داشت مانند نژاد های سبک و پر طاقت کوآرتز⁴، سدل برد⁵، استاندارد برد و تینسی واکر⁶ داشته است. طاقت زیاد اسب وودی مورگان بیشتر مورد نیاز سوار کاران و سواره نظام بود، در حالی که اسب بول راش مورگان به خاطر سرعت در یورتمه رفتن شهرت داشت.

اسب های مورگان نیز همانند بسیاری از نژاد های دیگر، با اختراع ماشین کاهش یافتند، ولی به خاطر تلاش های افراد متعصب کلوب اسب مورگان، که در سال 1909 میلادی تاسیس شد، این نژاد بقا یافت. امروزه جمعیت این نژاد رو به رشد است و در ایالات متحده و نیز کلوب های معروف در کانادا، انگلستان، استرالیا، اسپانیا، نیوزیلند، آلمان، ایتالیا و سوئیس وجود دارد. مورگان به عنوان اسب نمایشی نگه داری می شود و همچنین در زمینه های گوناگون از قبیل کلاس های اسب کاتینگ⁷، اسب استوک⁸ و اسب مهار بندی، بخش شکارچی پرنده، نمایش سوار کاری و مرکب و مسابقات کالسکه رانی می تواند رقابت کند.

نژاد میسوری فوکس تروتر

هر چند که تا سال 1948 میلادی کتاب اسب های نر تخمی برای نژاد میسوری فوکس تروتر⁹ وجود نداشت، ولی این نژاد در اوایل قرن نوزدهم به خوبی تکامل پیدا کرد. مهاجران در حین سفر به سمت غرب و در امتداد رود می سی سی پی، تعداد زیادی اسب تروبرد (نژاد اولیه حاصل از آمیزش اسب های شرقی و مورگان) را از کنتاکی، تینس و ویرجینیا با خود آوردند. سپس آن ها را آمیزش دادند تا اسبی متناسب با شرایط محیطی جدید آن ها در منطقه ی گوزرک هیلز میسوری به وجود آورند.

نیاز عمده ی پزشکان، کلاتر ها، بخش داران و نظایر آن ها، اسبی بود که بتواند در زمان های طولانی اغلب در مناطق صعب العبور، با حداقل خستگی سریع راه برود. پاسخ این نیاز در طرز گام برداری اسب مشهور به فوکس تروتر پیدا شد که در آن، اسب با اندام های

1- Sherman Morgan

2- Woodbury Morgan

3- Bulrush Morgan

4- Quarter

5- Saddlebred

6- Tennessee Walker

7- Cutting horse

8- Stock horse

9- Missouri Fox Trotter



حرکتی جلویی راه می رود ولی با اندام های حرکتی عقبی یورتمه می رود (این عمل ارثی بوده و با آموزش قابل بهبود است). فوکس تروتر اندام های حرکتی عقبی خود را با ویژگی عمل ارتعاشی یورتمه‌ی نرمال پایین می آورد، ولی آن ها را در امتداد زیر خودش می لغزاند. نتیجه‌ی این کار، گام برداری هموار و راحتی است که در آن اسب بدون خستگی، مسافت طولانی را طی می کند. خصوصیات اسب فوکس تروتر در طول سال ها آمیزش غیر خویشاوندی با خون اسب های سدل پرد و تنسی واکر اصلاح شد و امروزه این نژاد به خاطر بدنی کوچک، جمع و جور، ماهیچه ای و ثبات قدم های خود شهرت دارد.

نژاد مورگِس¹

منشاء اسب نژاد مورگِس دشت اُرفانو² و نواحی تپه ای نزدیک گراوینا است. اسب اولیه‌ی مورگِس حداقل به 500 سال قبل بر می گردد. در طول اواخر قرن پانزده و اوایل قرن شانزدهم حاکم بندر مونوپولی³ که چند سال متعلق به جمهوری ونیز بود، نوع اولیه‌ی نریان مورگِس و چند صد راس مادیان را برای آمیزش نگه داری کرد تا اسب های تازه نفسی برای

1- Murgese

2- Orfano

3- Monopoli



سواره نظام فراهم کند. ولی در طول سال ها این نژاد منقرض شد. نوع امروزی این نژاد به دهه‌ی 1920 میلادی بر می گردد.

این اسب اساساً اسب کاری و سبکی است، ولی نسبت به آیریش درافت کیفیت پایین تری دارد و یکدستی و یکپارچگی در این نژاد به چشم نمی خورد. این اسب، اسب سواری است. از آمیزش مادیان مورگس با نریان تروبرد یا اسب های خون گرم، اسب های بهتری تولید می شود. نریان های خون گرم نتاج مناسب تری تولید می کنند و گام های آن ها برای سوار کاری خوب و متناسب است.

نژاد موستانگ

اسب نژاد موستانگ¹، اسب وحشی آمریکای شمالی، از نوادگان اسب هایی است که توسط فاتحان قرن شانزدهم به آمریکا آورده شدند. به محض حرکت استعمارگران اسپانیایی به سمت شمال یعنی از مکزیک تا تگزاس امروزی، قبایل سرخ پوست با آن ها رابطه برقرار

1- Mustang

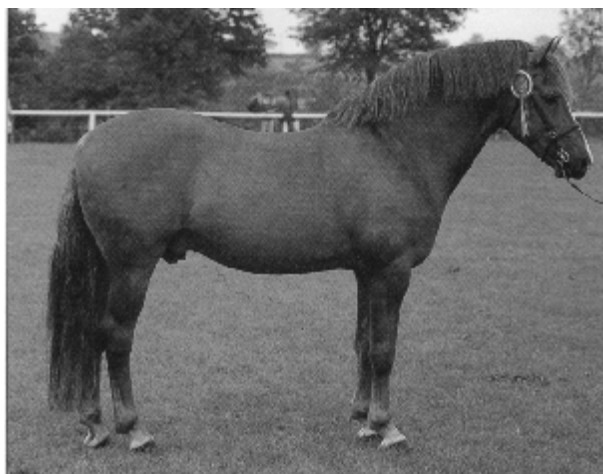


کرده و زندگی با اسب ها را برای اولین بار تجربه کردند. در ابتدا، سرخ پوستان تمایل به کشتن و خوردن گوشت اسب های گرفته از مهاجران داشتند. ولی بعداً ارزش اسب ها به عنوان وسیله حمل و نقل را فهمیده و روش مهار کردن و سوار شدن بر آن ها را یاد گرفتند. تا نیمه ی دوم قرن هفدهم، برخی قبایل، اسب ها را از اسپانیایی ها می گرفتند و از آن ها برای حمله علیه تازه واردان استفاده می کردند و به این ترتیب اسب های بیشتری به دست آوردند. گسترش و پخش تدریجی اسب ها به قبایل دیگر به وسیله ی تبادل اسب ها یا دزدی و نیز حرکت اسب ها به سوی شمال آغاز شد. بسیاری از اسب ها پس از رها شدن در طول جنگ بین اسپانیایی ها و سرخ پوستان، وحشی شده و به وضع بدی دچار شدند. از اسب های دیگر، آن هایی که مطلوب نبودند یا به استراحت نیاز داشتند، احتمالاً رها می شدند. برخی از اسب های اهلی نیز که برای چرا به مراتع فرستاده می شدند دچار سرگردانی و سر درگمی می شدند. به تدریج این اسب ها به هم پیوسته و گله های غیر اهلی را تشکیل داده و در مناطق وسیع و دشت های بزرگ تعداد آن ها افزایش چشمگیری یافت. تا اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزدهم تعداد اسب های وحشی و در حال چرا در دشت ها حدود 2 میلیون راس برآورد شده است.

نقطه ی عطف اسب موستانگ، گسترش تمدن به سمت غرب بود. بسیاری از این اسب ها کشته شدند، برخی به عنوان اسب های کاری جمع آوری و برخی نیز برای آمیزش استفاده

شدند. تعداد زیادی از آن ها در جنگ بوئر¹ به عنوان اسب های تازه نفس سواره نظام استفاده شدند. در طول قرن بیستم همچنان تعداد زیادی از آن ها به عنوان غذای خانگی و نیز فروش گوشت کشته می شدند. محدودیت های دولتی در سال 1971 میلادی باعث ایجاد قانون حفاظت از این اسب های وحشی شد. امروزه نیز با توجه به کاهش قابل توجه این اسب ها، تعدادی کمی در علفزارها وجود دارند. اسب موستانگ اهلی اغلب اسب سواری خوبی بوده و به علت طاقت زیاد، برای سواری های طولانی مناسب است.

پونی نیو فارست



معلوم شده که قبل از دوران کانوت² (حدود سال های 995 تا 1035 میلادی) اسب های وحشی در نیو فارست³ در جنوب انگلستان، وجود داشته اند. منشاء دقیق پونی نیو فارست که در طول سال ها تحت تأثیر تعداد متنوعی از نژاد های دیگر قرار گرفته، نا معلوم است. در طول قرن هجدهم نریان تروردی به نام مارسک (پدر اسب مسابقه ای بزرگ اِکلیپس⁴)، برای مدتی به منظور اصلاح مادیان نیو فارست استفاده شد و در اواسط قرن نوزدهم به نریان

1- Boer
4- Eclipse

2- Canute

3- New Forest

عرب متعلق به ملکه ویکتوریا و پونی هاکنی نیز اجازه‌ی ورود به گله داده شد. از آنجایی که این آمیزش خویشاوندی با پونی های خارج از گله باعث افزایش اندازه‌ی اسب های کوچک شد، به سبب به خطر افتادن ماهیت واقعی پونی ها، آمیزش هایی با نریان دیگر نژاد های بومی مانند پونی های دالِس، دارت مور، اکسمور، فل و هایلند و سپس با پونی ولش مانتین انجام گرفت.

پونی های نیو فارست امروزی، مانند بسیاری از پونی های اکسمور و ولش مانتین، هنوز در زیستگاه بومی خود آزادانه زندگی می کنند. زندگی در جنگل، دشوار و منابع غذایی اغلب اندک و کم کیفیت است، این محیط نا مساعد باعث ایجاد اسبی پُر طاقت و دارای گام های محکم شده است. فعالیت این پونی زیاد بوده و خلق و خوی خوب آن آموزش وی را آسان می کند. در نتیجه این پونی ها برای سواری و گاری رانی عالی هستند. همچنین این پونی ها نه تنها در کشور بومی خود بلکه در کشور های اروپایی، آمریکای شمالی، استرالیا و نیوزیلند هم محبوبیت دارند.

نژاد نانیوس



اسب نژاد نانیوس¹ اندام ورزیده ای مانند اسب فویوزوی تکامل یافته دارد و در مزرعه‌ی مرکز پرورش اسب مزوهگایز که توسط امپراطور جوزف دوم تأسیس شد نگه داری می‌شود. بنیان گذار این نژاد اسب آنجلو نورمنی به نام اسب نانیوس سینیور² بود. این اسب در سال 1810 میلادی اولین گُره‌ی خود را به دنیا آورد، در سال 1814 میلادی در فرانسه مورد استقبال اتریشی‌ها قرار گرفت و در سال 1816 میلادی در مزوهگایز مستقر شد. گفته می‌شود این اسب از نریان هیبرید انگلیسی و مادیان نورمن می‌باشد و به یقین اسب نورفوک رود استار در آن موثر بوده است. این نژاد اسب جذابی نبود و هیچ جایزه‌ای به خاطر فنوتیپ خود دریافت نکرد ولی در طول 16 سال حضور در دفتر انساب، به پدر بسیار موفق تبدیل شد. این اسب با مادیان نژاد های مختلف مانند عرب، لیپیزانر³، اسپانیایی و ترکیه‌ای و همین‌طور مجارستانی آمیزش داده شد و اسب‌های مناسبی تولید کرد. بهترین اسب‌های تولیدی دوباره با وی آمیزش داده شدند. در این میان تیپ مجزایی پدید آمد که به اسب نانیوس شهرت یافت.

در طول دهه‌ی 1860 میلادی با استفاده از اسب تروبرد، دو نوع متفاوت از اسب‌ها پرورش یافت. نوع اول اسبی بزرگ، کاری و متناسب با کار سبک کشاورزی، و نوع دوم اسبی کوچک تر و مناسب برای سواری بود. هر دو نوع اسب، گام‌های فعال و خلق و خوی آرامی داشتند. امروزه همان‌طور که نیاز به اسب‌های مزرعه از بین رفته، نوع بزرگ تری از اسب نانیوس به وجود آمده که عمدتاً برای سواری استفاده می‌شود، مهارتی که در آن سوار کاران مجارستانی خیره هستند.

نژاد نورمن کاب

اسب نژاد نورمن کاب⁴، اسب کاری سبکی است که هنوز در مزارع دکوچک منطقه‌ی لامانش⁵ در نرماندی (شمال غرب فرانسه) وجود دارد. نرماندی سابقه‌ی طولانی در پرورش اسب دارد، بخصوص که اسب مسابقه‌ی سینت لو جد اسب کاب امروزی در مرکز پرورش اسب لی پین⁶ (که به عنوان مرکز پرورش اسب سلطنتی در اواسط قرن هفدهم تأسیس شده بود) پرورش یافت.

1- Nonius

4- Norman Cob

2- Nonius Senior

5- La Manche

3- Lipizzaner

6- Le Pin



این اسب مانند اسب کاب انگلیسی چاق و کوچک است، به همین دلیل به این نام معروف شده است و در ابتدای قرن گذشته به عنوان نژاد متفاوتی رشد و گسترش یافت. در آن زمان پرورش دهندگان اسب های هیبرید، برای اولین بار بین اسب های مناسب برای سواری، بخصوص مناسب برای ارتش، و اسب های خوش بنیه، کاری و مناسب برای کار های سبک، تمایز قائل شدند.

اسب نورمن کاب بعد ها در گروه نژاد های سنگین قرار گرفت و خصوصاً در منطقه‌ی لامانش به اسب کاری محبوبی تبدیل شد که حتی اسب پرچرون قدرتمند هم نتوانست جایگزین آن شود. در طول سال ها به خاطر کار های سنگین تمایل به سنگین تر شدن در این اسب ها وجود داشته تا بتوانند از عهده‌ی کار ها برآیند. این اسب هر چند تنومند و خوش بنیه است ولی قد و قامت عظیم اسب سنگین واقعی را ندارد. همواره پر جنب و جوش و در یورتمه ممتاز بوده و این از خصوصیات اسب های هیبرید است.

نژاد اُلدنِبورگ



اسب نژاد اُلدنِبورگ¹، سنگین ترین اسب خون گرم آلمان، در اصل به عنوان اسب کالسکه و در ناحیه ای بین رود وِسِر² و هلند پرورش یافت. این نژاد نام خود را از کُنْت اَنْتُون گونتر وُن اُلدنِبورگ³ گرفته که در پرورش این اسب نقش موثری ایفا کرد و نریان ایتالیایی و اسپانیایی را با نژاد بومی آمیزش داد. پرورش دهندگان بعدی، اسب های تروبرد، کالیولند بی و هانُورین را با این نژاد آمیزش دادند، و در نتیجه اسب بزرگی به ارتفاع 173 سانتی متر، با جثه ای نسبتاً سنگین به وجود آوردند. این اسب برخلاف اکثر اسب های بزرگ، بلوغ زود رسی داشت که این ویژگی آن را به عنوان اسب کاری محبوبی مطرح کرد.

این اسب ها به عنوان اسب های کالسکه در عصر حمل و نقل موتوری در اوایل قرن بیستم مورد قبول واقع شدند. در این زمان پرورش دهندگان ضرورت تغییر کارایی اسب اُلدنِبورگ را دریافتند و به تولید اسب کاری برای کار در مزرعه اقدام کردند. در سالیان اخیر پرورش دهندگان این اسب ها بیشتر با استفاده از خون اسب تروبرد، و برخی از دیگر اسب ها مانند سیل فرانسیس اسبی تولید کرده اند که به طور قابل ملاحظه ای خالص تر از اجداد خود

1- Oldenburg

2- Weser

3- Count Anton Gunther Von Oldenburg

(که به عنوان اسب کالسکه استفاده می شدند) هستند. همچنین این اسب در مسابقه های ورزشی بسیار توانمند است و با زین هم خوب فعالیت می کند. اسب اُلدِنبورگ هنوز در مقایسه با اسب های خون گرم دیگر بزرگ است ولی بسیاری از خصوصیات اسب کالسکه نظیر شانهِ راست و قسمت پشتی طویل را از دست داده است. اسب های اُلدِنبورگ به کشور های بسیاری صادر شده و در ایالات متحده محبوبیت خاصی به دست آورده اند.

نژاد پرچرون



اسب نژاد پرچرون¹، ظریف، زیبا و سبک است و از منطقه‌ی لاپارچ² در جنوب نرماندی منشاء گرفته است. اجداد این اسب، اسب های عربی بودند که اعراب شمال آفریقا آن ها را به اروپا آوردند. اعتقاد بر این است که تأثیر اصلی این اسب بر روی نژاد های دیگر از زمان شکست اعراب شمال آفریقا توسط چارلز مارتل³ در حدود سال 732 میلادی شروع شد و تا جنگ صلیبی اول در سال 1099 میلادی (یعنی زمانی که رابرت کومت درُترو⁴، اسب های بیشتری به فرانسه وارد کرد) ادامه یافت.

بعد ها در طول قرن هجدهم، نریان عرب برای اصلاح نژاد اسب های پرچرون به مرکز پرورش اسب سلطنتی در لیپین آورده شدند. تأثیر اسب های شرقی تا همین اواخر ادامه یافت

1- Percheron

2- La Parche

3- Charles Martel

4- Robert, Comte de Rotrou

و اسب جین لی بلانک¹ (که در سال 1830 میلادی کره ای زایید) و پس از آن نریان عربی به نام گالیپولی² از مهم ترین نریان های اولیه بودند. قدرت و شجاعت زیاد، اندام های حرکتی محکم و عمر طولانی، اسب پرچرون را به عنوان اسب جنگی و اسب کاری برای کار در مزرعه بسیار محبوب ساخت. این اسب در چهار دهه آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم هم به عنوان اسب کاری و هم به عنوان اصلاح کننده ی نژاد های سنگین دیگر در سراسر جهان مورد تقاضا بود. پرورش دهندگان فرانسوی تعداد زیادی از اسب های پرچرون را صادر کردند و اثبات شد که سازگار ترین اسب با هر نوع شرایط اقلیمی است. برخی از این اسب ها به انگلستان، برخی به استرالیا (گفته می شود پرچرون اولین اسب سنگین وزن وارد شده به استرالیا است) و برخی به آمریکای جنوبی صادر شدند. این نژاد در آمریکای شمالی یعنی منطقه ای که رنگ مشکی بر خاکستری ارجحیت داشت، بسیار رایج شد. خریداران آمریکایی هم به اسب سنگین وزن علاقه داشتند و به سبب نیاز آن ها به اسب های بزرگ برای کار در راه آهن، آمیزش و پرورش اسب های بزرگ تر رواج یافت. این اسب علاوه بر بزرگی اندازه، اسبی بسیار ارزنده است و خصوصیات اجداد خود را حفظ کرده است.

نژاد کوآرتِر هُورس



1- Jean le Blanc

2- Gallipoly

همان طور که از نام اسب نژاد کوآرتِر هورس¹ پیداست، در مسابقه‌ی مسیر های کوتاه (مسیر 0/25 مایل) برتری دارد. منشاء آن به اسب هایی بر می گردد که توسط فاتحان اسپانیا به آمریکا آورده شدند. در طول قرون هفده و هجده، مهاجران انگلیسی در مسیر خود به سمت کشور های شرقی، از اسب های نوع اولیه‌ی اسپانیایی برای آمیزش با اسب های وارداتی خود استفاده کردند تا اسبی کاری، خوب و دارای استعداد های گوناگون و مناسب برای هر نوع سواری، کشت و کار در مزرعه و کار در مالبندی به وجود آورند. این اسب های پر طاقت و خوش بنیه مورد اعتماد مهاجران قرار گرفتند. با مهاجرت این اسب ها به سمت غرب، نیاز عمده به اسب سواری قابل اعتماد، کاری، تترس و ورزیده به وجود آمد. این اسب ها به طور ژنتیکی حس سازش پذیری با گاو داشتند و حرکات گاو پرواری را پیش بینی می کردند و با سرعت بسیار زیاد آن ها را متوقف کرده و باز می گرداندند. علاقه‌ی روز افزون انگلیسی ها به مسابقه باعث شد تا این اسب های ممتاز در مسابقات جاده ای، زمین های بی درخت و جنگل حاضر شوند. اسب کوآرتِر کپل بسیار قدرتمندی دارد، که به آن توانایی چهار نعل با حداکثر سرعت را از نقطه‌ی آغاز می دهد و می تواند مسافت های کوتاه را به سرعت طی کند. در اثر علاقه‌ی شدید به اسب تروبرد، استفاده از اسب کوآرتِر در مسابقات کم رنگ شد. با پیدایش وسایل نقلیه‌ی موتوری و کم شدن اهمیت اسب ها در مزارع دامداری، اسب کوآرتِر مانند دیگر اسب های جهان به اسب سوار کاری و تفریحی مبدل شد.

امروزه، اسب کوآرتِر محبوبیت زیادی در مسابقاتی نظیر مسابقه‌ی سرعت، سوار کاری، نمایش کابویی و مسابقه های با مسافت کوتاه دارد. به خاطر توجه دوباره به اسب دوانی در مسافت های کوتاه، امروزه اسب های کوآرتِر در مسابقه های با جوايز بزرگ شرکت می کنند.

پونی سورایا

پونی سورایا¹ که در گذشته برای کار در مزرعه و سوار کاری های چند منظوره استفاده می شد، امروزه ظاهر اولیه‌ی خود را حفظ کرده و عمدتاً با یکدیگر در گروه های کوچکی زندگی می کنند. مبدا پونی سورایا منطقه ای میان رود های سُور³ و رایا⁴ و رود فرعی سورایا در پرتغال (که از جنوب به سمت دهانه‌ی رود تاگوس⁵ جریان دارد) است.

1- Quarter Horse
4- Raia

2- Sorraia
5- Tagus

3- Sor



پونی سورایا بر اساس اعتقاد گذشتگان نواده‌ی اسب وایلد (وحشی آسیایی) و تارپان بوده و شباهت قابل توجهی به این اسب ها دارد. این پونی دارای جثه‌ی کوچک، سر بزرگ، رنگ قهوه ای مایل به خاکستری، نواری مار ماهی مانند و الگوی گور خری روی اندام های حرکتی عقبی است.

این پونی بهترین پونی جهان نیست، ولی بی نهایت پر طاقت و کم توقع از نظر تغذیه بوده و تحمل بدترین شرایط اقلیمی را دارد. شانه هایی صاف و مستقیم و پسین گاهی ضعیف و اندام های حرکتی نسبتاً بلند و غیر استخوانی (هر چند از مچ پا به پایین محکم و استوار است) از دیگر خصوصیات این نژاد است.

پونی شتلند

پونی شتلند¹ نام خود را از گروهی از جزایر دور دست واقع در شمال شرق اسکاتلند و گرینلند جنوبی گرفته و کوچک ترین پونی بومی انگلستان است. منشاء آن نا معلوم است ولی یقیناً به مدت چندین قرن در اسکاتلند بوده و به روزگاران بسیار دور بر می گردد. قد و قامت کوتاهی دارد، ولی با این حال بسیار قوی است، به طوری که یکی از قوی ترین پونی های جهان نسبت به اندازه‌ی جثه اش می باشد. پونی شتلند به طور حیرت انگیزی با تغییرات زیاد

1- Shetland



آب و هوای شمالی جزیره و چریدن در علف‌های با کیفیت پایین سازگاری پیدا کرده، قدرت تحمل زیادی دارد و به دلیل قرن‌ها زندگی در مناطق صعب‌العبور، صخره‌ای یا پوشیده از خاربن، مفاصل محکمی پیدا کرده است.

این پونی بخش تفکیک‌ناپذیر زندگی جزیره نشین‌ها محسوب می‌شود و در گذشته برای سوارکاری، به عنوان اسبی کاری و برای حمل همه چیز از غلات گرفته تا کودهای گیاهی برای سوخت و نیز برای معدن زغال سنگ بسیار استفاده می‌شده است. اندازه‌ی کوچک و قدرت زیاد، آن‌ها را برای کار در اعماق زمین مناسب کرده است. چندی بعد پرورش و آمیزش این پونی رونق پیدا کرد، هر چند که پیش از اواسط قرن نوزدهم برای آمیزش انتخابی تلاش کمی انجام گرفت.

پونی شتلند در مناطق دور از جزایر بومی خود نیز به عنوان اسب سواری کودکان، طرفدار پیدا کرده است. این پونی با اراده و باهوش است و به فرمان‌های درست داده شده خوب واکنش نشان می‌دهد. با گام‌های بلند و قدرت مانور پذیری خود، گاری ران بسیار خوبی است و تا سطح بین‌المللی هم می‌تواند رقابت کند.

نژاد سَدَل بَرِد



اسب نژاد سَدَل بَرِد¹ که قبلاً کنتاکی سَدِر² نامیده می شد، اسبی زیبا و ظریف بود که در اوایل قرن نوزده توسط مهاجران در ایالت های جنوبی آمریکای شمالی پرورش یافت. صاحبان مزارع بزرگ جهت ایجاد اسبی مناسب، با نژاد های مختلف نظیر اسب ناراکانسیت پیسیر³ (نژاد اسب سرعتی برغه ای از جزیره رُن⁴) و اسب تروبرد آمیزش دادند. هیبرید حاصل از این آمیزش ها، اسبی زیبا بود که به راحتی سواری می داد، و برای کار های طولانی مدت مانند بازدید از مزرعه و کالسکه رانی هم مناسب بود. در سال 1891 میلادی گروهی از پرورش دهندگان، انجمن پرورش دهندگان اسب سواری آمریکایی را تاسیس کردند و مرکز ثبت اسب سَدَل بَرِد شروع به کار کرد.

خلق و خوی بسیار خوب، هوش زیاد و سرعت بالا باعث شده تا این اسب برای اهداف مختلف نظیر کار با گله و احشام به کار رود. این اسب بدون هیچ مشکلی از اسب کاری به تفریحی تبدیل شده و برای رقابت در کلاس های نمایشی در زمین و مالبندی مشکلی ندارد. در میدان نمایش، این اسب ها برای سوار کاری یا اسب یورتمه ای سه یا پنج گامی

1- Saddlebred
4- Rhone

2- Kentucky Sadder

3-Narragansett Pacer

طبقه بندی می شوند. اسب های سه گامی، راه رفتن، یورتمه و چهارنعل آهسته یا تاخت را نشان می دهند، به این صورت که راه رفتن کشسان است، یورتمه فعالیت زیادی دارد و چهارنعل آهسته، موزون و هموار است. اسب های پنج گام این سه گام را به علاوه ی دو گام دیگر نشان می دهند: طرز گام برداری آرام و راک. گام برداری آهسته، گام برداری بلند است و گام برداری چهار ضربه ای به حالت آهسته و محدود انجام می شود. راک طرز گام برداری چهار ضربه ای سریع و خیره کننده است که در آن پا در فواصل زمانی برابر به زمین ضربه می زند و رها از حرکت یا گام برداری جانبی است. گام برداری جانبی عمل افزایش طول غیر طبیعی پا (برای ارتقای عمل)، و بالا نگهداشتن غیر طبیعی دم است که در میدان نمایش اجرا می شود. خارج از محدوده ی میدان نمایش، این اسب، اسب سواری خوب و دارای استعداد های گوناگونی است. بنیه ای عالی و پرش خوبی دارد و آموزش آن آسان و سریع است.

نژاد استاندارد برد¹



اسب نژاد استاندارد برد آمریکایی برای مسابقه ی مالبندی استفاده می شود و اسب تروبرد انگلیسی برای مسابقات سوارکاری با مانع و کورس بدون مانع (فَلت) می باشد. در طول قرن

1- Standardbred

گذشته یا قبل از آن، کشوری هایی که در آن ها مسابقه‌ی مالبندی رونق داشت برای اصلاح نژاد اسب های تروتور، از اسب های استاندارد برد استفاده کردند.

کمی عجیب است که پدر و بنیان گذار استاندارد برد اسبی بود که فقط در مسابقه‌ی چهار نعل شرکت می کرد، یعنی اسب تروبرد انگلیسی به نام اسب مِسِنِجِر¹ که خاکستری رنگ بوده و ریشه‌ی آن به اسب دارلی² عربی بر می گردد. این اسب سه فصل در مسابقات کورس بدون مانع شرکت کرد و هشت دور از چهارده دور را برنده شد و در سال 1780 میلادی کُرّه ای به دنیا آورد. این نژاد که در ماه می سال 1788 میلادی به فیلادلفیا³ صادر شد و مدت 20 سال در اصلاح نژاد اسب های آمریکایی استفاده شد. پس از لغو مسابقات در نیویورک، عمدتاً مادیان اسب تروبرد را با نریان آن آمیزش می دادند. برخی از نوادگان آن ها به اسب های مسابقه ای فلت تبدیل شدند، همچنین انواع اولیه‌ی اسب های تروتور (یورتمه رو) ممتاز را ایجاد کردند و شهرت جهانی به دست آوردند. نوه‌ی اول اسب همبلتونین⁴، پدر اسب های تروتور و دارای تولید مثل زیاد است. چهار پسر اسب همبلتونین؛ جورج ویلکز⁵، دیکتاتور⁶، هپی میدیوم⁷ و الکشینر⁸ می باشند که بنیان گذار تقریباً تمام اسب های مسابقه ای مالبندی امروزه در ایالات متحده هستند. اسب همبلتونین از مادیان چارلز کنت⁹ بود، که با اسب مِسِنِجِر آمیزش خویشاوندی انجام داد. منشاء پدری این اسب، نریان بلفاندر¹⁰، از نژاد نورفولک تروتور مشهور یعنی اسب اُلد شِلز بود. علاوه بر خاندان اسب مِسِنِجِر، دو نژاد مؤثر دیگر در پرورش اولیه‌ی اسب استاندارد برد، اسب کلینز¹¹ (نوادگان نریان بارب از تریپلی¹² که در سال 1820 میلادی وارد شد) و اسب مورگان بودند.

دفتر انساب نژاد تروتور در سال 1871 میلادی تاسیس شد. واژه‌ی استاندارد برد هشت سال قبل از انتشار و تدوین مجموعه‌ی خصوصیات لازم برای پذیرش اسب در دفتر انساب، استفاده شده بود. استاندارد اصلی، که این نژاد نام خود را از آن گرفته، توانایی پیمودن 1/6 کیلومتر در 2 دقیقه و 30 ثانیه است. استاندارد برد ها در یورغه (گام برداری جانبی) یا در یورتمه (یورغه‌ی مورب) مسابقه می دهند. تا دهه های آخر قرن نوزده، یورتمه رو ها عامه پسندتر از یورتمه رو های سریع تر بودند ولی امروزه این نژاد زیاد محبوب نیست.

1- Messenger

4- Hambletonian

7- Happy Medium

10- Bellfounder

2- Darley

5- George Wilkes

8- Electioneer

11- Clays

3- Philadelphia

6- Dictator

9- Charles Kent

12- Tripoli

نژاد شایر



اسب نژاد شایر¹، بزرگ ترین اسب سنگین وزن انگلستان و نتاج اسب جنگی قرون وسطی معروف به اسب گریت² است، که بعد ها نام انگلیش بلک³ به آن داده شد. این اسب از آمیزش اسب های فلاندر و فریزین وارداتی با نژاد بومی حاصل شد و اولین اسب سواره نظام (و بعدها اسب مزرعه و کاری) شد. استفاده از واژهی بلکز⁴ به این اسب های سنگین وزن به فردی به نام اُلیور گرامول⁵ نسبت داده می شود و احتمالاً برای توصیف اسب های فریزین وارداتی استفاده شده که همیشه سیاه رنگ بودند. منطقه‌ی اصلی پرورش اسب انگلیش بلک مناطق باتلاقی و بخش های درون مرزی لیستر شایر، لینکلن شایر، دربی شایر و استافورد شایر بود که این نژاد سرانجام نام خود را از آن مناطق گرفت. اسب های پرورش یافته در فین، بزرگ تر، سنگین تر و تا حدودی درشت تر از اسب های آیر شایر بودند. اسب های دربی شایر و لیستر شایر عمدتاً سیاه و اسب های استافورد شایر اغلب قهوه ای بودند.

در اواخر قرن نوزدهم آمیزش این اسب ها شکل قطعی گرفت. در نتیجه اولین دفتر انساب اسب های این نژاد در سال 1878 میلادی منتشر و انجمن اسبی تحت عنوان انجمن اسب کارت⁶ انگلیسی تاسیس شد. این نام در سال 1884 میلادی به نام انجمن

1- Shire
4- Blacks

2-Great
5- Oliver Gromwell

3-English Black
6- Cart

اسب شایر تغییر یافت و این نژاد از آن زمان به نام اسب شایر معروف شد. به دنبال تاسیس انجمن اسب شایر موفقیت زیادی در گسترش کشاورزی آن زمان و جلب توجه خریداران خارجی کسب شد. اسب های شایر به زودی به سرزمین های دور مانند آمریکای شمالی و جنوبی، روسیه و استرالیا صادر و به جزء تفکیک ناپذیر زندگی روزمره مردم انگلستان تبدیل شدند. این اسب های بزرگ، خصوصیات ویژه ای مانند قدرت، بنیه، استحکام و خلق و خوی خوب داشتند و برای شخم زدن مزرعه، کشیدن الوار و کشیدن واگن های مزرعه، واگن های راه آهن، گاری و درشکه های زغال سنگ استفاده می شدند. ورود وسایل نقلیه موتوری خسارت قابل توجهی به این اسب ها زد. احیای اسب شایر در دهه‌ی 1960 شروع شد و امروزه این اسب های ممتاز برای نمایش، شخم زدن زمین و کشیدن گاری در مسیر های کوتاه شهری استفاده می شوند.

نژاد سافولک



اسب نژاد سافولک یا سافولک پانچ¹ قدیمی ترین نژاد سنگین وزن جهان بوده و در منطقه‌ی آنجلین شرقی² که از قرن شانزدهم در آن پرورش یافته، نام گذاری شده است. در مورد خاستگاه آن اطلاعات کمی موجود است ولی از سال 1506 میلادی مدارکی مبنی بر نوع متفاوت اسب سافولک وجود داد. نژاد سافوک به عنوان اسب کاری پرورش یافت و بار شانه های بسیار قوی و اندام های حرکتی مناسب خود، برای خاک های رسی و بسیار سنگین

1- Suffolk or Suffolk Punch

2- EastAnglian

آنجلیای شرقی¹ بسیار مناسب است. این نژاد، منحصر به فرد است و متشاء آن به نریانی به نام کریسپ² از یوفورد³ بر می گردد که در سال 1760 میلادی گُره ای به دنیا آورد. این اسب، نژادی خالص است زیرا همه‌ی اسب های سافولک به رنگ شاه بلوطی بوده و بدن سنگین آن ها روی اندام های حرکتی نسبتاً کوتاهی قرار دارد.

این اسب علی رغم درشت جثه بودن، اقتصادی محسوب می شود چون با خوراک نسبتاً کمی رشد و کار می کند. دارای بلوغ زود رس است، مادریان ها معمولاً زودتر گُره زایی کرده و اغلب حدود 30 سال عمر می کنند. در دو سالگی می تواند کار های سبک و در سه سالگی کار های سنگین را انجام دهد. خلق و خوی آرامی دارد و به سبب استحکام و عمر طولانی شهرت یافته است. این خصوصیات، اسب سافولک را به یکی از محبوب ترین اسب های کشاورزی و کاری تمام دوران تبدیل کرده و تعجب آور نیست که شهرت آن به خارج از مرز ها هم کشیده باشد. سال های متمادی این اسب ها در ایالات متحده وجود داشته اند و تعدادی از اسب های این نژاد برای تولید اسب های نظامی به استرالیا، آفریقا، روسیه و پاکستان صادر شده اند. اسب سافولک نیز مانند اسب شایر با وجود مکانیزه شدن کشاورزی، به بقای خود ادامه داد و هنوز هم گاهی برای کار در مزرعه، کشیدن گاری و نمایش ها، به خصوص در شرق انگلستان استفاده می شود.

نژاد ترکمن



1- East Anglia

2- Crisp

3- Ufford

تاریخچه

از قدیمی ترین آثار بجا مانده از اسب ترکمن¹ می توان تصویر یک اسب ترکمن متعلق به پنج هزار سال پیش را بیان کرد که در یکی از غار های ایران یافت شده و هم اکنون به عنوان نشان انجمن ملی اسب ایران ثبت شده است. اجداد اسب های ترکمن ابتدا در اصطبل های سلطنتی قوم ماد پرورش می یافته، ولی بعداً به نسای خراسان نیز گسترش یافتند. به سبب بی نظیر بودن اسب های ترکمن در سرعت، استقامت و شجاعت، از آن ها در غارت ها و جنگ و گریزها استفاده می شد. بنابراین استفاده ی هر چه بیشتر و بهتر از اندام های دفاعی اسب و یکه شناس شدن اسب نسبت به صاحب خود، در اصلاح نژاد مد نظر بوده، به طوری که این اسب ها در جنگ ها همانند سواران خود می جنگیدند و دشمن را با ضربه های لگد و همچنین دندان های قوی از پا در می آوردند. اسب ترکمن در جنگ و گریزها، موقعیت های اضطراری را درک کرده و در شرایط جنگی بسیار سخت، ابتکار عمل داشته و سوار خود را از بروز خطر آگاه می کرده، یا همپای سوار خود ضربت تیر و شمشیر دشمنان را به جان می خریده و سوار مجروح و بیهوش خود را از دست دشمن نجات می داده و به سوی لشکر خودی می رسانده است.

بقایای اسب های ترکمن به چهار صد سال قبل از میلاد به مدفن کشته شدگان سکائی ها بر می گردد، که همانند اسب های دهنده امروزی ایران، با جل و نمذ پوشانده می شدند و عقیده بر آن بود که اسب ها پس از مرگ، همراه خادمین خود به آسمان ها خواهند رفت، بنابراین اسب های ترکمن همراه با صاحبان و خدمت گزاران خود دفن می شدند.

در افسانه های چینی این اسب به عنوان مرکب بهشتی و نیز به عنوان اسبی شناخته شده که خون عرق می کند و از آمیزش اسب های تنومند آسمانی و افسانه ای به نام های فرغانا و باکتريا به وجود آمده که به نام های باختریان و تورانیان نیز معروف هستند و توسط رهبران بزرگی چون داریوش و اسکندر استفاده شده است. در سپاه داریوش هخامنشی سی هزار رأس اسب ترکمن وجود داشته که پیروزی های لشکریان داریوش مدیون تلاش این اسب های گران بها بوده است.

ارتی بیوس یکی از سرداران داریوش هنگام ورود به قبرس سوار بر اسبی بود که همانند مرد جنگی در پیکار شرکت می کرد، از زمین بلند می شد و با اندام های حرکتی و دندان،

1- Torkaman

مردان مسلح را از پا در می آورد. انسیلوس که از این اسب بیمناک بود، از میر آخور یعنی مسئول امور اسب های خود پرسید چه باید کرد، آیا باید سوار را بکشند یا اسب را؟ فتح الفتوحات جنگاوران اشکانی، تا حد زیادی به سبب همین اسب های ترکمنی بوده است. نسا در هجده کیلومتری غرب اشک آباد کنونی اولین پایتخت اشکانیان بود. احتمالاً این نواحی تا حوالی قوچان و بجنورد نیز منطقه‌ی نسایی بوده و چمن زار های غنی و اسب های فراوانی داشته است، چنان که اسب های خراسانی و ترکمنی را از بقایای اسب های اشکانی یا پارتی می دانند. اسب محبوب امپراطوران سلسله‌ی هان در چین اسب های لاغر اندام و کشیده ی ترکمن بوده و آن ها را اسب های آسمانی می نامیدند. به همین دلیل لشکریان خود را برای گرفتن این اسب ها نزد خوانین ترکمن می فرستادند تا با خواهش این اسب ها را به امانت بگیرند یا از آن ها خریداری کنند و اگر میسر نبود به سرقت می بردند. یکی از مراکز اسب های اشکانی ناحیه فرغانه و خُجَند بوده است.

در قرون چهاردهم اسب های فارس، بخارایی و ترکمنی به طور پراکنده در اصطبل های روسیه‌ی تزاری مورد استفاده قرار می گرفتند و هم اکنون نیز اسب های ترکمن در ترکمنستان، جنوب قزاقستان و شمال قفقاز یافت می شوند. ترکمن ها بر حسب شرایط منطقه ای و جغرافیائی به سه طایفه‌ی اصلی به نام های گوگلان، یموت و تکه ها تقسیم گشته اند که هر یک دارای زیر شاخه هایی می باشند. نام گذاری تیره های اسب های ترکمن نیز بر اساس طوائف بوده است. تیمور لنگ شخصاً سوار کاری چابک و ماهر بود و همیشه از داشتن اسب های گران بهای گوگلانی و جرجانی (گرگانی) به خود می بالید.

شاردن در سیاحت نامه‌ی خود می گوید: اسب ایرانی بهترین و زیباترین اسب مشرق زمین بوده و از نظر قد، بلند تر از اسب های سواری انگلیسی است. در فرس نامه هاشمی آمده است که برای تشکیل نژاد اصیل که فعلاً از معروف ترین اسب های دنیا می باشند، از سال 1620 تا 1750 میلادی بهترین اسب های سیلیمی از ایران، مخصوصاً از دشت گرگان و چناران خراسان خریداری شده و برای بهای آن ها نیز اعتبار نامحدودی در دست خریداران بوده است. محل پرورش اسب های ترکمنی که یکی از نژاد های معروف جهان است ترکستان روس و ترکمن صحرای ایران می باشد. اسب سیلیمی ترکمن آتی که در سال 1784 میلادی متولد شد و در طی سال های 1791 تا 1805 میلادی در آلمان می زیست، بسیاری از مادبان های تراکنر را بارور کرد، ولی در سال 1806 میلادی ژنرال هیلر فرانسوی آن را ربود و به فرانسه برد. از مهم ترین خصوصیات اسب ترکمن مقاومت به

راه پیمایی های طولانی، تحمل گرما و حرکت بسیار سریع و تند است که طی تاریخ چند هزار ساله خود از لحاظ چابکی و استقامت مورد تحسین ترکمن ها بوده است. امروزه نژاد آخال تکه به عنوان الگوی اسب های تیپ III پرورش اسب است. اسب های این گروه دارای ارتفاعی حدود 150 تا 160 سانتی متر با بدن طویل و باریک، گوش های دراز و گردن طویل می باشند. اسب عرب مخصوص مسابقه ی موناقی شباهت زیادی با اسب آخال تکه دارد.

یقیناً اسب ترکمن در به وجود آمدن نژاد ترابرد نقش داشته است. مسلم است که حدود 300 سال پیش نژاد ترابرد از چند اسب معروف دنیا به وجود آمده که یکی از آن ها اسبی به نام بارلی ترک می باشد و شکی نیست که یک اسب ترکمن است. اسب دیگر به نام دارلی عربین می باشد که از اسب های عرب نا موفق بوده و از خون آخال تکه پدید آمده است. مسابقات اسب دوانی ترکمن صحرا تا اواخر دوران فعالیت انجمن سلطنتی اسب، اغلب با اسب های ترکمن انجام می شد ولی با وارد شدن اسب های ترابرد برای مسابقات اسب دوانی ایران و متعاقب آن تحولات انقلاب و جنگ تحمیلی، اسب های ترکمن رو به انقراض رفتند. اسب های ترابرد به منظور مسابقه برای مسافت های کوتاه اصلاح نژاد شده اند و قادر هستند مسافت های کوتاه را با سرعت های بسیار زیاد طی کنند، ولی اسب های ترکمن برای مسابقات با مسافت های طولانی اصلاح نژاد شده اند، بنابراین از زمانی که مسابقات اسب دوانی ایران فقط در مسافت های کوتاه برگزار می شود، اکثراً اسب های ترابرد پیروز می شوند. ترکمن ها که از ورزش های سوارکاری فقط اسب دوانی را می دانستند، برای بالا بردن سرعت اسب های خود از سیلیمی های خارجی در بارور کردن مادیان های خود استفاده کردند. بنابراین بهترین سیلیمی های ترکمن در شهرها و روستاهای ترکمن صحرا زیر ارابه ها و در زمین های کشاورزی به شخم زمین ها و کار در مزرعه مشغول شدند. در نتیجه از سال 1357 به بعد اسب ترکمن خالص متولد نشد، مگر در روستاهایی که به اسب های خارجی دسترسی نداشتند یا گله هایی که بی سرپرست در کوه ها و دشت ها سرگردان شدند. از شروع اصلاح نژاد اسب های خارجی در اروپا بیش از چند سده نمی گذرد و از آنجایی که آن ها اسب های خود را فقط برای یک منظور خاص، به عنوان مثال در مورد ترابرد سرعت بالاتر، اصلاح کرده و سایر عوامل را کمتر در نظر گرفته اند، بنابر این امروزه اسب های با سرعت های بالا ولی بسیار حساس، ظریف و تخصصی تولید شده اند که برای نگه داری آن ها نیاز به هزینه های بالا، استفاده از متخصصین با تجربه و تجهیزات مدرن

است. اسب های تروبرد فقط برای مسابقات اسب دوانی کارایی دارند و در دیگر رشته های ورزشی موفق نمی باشند. این ها اسب هایی با بلوغ زود رس، عمر مفید بسیار کم و درصد باروری کم هستند. متأسفانه از چند دهه قبل، سرعت اسب های تروبرد رو به کاهش نهاد و این معضل ذهن تمام دانشمندان علوم اسب و اسب داری را به خود مشغول کرده است.

نژاد تِنِسی واکینگ هورس



منشاء اسب نژاد تِنِسی واکینگ هورس¹ به اسب ناراگانسِت پیسر² بر می گردد و مانند اسب های سَدیل برد و میسوری فوکس تروتتر به عنوان اسب سوار کاری پرورش یافته است. طرز گام برداری این اسب ها در نژاد های دیگر دیده نمی شود. این اسب که در اصل به نام پلنتیشن واکینگ هورس³ جنوبی یا تِنِسی تروتتر مشهور بود، بسیار ارزشمند برای حمل و نقل کشاورزانی بود که بازدید از مزرعه را انجام می دادند. این اسب در حالت استفاده از زین، اسبی راحت، سریع و قدرتمند است و خلق خوی رام و مطیعی دارد.

1- Tennessee Walking Horse
3- Plantation Walking Horse

2- Narragansett Pacer

اسب نر پایه برای این نژاد، اسبی به نام اسب بلک آلان¹ بود که در سال 1903 وارد تِنِسی شد. پدر بلک آلان از یورتمه رو های سَدِل بِرِد و مادر آن یک مورگان بود. بلک آلان یورغه رو با یورتمه رو های تِنِسی یا اسب تِنِسی پیسِر² آمیزش داده شده تا پیشگامان واکینگ هورس امروزی را به وجود آورد. در سال 1914 آمیزش این اسب با نژاد سَدِل بِرِد باعث شد تا پرورش دهندگان در تولید خصوصیات بهتر و خالص تر موفق شوند. اسب های واکینگ هورس امروزی، که به عنوان نوع نسبتاً قوی تر سَدِل بِرِد توصیف می شود، ترکیبی از نژاد های تروبرد، مورگان، سَدِل بِرِد و استاندارد بِرِد می باشد. انجمن پرورش دهندگان اسب واکینگ تِنِسی در سال 1935 در لوینبرگ و تِنِسی تشکیل شد و در نهایت در سال 1947 واکینگ به عنوان نژاد شناخته شد.

اسب های واکینگ، اسب های سوار کاری و دارای استعداد های گوناگونی هستند. خلق و خوی مهربان، آن ها را برای سوار کاران تازه کار مناسب می کند. همچنین این اسب ها در میدان نمایش معروف هستند.

نژاد تروبرد



1- Black Allan

2- Tennessee pacers

زندگی انسان بیش از 4000 سال است که به طور خاص با اسب پیوند خورده و در این مدت هیچ اسبی مانند اسب تروبرد¹ وجود نداشته است. اسب تروبرد، علاوه بر این که یکی از اسب های ممتاز مسابقه ای در جهان می باشد، نقش مهمی در اصلاح نژاد های مختلف اسب و پونی های قدیمی و ایجاد نژاد های جدید ایفا کرده است.

هنری هشتم در طول قرن شانزدهم یعنی زمانی که میدان مشهور سوار کاری سلطنتی رویال پادوکس² را در دربار همپتون³ بنا کرد، برنامه هایی را برای آمیزش این اسب ها اجرا کرد. دختر وی یعنی الیزابت اول نیز در استافورد شایر مرکز پرورش اسب دیگری را پایه گذاری کرد. هر دو پادشاه اسب هایی را از اسپانیا و ایتالیا وارد کردند تا با گله ی بومی آمیزش کنند. در زمان پادشاهان بعدی مانند جیمز اول، چارلز اول و چارلز دوم، پرورش اسب و مسابقات، جان تازه ای گرفت. تا این که در ابتدای قرن هفدهم در نیو مارکت چیتز، وانکاستر و لینکن مسابقه های منظمی برگزار شد. بسیاری از اشراف زادگان اسب ها را برای مسابقه پرورش می دادند و برای یافتن اسب های خوب کارگزارانی به کشور های دیگر می فرستادند. اسناد تاریخی به صورت مکرر به اسب های نژاد بارب، عربی، هابی و گالووی⁴ اشاره دارند. هابی ایرلندی⁵ و گالووی اسکاتلندی، اسب های دوندی معروف در آن زمان بودند و اسب تروبرد را پایه گذاری کردند. منشاء نژاد تروبرد و آمیزش های انجام گرفته هنوز به طور دقیق مشخص نشده است. دلیل این امر تغییر نام اسب ها به سبب تغییر مالکیت آن ها بوده و واژه های عربی، بارب و ترک⁶ مکرر و به طور نا درستی استفاده شده اند. ولی نکته ی مسلم این است که در طول ربع آخر قرن هفدهم و ربع اول قرن هجدهم، انگلیسی ها یا کارگزاران آن ها تعدادی نریان شرقی خریداری کرده و آن ها را با مادیان هیبرید انگلیسی آمیزش دادند و اسب های مسابقه ای بزرگی را به وجود آوردند. یقیناً اسب ترکمن در ایجاد نژاد تروبرد نقش مهمی داشته است. آنچه مسلم است نژاد تروبرد از چند اسب معروف دنیا به وجود آمده (حدود 30 سال پیش) که یکی از آن ها اسبی به نام بارلی ترک⁷ می باشد و شکی وجود ندارد که یک اسب ترکمن است. نریان دیگر، دارلی عربیین⁸ می باشد که از اسب های عرب نا موفق بوده و در اثر آمیزش با اسب آخال تکه پدید آمده است و دیگری

1- Thoroughbred

2- Royal Paddocks

3- Hampton

4- Galloway

5- Irish Hobby

6- Turk

7- Byerley Turk

8- Darley Arabian



اسب گُدولفین عربی¹ بود که به عنوان پدران پایه گذار اسب تروبرد شناخته شده‌اند. در کتاب افسانه‌ی سلطان باد که داستان به وجود آمدن اولین اسب تروبرد را ذکر می‌کند، آمده است که یک مادبان سفید ترکمنی به نام رکسانا (سفید رنگ) از ایران، مادر اولین تروبرد بوده است. اصولاً در آن زمان هر اسبی با منشاء شرقی را عرب می‌نامیدند، لذا در تاریخچه‌ی اسب‌های تروبرد از اسب‌های عربی یاد شده که در اصل اسب‌های شرقی بخصوص اسب‌های ترکمنی بوده‌اند. در پنجم آوریل 1764

میلادی در حالی که خسوف در آسمان انگلستان مشاهده می‌شد در اصطبل لُرد کمبرلاند (عمومی ژرژ چهارم پادشاه انگلیس به نام اسپتلیا) از یک اسب ترکمن، کره ای متولد شد که آن را کلیپس (خسوف) نامیدند. از روزی که کلیپس وارد میادین مسابقه‌ی انگلستان شد تمام جوایز بزرگ کورس و داری‌های مهم لندن را کسب کرد و بیش از پانزده میلیون پوند جایزه برد. این رکورد تا کنون تکرار نشده است. این امر به حدی ترس و وحشت بین سوارکاران انگلیس ایجاد نموده بود که بیشتر سوارکاران از شغل خود و تربیت اسب دست کشیدند.

آخرین نبرد این اسب چهارم اکتبر 1770 میلادی بود. در این روز که یکی از معروف‌ترین روزهای اسب دوانی کشور انگلستان بود، رقبای کلیپس تا حدی وحشت زده بودند که هیچ کدام در مسابقه حاضر نشدند و کلیپس به تنهایی دور میدان دویده و برنده‌ی جایزه شد. از آن پس این اسب را در مسابقات شرکت ندادند و تنها در امر تولید مثل از آن استفاده کردند. پرورش دهندگان آن زمان حاضر بودند برای هر بار تلقیح با کلیپس، صد لیره‌ی انگلیس پرداخت نمایند. به طور کل 420 رأس کره از این اسب به وجود آمد و به این ترتیب، کلیپس به عنوان یکی از اجداد اسب‌های دونده‌ی کنونی در دنیا گردید.

1- Arabian Godolphin

یک اسب در صورتی جزء نژاد ترابرد طبقه بندی می شود که هر دو والد آن در دفتر انساب نژاد ترابرد ثبت شده باشند. این اسب، بسیار قوی، هوشیار و شجاع است و از آن در موارد مختلف مانند مسابقات اسب سواری، شکار و مسابقات سه روزه استفاده می شود.

نژاد تراکنر



در بین اسب های خون گرم، اسب نژاد تراکنر¹ در ظاهر خیلی شبیه به اسب ترابرد است. پرورش هدفمند این اسب جذاب برای سوار کاری ابتدا در سال 1732 میلادی، زمانی که فردریک ویلهلم اول مرکز پرورش اسب رویال تراکنر² را در منطقه ی پروسیای شرقی³ امروزی (بخشی از لهستان امروزی) تاسیس کرد، شروع شد. تعداد زیادی از اسب های عرب و ترابرد

1- Trakehner

2- Royal Trakehner

3- East Prussia

برای اصلاح اسب های محلی استفاده شدند. این اسب از نوادگان اسب پر طاقت و کوچک نژاد اسویکن¹ است که برای شوالیه های تئوتونیک² شناخته شده بودند (شوالیه هایی که در طول اوایل قرن سیزدهم این منطقه را استعمار کرده بودند). اسب اسویکن نواده ی کونیک پونی³ بود و منشاء آن به اسب تارپان اولیه بر می گردد.

در پایان قرن هجدهم تلاش زیادی برای اصلاح اسب تراکیز یا پروسین شرقی مشهور انجام گرفت. این اقدام در مرکز پرورش اسب سلطنتی، باعث پیشرفت ناگهانی اسب تراکیز شد. این اسب به عنوان اسب کاری و بعد به عنوان اسب مناسب برای ارتش خیلی زود مورد توجه قرار گرفت.

اسب تراکیز که به دلیل خصوصیات ویژه ی خود یعنی ظرافت و طاقت زیاد مشهور است، حدود دو قرن یعنی تا زمان جنگ جهانی دوم بسیار پر طرفدار بود. در طول پاییز و زمستان سال 1944 میلادی، برای جلوگیری از افتادن آن ها به دست لشکریان روسی در حال یورش به این منطقه، اسب های این نژاد در بیابان رها شدند و در نتیجه تعداد آن ها به شدت کاهش یافت. پیش از رها شدن این اسب ها، 25000 راس اسب در دفتر انساب پرورش اسب پروس شرقی ثبت شده بود. تنها حدود 1200 راس اسب به غرب رفتند و بسیاری از آن ها نتوانستند شرایط اقتصادی بسیار بد آلمان پس از جنگ را تحمل کنند.

به طور باور نکردنی، به علت تلاش های فداکارانه ی پرورش دهندگان در حفظ دفتر انساب اسب های تراکیز، این نژاد اسب از بین نرفت. اسب های باقی مانده دوباره ردیابی و در آلمان غربی ثبت شدند، و به محض از سرگیری تولید مثل و افزایش تعداد آن ها، این اسب ها جایگاه ویژه ای بین اسب های امروزی پیدا کردند. این اسب به خاطر اسکلت بندی مناسب، عملکرد قابل قبول، خلق و خوی خوب و مقاومت زیاد، هم به عنوان اسب مسابقه و هم اصلاح کننده ی اسب های خون گرم دیگر طرفدار دارد.

پونی ولش مانتین⁴

مناطق صخره ای ولش، زادگاه چهار نژاد اسب متمایز است، دو پونی که در کتاب اسامی اسب های تخمی، پونی های ولش به نام های گروه A و B، و دو پونی پا کوتاه به نام های گروه C و D می باشند.

1- Schweiken

2- Teutonic

3- Konik Pony

4- Welsh Mountain



اساس اصلاح نژاد و پرورش ولش، پونی زیبای ولش مانتین گروه A است که در محیط نا مساعد سرزمین بومی خود قرن ها رشد کرده و بسیاری از افراد آن را زیباترین پونی می دانند. پیشینه‌ی رشد و پرورش این نژاد نامعلوم است، ولی حداقل به زمان رومی ها (کسانی که اسب های مناطق شرقی را با اسب های اولیه‌ی بومی ولش آمیزش دادند) بر می گردد. در روزگاران اخیر، به خصوص در قرن هجدهم، برای اصلاح این پونی از اسب های ترابرد، عرب و بارب استفاده شده است.

پونی امروزی ولش مانتین، شجاع، پُر انرژی، سازگار و اسب سواری درجه‌ی یک برای کودکان بوده و در ورزش محبوب گاری و کالسکه رانی نیز بسیار چشمگیر است. این پونی به عنوان نژادی بسیار پُر طاقت تکامل یافته که قادر به تحمل شرایط جوی نا مساعد و زندگی با جیره‌ی خوراک کم می باشد. از آن برای اصلاح نژاد های دیگر مانند نیو فارست و در پرورش پونی بریتیش رای‌دینگ¹ استفاده شده است. پونی ولش مانتین در بسیاری از کشور ها محبوبیت دارد و به اروپا، ایالات متحده، نیوزیلند و استرالیا صادر شده است.

پونی ولش کاب



پونی ولش کاب¹ (که در گروه D در کتاب اصلاح نژاد اسب های پا کوتاه، پونی ویلز نامیده شده است) از پونی ولش مانترین منشاء گرفته و در اصل نوع بزرگ تری از آن می باشد. این پونی به قرن دوازدهم، یعنی زمان آورده شدن اسب های نوع شرقی توسط جنگجویان صلیبی و آمیزش با پونی های محلی، بر می گردد. سپس این اسب با اسب های یورک شایر کوچک، نورفولک روداستار و عرب آمیزش داده شده است.

با وجود این که این پونی قوی، محکم، پُر انرژی و شجاع است، خلق و خویی رام و مطیع دارد. به طور سنتی برای تمام کار های سخت در مزارع تپه ای، سوار کاری با زین و مالبندی استفاده شده است، و بخش جدایی ناپذیر زندگی مردان ولز را تشکیل می داد. در گذشته در ارتش به خصوص برای کشیدن سلاح ها و دیگر تجهیزات سنگین نظامی بسیار مورد نیاز بود و همچنین در پیاده نظام هم استفاده می شد. این نژاد پونی که گام هایی فعال، قدرت تحمل زیاد و بنیه ای قوی دارد، بیشتر از همه به خاطر عملکرد جالب توجه و دیدنی یورتمه رفتن (که بدون شک آن را از اسب نورفولک روداستار به ارث برده) شهرت دارد. در واقع تا سال 1918 میلادی، زمانی که ارائه ی گواهی به نریان آغاز شد، نوع اولیه ی آمیزش به وسیله ی

1- Welsh Cob

مسابقات یورتمه انتخاب شدند. امروزه این نژاد موفقیت قابل توجهی در ورزش گاری و کالسکه رانی دارد.

پونی ولش کاب در میان گونه های مورلند و مانترین انگلستان منحصر به فرد است. با وجود این که هیچ محدودیتی از نظر بلندی قد ندارد، اندازه ی آن هر چه قدر هم باشد خصوصیات پونی واقعی را حفظ می کند. ویژگی سر آن گواهی بر این است که پونی های ولش مانترین اجداد این پونی هستند. پونی ولش کاب هنگام آمیزش با اسب تروبرد (به خصوص در آمیزش دوم) اسب های مسابقه ای ممتازی ایجاد می کند و امروزه هم بسیار مورد نیاز است.